

On The Primary Set of Quran and Similarities Program

Iman mosleh

Abstract

In this paper i show the primary set of Quran (and also Evangel) which is one of the most important programs we need to follow to establish a letter system for Quran and also show some similarities of Quran sentences on similarities program that we defined in God Words Good Understanding via Letter Theory article. The second program is one of the widest programs of letter theory. The article and the program have some important and amazing outputs like "name of Imam Ali and the prophet daughter and their marriage in Quran and their children (Alraad 29). The article is one of the evidences that we can use to show that letter theory exists because these similarities better show us self similarity of Quran that is necessary for having a letter system which we introduced in Letter Theory article. Also the article shows that we have a long road to understand what god tries to tell us and most of receptions that traditional islamic scholars (versus letter theory view) have about Quran are false and this wide program together other programs we defined should be followed to understand what god has said.

We have also a simple pre-proof which shows that everything exists in Quran (by self-similarity of Quran and the universe).

In persian.

مقدمه:

این مقاله در مورد برنامه فرم کلی قرآن که قرآن خود را از روی آن بسط می دهد و برنامه متشابهات که پیش تر در مقاله حسن فهم سخن خدا و نظریه حروف آورده ایم است و بهتر است خواننده قبلا آن مقاله ها را خوانده باشد؛ در اینجا ما اشاره به معناهایی می کنیم که برای خواننده غیر دانا به روش سخن گفتن خدا در کتب آسمانی غریب است و می تواند این مقاله را کاملا برای یک غیر آشنا به فن سخن گفتن خدا و نظریه حروف بی منظور و بی معنی جلوه دهد. این مقاله از شواهد نظریه حروف است که پیش تر در مقاله نظریه حروف آورده شد. همچنین این برنامه ها موید این سخن ائمه است که همه چیز در قرآن هست زیرا اگر بپذیریم جهان و قرآن دو پدیده ی متشابه با هم و خود متشابهند آنگاه می توان فهمید که هرچیزی در قرآن آورده شده است و با شناخت فرم کلی و فرم بسط آن، درستی سخن ائمه مشخص می شود. چنانچه داریم: بحارالانوار مجلد ۶۵، صفحه ۲۳۷

وَرَوَى الْعِيَّاشِيُّ [۳] عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: نَحْنُ وَاللَّهِ نَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي النَّارِ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ.

وَعَنْهُ ع أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ شَيْئًا يَخْتِاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ.

پایه ی کار در برنامه متشابهات این مقاله آن است که لغتی که برای دو واژه استعمال شود آن دو را متشابه اعلام می کند و

این نکته از خودآموز قرآن است که قبلا در مقاله حسن فهم خدا داشته ایم همچنین راه های دیگری برای این کار وجود دارد.

در برنامه فرم کلی قرآن:

نعمت ها با دعا در دنیا به انسان داده می شود و بعد خدا از انسان می خواهد آن ها را به سائل و یتیم دهد تا در آخرت بهترش را پس بگیرد اما انسان کفور است و آن را از خودش یا شریکان خدا می داند پس از دریافت آن و انفاق نمی کند و آنچه بعدا می آید همیشه از حال بزرگتر است و بسط یافته است این مسئله متشابه با آن است که تخم کاشته می شود و بزرگ می شود همچنین این همان کاشت فرزند در زن است که در قرآن به منزله کشت مرد است و همچنین به منزله کشت قرآن در امام توسط نبی که فرزندش مومنان می شوند و سخن همان تخم است و بعد گفته شده تخم در نبی نکارید این به منزله لواط است زیرا نبی است که باید در دیگران سخن بکارد زیرا سخن خدا با اوست این ها همان یخرج الحی من المیت و المیت من الحی است و یولج النهار فی الیل و الیل فی النهار است که یعنی می کشد و دوباره زنده اش می کند و نعمت ها را همین گونه می کند این همان چرخه خود متشابهی است و اثبات قیامت هم در همین جاست اگر ندهد نعمت او با پایان دنیا تمام می شود و این متشابه با عذاب است چنانچه اصحاب باغ در سوره قلم این رفتار نابودی باغ را خدا برایشان عذاب تعریف کرده و در آخرت چیزی نخواهند داشت آنان که نعمت را در دنیا صرف آخرت نکردند این همان نسبی بودن بدی نسبت به خوبی است و آنکه بدی همان نبود خوبی است که در سوره شمس آمده است

زمین مضطر و بدون گیاه می شود و این همان کافر شدن به تمام خدایان است و بعد باران که سخن خداست بر او می بارد و سبز می شود اما هنگامی که گیاهش را بیرون داد گیاهان هرز که معبودان باطل هستند نیز در آن می روید و این همان تم اذا خوله نعمه منه نسی ما کان یدعوا من قبل است برای همین کسی که تخمی می کارد باید عمیق بکارد تا علف های هرزی که پدید می آید آن را خفه نکند زیرا خواه ناخواه این اتفاق خواهد افتاد علف هرز و تخم خردل نسبی اند هر دو خو بند اما در برابر تخم خردل علف هرز را بدی گویند زیرا در قرآن بدی نبود خوبی است و تاریکی نبود نور است بنابراین خوب در برابر خوبتر بد خوانده می شود و خف میزان در برابر ثقل میزان جهنم خوانده می شود اما گیاهی که تخمش عمیق کاشته شود بزرگتر می شود و این گیاه فقط بعد از خشکی زیاد زمین پدید می آید لاتسئلوا ان اشیا ان تبد لکم تسوکم و درخت دانش هر دو دانش هرزه اند که از دانش خردل باز می دارند مانند آنچه آدم خورد و به جای دانش او را به عورت دانش داد و حواس او را از دانش اصلی پرت کرد. هرچه بیشتر دانستنی هرزه ببینید کمتر دانش درست درک می کنید

روی زمین اینگونه است. زمین همان امام است و تخم سخن خدا و نبی است و گیاه مومنان زمین خبیث ائمه گمراه کننده و لهو حدیث سخن شیطان و تخم علف هرز

در اینجا فرم کلی خود بسط یافته از فرمی دیگر است و فرم کلی یک پیوستار است که تمام قرآن را ظاهرا شامل می شود و بعد می توان آن را به بخش هایی کوچکتر تقسیم کرد که آن بخش ها با هم متشابه باشند

کشاورز و زمین خودشان رابطه ای دارند که زمین و گیاه دارند و زمین تابع کشاورز و گیاه تابع زمین است. بنابراین فرم کلی خود نیز بسط یافته از فرم های کلی تر است. و علف هرز در مقابل درخت خردل مثل زمین خبیث در برابر زمین طیب است. (این جمله ذیل برنامه شیوه بسط فرم کلی آورده شد)

فرم کلی انجیل:

اگر تخمی را می کاری عمیق بکار و فقط همان را بکار و به تخم های دیگر نپرداز. این همان حدیث خدا و لهو حدیث است که در قرآن هم هست و انجیل از بسط آن است. بعد می گوید اگر به کسی غیر از خدا ایمان داری مانند علف هرزی است که باعث عدم ایمان تو به خدا می شود. اگر ایمان داسته باشی موفق می شوی و ایمان نخواهی داشت الا وقتی که به همه

چیزهای دیگر بی ایمان باشی. مانند پرنده ها زندگی کردن و فکر آب و غذا نبودن و گنجی که کسی پیدا می کند و همه چیزش را می فروشد تا زمینش را بخرد و آن را استخراج کند بسط همین لهو حدیث و سخن خداست.

در برنامه متشابهات:

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

منحصراً فرمانروای روز پاداش و کیفر است. (۴)

فاتحه - 4

قرآن مبین

دارای یوم الدین همان قسمت فرم کلی قرآن است که داریم و لآخره خیر لک من الاولی فسوف یعطیک ربک فترضی و منظور از مالک ظاهراً همین است که فقط خداست که در آخرت نعمت ها در اختیارش است و هرکس در دنیا نعمت هایش را صرف خدا کرده آنجا به او عطا می شود.

سوره الفاتحة

اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ [6] ما را به راه راست هدایت کن: (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

اگر صراط متشابه با سبیل باشد آنگاه باید گفت صراط مستقیم متشابه با امام و قوام در دریافت نعمت و دین داری است و مالک یوم الدین دین منظور نعمت است که حاصل تجارت توسط امام و اجر آن است صراط الذین انعمت علیهم همان سبیل است که امام است و نعمت همان اجر تجارت با امام و مغضوب علیهم کسانی اند احتمالاً که امام اشتباه گرفته اند و بارشان به مقصد نمی رسد و تخمی که کاشته اند سبز نمی شود.

مراجعه شود به بیست و هشت تکویر

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر نشان دادن شایستگی] نعمت [ایمان و عمل خالص و اخلاق حسنه به آنان] عطا کردی، آن [انسان های والائی] که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اید. (۷)

فاتحه - 7

قرآن مبین

مغضوب همان کسی است که نعمت را خدا به او داده اما او به سائل و یتیم نمی دهد زیرا مغضوب یونس است و در سوره قلم یونس و اصحاب باغ متشابهند و اصحاب باغ کسانی بودند که نعمت را به دیگران ندادند و این آیه یعنی به ما نعمت بده و کاری کن که نعمت را به دیگران نیز بدهیم تا مغضوب تو نباشیم

سوره البقرة

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ [2] این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست. پرهیزگاران را راهنماست: (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

لا ريب فيه متشابه با آن است که این کتاب محکم است و از جانب خداست چنانچه در آیه ی بیست و سه داریم
وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

سوره البقرة

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ [3] آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز می گزارند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند، (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

الذین یومنون بالغیب ظاهرا منظور کاشت در تاریکی ها و غیب زمین است زیرا زمین متشابه با ارض و بیت خداست و ایمان به آن همان کاشتن در آن است که متشابه با دادن نعمت به امام است

سوره البقرة

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ [13] و چون به آنان

گفته شود که شما نیز همانند دیگر مردمان ایمان بیاورید، می گویند: آیا ما نیز همانند بیخردان ایمان بیاوریم؟ آگاه باشید، که آنان خود بیخردانند و نمی مانند. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

ایمان آوردن مردم به این صورت است که داریم ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنوا
سوره البقرة

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ [15] خداست که آنها را استهزا می کند و وامی گذاردشان تا همچنان در طغیان خویش سرگردان بمانند. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

مدد با متشابهات انجام می شود چنانچه داریم و امددناکم باموال و بنین (انما اموالکم و اولادکم فتنه (متشابه)) و طغیان همان عدم پیروی از محکماتی است که امام می گوید. که آیه متشابه با آن است که خدا با دادن نعمت های دنیوی آن ها را از نعمتهای اخروی غافل می کند. و متشابه با خدعه ی خداست که در آیات قبل آمد و در آیه ی شانزده احزاب آوردیم.
سوره البقرة

أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ [19] یا چون بارانی سخت در ظلمت همراه با رعد و برق از آسمان فرود آید، تا مباد که از بانگ صاعقه بمیرند، انگشتان خویش در گوشها کنند. و خدا بر کافران احاطه دارد. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم فیها رعد و برق و ظلمات برق سخنان محکم ظلمات متشابهات و رعد حمد و استجابت خداست زیرا داریم یسبح الرعد بحمده که احتمالا آیات ایاک نعبد و ... از همین دسته اند و رعد استجابت برق است که محکم است
مراجعه شود به آیه ی بعد

سوره البقرة

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [20] نزدیک باشد که برق دیدگانشان را نابینا سازد، هرگاه که برآمد چند گامی برمی مانند، و چون خاموش شود، از رفتن بازایستند. اگر خدا می خواست، گوشهانشان را کر و چشمانشان را کور می ساخت، که او بر هر

کاری تواناست. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

برق و ظلماتی که در آیه ی قبل آمده ظاهراً متشابه با قرآن و وحی است و باران که بر پیامبر نازل می شود اما محکم و متشابه است و بعضی از آن قوام ندارد و باید در زمین و امام ذخیره شود تا درخت در روزهای بی آبی هم بتواند از آن تغذیه کند اگر نه هر روز باران نمی بارد. و برق فقط برای چند لحظه زمین را روشن می کند و بعد ظلمات همه جا را فرا می گیرد منظور از ظلماتی که درون صیب آسمانی است ظلمات رعد و برق نیست زیرا رعد و برق تاریکی ندارد بلکه منظور متشابهات وحی است

سوره البقرة

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ [23] و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم در تردید هستید، سوره ای همانند آن بیاورید و جز خدای همه حاضران را فراخوانید اگر راست می گویید. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

شهداءکم من دون الله متشابه با شهداءکم من دون ولی الله است که ظاهراً یعنی سوره ای از قرآن بیاورید و شاهد و فهم کننده ای به غیر از رسول خدا بیاورید که اثبات کند منظور خدا چیز دیگری است

مراجعه شود به دو صف

ظاهراً به حضرت محمد در باب تفاسیر او از قرآن ایراد می گرفته اند و آن را از طرف خدا نمی دانسته اند و هرچند به پیامبری حضرت محمد ایمان داشته اند اما نظر او را درست نمی دانسته اند برای همین در آیات دوازده و سیزده چنان داریم.

سوره البقرة

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ [27] کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می بشکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند، زیانکارانند. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از عهد خدا امامت است زیرا بعدش داریم یقطعون ما امر الله ان یوصل به که متشابه با قطع رحم است و رحم همان امام است بنابراین وفای به عهد همان پرداخت به امام است و نقض آن همان قطع رحم (عدم پرداخت به امام) و فساد فی الارض همان جنگ با امام

سوره البقرة

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأُكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَتَحْنُ سَبَّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ [30] و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه ای می آفرینم، گفتند: آیا کسی را می آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می گوییم و تو را تقدیس می کنیم؟ گفت: من آن دامن که شما نمی دانید. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

داستان احتمالی حضرت آدم طبق قرآن و تورات احتمالا به فرار زیر است. خدا تصمیم گرفت درهای آسمان را ببندد و خلیفه ای قرار دهد که هر کس می خواهد سخن او را بشنود به او رجوع کند تا اینگونه اخلاص و عدم تکبر بندگان را بیازماید پس خلق آدم را به فرشته ها معلوم کرد اما آن ها که علم محکم و متشابه نداشتند به او گفتند که این موجود فسادکار است و با تو به جنگ برمی خیزد و خدا گفت من علمی دارم که شما ندارید و از همین رو این فرشته ها هنگام گناه آدم نتوانستند کمکش کنند بعد به آن ها گفت تمام شما بعد از خلق آدم باید به او رجوع کنید تا علم مرا بیاموزید و همه ی فرشته ها قبول کردند و شیطان ابا کرد و گفت من این کار را نخواهم کرد و منظور از سجده آموختن از آدم است و از روی حسد به خدا گفت حال که تو موجودی آفریده ای که می خواهی برای آموزش سخن تو به او رجوع کنم و او را خلیفه ی خود کرده ای من او را گمراه می کنم و از این طریق بر ضد عمل خدا شورید پس خدا آدم را آفرید اما هنوز علم خلافت خود را به او نداده بود و به او گفت درختی است که نباید از آن بخوری و توضیح بیشتری به او نداد و شیطان موقعیت را مناسب دید و به او گفت ای آدم من ناصح توام و سخنم را با دلیل به تو می گویم و معنای قسم خوردن شیطان ارائه ی دلیل به آدم است و آدم دلیل او را بررسی کرد و دید که راست می گوید و اتفاقا راست هم می گفت او به آدم گفت من درختی را به تو معرفی می کنم که تو را از همه چیز آگاه می کند و اگر از آن بخوری بر حکم خدا آگاه می شوی و می توانی او را عبادت بیشتر کنی و به دستوراتش عمل کنی و درخت آگاهی را به او نشان داد و گفت از این درخت بخور تا بفهمی حکم خدا در هر امری چیست و همچنین می فهمی از کدام درخت است که نباید بخوری آدم سخن او را با توجه به قسمی که خورده بود (منظور از قسم خوردن دلیل آوردن است) آزمود و دید راست می گوید و از آن درخت خورد غافل از اینکه درخت ممنوعه همان درخت بود و وقتی خورد آگاه شد و فهمید که شیطان بدون آنکه به او دروغ بگوید او را فریفته پس خدا در اینجا امر خود را آشکار کرد و لقد عهدنا الی آدم من قبل فَنَسِيَ و لم نجد له عزمًا که منظور از عهد سخن خداست بر نخوردن درخت ممنوعه و منظور از عزم صبر است چنانچه داریم فاصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور و خدا او را توبیخ کرد که چرا هنگامی که به تو آیه ای نازل کردم که متشابه بود و بر تو مشتبه بود که منظور من چیست صبر نکردی تا آیه ای دیگر نازل کنم تا منظور خود را مشخص کنم و در فرمان من عجله کردی؟ حضرت آدم از بهشت اخراج شد و از گناه خود توبه کرد و علم خلافت یافت و دری از درهای آسمان بسته شد و برای فهم سخن آسمانی خدا امر شد که به آدم رجوع کنید زیرا او خلیفه ی من شده است. اینگونه شیطان با سخن راست حضرت آدم را فریب داد و خدا با سخن خود بندگان را آزمونش می کند و اشقیبا با عمل به متشابه قرآن به جهنم می روند و هرکس صبر ندارد تا سخن خدا را بفهمد ایمان ندارد. برای همین خدا به پیامبرش فرمود

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

و بعد از عدم صبر آدم و عجله ی او گفت که

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

سوره البقرة

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ [35] و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید. و هر چه خواهید، و هر جا که خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید. و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران درآیید. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

این درخت درخت آگاهی است رجوع شود به تفسیر صد و یک مائده

سوره البقرة

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ [40] ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم به یاد بیاورید. و به عهد من وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم. و از من بترسید. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از عهد امام است چنانچه در آیه ی بیست و هفت داریم ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امرالله ان یوصل به و منظور از وفای به عهد پرداخت به امام است زیرا وفا متشابه با پرداخت است و اوف بعهدکم متشابه با پرداخت امام در آخرت در حرم آمن به ایشان است. منظور آن است که نعمتی را که به شما دادم یاد کنید که من دادم و آن را به خلیفه ام پس دهید تا در آخرت دوباره به شما پس دهم

سوره البقرة

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ [43] و نماز را برپای دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید. (43)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که همراه پیروان حضرت علی و خلائف خدا برای آن ها رکوع کنید و به حرفشان گوش کنید. رجوع شود به آیه ی چهل و هشت مرسلات و در ادامه ی آیه ی چهل و چهارم است که در پیروی از امام آمده

سوره البقرة

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْهَيْبَةِ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ [44] آیا در حالی که کتاب را می خوانید، مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید؟ آیا به عقل در نمی یابید؟ (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

عقل یعنی توان تشخیص محکم از متشابه ظاهرا منظور آن است که محکم آن است که فرد خود به بر باشد و به تبعیت از خود و به تشابه خود (زیرا پیروی کننده نسبت به پیروی شونده مانند متشابه نسبت به محکم است و تابع پیرو متبوع است و برای همین با آن متشابه می شود اما اینان خود بر بر نیستند و می خواهند دیگران را پیرو خود به بر بخوانند پس امری منکر است.) دیگران را هم به بر بخواند . یعنی محکم آن است که خود خوب باشید و متشابه با آن بقیه را هم خوب کنید

سوره البقرة

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ [58] و به یاد آرید آن زمان را که به شما گفتیم: به این قریه درآیید و از نعمتهای آن هر چه و هر جا که خواسته باشید به فراوانی بخورید. ولی سجده کنان از دروازه داخل شوید و بگویید: بار گناه از ما فرو نه. تا خطاهای شما را بیامرزیم و به پاداش نیکوکاران بیفزاییم. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

قریه متشابه با ارض و ولایت خداست که محکم را بیرون می دهد و داخل شدن به در در حال سجده یعنی فرمانبردار امامتان باشید چنانچه در تفسیر لیس البر ان تاتوا البيوت من ظهورها و لكن ان تاتوا البيوت من ابوابها داشتیم (رجوع شود به صد و هشتاد و نه) و سجده همان خواندن خداست که باید به همراه زینت باشد چنانچه در خذوا زینتکم عند کل مسجد گفتیم که متشابه با ادخلوا الباب سجدا است. و وارد شدن از باب همان زینتی است که باید هنگام سجده داشته باشند و باب قرآن و کتب آسمانی حضرت علی و امامانند که محکم آن را می گویند.

سوره البقرة

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [62] کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کاری شایسته کنند، خدا به آنها پاداش نیک می دهد و نه بیمناک می شوند و نه محزون. (62)

قرآن مبین - مبین موبایل

خوف متشابه با عذاب و حزن متشابه با از دست دادن نعمت است و منظور ظاهرا آن است که خدا عذابشان نمی کند و به خاطر نعمت هایی هم که در دنیا در راه خدا صرف کرده اند و از دست داده اند اندوه گین نمی شوند زیرا خدا آن نعمت ها را مضتف در آخرت به آن ها پس می دهد

سوره البقرة

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ [67] و به یاد آرید آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: خدا فرمان می دهد که گاوی را بکشید. گفتند: آیا ما را به ریشخند می گیری؟ گفت: به خدا پناه می برم اگر از نادانان باشم. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

هزو کفر بعد از ایمان است و ظاهرا یعنی آیا بعد از اینکه ما را مومن کردی و از کفر نجات دادی می خواهی از اول به جهل رو بیاوریم؟ و ذبح بقره ظاهرا در نظر آن ها جهل بوده

سوره البقرة

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ [71] گفت: می گوید: از آن گاوان نیست که رام باشد و زمین را شخم زند و کشته را آب دهد. بی هیب است و یکرنگ. گفتند: اکنون حقیقت را گفتی. پس آن را کشتند، هر چند که نزدیک بود که از آن کار سرباز زنند. (71)

قرآن مبین - مبین موبایل

حق در اینجا ظاهراً منظور محکم است چنانچه در آیه ی قبلیش هم داریم تشابه علینا

سوره البقرة

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [75] آیا طمع می دارید که به شما ایمان بیاورند، و حال آنکه گروهی از ایشان کلام خدا را می شنیدند و با آنکه حقیقت آن را می یافتند تحریفش می کردند و از کار خویش آگاه بودند؟ (75)

قرآن مبین - مبین موبایل

عقل متشابه با فهم محکم است و ظاهراً منظور آن است که با آنکه وجه محکم آیات را می فهمیدند آن را تحریف می کردند و وجه متشابه را به جای محکم معرفی می کردند

سوره البقرة

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغَضِهمْ إِلَى بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ [76] و چون با مؤمنان دیدار کنند، گویند: ما هم ایمان آورده ایم. و چون با یکدیگر خلوت کنند، گویند: آیا با آنان از دانشی که خدا به شما ارزانی داشته سخن می گوئید، تا به یاری آن در نزد پروردگارتان بر شما حجت آرند؟ آیا به عقل در نمی یابید؟ (76)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از عند ربکم عند رسول ربکم باید باشد

سوره البقرة

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ [78] برخی از ایشان بیسوادانی هستند که نمی دانند در آن کتاب چیست، جز سخنانی که شنیده اند و می خوانند. اینان تنها پایبند گمان خویشند. (78)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه کنید به هفتاد و پنج آل عمران. امی کسی است که محکم را از متشابه تشخیص نداده و برای همین ظان است و به یقین نرسیده. در ادامه ی چند آیه ی قبل است که بعضی از آن ها محکم را می فهمند و بعضی از آن ها امی اند و محکم را نمی فهمند

سوره البقرة

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ [111] گفتند: جز یهودان و ترسایان کسی به بهشت نمی رود. این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می گوئید حجت خویش بیاورید. (111)

قرآن مبین - مبین موبایل

از اینکه داریم تلک امانیهم یاد این آیه می افیم که داریم

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ [78]

و این که داریم: سوره الحج

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [52]

و متشابه با آن است که نبی ای از انبیا بنی اسرائیل این سخن را گفته باشد که فقط یهود و نصاری به بهشت می روند و سخنی متشابه باشد و خدا وجه غلط آن را نسخ کرده باشد و این امر امانی آن ها یعنی ظن و برداشت غلط آن ها از ظاهر سخن نبی باشد که غلط است و از آن ها خواسته شده تا گواه و برهان برای آن بیاورند که سخن نبی را درست فهمیده اند.

سوره البقرة

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ [121] کسانی که کتابشان داده ایم و آنچنان که سزاوار است آن را می خوانند، مؤمنان به آن هستند، و آنان که به آن ایمان ندارند، زیانکاران هستند. (121)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز ظاهرا در مورد برداشت درست از سخن خداست که داریم حق تلاوته و حق باید متشابه با محکم و منظور اصلی خدا

آمده باشد. برای همین پیروان امامان مومن نامیده شده اند (ازواجه امهاتهم) زیرا امام منظور درست خدا را می گوید و آن ها تلاوتی حق پیدا می کنند پس مومن نامیده می شوند و این آیه با ازواجه امهاتهم در ارتباط است.

سوره البقرة

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ [124] و پروردگار ابراهیم او را به کاری چند بیازمود و ابراهیم آن کارها را به تمامی به انجام رسانید. خدا گفت: من تو را پیشوای مردم گردانیدم. گفت: فرزندانم را هم؟ گفت: پیمان من ستمکاران را در بر نگیرد. (124)

قرآن مبین - مبین موبایل

ابتلا متشابه با فتنه است و فتنه متشابه با متشابهاات که هر کلمه نه متشابه عرضی دارد. ظاهرا برای همین داریم فاتمهن زیرا اتمام با عشر می آید چنانچه داریم فاتمناها بعشر یا داریم فان اتممت عشرا پس این جمله یعنی وقتی کلمات را حضرت ابراهیم دریافت کرد متشابهاات آن را هم پیدا کرد که نه تای آن فتنه و متشابه و یکی محکم بود که منظور خدا بود پس توان فهم منظور محکم خدا و امامت به حضرت ابراهیم رسید. و ظاهرا یعنی خدا کلماتی غیر محکم به حضرت ابراهیم داد که او وجوه متشابه آن ها را پیدا کرد و به امامت رسید.

تم آمدن محکم است که با صبر کردن میسر می شود و آن همان فهم محکم سخن خداست که پس از آن خدا او را امام قرار می دهد تا محکم را به مردم یاد دهد زیرا امام همان تحویل دهنده ی نعمت محکم در آخرت است.

چنانچه در آیه ی بیست و هفت آمد و امامان هم گفته اند عهد خدا امامت است و همچنین سخن خداست که امام توان فهمش را دارد

سوره البقرة

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّىٰ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ [125] و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید. ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم: خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید. (125)

قرآن مبین - مبین موبایل

متوبه همان اجر آخرت است و امن همان حرم امن است که در آن اجر تجارت دریافت می شود و منظور از بیت متشابه با بیت سماوی خداست منظور از بیت دوم خانه کعبه است در زمین زیرا داریم که طاهرش کنید و اگر بیت سماوی خدا بود طاهر بود و نیاز به تطهیر نداشت

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَءَوْفٌ رَحِيمٌ [143] آری چنین است که شما را بهترین امتها گردانیدیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و آن قبله ای را که رو به روی آن می ایستادی دگرگون نکردیم، جز بدان سبب که آنان را که از پیامبر پیروی می کنند از آنان که مخالفت می ورزند بازشناسیم. هر چند که این امر جز بر هدایت یافتگان دشوار می نمود. خدا ایمان شما را تباه نمی کند، او بر مردمان مهربان و بخشاینده است. (143)

قرآن مبین - مبین موبایل

لتكونوا شهدا على الناس ظاهرا متشابه با آن است که مشخص کنید چه کسی تبعیت کننده از رسول است و چه کسی نیست و به قبله ی او راضی نمی شود و ناس در اینجا ظاهرا خاص آمده و متشابهان یهود و ... را در نظر داشته

علت اینکه خدا به جای صلاه ایمان را آورده این است که خدا با زبان خود آنها سخن گفته زیرا نماز به سمت کعبه را از ترس عذاب خدا می ترسیدند ترک کنند و می ترسیدند پیامبر مثلا اشتباه گفته باشد و در ذهن آنها اینگونه صلاه ایمان آورده شده که یعنی امان از عذاب خدا و خدا صلاه را حذف کرده و ایمان را آورده تا سخنش را درک کنند و زبان خود آنها گفته باشد. و از متشابهات طولی استفاده شده. و آن ها نماز برایشان ایمان(ایمنی از آتش جهنم تعریف می شده)

شهادت بر مردم همان دادن سخن نبی به مردم و رسول بر شما شهید است همان دادن سخن نبی به امام است و منظور از امه ائمه است و شهادت متشابه با نطفه و سخن آمده همچنین منظور از ایمان چنانچه حضرت علی می گوید صلوه است چنانچه در اینجا داریم ان کانت لکبیره الا علی ... و در مورد صلوه هم داشته ایم انها لکبیره الا علی ...

وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [148] هر کسی را جانبی است که بدان روی می آورد. پس در نیکی کردن بر یکدیگر سبقت بگیرید. هر جا که باشید خدا شما را حاضر می آورد، که او بر هر کاری تواناست. (148)

قرآن مبین - مبین موبایل

قدر متشابه با تنگی است و آن احتمالا همان تنگ گرفتن خداست به بندگان که باعث می شود به حکم خدا برگردند چنانچه متشابه با عظم است و در رکوع می گوئیم سبحان ربی العظیم که همان تنگ گرفتن خدا و خم شدن کمر است تا جایی که انسان مضطر می شود و مجبور می شود به حکم خدا برگردد.

وَلْيَبْلُوكُمْ بَشِيرٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِيرَ الصَّابِرِينَ [155] البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می آزماییم. و شکیبایان را بشارت ده. (155)

قرآن مبین - مبین موبایل

نقص اموال و انفس ظاهرا در اینجا همان رفتن آنها از دنیا و بعد بازیابی آنها در حرم امن است که به وسیله ی انعام(امام) به آنجا برده شده است برای همین داریم بشر الصابرين که خلاف عجل است و خیر آخرت را طلب می کند(برعکس آیه ی یازده اسری) و منظور از خوف خلاف امن است که همان امان از عذاب است و یعنی شما را به فتنه (متشابهات) هایی مثل عذاب مردم (خوف) و امر جهاد (نقص اموال و انفس) چنانچه در آیه ی قبلش هم در مورد کشته شدن در راه خدا آمده)) می آزماییم تا بفهمیم شما به دنیا ایمان دارید یا آخرت و بشارت بده به آن ها که به آخرت ایمان دارند (بشر الصابرين) لازم به ذکر است که ابتلا همان آزمودن به فتنه است.

بلا همان دادن متشابهات و نعمت های دنیا است و بعد خدا آن ها را به وسیله ی امام طلب می کند تا در آخرت آن ها را پس دهد و صابرين کسانی اند که آن را می دهند و بعد صبر می کنند تا در آخرت آن را بازیابند.

سوره البقرة

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ [156] کسانی که چون مصیبتی به آنها رسید گفتند: ما از آن خدا هستیم و به او باز می گردیم. (156)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور آن است که بعد از آنکه نعمت های دنیوی آنها در راه آخرت از دست می رود می گویند هنگامی که به خدا رجوع می کنیم آن ها را می یابیم. زیرا آن نعمت ها را به در حرم امن محکم کرده اند.

سوره البقرة

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ [157] صلوات و رحمت پروردگارشان بر آنان باد، که هدایت یافتگانند. (157)

قرآن مبین - مبین موبایل

صلوات متشابه با خارج کردن از ظلمات به سمت نور است و آن همان بردن مال و اولاد از دنیا به حرم امن آخرت است که چون مصیبت دیده ها صبر می کنند و این کار را انجام می دهند مورد صلوات خدا (تصدیق) قرار می گیرند

سوره البقرة

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَأَوَّاءُ الْعَذَابِ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ [166] آنگاه که پیشوایان، عذاب را بنگرند و از فرمانبران خویش بیزاری جویند و پیوند میان ایشان گسسته گردد. (166)

قرآن مبین - مبین موبایل

اسباب جمع سبب و متشابه با مولاست و همین مولاهاى دنیویشان یک منظور است و تاویل دیگر مولای آخرت است که همان امامانند و از آن ها پیروی نکرده اند و جمله متشابه با تقطعوا ارحامکم است که رحم متشابه با سبب آمده و علتش آن است که رحم همان امام است و آن همان محکم کننده ی سخنی است که به نبی نازل شده و آن ها از این محکم پیروی نکرده اند تعبیر دیگرش آن است که از رزق آخرت قطع می شوند زیرا سبب متشابه با محکم و رزق محکم است و آن ها در دنیا مرزوق بودند اما در آخرت رزقی نخواهند داشت و اسباب از آن ها قطع می شود

سوره البقرة

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْخَنزِيرَ وَمَا أَهَلَ بِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ [173] جز این نیست که مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند، بر شما حرام کرد. اما کسی که ناچار شود هرگاه که بی هلیلی جوید و از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است، که خدا آمرزنده و بخشاینده است. (173)

قرآن مبین - مبین موبایل

باغ به معنی بغی کننده است و ظاهرا خاص آمده و منظور بغی کردن بعد از رفع اضطرار است که یعنی بعد از اینکه مضطری او هم برطرف شد باز خواهان آن گوشت حرام باشد. و عاد به معنی عادت کردن به آن است و وقتی هم که مضطر نیست آن گوشت را بخورد

سوره البقرة

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ [184] روزهایی معدود. هر کس که از شما بیمار یا در سفر باشد، به همان تعداد از روزهای دیگر روزه بدارد. و آنان که توانایی آن ندارند، هر روز را به اطعام مسکینی باز خرند. و هر که به رغبت در آن بیفزاید، برایش بهتر است و اگر می خواهید بدانید، بهتر آن است که خود روزه بدارید. (184)

قرآن مبین - مبین موبایل

روزه متشابه با آن است که بگوییم از مال حاکمان در زمان غیبت نخورید و اگر خوردید به مسکین هم به عنوان فدیة بخورانید تا گناهش را بپوشانید و کفاره ی کار کردن در دولت ظالم (طاغوت، حکومت های زمان غیبت طاغوتند) شاد کردن مومنان است و مومنان به فضل (نعمت) و رحمت (دور شدن از عذاب) شاد می شوند چنانچه داریم بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا پس کفاره ی آن مصون کردن مومنان از عذاب طاغوت و رساندن آن ها به نعمت است. شاید این کفاره ی گناه تشکیل حکومت در زمان غیبت هم باشد که در عوض آن مسکین را طعام داد چنانچه ظاهرا بی حکومتی در زمان غیبت هم منجر به افتادن کار در دست طواغیت بزرگتر و ظلم بیشتر به مومنان می شود و شاید چاره ای جز تشکیل حکومت نمانده باشد.

سوره البقرة

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [189] از تو درباره هلالهای ماه می پرسند، بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند. و پسندیده نیست که از پشت خانه ها به آنها داخل شوید، ولی پسندیده راه کسانی است که پروا می کنند و از درها به خانه ها درآیند و از خدا بترسید تا رستگار شوید. (189)

قرآن مبین - مبین موبایل

بیوت همان بیوت زنان پیامبر است که در سی و چهار احزاب آمده و متشابه با بیوت امامان است که به جای فرماندهی بر این بیوت کردن باید از در آن ها وارد شد و به حرف امامان گوش کرد این عمل متشابه با ازدواج با همسران پیامبر بعد از رحلتش و ازدواج با همسر پدر است که هر دو حرام است زیرا حضرت محمد پدر ماست. پنجاه و سه احزاب. بیست و دو نساء. باب که خلاف ظهر آمده یعنی بطن که همان بطن قرآن است و ظهر آن همان متشابهات است و بعدش هم آمده که پرهیز کنید و معنای آن آن است که از ظهر قرآن و متشابهاتش وارد نشوید و بلکه از بطن آن و محکماتش وارد شوید و

سوره البقرة

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ [201] و برخی از مردم می گویند: ای پروردگار ما، ما را، هم در دنیا خیری بخش و هم در آخرت، و ما را از عذاب آتش ننگه دار. (201)

قرآن مبین - مبین موبایل

حسنة ی دنیا متشابه با فهم سخن خدا در دنیاست و تحویل مال و اولاد به امام و حسنة ی آخرت متشابه با برداشت آن است در آخرت. رجوع شود به ده زمر.

سوره البقرة

وَمَنْ النَّاسَ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ [204] در این دنیا کسی است از مردم که خدا را به درستی اعتقاد خویش گواه می گیرد و تو را سخنش درباره زندگی این دنیا به شگفت می دارد، در حالی که کینه تو زترین دشمنان است. (204)

قرآن مبین - مبین موبایل

عجب از تکاثر مال و اولاد می آید و آن ها ظاهرا قولشان در دنیا طلبی و فهم راه های کسب دنیا قوی است و متمرکز بر آند و مال و اولاد مردم را می گیرند و پیروان زیادی دارند و این باعث عجب است

ظاهرا متشابه با آن است که یقولون سائل مثل ما انزل الله که همان گمان آن ها در فهم سخن خداست که عجب برای آن آمده و خدا را بر آن گواه می گیرد ظاهرا متشابه با آن است که گمان می کند خدا شهادت می دهد که منظورش همان است که او گفته

سوره البقرة

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْقَسَادَ [205] چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و دامها را نابود سازد، و خدا فساد را دوست ندارد. (205)

قرآن مبین - مبین موبایل

حرث متشابه با زن و به تبع آن زمین است و جایی که مردم تخم می کارند تا بهره ی آخرت برداشت کنند حال داریم حرث را هلاک می کنند منظور از حرث تخم مردم است و مال و اولادشان و حرث خودشانند که جز نکند تحویل مردم نمی دهند و همان در ادامه ی آیه ی قبل و لا تهلكوا بایدیکم الی التهلكه است و در آیه ی قبل که داشتیم قولش تو را متعجب می کند همان حرث و زمین خبیث است که آنچه از آن برمی آید داریم و لو اعجبك كثره الخبيث همچنین حرث متشابه با امام است که رزق را می گیرد و در آخرت پس می دهد

سوره البقرة

فَإِنْ زَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [209] هرگاه پس از آن که این آیات روشن خدا به شما رسید، در ایمان خویش لغزشی یافتید، بدانید که خدا پیروزمند و حکیم است (209)

منظور از فان زلتم بعد ما جاءتكم البينات همان اتباع شیطان است که در آیه ی قبل آمده زیرا متشابه است با من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى و يتبع غير سبيل المومنين

بنابراین زلزله با اتباع شیطان و متشابهات و فتنه متشابه است و منظور آن است که اگر بعد از آنکه راه درست برایتان مشخص شد باز از راه غلط پیروی کردید بدانید خدا عزیز و حکیم است و زلزله بعد بینه ظاهرا نشان دهنده ی کج روی با علم به آن است و در اینجا عمدی است نه سهوی

سوره البقرة

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ لِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [213] مردم يك امت بودند، پس خدا پیامبران بشارت دهنده و ترساننده را بفرستاد، و بر آنها کتاب بر حق نازل کرد تا آن کتاب در آنچه مردم اختلاف دارند میانشان حکم کند، ولی جز کسانی که کتاب بر آنها نازل شده و حجتها آشکار گشته بود از روی حسدی که نسبت به هم می ورزیدند در آن اختلاف نکردند. و خدا مؤمنان را به اراده خود در آن حقیقتی که اختلاف می کردند راه نمود، که خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند. (213)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از کان امه واحده آن است که با هم نمی جنگیدند و منظور از کتاب دستور جنگ است که خدا به انبیا نازل کرد و علتش آنکه منظور از اختلاف اختلاف علمی نیست چون داریم بینه آمده بود و حکم خدا مشخص شده بود (مراجعه شود به هفده جاییه) و منظور اختلاف در تبعیت از علم است و نه در فهم آن و چون تبعیت از چیزی با خود آن چیز متشابه است به جای آن آمده و منظور از هدی الله الذین آمنوا ظاهرا هدایت به جنگ است چنانچه در سه آیه بعد داریم کتب علیکم القتال

سوره البقرة

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ [218] کسانی که ایمان آورده اند و آنان که مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند، به رحمت خدا امید می دارند و خدا آمرزنده و مهربان است. (218)

قرآن مبین - مبین موبایل

هجرت متشابه با برداشتن سنگ زمین است و جهاد متشابه با کاشتن تخم در آن که همان استبدال نعمت برای رساندن آن به حرم امن است و زمین همان امام است

سوره البقرة

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَقْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ [219] تو را از شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم. و گناهشان از سودشان بیشتر است. و از تو می پرسند، چه چیز انفاق کنند؟ بگو: آنچه افزون آید. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می کند، باشد که در کار دنیا و آخرت بیندیشید. (219)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به نود و یک بقره

کار شیطان در آمیختن حق و باطل برای گول زدن مردم است زیرا مردم بسیاریشان پیرو حقند و می خواهند برای آن جهاد کنند و خمر متشابه با سخن مخلوط حق و باطل است و خوردن آن یعنی ایجاد دشمنی بین مردم زیرا پاره ای حق است و پاره ای باطل و مردم هرکدام نوعی خمر می خورند و با هم به خاطر حقی که در آن است و با حق دیگران که دیده اند متفاوت است با هم عداوت پیدا می کنند برای همین داریم

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ

خمر سخن شیطان است و سخن متشابه با غذاست و می پرسند چه چیزی انفاق کنند خدا می گوید عفو زیرا این انفاق غذای شیطان که خدا آن را خمر نامیده باعث عداوت است و خدا می گوید عفو کنید تا عداوت نکنید و منظور آن است که خمر انفاق نکنید و عفو متشابه با عدم انفاق خمر آمده زیرا حاصل آن است در اینجا ظاهرا داریم به جای انفاق سخنان خدا که اشتباه برداشت می کنید عفو کنید و سخن خدا را که نمی دانید تکرار نکنید تا باعث دشمنی بینتان نشود

سوره البقرة

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [221] زنان مشرکه را تا ایمان نیاورده اند به زنی مگیرید و کنیز مؤمنه بهتر از آزادزن مشرکه است، هر چند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند زن مؤمنه مدهید. و بنده مؤمن بهتر از مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت می کنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را آشکار بیان می کند، باشد که بیندیشند. (221)

قرآن مبین - مبین موبایل

عجب برای مال و اولاد می آید و متشابه با آن است که زن فقیر مومن بهتر از مشرک مالدار است

سوره البقرة

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبَكُمْ وَاللَّهُ عَقُورٌ حَلِيمٌ [225] خدا شما را به سبب سوگندهای لغواتان بازخواست نمی کند، بلکه به خاطر نیتی که در دل نهان می دارید بازخواست می کند. خدا آمرزنده و بردبار است. (225)

قرآن مبین - مبین موبایل

کسب متشابه با اشتراء و معاوضه یک جنس خوب و بد با هم است در اینجا ظاهرا یعنی عشق به خدا و تقوای او را با عشق به پول و آنچه برای آن قسم می خورید عوض کنید یعنی این اشتراء عملی باشد و نه از سر حرف زدن

سوره البقرة

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [227] و اگر عزم طلاق کردند، خداوند شنوا و داناست. (227)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فان عزموا الطلاق که بعد از تربص اربعه شهور آمده همان صبر بر طلاق و برنگشتن از تصمیم است و این باز گواه

آن است که عزم و صبر متشابهند

سوره البقرة

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ [238] نمازها و نماز میانین را پاس دارید و مطیعانه برای خدا قیام کنید. (238)

قرآن مبین - مبین موبایل

صلوه متشابه با ایمان است و امامت و صلوه وسطی متشابه با امامت است زیرا داریم کذلک جعلناکم امه (متشابه با ائمه) وسطا بنابراین صلوه الوسطی متشابه با ائمه وسطاست. و خطاب قوموا لله قانتین احتمالا منظور خطاب با ائمه است زیرا آنان نقش مادران امت را دارند و صلوه وسطی و صلوات در اینجا احتمالا متشابهات هفتادگانه امامند

سوره البقرة

وَقَالَ لَهُمْ نبيهم إن الله قد بعث لكم طالوت ملكا قالوا أتي يكون له الملك علينا ونحن أحق بالملك منه ولم يؤت سعة من المال قال إن الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله واسع عليم [247] پیغمبرشان به آنها گفت: خدا طالوت را پادشاه شما کرد. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد؟ ما سزاوارتر از او به پادشاهی هستیم و او را دارایی چندانی نداده اند. گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و به دانش و توان او بیفزوده است، و خدا پادشاهیش را به هر که خواهد دهد که خدا دربرگیرنده و داناست. (247)

قرآن مبین - مبین موبایل

سعه منسابه با بسط است و آن ها می گویند بسط مال ندارد و خدا می گوید بسط جسم و علم دارد

سوره البقرة

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ [249] چون طالوت سپاهش را به راه انداخت ، گفت: خدا شما را به جوی آبی می آزماید: هر که از آن بخورد از من نیست، و هر که از آن نخورد یا تنها کفی بیاشامد از من است. همه جز اندکی از آن نوشیدند. چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند، گفتند: امروز ما را توان ج

الوت و سپاهش نیست. آنانی که می دانستند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا چه بسا گروه اندکی که بر گروه بسیاری غلبه کند، که خدا با کسانی است که پای می فشرند. (249)

قرآن مبین - مبین موبایل

فصل متشابه با مولایی است و ظاهرا منظور آن است که وقتی طالوت بر آن ها توانست امارت خود را برقرار کند

سوره البقرة

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبِئَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيهِ إِلَّا أَنْ تَقْمِضُوا فِيهِ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِ حَمِيدٍ [267] ای کسانی که ایمان آورده اید، از دستاوردهای نیکوی خویش و از آنچه برایتان از زمین رویانیده ایم انفاق کنید، نه از چیزهای ناپاک و بد، که خود آنها را جز از روی اغماض نمی بهتانید. و بدانید که خدا بی نیاز و ستودنی است. (267)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از طبیات سخنان خداست که از ائمه (ارض طیب) به ما رسیده و نه آن ها که از ائمه ی خبیث به ما رسیده یعنی به فقرا سخنان ائمه را بگویند و نه سخنان ائمه ی گمراه کننده را. و ما کسبتم ممکن است منظور سخنانی باشد که فرد خود فهمیده و از ائمه برایش نقل نشده.

سوره البقرة

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ [268] شیطان شما را از بینوایی می نترساند و به کارهای زشت و ا می دارد، در حالی که خدا شما را به آمرزش خویش و افزونی وعده می دهد. خدا گشایش دهنده و داناست. (268)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فقر، فقر فهم سخن خداست چنانچه در آیات بعدی هم در مورد فقر توضیح داده ام.

سوره البقرة

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلْيَأْتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ [272] هدایت یافتن آنان بر عهده تو نیست، بلکه خداست که هر که را که بخواهد هدایت می کند. و هر مالی که انفاق می کنید ثوابش از آن خود شماست و جز برای خشنودی خدا چیزی انفاق نکنید و هر چه انفاق کنید پاداش آن به شما می رسد و بر شما ستم نخواهد شد. (272)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور هدایت سبیل است (ریک اعلم بمن اهدی سبیلا) و این هدایت و آیه ی بعد نشان می دهد ظاهرا منظور اصلی در مورد فقر سخن خداست و نه فقر مالی چنانچه در میزان انفاق و فقر صدقه سخن از هدایت آمده و این خود معقبه است و بینه در اینکه منظور فقر از سخن خداست نه طعام دنیوی.

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَقُّفِ تَعْرِفَهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا وَمَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ [273] این صدقات از آن بینوایانی است که خود را در طاعت حق محصور کرده اند و در طلب قوت ناتوانند و آنچنان در پرده عفافند که هر که حال ایشان نداند پندارد که از توانگراند. آنان را از سیمایشان می شناسی که به اصرار از کسی چیزی نخواهند. و هر مالی که انفاق می کنید خدا به آن آگاه است. (273)

فقر متشابه با کسی است که نمی تواند حج کند و از اهل بیت شود و سخن خدا را درک کند(و خلاف آن هم که غنی آمده پس یعنی کسی که می تواند حج کند و یعنی کسی که بین او و ارض (امام) مانع نیست و می تواند از امام سوال کند و تغذیه کند) زیرا این آیه متشابه با نود و هفت آل عمران است که داریم من استطاع الیه سبیلا پس حصر هم یعنی عدم استطاعت در ضرب (برداشتن مانع) برای نان خوردن از ارض (امام) جهت رسیدن به بیت خدا

متشابه کسی که سخن ائمه به او نمی رسد تا از اهل بیت شود فقیر است و کمک به او با روش این آیه باید انجام شود مثلا سرا و علانیه

بنابراین فقیر کسی است که نمی تواند سخن ائمه را برای فهم سخن خدا بشنود تا از اهل بیت شود و از عذاب خدا ایمن شود چنانچه داریم من دخله کان آمنا برای همین شرط ایمنی از عذاب استطاعت سبیل (دسترسی به امام است) زیرا بدون امام بیت خدا معلوم نمی شود تا فرد اهل آن شود و ایمن شود. بنابراین امام رضا می گوید کلمه لا اله الا الله ... بشروطها و انا من شروطها. بنابراین منظور از شروطها آن نیست که کسی با رفتن به بیت خدا ایمن می شود که ولایت داشته باشد بلکه یعنی کسی می تواند به بیت خدا راه یابد که ولایت داشته باشد و شرط به معنی پیش نیاز جهت دخول بیت است که بدون آن ممکن نیست.

فقیر در اینجا متشابه با بیست و هشت قصص است. مراجعه شود به تفسیر بیست و هشت قصص

همچنین الحاف (اصرار بر دعا) موجب استجاب دعاست زیرا فقرا که توان ضرب فی الارض برای رسیدن به درخواستشان را ندارند الحاف نمی کنند پس الحاف متشابه با ضرب فی الارض است

سوره البقرة

فَإِنْ لَمْ تَقْعَلُوا فَاذْتَوُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ [279] و هرگاه چنین نکنید، پس جنگ با خدا و رسول او را اعلام کنید. و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماست. در این حال نه ستم کرده اید و نه تن به ستم داده اید. (279)

قرآن مبین - مبین موبایل

به آن علت به منزله ی جنگ با خداست که دادن نعمت به امام ناحق است و ان امام ناحق با آن علیه خدا می جنگد

سوره البقرة

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ [286] خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی کند. نیکیهای هر کس از آن خود اوست و بدیهایش از آن خود اوست. ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده ایم یا خطایی کرده ایم، ما را بازخواست مکن. ای پروردگار ما، آن گونه که بر امتهای پیش از ما تکلیف گران نهادی، تکلیف گران بر ما منه و آنچه را که طاقت آن نداریم، بر ما تکلیف مکن. گناه ما ببخش و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور. تو مولای ما هستی. پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان. (286)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از لا یکلف الله نفسا الا وسعها منظور از وسع، علم است یعنی لا یکلف الله نفسا الا علمها زیرا داریم رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا خدا تکلیفی برای کسی که علمی ندارد که کاری درست است یا غلط و منظور قرآن چیست ندارد چنانچه آیهت قرآن هم تا وقتی نازل نمی شد کسی تکلیفی نداشت

سوره آل عمران

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَإِلَهِ إِلا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ [6] اوست که شما را در رحم مادران به هر سان که خواسته باشد می نگارد. نیست خدایی جز او که پیروزمند و حکیم است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آن است که خدا در ارحام که متشابه با زمین و امام است هرطور بخواهد شما را تصویر(صور متشابه با ركب و سفینه و امام و ... است) و سوار می کند که یعنی هر سخنی را بخواهد نسخ و هرکدام را بخواهد محکم می کند زیرا امام وظیفه اش نسخ متشابهات و محکم کردن محکامات است

به این معنی تست که انسان بعد از اینکه در رحمی(پیروی یک امام حق یا باطل) قرار گرفت بعد از آن خداست که تعیین می کند چگونه تصویر و عاقبتی خواهد داشت.

در آیه ای دیگر داریم صورکم فاحسن صورکم و داریم الله نزل احسن الحديث که یعنی در ارحام که همان امامانند شما را قرار داد و این بهترین و احسن آفرینش است و آفرینش متشابه با رستن به پیروی از امام از دل رحم است

سوره آل عمران

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ [7] اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد. بعضی از آیه ها محکمانند، این آیه ها ام الکتابند، و بعضی آیه ها متشابهاتند. اما آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه جویی و میل به تأویل از متشابهات پیروی می کنند، در حالی که تأویل آن را جز خدای نمی داند. و آنان که قدم در دانش استوار کرده اند می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست. و جز خردمندان پند نمی گیرند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

ام الكتاب یعنی کتاب از آنها تغذیه می کند و از آن ها پیروی می کند و پیرو آن هاست اما کتاب پیرو متشابهات نیست زیرا متشابهات ام کتاب نیستند. طبعاً کسی که از کتاب پیروی می کند نباید از متشابهات پیروی کند برای همین کسانی که زیغ در قلب دارند اشتباه می کنند که از آن ها پیروی می کنند. و علم کتاب هم ظاهراً علمی است که علامتی است برای تشخیص محکم از متشابه و هر کس عقل داشته باشد علم کتاب دارد و فقه به دست می آورد و محکم را از متشابه می شناسد.

تأویل به اول بردن است و اول همان وجه محکم است و آخر وجه متشابه است که پیرو آن ایجاد شده.

سوره آل عمران

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ [8] ای پروردگار ما، از آن پس که ما را هدایت کرده ای، دلهای ما را به باطل متمایل مساز، و رحمت خود را بر ما ارزانی دار، که تو بخشاینده ای. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

هدایت همان هدایت بر سبیل بیت است که در آن فرد متشابه را داده تا به محکم برسد حال داریم بعد از این کاری نکن که ما دوباره پیرو متشابهات شویم (زیرا زیغ چنانچه در آیه ی هفت آمده همان پیروی از متشابهات است)

ظاهراً رحمت در اینجا به معنی رحم و امام است که در آیه ی شش آمد و منظور آن است که از جانب خود برای ما امامی

قرار بده که در این صورت لاتزغ قلوبنا بعد از هدیتنا یعنی ما را بعد از هدایت با نبی به خاطر بی امامی گمراه نکن

سوره آل عمران

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ [9] ای پروردگار ما، تو مردم را در آن روزی که هیچ شکی در آن نیست، گرد میآوری. به یقین که خدا از وعده تخلف نکند. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از لا ریب فیه متشابه با لیس لوقعتها کاذبه است و آنکه نمی توان از سخنی در مورد آینده محکم تر از قیامت صحبت کرد زیرا در بزرگترین چرخه ی سماوی است و چرخه های بالاتر بر زیر دستان تاثیر می گذارند اما چیزی بالاتر از چرخه ای که قیامت در آن چرخه رخ می دهد وجود ندارد مثلا مکن است فردا خورشید از مغرب درآید اما قیامت حتما خواهد آمد

متشابه با روز قیام حضرت قائم است که همان روز جمع شدن دو گروه در برابر هم است و بعد استخلاف مومنان مصلح بر دشمنان زیرا میعاد و وعده ی خدا همین است چنانچه در آیه ی صد و نود و چهار هم آمد

سوره آل عمران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ [28] نباید مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه ای نیست. مگر اینکه از آنها بیمناک باشید. و خدا شما را از خودش می ترساند که بازگشت به سوی اوست. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

ولی کسی است که تقوا بر زبردستان خود می گذارد اما اینکه داریم کسی ولی شخصی باشد با این شرط که زبردست از او پرهیز کند اگر به معنای ظاهریش دقت کنید تناقض دارد پس معلوم می شود که این دو کلمه در دو سطح مختلف اند مثلا یکی معنایش تبعیت باشد یکی دوست داشتن و در کل ممکن است متشابه طولی یا عرضی باشند.

سوره آل عمران

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ [35] و زن عمران گفت: ای پروردگار من، نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار اینجهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

نذیر متشابه با امام و رصد و حافظ است که از متشابه و راه کج باز می کند و در اینجا مادر حضرت مریم ظاهرا منظورش این بوده که او را حفظ می کنم تا به راه راست باشد و محرر باشد و محرر متشابه با منفک الرقبه است که گناه به گردنش نیست

سوره آل عمران

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِن سَأَلْتَهُ لَنَادِيَنَّكَ وَتُؤْتِيكَ الْبَنَاتَ وَيَسْتَرْحَمُهُنَّ يَوْمَ تَوَفَّاكَ لَتَوَسَّوْنَ فِيهَا مِنْ اُولٰٓئِكَ وَنَجَّيْنَا مَرْيَمَ وَابْنَهَا لَمَّا كَانَتَا فِي السَّمَاءِ الْمَحْكُومَاتِ [36] چون فرزند خویش بزاد، گفت: ای پروردگار من، این که زاییده ام دختر است - و خدا به آنچه زاییده بود داناتر است- و پسر چون دختر نیست. او را مریم نام نهادم. او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو می آورم. (36)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آیه ی قبل است که داشتیم نذرت لک محررا و حال دارین اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم و همان معنی آزاد بودن از سخن شیطان است.

سوره آل عمران

ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوْحِيهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يُلْقُونَ اَقْلَامَهُمْ اَيْهُمْ يَكْتُبُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُونَ [44] اینها از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم. وگرنه آنگاه که قرعه زدند تا چه کسی از میانشان عهده دار نگهداری مریم شود، و آنگاه که کارشان به نزاع کشید، تو در نزدشان نبود. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از قلم مشخص کننده است چنانچه داریم علم بالقلم و علم متشابه با مشخص کردن است چنانچه داریم

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَٰذِبِيْنَ

و اینکه اینجا داریم یلقون اقلامهم ،قلم متشابه با چیزی است که مشخص می کند همچنین قلم متشابه با موج ،نجوم و مضطر کننده است و متشابه با ابزار قتل و ...

سوره آل عمران

فَلَمَّا اَحْسَ عِيْسَىٰ مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيْ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْخَوَارِيْثُ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَنْزَلَ الْقُرْاٰنَ الْعَرَبِيَّ عَلٰى سِدْرٍ مَّحْدُوْمٍ [52] چون عیسی دریافت که به او ایمان نمی آورند، گفت: چه کسانی در راه خدا یاران منند؟ خواریان گفتند: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم. شهادت ده که ما تسلیم هستیم. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا ظاهراً حواریون عام آمده و منظور فقط حواریونی که مطیع حضرت عیسی بودند نیامده چنانچه داریم (چهارده مائده)

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا تَكَرَّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنْتَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و همین نسیشان است که کفر و مرض و مکر و استهزاست که اول می گویند نحن نصاری و بعد او را در جنگ یاری نمی دهند و متشابه با آیه ی شانزده احزاب آمده و حال منافقین که در قلبشان مرض است. و دو آیه ی بعد حال همیانان است که داریم و مکروا و مکروا الله

سوره آل عمران

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ [54] آنان مکر کردند، و خدا هم مکر کرد، و خدا بهترین مکرکنندگان است. (54)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مکر چنانچه در آیات نود و نه اعراف و شانزده احزاب و هشت زمر آمد همان همراهی نکردن و کمک نکردن به حضرت عیسی علیه دشمنانش است که در آیه ی هشت زمر تمتع بکفرک قلیلا آمده و داریم اذا لا تمتعون الا قلیلا و در آیه ی بعدی داریم مطهرک من الذین کفروا که منظور قصد کشتن آنهاست اگر نه حضرت عیسی دینش را به آن ها نمی باخته و از آن ها مطهر است. و منظور از کفر همان همراهی نکردن حضرت عیسی است چنانچه داریم تمتع بکفرک و داریم لن ینفعکم الفرار من القتل او الموت اذا لا تمتعون الا قلیلا. همچنین و مکروا منظور باید حواریونی باشد که در دو آیه ی قبل آمد که گفتیم به معنای عام آن آمده نه خاص آن.

سوره آل عمران

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِنِّي فَاعِلٌ بِكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ [55] آنگاه خدا گفت: ای عیسی، من تو را می بپرانم، و به سوی خود برمی آورم، و از کافران دور می بهازم، و تا روز قیامت آنان را که از تو پیروی کنند فراز کافران قرار خواهم داد. سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من در آنچه اختلاف می کردید میانتان حکم می کنم. (55)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مطهرک ظاهراً تطهیر شدن از رجس ظاهری دشمنان است که می خواستند حضرت عیسی را بکشند اگر نه حضرت عیسی از اهل بیت است و رجس شرک ندارد اما منظور از برتری تابعان حضرت برتری دینی و استدلالی آن هاست اگر نه آنها برتری قدرتی تا روز قیامت نداشته اند و منظور از حکم در اختلاف آن ها اختلاف عقیدتی آن ها نیست زیرا در این مورد به خاطر آموزش حضرت عیسی و حواریون جهلی بین آن ها باقی نمی ماند تا به خاطر آن اختلاف کنند بلکه منظور اختلاف عملی آن هاست که خدا بابتش عده ای را به جهنم و عده ای را به بهشت می برد (چنانچه در آیه ی بعد هم آمده) اگر نه اختلاف عقیدتی آنان با استدلالات چنانچه آمد حل شده بود.

سوره آل عمران

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبْتَهِلْ
فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ [61] از آن پس که به آگاهی رسیده ای، هر کس که درباره او با تو مجادله کند، بگو:
بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و
شما برادران خود را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم. (61)

قرآن مبین - مبین موبایل

لعنت برای کسی می آید که حق بودن امری را شاهد است اما انکار و کفر می ورزد بنابراین مباحله هنگامی به کار می رود که ظاهرا حضرت محمد به آن ها اثبات کرده بوده و آن ها هم پذیرفته بوند و فهییده بودند که آن جناب به ایشان راست می گوید اما انکار می کردند و چنانچه داریم من بعد ما جاءك من العلم بعد آن جناب دعوت به مباحله می کند چنانچه می دانیم آفرینش حضرت آدم را قبول داشته اند که بدون پدر و مادر است بنابراین نمی توانند استدلال کنند که وسی بی پدر به دنیا نمی آید و خودشان در ذهن خودشان بر غلط بودن ادعایشان واقف بوده اند و بنابراین مباحله که همان لعنت کردن است انجام می شود.

سوره آل عمران

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ [64] بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوی خدا به پرستش نگیرد. اگر آنان رویگردان شدند بگو: شاهد باشید که ما مسلمان هستیم. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه ظاهرا مشخص می کند که دین بین اهل کتاب و حضرت محمد یکی است منظور از اسلام همان دین است که نزد خداست (ان الدین عندالله اسلام) و چون این دین پرستیدن خدا و شریک نگذاشتن برای اوست در آخر آیه داریم که شاهد باشید که ما مسلمانیم (دین خدا را داریم) و در اینکه دین همان عبادت خدا و فقط خداست به سوره ی کافرون دقت کنید.

سوره آل عمران

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ [68] نزدیک ترین کسان به ابراهیم همانا پیروان او و این پیامبر و مؤمنان هستند. و خدا یاور مؤمنان است. (68)

قرآن مبین - مبین موبایل

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كَوْنُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ [79] نسزد هیچ بشری را که خدا به او کتاب و حکمت و نبوت داده باشد، آنگاه به مردم بگوید که بندگان من باشید نه بندگان خدا. و حال آنکه پیامبران می گویند: همچنان که از کتاب خدا می آموزید و در آن می خوانید، پرستندگان خدا باشید. (79)

قرآن مبین - مبین موبایل

چون بندگی متشابه با زن بودن است متشابه با این آیه ازدواج پسر با زن پدرش حرام است زیرا نبی که متشابه با پسر خداست نمی تواند بندگان خدا را که متشابه با زنان خدایند به بندگی خود درآورد.

سوره آل عمران

فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْقَاسِقُونَ [82] و هر که از آن پس سرپیچی کند از فاسقان است. (82)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهر آیه ظاهرا خطاب به انبیاست اما باطن آن منظور متشابهات آن ها که همان پیروانشانند است چنانچه در آیه ی هشتاد و شش هم که در مورد آن هاست و داریم قوما شهدوا ان الرسول الحق آیه در مورد قوم است و نه انبیا

سوره آل عمران

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ [97] در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم. و هر که بدان داخل شود ایمن است. برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است. و هر که راه کفر پیش گیرد، بداند که خدا از جهانیان بی نیاز است. (97)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا منظور از جایی که هرکس به آن وارد شود ایمن است عبارت لا اله الا الله است که داریم کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (من دخله کان آمنا) اگر نه کعبه که در مکه است ایمنی بخش نیست و اگر بود خدا برای قتل و ... کفار تعیین نمی کرد و مراجعه شود به مناظره ی امام صادق با ابوحنیفه در این مورد.

اصل حج همین گفتن لا اله الا الله است که حاجی خود را متشابه با وقتی که به ضرر گرفتار می شود به مضطری می زند و بعد وارد خانه خدا می شود که همان لا اله الا الله و توحید است و معبود باطل از ذهن او پاک می شود. زیرا گرفتاری باعث خواندن خدایان می شود و چون هیچ کدام جز خدا جواب انسان را نمی دهد همه ی معبودهای باطل از ذهن انسان

پاک می شود.

هل تعلم ما تفسير هذه الايه (97 آل عمران) التي يقول من دخله كان آمنا؟ اين موضع هو؟

قال ابوحنيفه لجعفر ابن محمد(الصادق) هو بيت الله الحرام، ما ظنك؟

ثم قالَ وَ أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا أَيُّ مَوْضِعٍ هُوَ قَالَ ذَلِكَ بَيْتُ اللَّهِ الْحَرَامِ فَقَالَ نَشَدْتَكُمْ بِاللَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزُّبَيْرِ وَ سَعِيدَ بْنَ جُبَيْرٍ دَخَلَاهُ فَلَمْ يَأْمَنَّا الْقِتْلَ قَالَ فَأَعْفِنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَأَنْتَ الَّذِي تَقُولُ سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ هَذَا الْقَوْلِ

قَالَ إِذَا سَأَلْتَ فَمَا تَصْنَعُ قَالَ أَجِيبُ عَنِ الْكِتَابِ أَوْ السُّنَّةِ أَوْ الْإِجْتِهَادِ قَالَ إِذَا اجْتَهَدْتَ مِنْ رَأْيِكَ وَجَبَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ قَبُولُهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ كَذَلِكَ وَجَبَ قَبُولُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَكَأَنْتَ قُلْتَ سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى

و اعلم ان الله يقول محكما و متشابهها(كما جاء في 7 آل عمران) و هذه الايه قيل على الاشتباه و ان تريد تعلم مامعناه انظر على هذه الحديث

لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) بَنِيَسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ، فَقَالُوا لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَ لَا تَحْدِثْنَا بِحَدِيثِ فَتَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ؟! وَ كَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعُمَارِيَّةِ، فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: سَمِعْتُ جَبْرَائِيلَ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي. قَالَ: فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشَرُوطِهَا، وَ أَنَا مِنْ شَرُوطِهَا!

فموضع الذي من دخله كان آمنا هي كلمه لا اله الا الله من دخله كان آمنا، هي حصن الله و اعلم ان الله لا يقول الا حقا و موضع الذي من دخله كان آمنا هو ايمان. من دخل الايمان كان آمنا و ما هذا الا الحق. و الايمان هو ايمان من عذاب الله و هي كلمه لا اله الا الله التي يومن من عذاب الله

سوره آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ [102] اي کسانی که ایمان آورده اید، آنچه که شایسته ترس از خداست از او بترسید و جز در مسلمانان نمیرید. (102)

قرآن مبین - مبین موبایل

به آن علت انسان باید مسلمان بمیرد که همانگونه و با همان وضع که می میرد زنده می شود چنانچه درخت در پاییز با همان قد و قامتی که خشک شده در بهار دوباره سبز می شود و اگر در پاییز خشک (بی دین) بوده در بهار سبز نخواهد شد

سوره آل عمران

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِيَعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شِقَا حَقِرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [103] و همگان دست در ريسمان خدا زنيده و پراکنده مشويد و از نعمتي که خدا بر شما ارزاني داشته است ياد کنيد: آن هنگام که دشمن يکديگر بوديد و او دلهاييتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شديد. و بر لبه پرتگاهی از آتش بوديد، خدا شما را از آن برهانيد. خدا آيات خود را براي شما اينچنين بيان مي کند، شايد هدايت يابيد. (103)

قرآن مبین - مبین موبایل

حبل خدا امامت است زيرا تفرق پيروي از وجوه متشابه امام است و تاليف قلوب و نعمت خدا امامت است که باعث مي شود مردم برادر يکديگر شوند به پدري نبي و مادري امام حبل يعني فرزندی و اعتصام به حبل خدا پس يعني فرزندی براي خدا و خدا سخنش را با امام منتقل مي کند مانند حضرت ابراهيم بنا بر اين يعني همه ي شما پيرو امام شويد و متفرق نشويد

سوره آل عمران

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا ثَقَبُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِقَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ [112] هر جا که باشند مهر خوري بر آنها زده شده است، مگر آنکه در امان خدا و در امان مردم باشند. و با خشم خدا قرين شده اند و مهر بدبختي بر آنها نهاده اند، زيرا به آيات خدا کافر شدند و پيامبران را به ناحق کشتند. و اين بدان سبب بود که عصيان ورزيدند و تجاوز کردند. (112)

قرآن مبین - مبین موبایل

ذلت خلاف عزت است و يعني كمبود نفرات چنانچه داريم اكثر مالا و اعز نفرا و داريم اموال و الاولاد بنا بر اين ذل يعني نداشتن پدر زيرا بحبل خدا چنگ نزده اند و يعني تعداد كم و پراکنده زيرا داريم اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا که يعني عدم تبعيت از امام و نبي که موجب اخوان شدن مردم مي شود و از تفرقه جلوگیری مي کند (رجوع کنيد به آيه ي صد و سه)

بنا بر اين ذلت (بي پدري و بي پناهي) آن ها به علت عدم چنگ زدن به امامت که حبل خداست است

سوره آل عمران

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ [133] بر يکديگر پيشي گيريد براي آمرزش پروردگار خويش و رسيدن به آن بهشت که پهناييش به قدر همه آسمانها و زمين است و براي پرهيزگاران مهيا شده است. (133)

قرآن مبین - مبین موبایل

به خاطر آنکه بهشت متشابه با زنده بودن و جهنم متشابه با مردن است ظاهراً در این آیه از آنکه جهنم جزو آسمان‌ها و زمین محسوب شود نظر شده است و نمونه‌ی آن این است که در جمعی که مثلاً شش مومن و چهار کافر وجود دارند بگوییم در اینجا شش نفر وجود دارند زیرا کافر متشابه با مرده است و گویی وجود ندارد.

سوره آل عمران

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ [144] جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده‌اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می‌گردید؟ هر کس که بازگردد هیچ زیانی به خدا نخواهد رسانید. خدا سپاسگزاران را پاداش خواهد داد. (144)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از انقلبتم علی اعقابکم ترک جنگ است (رجوع شود به آیه ی صد و چهل و نه) چنانچه در آیات قبلش هم موضوع در مورد جنگ است

سوره آل عمران

وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِئُوسٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَاثُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ [146] چه بسا پیامبرانی که خدا دوستان بسیار همراه آنان به جنگ رفتند. و در راه خدا، هر چه به آنها رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر فرود نیاوردند و خدا شکیبایان را دوست دارد. (146)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ما اصابهم فی سبیل اللّٰه از دست دادن اموال و انفس و ... در همراهی امام است زیرا او آن‌ها را از دنیا به حرم امن می‌برد و سبیل همان امام است و صابرین نامیده شدند زیرا صبر می‌کنند تا آنچه را در سبیل خدا از دست داده‌اند در حرم امن در آخرت باز یابند. (مراجعه شود به صد و پنجاه و پنج و صد و پنجاه و شش بقره).

سوره آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ [149] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کافران پیروی کنید، شما را به آیین پیشین برمی‌گردانند، پس زیان‌دیده‌باز می‌گردید. (149)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا به این معناست که کاری می کنند که مال و اولاد(نیروی رزمی) که برای یاری امام آورده بودید را برگردانید و منظور از رد علی اعقاب به این معناست زیرا داریم تنقلبوا خاسرین و خاسر کسی است که در آخرت دریافتی ندارد زیرا به امام مال و اولادی نداده است

سوره آل عمران

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ قِيَاذِنَ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ [166] آنچه در روز برخورد آن دو گروه به شما رسید، به اذن خدا بود، تا مؤمنان را معلوم دارد، (166)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی صد و هفتاد و سه

مصیبت در اینجا ظاهرا متشابه با در اختیار قرار دادن مال و اولاد به امام آمده و نه از دست دادنش زیرا داریم ليعلم المومنين که یعنی برای شناخت کسانی که به حرم آمن پناه می برند که همان دادن مال و اولاد به امام است

سوره آل عمران

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ [169] کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (169)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل الله متشابه با حرم آمن است که هرچه در آن از دست بدهی و کاشته شود نگهداری می شود و در آخرت پس داده می شود و حال متشابه داریم گمان مبرید که کیی که در آنجا کشته می شود دیگر پدید نمی آید بلکه هر تخرمی نزد خدا محفوظ می ماند و در آخرت باز زنده می شود

سوره آل عمران

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ [173] کسانی که

مردم گفتندشان که مردم برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنها بترسید، و این سخن بر ایمانشان بیفزود و گفتند: خدا ما را بسنده است و چه نیکو یآوری است. (173)

قرآن مبین - مبین موبایل

خشیه باعث خشوع می شود چنانچه داریم خاشعا من خشیه الله و خشوع همان خشکی قبل از دریافت نعمت است که متشابه با مردن و عدم پیروی از سایر معبودهاست در اینجا اخشوهیم یعنی هرچه امری از معبودانی غیر از آنها گرفته اید را کنار بگذارید و پیرو این ها شوید زیرا کمر به مثلا قتلان بسته اند اما آنها به جای آنکه از معبود خود دست بردارند ایمنی خود در برابر آنها را بیشتر کردند زیرا ترسیدند که از بندگی خدا به واسطه ی آنها درآیند و ایمنی همان ایمان است.

سناریوی آخرالزمان:

این آیه تاویلش باید جمع شدن گرد یمانی باشد که در آیات صدو نود تا صدو نود و چهار بیشتر ذکرش آمده و همچنین صدو شصت و شش. ظاهرا بعد از جمع آنها علیه مومنان، مومنان نیز گرد ایمان جمع می شوند چنانچه داریم اذا نودی للصلوه (صلات متشابه با ایمان است) من یوم الجمعه که همان اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان است و حاصل این دو جمع می شود یوم تقی الجمعان و این در روز جمعه (جمعوا لکم) که روز ظهور حضرت قائم است رخ می دهد در ادامه مومنان پیروز می شود چنانچه در سوره قمر داریم سیهزم الجمع و یولون الدبر و آن ها هنگام نبرد ظاهرا قبلش می گویند کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره که در دویست و چهل و نه بقره آمده که بعدش داریم فهزموهم باذن الله سناریوی آخرالزمان اینگونه می شود که ابتدا که دو جمع با هم روبرو می شوند مومنان می گویند تعداد آن ها از ما بیستر است و یارای تقابل نداریم اما مومنان واقعی می گویند کم من فئه قلیل غلبت فئه کثیر و می جنگند و کافران پشت می کنند و فرار می کنند زیرا دنیاپرستند و مرگ را پایان زندگی می دانند و می ترسند بمیرند (چهل و پنج قمر) بنابراین مومنان در آن روز آن ها را فراری می دهند زیرا هرچند تعدادشان کمتر است اما آن کافرها به معاد اعتقاد ندارند و دوست ندارند حتی یکیشان بمیرد. رجوع شود به سه صف. رجوع شود به ده غافر.

مراجعه شود به چهل و سه کهف

سوره آل عمران

فَاتَقَلَّبُوا مِنَّا نِعْمَةً مِنَ اللَّهِ وَفَضَّلْنَا لِمِ يَمْسَسُهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ [174] پس از جنگ بازگشتند، در حالی که نعمت و فضل خدا را به همراه داشتند و هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود. اینان به راه خشنودی خدا رفتند و خدا را بخشایشی عظیم است. (174)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم ان تشکروا یرضه لکم پس اتباع رضوان همان شکر کردن است که چون شکر متشابه با ایمان است (چون هر دو خلاف کفر آمده اند) اتباع رضوان همان ایمان است که در آیه ی قبل هم آمده و ظاهرا خدا ایمان را اتباع رضوان نامیده که متشابه آمده.

سوره آل عمران

دست دادن است بعد از پیروزی بهره می یابید زیرا صبر برای از دست دادن نعمت دنیا و بازگشت آن در آخرت می آید و این ظاهراً یعنی همان مسخره کنندگان (مانند بنی امیه که حضرت محمد را مسخره کردند که این مرد از ترس ما خندق می کند و به یاران خود وعده ی پیروزی بر روم و فارس می دهد و بعد همین بنی امیه ی نژادپرست طرفدار دو آتشی ی حضرت محمد شدند به طوری که تمام فرهنگ و تمدن خود را از او می دانند و این به خاطر صبر بر تمسخر آن ها بود که حضرت محمد داشت) روزی زبان به تمجید شما خواهند گشود و مانند تخمی که می کارید و درخت برداشت می کنید چند برابر آبرویی که در ذهن آن ها از دست می دهید در آینده به دست خواهید آورد و همان کسانی که روری گوش هایشان را می گرفتند تا سخن شما را نشوند بعد از پیروزی شما به دنبال راز موفقیت شما خواهند گشت و خود را بنده ی تعلیمات شما می کنند.

سوره آل عمران

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [188]
آنان را که از کارهایی که کرده اند شادمان شده اند، و دوست دارند به سبب کارهای ناکرده خویش هم مورد ستایش قرار گیرند، مپندار که در پناهگاهی دور از عذاب خدا باشند. برایشان عذابی دردآور مهیاست. (188)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه انجام نمی دهند متشابه با آوردن مانند قرآن است (مراجعه شود به دو صف) که نزد خدا مقت دارد که به ایمان رجوع نمی کنند و خود را مفسر قرآن می خوانند. و حمد همان استجاب دعاست چنانچه داریم یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده که یعنی دوست دارند به برداشت غلطی که از قرآن دارند مردم حرفشان را قبول کنند و به آن عمل کنند

سوره آل عمران

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُتَادِيًا يُتَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ [193] ای پروردگار ما، شنیدیم که منادیی به ایمان فرا می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید. و ما ایمان آوردیم. پس، ای پروردگار ما، گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را از ما بزدا و ما را با نیکان بمیران. (193)

قرآن مبین - مبین موبایل

کفر متشابه با حل است و همان نرم کردن است و منظور از کفر عنا سیئاتنا باز شدن سیئات از مولایی و قوام یافتن ایمان به عنوان حرم و سوء بر انسان است.

ایمان متشابه با ایمانی در آخرالزمان است و آن چنانچه در آیه ی بعد می آید ایمانی مصلح است و وجه تسمیه او به ایمان ایمنی دادن از عذاب خداست چنانچه در آیه ی قبل داریم من تدخل النار فقد اخزیته و در حدیث داریم هرکس با او مخالفت کند در آتش است و علت آن این است که او ایمان است

سوره آل عمران

رَبَّنَا وَأَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ [194] ای پروردگار ما، عطا کن به ما آنچه را که به زبان پیامبرانت به ما وعده داده ای و ما را در روز قیامت رسوا مکن که تو وعده خویش خلاف نمی کنی. (194)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه وعده داده شده آن است که

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْقَاسِقُونَ

که خدا وعده داده به مومنان به ولایت که آن ها را جایگزین کسانی می کند که از ولایت رو گردانده اند (مراجعه شود به سی و هشت محمد) و برای همین از رسل استفاده شده زیرا معرفی کننده ی امامانند و تاویل یوم القیامه یکی اش قیام حضرت قائم است و کسانی که مستخلف می شوند همان مومنان مصلحند (متشابه با ایمان مصلح)

وعده ی خدا بر رسول متشابه با سخن خداست که امام پس از رسول آن را به مردم بازپس می دهد چنانچه در آیه ی صد و هشت اسری هم آمد که وعد برای امامت هم می آید چنانچه رسول وظیفه اش ابلاغ رسالت است که همان معرفی امام است و این همان ایمان است (ولایت) که ایمنی از عذاب نار است که همان خزی است که در آیه ی صد و نود و دو هم آمد برای همینداریم و لا تخزنا یوم القیامه بنابراین آنچه بر رسل وعده داده شده همان ایمان و امامت و ولایت است

سوره آل عمران

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ [195] پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که: من کار هیچ کارگزاری را از شما، چه زن و چه مرد -همه از یکدیگرید- ناچیز نمی بهازم. پس گناهان کسانی را که مهاجرت کرده اند و از خانه هایشان رانده شده اند و در راه من آزار دیده اند و جنگیده اند و کشته شده اند، می رادایم و آنان را در بهشتهایی که در آن نهرها جاری است داخل می کنم. این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست. (195)

قرآن مبین - مبین موبایل

عمل متشابه با ایمان است چنانچه برای هردو از ضیع استفاده شده (لیضیع ایمانکم) و ظاهرا لا اذیع عمل عامل منکم همان در ادامه ی منادیا ینادی للایمان فآمنا است که در دو آیه ی قبل آمد

و همچنین در ادامه ی آیه ی قبل که داشتیم و لا تخزنا یوم القیامه زیرا خزی طبق آیات قبل همان دخول به نار است و عدم دخول به آن همان ایمان است که خدا به آن وعده داده و در آیه ی قبل هم آمد و آن همان حرم آمن است که در آن از عذاب ایمنند و رزق خود را چند برابر دریافت می کنند

سوره آل عمران

لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ [196] جولان کافران در شهرها تو را نفریبد. (196)

قرآن مبین - مبین موبایل

زیرا خدا آنان را با ایمان مصلح نسخ می کند و او را استخلاف می دهد چنانچه در دو آیه قبل توضیح دادم و چون متشابهند و نسخ می شوند بنابراین داریم دچار غرور(پیروی از متشابهات) نشوی و بخواهی از آنان پیروی کنی یا گمان کنی آن ها بر راه درستند. قلب متشابه با عقل و زنده شدن پس از مرگ است و ظاهرا منظور کفاری است که مثلا در ابتدای دنیا کار می کنند تا در انتهایش ثمرش را برداشت کنند و بلد متشابه با زمین است که در آن کشت می شود و ثمر بیرون می دهد

سوره النساء

سوره النساء

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا [1] ای مردم، بترسید از پروردگارتان، آن که شما را از يك تن بیافرید و از آن يك تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد. و بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می جواهرید و زنهار از خویشاوندان مبرید. هر آینه خدا مراقب شماست. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

ارحام یا رحم ها که همان رحم زن است متشابه با امامان است که خدا سخن خود را در آنجا می کارد و به مردم تحویل می دهد و حال داریم تقوای خدا و ارحام را داشته باشید و نسبت به آن ها مورد سوال قرار می گیرید.

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنَّىٰ وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا [3] اگر شما را بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نرورزید، از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو، و سه سه و چهار چهار به نکاح درآورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید یا هر چه مالک آن شوید. این راهی بهتر است تا مرتکب ستم نگردید. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

قسط متشابه با پس دادن کامل دریافتی ارض است و صفت و عمل امام در حق پیروانش است که مال و اولاد آن ها را کامل پس می دهد و در اینجا همان پس دادن کامل مال ایتمام است (هنگام بلوغشان) چنانچه در آیه ی قبل هم داریم و لا تبدلوا الخبیث بالطیب که یعنی مال طیب آن ها را نگیرید و بعد خبیث به آن ها تحویل دهید که این همان عدم رعایت قسط است. و برای همین این عمل عدم قسط معرفی شده (زیرا بعد از گوشزد کردن عدم تعویض خبیث و طیب داریم و ان خفتم الا تقسطوا که یعنی اگر ترسیدید که اموال آنان را تعویض خبیث و طیب کنید.

تاویل دیگر آنکه ظاهرا منظور آن است که باید اموال یتامی را بکارید و ما حصل آن را پس دهید تا به ارزش واقعی اش برسد زیرا از کلمه ی قسط استفاده شده برای همین داریم زنان بیشتری بستانید که متشابه با زمین کشتند تا بتوانید تخم اموال یتامی را در آن ها بکارید و ثمرش را به آنها دهید تا اموالشان مانند خوردنی ها و ... به مرور زمان فاسد نشوند مانند کسی که مال و اولاد خود را در دنیا خرج می کند و با اتمام دنیا آنها را از دست می دهد

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِرِ اللَّهِ حَسِيبًا [6] یتیمان را بیازمایید تا آنگاه که به سن زناشویی رسند، پس اگر در آنان رشدی یافتید اموالشان را به خودشان واگذارید. و از بیم آنکه مباد به سن رشد رسند اموالشان را به ناحق و شتاب مخورید. هر که توانگر است عفت ورزد و هر که بینواست به آن اندازه که عرف تصدیق کند بخورد. و چون اموالشان را تسلیمشان کردید کسانی را بر آنان به شهادت گیرید و خدا برای حساب کشیدن کافی است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

رشد متشابه با دریافت کامل اجر تجارت است و ظاهرا منظور آن است که اگر از یتیمان عقل مندی دیدید که آنها تجارتي می کنند که باعث خسارت و غی آن ها نمی شود و بلکه تجارت دارای رشد را می شناسند اموالشان را بدهیدشان. نکاح متشابه با اختیار تجارت و زمین است که در آن فرد نطفه که متشابه با مال است را می ریزد و حاصل آن را فرزند دریافت می کند و آمیزش متشابه با تجارت است. ابتلا نیز همان گرفتار کردن به متشابهات است که ظاهرا منظور آن است که شق های مختلف را پیش رویشان بگذارید تا معلوم شود رشد و محکم را انتخاب می کنند یا غی و متشابه را و اگر محکم را انتخاب کردند و تجارت اجیر را؛ پس مالشان را به آن ها بدهید تا از آن استفاده کنند در این تجارات و متشابهاتش

سوره النساء

وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا [9] باید از خدای بترسند کسانی که اگر پس از خویش فرزندان ناتوان بر جای می گذارند، از سرنوشت آنان بیمناکند. باید که از خدای بترسند و سخن عادلانه و به صواب گویند. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

قول سدید قولی است که باطل من بدیهش و من خلفش نمی آید و محکم شده است و ظاهرا منظور آن است که سخن متشابهی نگویند که مورد سوء برداشت قرار گیرد و دیگران مال یتیمان را تصاحب کنند و همچنین اگر قول متشابه با عمل باشد یعنی اموال را بعد از خود دست سفها ندهند که آن ها را به یتیمان پس ندهند.

سوره النساء

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَغْمِلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [17] جز این نیست که توبه از آن کسانی است که به نادانی مرتکب کاری زشت می شوند و زود توبه می کنند. خدا توبه اینان را می پذیرد و خدا دانا و حکیم است. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از قریب ظاهرا عمر دنیاست که تا زمان مرگ توبه قبول است زیرا خدا عمر دنیا را قلیل می داند چنانچه در آیه ی بعد توبه بر محتضر بسته دانسته شده پس تا زمان احتضار مجاز است.

سوره النساء

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا [22] با زنانی که پدرانتان به عقد خویش درآورده اند زناشویی مکنید، مگر آنکه پیش از این چنان کرده باشید. زیرا این کار، زنا و مورد خشم خدا است و شیوه ای است ناپسند. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

علت تحریم ازدواج با همسر پدر آن است که پسران خدا باید نطفه ی پدرشان را بکارند و اگر نطفه ی خودشان مانند نطفه ی پدرشان نیست که فساد است و اگر هست که دیگر نطفه ی خودشان نیست بلکه نطفه ی پدرشان است بنابراین ازدواج با همسر پدر حرام است. و برای رعایت این خودمتشابهی ازدواج با همسر پدران زمینی نیز حرام شده است. و علت آنکه این

عمل مقت دارد آن است که قول ما تفعل است که در سه ی صف آمد که مقت دارد و آن این است که می گویند سخنی مانند سخن خدا می آوریم اما نمی آورند و این همان سخن پسر است هنگامی که با همسر پدرش ازدواج می کند زیرا تنها در این صورت حلال بود اما نمی تواند. و منظور از ولد گاهی کسی است که سخن خدا را می آورد و گاهی کسی است که گمان می کند سخنی مانند سخن خدا را آورده و خود را پسر(تابع) خدا می خواند که اینها همان اولیا من دون الله هستند که در شش شوری آمد.

پس پدر اصلی ما خداست و همسران او بندگانش و ازدواج با آنها این است که بگوییم به جای خدا از ما پیروی کنید که این همان پیرو متشابهات شدن است زیرا این تحریم برای اولاد خداست و نه برای اولاد شیطان بنابراین منظور کسانی است که قرآن را قبول دارند اما به خاطر تعبیر غلط مردم را پیرو خود می کنند و نه پیرو خدا.

همچنین پدر ما حضرت محمد است و همسرانش امامان (رجوع شود به شش احزاب) و ازدواج با همسر پیامبر است که حرام شده چنانچه در پنجاه و سه احزاب هم این حکم آمده.

سوره النساء

وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلرِّجَالِ مِمَّا كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا [32] آرزو مکنید آن چیزهایی را که بدانها خدا بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است. مردان را از آنچه کنند نصیبی است و زنان را از آنچه کنند نصیبی. و روزی از خدا خواهید که خدا بر هر چیزی آگاه است. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از تمنای آنچه خدا بعضیتان را بر بعضی دیگر فضیلت داده متشابه با تمنای زن است چنانچه در دو آیه بعد داریم الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و زن متشابه با پیرو است که یعنی بر حاکمان و امامان به خاطر مقامشان بر رهبری مردم حسادت نکنید

سوره النساء

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِالنِّسْبَةِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا [36] خدای را بپرستید و هیچ چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید. هرآینه خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد. (36)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسان متشابه با تصدیق است و والدین متشابه با نبی و امام و از تاویلات آیه ظاهرا آن است که نبی و امام را تصدیق کنید و آنکه داریم به آنها اف نگوید همان تصدیق سخن آنها در باب معاد است چنانچه داریم

وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُي لَمَّا أُتْعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهَذَا يُسْتَفْعِيَانِ اللَّهَ وَيَلْتَكِ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

احسان متشابه با گرایش به امام و نبی است. رجوع شود به ده زمر

سوره النساء

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا [41] چگونه خواهد بود آن روز که از هر امتی گواهی
بیاوریم و تو را بر این امت به گواهی فرا خوانیم؟ (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

امه متشابه با امام است زیرا پیروان یک شخص با او متشابه طولی اند و منظور از هر امت شهیدی همان از هر امت امامی
است و امت را پیروان هر امام گویند و این آیه متشابه هفتاد و هشت حج است و اینجا دوباره داریم که حضرت محمد بر
تمام امامان انت ها شهید است که یعنی باز مانند شش احزاب او پدر مومنان و امامان مادرانشانند. و برای همین او شهید
و توضیح دهنده ی سخن خدا به امامان و امامان به مردمانند.

سوره النساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ
مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ
وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا [43] ای کسانی که ایمان آورده اید، آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید تا بدانید که
چه می گویید. و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید، مگر آنکه راهگذر باشید. و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از مکان قضای
حاجت بازگشته اید یا با زنان جماع کرده اید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید و روی و دستهایتان را با آن خاک مسح
کنید. هرآینه خدا عفو کننده و آمرزنده است. (43)

قرآن مبین - مبین موبایل

سکر گفتم که همان اتباع سحر است_ مراجعه شود به هفتاد و دو حجر_ و در اینجا چون سحر متشابه با متشابهات است
یعنی وقتی که محکم را از متشابه تشخیص نمی دهید به صلوه که متشابه طولی با ایمان است نزدیک نشوید تا مبدا به
جای سخن خدا به سخن شیطان ایمان بیاورید و حتی تعلموا ما تقولون همان لم تقولون ما لا تفعلون است_ مراجعه شود
به دو صف_ که متشابه با آن است که تا نفهمیده اید منظور خدا از قرآن چیست از آن پیروی نکنید که باز هم متشابه با
همین است و یعنی در سکر بودن همان قول ما لا تفعل یا ما لا تعلم است که مطابق هم آمده اند

ظاهرا منظور آن است که تا زمانی که سکاری هستید و سخنی می گویید که محکم آن را نمی فهمید به صلاه (ایمان ولایت

امام) نزدیک نشوید و امام اختیار نکنید تا آنکه سخن محکم خدا را بفهمید که امام کیست و مثلاً خدا ابوبکر را انتخاب کرده یا حضرت علی را و اگر نمی دانید اختیار امام نکنید و بیعت نکنید.

سوره النساء

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ [44] آیا آن کسانی را که از کتاب بهره ای داده شده اند، ندیده ای که گمراهی می خریدند و می خواهند که شما نیز گمراه شوید؟ (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهراً در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از سبیل امام است و دلیل آیه ی قبل آمده که عده ای می خواهند مردم از ولایت امام گمراه شوند پس نباید بدون فهم محکم با هرکس که این عده می گویند بیعت کرد.

سوره النساء

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا [48] هرآینه خدا گناه کسانی را که به او شرک آورند نمی آمرزد؛ و گناهان دیگر را برای هر که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک آورد، دروغی ساخته و گناهی بزرگ مرتکب شده است. (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

احتمالاً یعنی تا معبود باطل (شرک) از نظر پاک نشود خدا سوء را از انسان پاک نمی کند و نمی آمرزد اگرچه ظاهراً خدا برای هر گناهی توبه ای گذاشته به شرط آنکه در دعا کردن برای استغفار مشرک نباشیم و ظاهراً این به آن معنا نیست که خدا گناه شرک را نمی آمرزد بلکه به این معنا که خدا با شرک گناه را نمی آمرزد

ظاهراً در ادامه ی آیه ی چهل و سه است و افتری همان قول ما لم يعلم بستن است که همان اختیار ولی ای به غیر از ولی خداست بنابراین ظاهراً منظور از ان الله لا يغفر ان يشرك به عدم آمرزش کسی است که تحت ولایت خدا و ولایت نیست. خدا همه ی امور دین را وقتی نازل می کرد که عموم مردم آمادگی پذیرشش را داشتند وگرنه نازل نمی کرد اما ولایت حضرت علی را وقتی نازل کرد که تعداد پذیرندگان و متقیان کم بود زیرا این گناهی نبست که خدا از آن بگذرد و همان تعداد کم باید آگاه باشند. در اصل خدا در مورد نزول چیزی مامشات می کند که بخششش به آن نزدیک است اما در مورد آنچه سختگیر است و آن معرفی خلیفه ی خود است رحمت و امر عموم را نگاه نمی کند.

سوره النساء

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُلْمُونَ فَتِيلًا [49] آیا آنان را ندیده ای که خویشتن را پاک و بی عیب جلوه می دهند؟ آری خداست که هر که را که خواهد از عیب پاک گرداند. و به هیچ کس حتی به قدر رشته ای که در شکاف هسته خرماست ستم نشود. (49)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از تزکیه ی خود امام معرفی کردن خود به دیگران است و تزکیه متشابه با تقوی است و آن ها دیگران را از هرکسی غیر خود پرهیز می دهند و اینگونه ادعای اله بودن یا امام بودن می کنند در حالی که خدا می گوید بلکه من خودم هرکس را بخواهم به عنوان امام معرفی می کنم و دیگران را از غیر او پرهیز می دهم. برای همین این کار در آیه ی بعد دروغ بستن به خدا معرفی شده. رجوع شود به سی و دو نجم. در اصل پاک جلوه دادن تنها منظور نیست بلکه منظور تقوای آنهاست که هرکس را از غیر خود پرهیز می دهند و امام معرفی می کنند.

سوره النساء

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجَنَّةِ وَالطَّاعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا [51] آیا کسانی را که نصیبی از کتاب داده شده اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان می آورند و در باره کافران می گویند که راه اینان از راه مؤمنان به هدایت نزدیک تر است؟ (51)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با کسانی اند که به حضرت علی (سبیل) ایمان نیاورده اند و به ابوبکر ایمان آورده اند و در ادامه ی آیه ی چهل و چهار است

این ها ظاهرا متشابه با کسانی اند که رهبران یک قومند زیرا کتاب متشابه با شفاعت است و نصیب من کتاب یعنی نصیبی از سروری و رهبری و همچنین یعنی نصیبی از فهم کتب آسمانی که البته می تواند متشابهات باشد زیرا نصیب با کفل متشابه است و کفل برای شفاعت سوء می آید.

سوره النساء

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا [54] یا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته حسد می برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم. (54)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی سی و دو است که بر اینکه خدا به خاطر فضل امامان آنان را سرور مردم کرده حسد می ورزند و ملکشان را نمی تواند ببینند و کتاب و حکمت قرآن و فهم محکم آن باید باشد ظاهرا. و آل ابراهیم امامان.

سوره النساء

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ مِمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءَوكَ يَخْلِقُونَ بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا [62] پس چگونه است که چون به پاداش کارهایی که مرتکب شده اند مصیبتی به آنها رسد، نزد تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما جز احسان و موافقت قصد دیگری نداشته ایم؟ (62)

قرآن مبین - مبین موبایل

مصیبت متشابه با دادن مال و اولاد به امام است و منظور ظاهرا آن است که مال و اولاد خود را صرف دشمنی و جنگ با امام می کنند و وقتی نتیجه ی بد آن معلوم شد می گویند ما قصد اصلاح (که به جای آن توفیق آمده) داشتیم در حالیکه عمل آن ها فساد (جنگ) بوده است

سوره النساء

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا [66] و اگر به آنان فرمان داده بودیم که خود را بکشید یا از خانه هایتان بیرون روید، جز اندکی از آنان فرمان نمی بردند. و حال آنکه اگر اندرزی را که به آنان داده شده است کار می بستند برایشان بهتر و بر اساسی استوارتر بود. (66)

قرآن مبین - مبین موبایل

با توجه به اینکه می دانیم ظاهرا سبک سخن گفتن خدا آن است که چیزی را می گوید که مردم بپذیرند این آیه ظاهرا نشان می دهد برای آن ها بهتر بوده که قتل یکدیگر کنند اما چون عده ی کمی این کار را می کردند پس فرمانش صادر نشده و در روایت داریم: ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: عبارت «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» به خاطر تسلیم در مقابل امام و «أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ» به خاطر رضایت امام و «مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ» یعنی مخالفین «فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ» به لکن خیراً لهم» یعنی در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام. که البته شیعیان کم بودند و حکم در زمان حضرت محمد نازل نشد و بعد از آن قتل بین مسلمانان حکم شد که ظاهرا به خاطر حکم شدن همین آیه است و حضرت علی با دشمنانی که بین مسلمانان بودند جنگید. مشابه این آیه در مورد بنی اسرائیل است که البته در مورد آن ها حکم نازل شد و گفته شد که با یکدیگر بجنگید (اقتلوا انفسکم) که بعضی گمان کرده اند یعنی بیهوده و بدون دسته بندی یکدیگر را بکشید که البته در تفسیر امام حسن عسکری آمده که کسانی که عجل را نپرستیدند کسانی را که

پرستیدند بکشند.

سوره النساء

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا [78] هر جا که باشید ولو در حصارهای سخت استوار، مرگ شما را درمی یابد. و اگر خیری به آنها رسد می گویند که از جانب خدا بود و اگر شری به آنها رسد می گویند که از جانب تو بود. بگو: همه از جانب خداست. چه بر سر این قوم آمده است که هیچ سخنی را نمی فهمند؟ (78)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از سیئه ای که از جانب خداست مرگ است که متشابه با آن آمده است و منظور آن است که هر کاری کنید خدا مرگ را از شما بر نمی گرداند چنانچه داریم و لو کنتم فی بروج مشیده و مرگ از جانب خداست. علت آنکه خدا مرگ را سوء و زندگی را حسنه نامید آن بود که مرگ در نظر آنها بد بود و زندگی خوب بود و خدا به زبان آنها سخن گفت و گفت زندگی شما از جانب خداست و مرگ شما نیز از جانب خداست و نمی توانید مرگ را از خود برانید.

منظور از آن که سیئه ها هم از جانب خداست ظاهرا آن است که این که شما جانتان را در راه خدا فدا کنید از جانب خداست و بعد از جانب خدا در آخرت اجر می گیرید و اما سیئه ای که از جانب مردم است همین جنگ هایی است که علیه امام می کنند و باعث بدبختی خود و دیگران می شوند.

سوره النساء

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا [79] هر خیری که به تو رسد از جانب خداست و هر شری که به تو رسد از جانب خود تو است. تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا به شهادت کافی است. (79)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از سیئه در این آیه بدی هایی است که به انسان به سبب اعمال زشتش می رسد و نه بدی هایی که در راه خدا به او می رسد زیرا آن ها از خدایند نه به این معنی که خدا آن بدی را تشویق کرده است بلکه مومنان را برای دفع آن ها تشویق کرده است و بنابراین بع مومنان اصابت می کند و این اصابت از خداست

سوره النساء

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يُفْقَهُوا قَوْلَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَرْحَمْتُهُمْ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا [83] و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آنها رسد، آن را در همه جا فاش می کنند. و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و اولوالامرشان رجوع می کردند، حقیقت امر را از آنان درمی یافتند. و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می کردند. (83)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اتباع شیطان الا قلیل ظاهرا آن است که از قرآن تفسیر اشتباه می کنید و قرآن شما را گمراه می کند زیرا در آیه قبلش داریم که چرا در قرآن تدبیر نمی کنند و اگر از جانب غیر خدا بود اختلاف زیاد در آن بود که متشابه با آن است که تفسیر آنان از قرآن، قرآن نیست و خدا آن را اتباع شیطان نامیده که اکثریت مردم از آن تبعیت می کنند.

سوره النساء

مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا [85]
هر کس در کار نیکی میانجی شود او را از آن نصیبی است و هر کس در کار بدی میانجی شود او را از آن بهره ای است. و خدا نگهبان بر هر چیزی است. (85)

قرآن مبین - مبین موبایل

مقت برای قول ما لا تفعل می آید که همان دروغ بستن به خداست و اتباع متشابه سخن خدا در کتب آسمانی به جای محکم آن و منظور از شفاعت همان خواندن کتاب بر مردم است (شفاعت متشابه با کتاب است) توسط علمای ادیان که گاهی به اشتباه تعبیر می کنند برای همین داریم من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها که همان نصیبی از کتاب است (الم تر الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب)

سوره النساء

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخَدَّوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا [89] دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید. پس با هیچ يك از آنان دوستی مکنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند. و اگر سرباز زدند در هر جا که آنها را بیابید بگیرید و بکشید و هیچ يك از آنها را به دوستی و یاری برنگزینید. (89)

قرآن مبین - مبین موبایل

هجر همان برداشتن مانع ولایت است (مراجعه کنید به تفسیر هفتاد و دو انفال) و جمله بدیهی است که تا مانع ولایت خود با شما را برداشته اند با آن ها ولایت نداشته باشید. و سبیل الله متشابه با امام است. ودوا لو تکفرون كما كفروا فتکونون سواء معنی حسد است و آنکه می خواهند به علت کفر به ایمان بقیه را هم به ایمان (سبیل) کافر کنند و خدا می گوید از آن ها وای نگیرید تا آنکه مومن به سبیل شوند و هجرت به ایمان کنند.

سوره النساء

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا [97] کسانی هستند که فرشتگان جانشان را می بختانند در حالی که بر خویشتن ستم کرده بودند. از آنها می پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین مردمی بودیم زبون گشته. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مکان اینان جهنم است و سرانجامشان بد. (97)

قرآن مبین - مبین موبایل

مستضعفین طبق تعریف این آیه و آیه بعد کسانی اند که دسترسی به امام ندارند زیرا ارض و سبیل و هجرت برای امام و رسیدن به او می آید همچنین استطاعت. همچنین چون امام حق ندارند بنابراین امام باطل دارند که همان مستکبرانند زیرا مستکبر خلاف مستضعف آمده. و داریم انا کنا لکم تبعاً که یعنی مستضعفین پیرو مستکبرینند

طبق این آیه کسانی که به امام دسترسی ندارند و به سمت او هجرت نمی کنند تا از دین خدا با خبر شوند جهنمی خواهند بود.

سوره النساء

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَّا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا [98] مگر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که هیچ چاره ای نیابند و به هیچ جا راه نبرند. (98)

قرآن مبین - مبین موبایل

مستضعفین همان کسانی اند که به امام دسترسی ندارند و پیرو مستکبرین شده اند بنابراین شیعیان زمان غیبت هم ظاهراً همین گونه اند و اشکالی ندارد که پیرو حکومتی باشند در حالی که ننی دانند حق چیست و امام نیست و حکومتی داشته باشند.

سوره النساء

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا [100] آن کس که در راه خدا مهاجرت کند در روی زمین برخورداریهای بسیار و گشایشها خواهد یافت. و هر کس که از خانه خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده خداست، و خدا آمرزنده و مهربان است. (100)

قرآن مبین - مبین موبایل

هجر متشابه با ضرب فی الارض است و ارض متشابه با امام است و منظور گشتن دنبال امام است

سوره النساء

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا [101] و چون در زمین سفر کنید، گناهی نیست که اگر بیم آن داشتید که کافران به شما زیان رسانند، نماز خویش کوتاه کنید. زیرا کافران دشمن آشکار شما هستند. (101)

قرآن مبین - مبین موبایل

ضرب فی الارض متشابه با هجر و به دنبال امام رفتن است برای همین در سفر طبق این آیه نماز شکسته است همچنین این که ائمه سفر را سفر به سمت امام خوانده اند (ظاهرا امام رضا) درست است زیرا هجر متشابه با رفتن به سمت امام است. و نماز کسی را که برای ملاقات با دشمن امام سفر می کند را کامل خوانده اند زیرا قصر صلوه برای مهاجرت برای یافتن امام است

منظور از قصر صلوه کوتاه کردن ایمان به امام حق است در ظاهر و نه در باطن و آن برای تقیه است و آن اینکه مثلا به ظاهر نشان نمی دهد که به امام حق ایمان دارد و اینگونه از نماز (ایمان) خود بر او کم می کند و آنکه در باطن هم چه حکمی دارد نمی دانم.

سوره آل عمران

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شِقَا حَقِرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [103] و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهاند. خدا آیات خود را برای شما اینچنین بیان می کند، شاید هدایت یابید. (103)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اعتصام به حبل خدا تبعیت از ولایت خداست زیرا خلاف تفرق آمده و تفرق معنی عدم نکاح و ولایت می دهد.

سوره النساء

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ تُولِهِ مَا تَوَلَّىٰ وَتُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا [115]
هر که پس از آشکار شدن راه هدایت با پیامبر مخالفت ورزد و از شیوه ای جز شیوه مؤمنان پیروی کند، بدان سوی که پسند اوست بگردانیمش و به جهنمش افکنیم، و جهنم سرانجام بدی است. (115)

قرآن مبین - مبین موبایل

شقق متشابه با عدم تبعیت و جنگ با امام است و منظور از سبیل امام است و آن یعنی هرکس از رسول تبعیت نکند و از امام پیروی نکند همان کس را که به عنوان ولی انتخاب کرده در قیامت ولی او می کنیم که همان شیطان است که پدر حرامزاده هاست.

سوره النساء

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنْ اللَّهَ جَامِعِ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا [140] و از این پیش، در این کتاب بر شما نازل کرده ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می کنند و آن را به ریشخند می گیرند با آنان منشینید تا آنگاه که به سخنی دیگر پردازند. وگرنه شما نیز همانند آنها خواهید بود. و خدا همه منافقان و کافران را در جهنم گرد می آورد. (140)

قرآن مبین - مبین موبایل

قعد متشابه طولی با سمع است چنانچه داریم مقاعدا للسمع. ظاهرا منظور از لا تتعدوا معهم یعنی با آن ها به استهزایشان گوش ندهید

سوره النساء

وَأُخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [161] و نیز به سبب رباخواریشان و حال آنکه از آن منع شده بودند، و خوردن اموال مردم را به باطل. و ما برای کافرانشان عذابی دردآور مهیا کرده ایم. (161)

قرآن مبین - مبین موبایل

اخذ ربا توسط ائمه ی باطل است که ربا را می خورند و چیزی پس نمی دهند و این اکل آن ها باطل است در حالی که اکل امام حق است و اضعاف مضاعف مانند زمینی که تخم گندم در آن کاشته شده پس می دهد

سوره المائدة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْقُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِيْمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحْلِي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ [1] ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمانها وفا کنید. حیوانات چهارپا مگر آنهایی که از این پس برایتان گفته می شود، بر شما حلال شده اند و آنچه را که در حال احرام صید می کنید حلال مشمارید. خدا به هر چه می خواهد حکم می کند. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

حلل خلاف حرم است و وجه تسمیه حرم به حرام آن است که چیزی که در حرم وارد کردیم که همان آخرت است ذبح و کاشتش برای رسیدن به چیزی بهتر حرام است زیرا از آخرت بهتر نیست برای همین موجودات حرم هم در امانند زیرا در بهترین جای ممکنند.

سوره المائدة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَتْلَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَقُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ [2] ای کسانی که ایمان آورده اید، شعایر خدا و ماه حرام و قربانی را چه بدون قلاده و چه با قلاده حرمت مشکنید و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیت الحرام کرده اند، روا مدارید. و چون از احرام به در آمدید صید کنید و دشمنی با قومی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند و ادارتان نسازد که از حد خویش تجاوز کنید، و در نیکوکاری و پرهیز همکاری کنید نه در گناه و تجاوز. و از خدای بترسید که او به سختی عقوبت می کند. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

شعائر باید جمع شعار و متشابه با شاعر باشد و متشابه با فقیهانی که کامل سخن خدا را دریافت کرده اند و همان ائمه باید منظور باشند (برعکس الشعرا يتبعهم الغاوون) و حلال شمردن آن ها همان باز کردن سنگ مولایی آن ها از خود است و تاویل دیگر آن کشتن آن هاست

سوره المائده

حَرَمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالِدَمَّ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِعَبْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَبِقَةَ وَالْمَوْقُوذَةَ وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَالنَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى الثُّنْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقُ الْيَوْمِ الْيَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ [3] حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا درافتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آنکه ذبحش کنید. و نیز هر چه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید که این کار خود نافرمانی است. امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم. پس هر که در گرسنگی بی چاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

حرام متشابه با سنگ است و آن خوراکی است که در بدن حل نمی شود و سنگ است و مطیع نمی شود بلکه خود مطیع کننده ی دیگران است اینان مانند کافران هستند که در سپاه اسلام خبالند و مطیع نمی شوند اما مومنان مطیع خدایند و حل کردن آن ها در خود اشکالی ندارد

یئس الذين كفروا من دينكم يأس همان نامیدی از دوباره اتفاق افتادن است و ظاهرا منظور آن است که کافران مایوس شدند از آنکه دین شما که پدید آمده دوباره از بین برود و دینتان به حالت قبل از اسلام برگردد و این همان محکم شدن دین است که سوره ی مائده ناسخ است و قرآن را محکم می کند از اسلام برگردد و این همان محکم شدن دین است که سوره ی مائده ناسخ است و قرآن را محکم می کند و ظاهرا کفار گمان می کرده اند اگر پیامبر بمیرد اسلام نابود می شود اما خدا می گوید با امامت آن را قوام دادم و آن ها را مایوس کردم

فسق دو حرفه شدن و کفر بعد از ایمان است و یأس همان دوباره اتفاق افتادن امری است و خدا فسق را در این آیه معرفی می کند و بعد می گوید دینتان را با این کار تمام کردم تا هیچ وقت سراغ فسق نروید و به این ترتیب دیگر کافر نمی شوید و یأس کفار از همین است

سوره المائدة

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ [5] امروز چیزهای پاکیزه بر شما حلال شده است. طعام اهل کتاب بر شما حلال است و طعام شما نیز بر آنها حلال است. و نیز زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب، هرگاه مهرشان را بپردازید، به طور

زناشویی نه زناکاری و دوست گیری، بر شما حلالند. و هر کس که به اسلام کافر شود عملش ناچیز شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

کفر متشابه با حل است و کفر به ایمان همان حل کردن و آزاد کردن و نرم کردن سنگ ایمان است که در ادامه ی توضیح - لال و حرام در آیات قبل آمده و ایمان همان حرام و کفر همان حل کردن است

سوره المائدة

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْحِكُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ [52] آنهايي را که در دل مرضی دارند می بینی که به صحبتشان می ا شتابند، می گویند: می ترسیم که به ما آسیبی رسد. اما باشد که خدا فتحی پدید آرد یا کاری کند، آنگاه از آنچه در دل نهان داشته بودند پشیمان شوند. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

ندامت به علت عمل با جهالت رخ می دهد چنانچه داریم اذا جاءكم فاسق ببناء فتبينوا ان تصيبوا قوما بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم نادمين و اين ها چون بیشتر از عذاب قيامت (امر من عندالله) از دائره ی دشمنان ترسيده اند جاهلند(کسی که پیرو متشابهات می شود) و برای همین نادم می شوند

سوره المائدة

وَإِذَا تَادَبْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ [58] و چون بانگ نماز کنید آن را به مسخره و بازیچه گیرند، زیرا مردمی هستند که نمی اندیشند. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

صلات متشابه با جهاد فی سبیل الله و صرف کردن اموال و انفس است که جاهلان به خاطر پیروی متشابهات اموال دنیا را به آخرت ترجیح می دهند و برای همین در اینوتجارت (جهاد) وارد نمی شوند و عاقل نیستند

سوره المائدة

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ [66] و اگر تورات و انجیل و آنچه را که از جانب خدا بر آنها نازل شده بر پای دارند، از فراز سر و زیر پایشان روزی بخورند. بعضی از ایشان مردمی میانه رو هستند و بسیاریشان بدکردارند. (66)

قرآن مبین - مبین موبایل

لاكلوا من فوقهم متشابه با روزی خوردن از بالادست است که همان خداست که باران را می بارد بعد از آنکه از مردم از غیر خدا نا امید شدند و از تحت ارجلهم همان است که انسان تخم را بر زیر دست (پیرو) خود می کارد و از آن هفتصد تخم بیرون می آید و از آن می خورد که یعنی اگر آنچه خدا می بارد را اقامه کرد دوباره از زمین چند برابرش به دست می آید و از آسمان نیز دوباره باریده خواهد شد. همچنین زبِق آیه ی بعد منظور از اقامه ی تورات و انجیل و ما انزل الیهم من ربهم انتخاب امام از طرف خداست زیرا در آیه ی بعد منظور از ما انزل الیک من ربک منظور چنانچه گفتم امام است و باز سخن ما موافق این سخن ائمه است که اگر حضرت علی را انتخاب کرده بودند از بالای سر و زیر پایشان روزی می خوردند و آن سخن مربوط به همین آیه است و امام است که تورات و انجیل و قرآن را بعد از رسول نگهداری می کند تا برداشت غلط از آن ها رخ ندهد و بنابراین اقامه کردن آن ها توسط امام و پیروی از اوست.

به طور کلی خدا به دو طریق روزی می دهد از آسمان که همان انزال و جایی است که انسان حسابش را نمی کند و خارج از حساب است و از زمین و زیر پا که همان اقامه ی انزال های سابق خداست و قابل حساب است

سوره المائدة

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ [67] ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده ای. خدا تو را از مردم حفظ می کند، که خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به بیست و یک زمر

سوره المائدة

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ [91] شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا بس می کنید؟ (91)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به دویست و نوزده بقره

منظور از صلاه ولایت است که متشابه با سخن محکم خداست و در برابر خمر آمده که آمیخته ی حق و باطل شیطان است

منظور از عداوت و بغضا متشابه با اختلاف دینی و مذهبی است زیرا داریم

قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا

خمر و میسر متشابه با چیزی است که این اختلافات را درست می کند و براید همین وقتی داریم بگو چه چیز بیخشم می گوید عفو یعنی سخن خدا را اگر باعث اختلاف بین اقوام می شود نگوئید و صرف نظر کنید که به منزله ی خمر و میسر است

سوره المائدة

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَقْلِحُونَ [100] بگو: ناپاک و پاک برابر نیستند، هر چند فراوانی ناپاک تو را به اعجاب افکند. پس ای خردمندان، از خدای بترسید، باشد که رستگار گردید.
(100)

قرآن مبین - مبین موبایل

کثره خبیث همان تفسیر کافران مومن از قرآن است رجوع شود به پنج رعد

سوره المائدة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن بُدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِن سَأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ [101] ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که چون برای شما آشکار شوند اندوهگینتان می کنند، میرسید. و اگر سؤال از آنها را واگذارید تا به هنگام نزول قرآن، برایتان آشکار خواهد شد. خدا از آنها عفو کرده است که آمرزنده و بردبار است. (101)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با بدت لها سواتهماست و تسوكم یعنی برای شما عورت است و باید پوشیده باشد زیرا سوات یعنی عورت ها و به علت این تشابهات پس سوال متشابه با خوردن از آن درخت است بنابراین آن درخت همان طور که در تورات آمده درخت آگاهی است. این آگاهی همان آگاهی از لهو حدیث است که از سخن خدا گمراه می کند و خوردن از آن حین نزول قرآن یعنی پیرو تشابهات قرآن شدن

سوره المائدة

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ [117] من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی نگفتم. گفتم که الله پروردگار مرا و پروردگار خود را بپرستید. و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیدتشان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیدتشان گشتی. و تو بر هر چیزی آگاهی. (117)

قرآن مبین - مبین موبایل

شاهد به کسی می گویند که گواهی می آورد که محکم و متشابه را از هم جدا کند و باز ظاهرا حضرت عیسی بر این قول که پسر خداست تا زمانی که روی زمین بوده گواه می آورده که مردم تاویل غلط بر آن نبرند.

سوره الأنعام

الگوی کلی سوره ظاهرا در مورد اجل دنیوی و ایمان مردم به آن و اجل اخروی(مسمی) و امتری و تکذیب و کفر مردم به آن است

سوره الأنعام

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ [2] اوست که شما را از گل بیافرید و عمری مقرر کرد؛ مدتی در نزد او معین. با این همه، تردید می ورزید. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

اجل متشابه با نعمت است منظور از اجل اول باید نعمت دتیا و منظور از اجل مسمی که نزد خداست باید نعمت آخرت باشد و مری هم متشابه با تکذیب و عدم دریافت است و منظور باید عدم دریافت از نعمت آخرت باشد.

سوره الأنعام

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ تَقَفًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بَأْيَةٌ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهَدْيِ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ [35] اگر اعراض کردن آنها بر تو گران است، خواهی نقبی در زمین بجوی یا نردبانی بر آسمان بنه تا معجزه ای برایشان بیاوری. اگر خدا بخواهد، همه را به راه راست برد. پس، از نادانان مباش. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که خدا به حضرت نوح گفت لا تخاطبني في الذين ظلموا انهم لمفرقون اعطك ان تكون من الجاهلين و جهل آن است که متشابه را طلب کنی و در این آیه و آیه ی بعد داریم که مردگان را به ما نخوان و پند به رسول است که از جاهلان نباش تا مبدا مردگان را به امر ما بخوانی زیرا آنها را هدایت نمی کنیم. احتمالا منظور آن است که پیامبر معصوم از خواندن مردگان به دین است.

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغِضِ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ [65] بگو: او قادر بر آن هست که از فراز سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد، یا شما را گروه گروه درهم افکند و خشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند. بنگر که آیات را چگونه گوناگون بیان می کنیم. باشد که به فهم دریابند. (65)

قرآن مبین - مبین موبایل

عذاب من فوقکم متشابه با عذاب بالا دستان است که هر کس را از فرمانشان سرپیچی کند عذاب می کنند زیرا فوق متشابه با علی و سوار بودن است و من تحت ارجلکم متشابه با عذاب زیردستان است که از فرمان بالادستان سرپیچی می کنند و با آن ها می جنگند و نرم نمی شوند و یلبسکم شیعا لبس همان سواری است و سوء مولا بر بنده و شیع اگر همان پیروی باشد مطابق است با فرم کلی آیه. و اینکه بعض بر بعض باس را می چشند متشابه با همان زیر دستان و بالادستان است زیرا بعض همان درجه و مرتبت است که باعث مولایی و بندگی می شود. همچنین متشابه با نه سبا است.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ [103] چشمها او را نمی بینند و او بینندگان را می بیند. دقیق و آگاه است. (103)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور هز لطیف آن است که نسبت به او شعور و درک پیدا نمی کنند زیرا لطف متشابه طولی با شعر و فهم محکم از متشابه است این مسئله ظاهرا متشابه با آن است که بندگان در مورد سخن خدا به اشتباه می افتند زیرا سخن خدا هم لطیف است و فهم محکم آن برای بندگان سخت است و لطیف ظاهرا همان لا تدرکه الابصار و خبیر همان و هو یدرک الا بصر است که بصر در اینجا متشابه با میل فرد به انجام عمل محکم (آخرت) یا متشابه (دنیا) است و همان لیلو اخبارکم است (لیدرک ابصارکم) که متشابه آن آمده.

وَكذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ [123] و بدین سان در هر قریه ای مجرمانشان را بزرگانشان قرار دادیم تا در آنجا مکر کنند، ولی نمی دانند که جز با خود مکر نمی ورزند. (123)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از و ما یمکرون الا بانفسهم آن است که با نرفتن به قتال علیه دشمنان انبیا و ... و انتخاب دنیا فقط باعث می شوند که آخرت خود را از دست بدهند زیرا مکر خدا چنانچه در نود و نه اعراف و شانزده احزاب آمد همان است که دنیا را به آنها داده است و آخرت را بازستانده.

سوره الأنعام

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ [165] اوست خدایی که شما را خلیفگان زمین کرد، و بعضی را بر بعض دیگر به درجاتی برتری داد، تا شما را در چیزی که عطایتان کرده است بیازماید. هر آینه پروردگارت زود کیفر می دهد و او آمرزنده و مهربان است. (165)

قرآن مبین - مبین موبایل

در آیه ای دیگر داریم

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

که منظور از خلائف الارض و ابتلا فی ما اتاکم همان یا متشابه با مستخلفین نعمت ها و انفاق آنهاست و رفع بعضکم فوق بعض ظاهرا یعنی تا ببیند شما از آنچه خدا به شما داده در زمین (آنچه بر آن رفعت دارید، زبردست، همسر) می کارید (تا خدا در آن نعمت را رشد دهد و در آخرت به شما بازگرداند) در اصل چون نعمت های دنیا نتشابه و نعمت های آخرت محکمند خدا اینگونه ابتلا می کند تا معلوم کند چه کسی پیرو محکم و چه کسی پیرو متشابه است.

سوره الأعراف

سوره الأعراف

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ [2] کتابی است که بر تو نازل شده، در دل تو از آن تردیدی نباشد، تا به آن بیم دهی و مؤمنان را پندی باشد. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه یادآور آیات سی و هشت و سی و نه سوره احزاب و تفسیر آن هاست صدر متشابه با جوف آمده که در اول سوره آمده دو قلب در یک سینه نیست و نذر متشابه با سنت. ظاهرا متشابه با آن است که کتاب سوره ی اعراف برای آن است که حضرت محمد ابلاغ رسالت در آن انجام دهد (چون هم ممکن است حرف امنیه زده شود که مخلوط محکم و متشابه است و هم ممکن است نذر باشد که برای نسخ متشابهات آورده می شود) ظاهرا منظور از حرج در سینه تو نیست آن است که

خدا می خواهد اعمالی را بر حضرت محمد حمل کند که موجب فهم مومنان از حلال و حرام و محکم و متشابه شود. حرج همان چیزی است که مانع ابلاغ رسالت می شود (مانع نذر) چنانچه در سی و هشت و سی و نه احزاب هم داشتیم که سنت خداست که بر نبی حرج نباشد و سنت متشابه با حافظ است پس حرج همان متشابهات و موانع محکم شدن سخن است

سوره الأعراف

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ [13] گفت: از این مقام فرو شو. تو را چه رسد که در آن گردنکشی کنی؟ بیرون رو که تو از خوارشدگانی. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

کبر متشابه با عدم تبعیت از امام است چنانچه داریم ان فی صدورهم الا کبر ما هم ببالفیه که بلاغ و وظیفه ی امام است و کسی که در سینه اش کبر است به بلاغ نمی رسد و در اینجا ظاهرا شیطان می گوید از آدم تبعیت نمی کنم و سجده به تو به واسطه ی او نمی کنم و او را امامی که سخن و راه تو را بلاغ می کند نمی گیرم و می گوید انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقتنه من طین که این امر را ظاهرا برای جدل می زند و جدل یعنی آنکه خود را جایگزین او برای امامت جلوه دهد و بگوید که خدایا مرا امام قرار ده و دلیل آنکه می گویم این جمله را جهت جدل گفته آن است که کلمه خیر برای جدل می آید چنانچه داریم قالوا أَلْهَيْتَنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاَّ جَدَلًا

سوره الأعراف

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ [19] ای آدم، تو و همسرت در بهشت مکان گیرید. از هر جا که خواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک مشوید که در شمار بر خویش ستم کنندگان خواهید شد. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

این درخت درخت آگاهی است رجوع شود به صد و یک مائده

سوره الاعراف

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْتَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ [27] ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبند، همچنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند، لباس از تنشان کند تا شرمگاهشان را به ایشان بنمایاند. او و قبيله اش از جایی که آنها را نمی بینید شما را می پهنند. ما شیطانها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

رای متشابه با دیدن آیات است و آن همان فهم محکم است و ظاهرا منظور از من حیث لا ترونهم آن است که شما نمی فهمید که آن ها شیطانند و نه سخنان خدا و گمان می کنید آن ها همان خدا و سخنان او هستند. برای همین در آیه ی بعد می گویند الله امرنا بها که شیطان را این ها ندیده اند و گمان می کنند خدا این سخن را گفته است. بنابراین فرد به کسی نیاز دارد که شیطان را ببیند و این آیه عام است اما خاص انسان های به غیر از امام آمده و امام همان کسی است که هنگام سجود باید به حرف او توجه کرد تا شیطان را به جای خدا اطاعت و پرستش و دعا نکرد و امام همان زینتی است که داریم خدوا زینتکم عند کل مسجد زیرا زینت همان نسخ کننده ی شیطان و متشابهاات از آسمان است.

سوره الاعراف

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [28] چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را نیز چنین یافته ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو: خدا به زشتکاری فرمان نمی دهد. چرا چیزهایی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟ (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

فاحشه زناست چنانچه داریم انه كان فاحشه و ساء سببلا و زنا همان است که بنده به جای شوهر خود که در عقد اوست و آن خداست به دیگری گوش کند و بذر او را بکارد که آن دیگری همان شیطان است و این همان قول ما لا تعلم و ما لا يفعل است چون شیطان وجوه متشابه قرآن را می گوید و آن ها که علم ندارند گمان می کنند سخن خداست و گمراه می شوند و این عمل فاحشه است.

سوره الاعراف

يَا بَنِي آدَمَ خذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِقُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ [31] ای فرزندان آدم، به هنگام هر عبادت لباس خود بپوشید. و نیز بخورید و بیاشامید ولی اسراف مکنید، که خدا اسرافکاران را دوست نمی دارد. (31)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از زینت امام و سخن اوست مراجعه شود به آیه ی بیست و هفت

در آیه ی بیست و هفت داریم شیطان از جایی که شما آن را نمی بینید شما را می بیند انه یراکم هو و قبيله من حیث لا ترونهم و برای همین باید رجومی قرار داد تا شما را نبیند چنانچه داریم جعلنا فی السماء بروجاً و زینها للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم برای همین داریم خذوا زینتکم عند کل مسجد تا شیطان به شما ننگرد و عورتتان در مساجد از شیطان حفظ شود همچنین در صورتی که زینت منع کننده ی شیطان در مسجد همراه انسان نباشد انسان نمی تواند شیطان را دفع کند و چون مسجد یعنی محل سجده و خواندن خدا او به اشتباه همراه خدا شیطان را هم می خواند و مرتکب فحشا می شود برای همین داریم ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا و داشتیم ان ربی بالقسط و ان اقیموا و جوهکم عند کل مسجد که منظور از اقامه خواندن خدا به توحید است.

اسراف متشابه با بسط است بنابراین اسراف نکردن ظاهراً شامل پرخوری نکردن نیز هست همچنین اسرافکار احتمالاً به این علت نکوهش شده است که بیش از نیاز خود در دنیا بر می دارد و برای آخرت آن را مصرف نمی کند و خست می ورزد همچنین قتر که خلاف اسراف است منظور گوش ندادن به سخن خداست و سرف به تبع آن گوش دادن به سخن شیطان است بنابراین بخورید و اسراف نکنید ظاهراً یعنی به سخن خدا گوش دهید و به شیطان نه

این آیه در اصل حکمی است که در تفسیر آیه ی چهارده رعد به آن اشاره شده بود که برای خواندن خدا نیاز به انعامی دارید که شما را به مقصد برسانند و حال داریم خذوه عند کل مسجد.

سوره الأعراف

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ [34] هر امتی را مدت عمری است. چون اجلشان فراز آید، يك ساعت پیش و پس نشوند. (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

اجل متشابه با نعمت است و قدم متشابه با دنیا و اخر متشابه با آخرت ظاهراً متشابه است با آنکه هنگامی که اجل (دستمزد عمل) تمام می شود نه دنیا باقی می ماند (می میرند) و نه آخرت (در آخرت در عذابند که متشابه با مردگانند)

سوره الأعراف

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ [58] و سرزمین خوب گیاه آن به فرمان پروردگارش می رابوید، و زمین بد جز اندک گیاهی از آن پدید نمی آید. برای مردمی که سپاس می گویند آیات خدا را اینچنین گونه گون بیان می کنیم. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

بلد طیب امام حق و بلد خبیث امام باطل است و آنان قرآن که آب باران است را تحویل می گیرند و امام حق باذن پروردگارش سخن قرآن را تاویل به حق می کند و سخن خود را از دهان خارج می کند و امام باطل نکد می گوید همچنین تاویل دیگر آنکه امام حق رزق مردم را به آن ها پس می دهد اما امام باطل نکد پس می دهد

سوره الأعراف

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِقُونَ [81] شما به جای زنان با مردان شهوت می رانید. شما مردمی تجاوزکار هستید. (81)

قرآن مبین - مبین موبایل

اسراف متشابه با دادن نعمت به نا اهل است و چون لواط ریختن عشق و منی و شهوت در مردان است که برای این کار نااهلند از اسراف استفاده شده

سوره الأعراف

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِذَا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ [99] آیا پنداشتند که از مکر خدا در امانند؟ از مکر خدا جز زیانکاران ایمن نشینند. (99)

قرآن مبین - مبین موبایل

خاسر یعنی دریافت نکننده که منظور دریافت نکننده نعمت آخرت است و خاص آمده و ایمان از مکر خدا منظور از مکر متشابه با خدعه آمده که در اوائل بقره آمد که خدعه آنها این است که مومنان را در دنیا به جز کمی همراهی نمی کنند و دنیا را بیشتر طلب می کنند و خدعه ی خدا این است که دنیا را مدت کمی قرار داده که تمتع می کنند و آخرت را از آنها دریغ داشته و مکر سوء هم همین است که مومنان را در دنیا کمک نمی کنند تا بیشتر تمتع ببرند اما خدا دنیا را کم قرار داده و آنها را در دنیا متمتع کرده اما در آخرت تمتعی نمی برند. بنابراین ایمان از مکر خدا که از گناهان کبیره ذکر شده احتمالاً همین است که فرد به خاطر دنیا مومنان را همراهی نکند همچنین باید گفت که تمتع آنها در دنیا به این معنی نیست که آنها وضع خوبی دارند و مومنان ندارند بلکه منظور تمتع کم آنها از خدعه و مکرشان است که در ازای همراهی نکردن مومنان مقداری وضع دنیایشان بهتر می شود(مثلاً به جنگ نمی روند و کشته و زخمی نمی شوند) اما در ازای آن آتش جهنم را برای خود خریده اند.

منظور از مکر خدا خسف ارض و عدم دسترسی به امام است. مراجعه شود به چهل و پنج نحل

سوره الأعراف

أولم يهد للذين يرثون الأرض من بعد أهلها أن لو نشاء أصبتهم بطوبهم وتطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون [100] آیا برای آنان که زمین را از پیشینیان به ارث برده اند، باز نموده است که اگر بخواهیم آنها را نیز به کیفر گناهانشان به عقوبت می رسانیم و بر دلهایشان مهر می نهیم تا شنیدن نتوانند؟ (100)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از يرثون الارض من بعد اهلها اشاره به خسف ارض است که در آیه ی قبل با عبارت مکرالله آمد.

سوره الاعراف

ولقد أخذنا آل فرعون آل بالسین وتقص من الثمرات لعلهم يدکرون [130] قوم فرعون را به قحط و نقصان محصول مبتلا کردیم، شاید پند گیرند. (130)

قرآن مبین - مبین موبایل

سین جمع سنت و سنت متشابه با نذر است یعنی بر آنها هرگاه کج می رفتند سخت گرفته می شد چنانچه این معنی با آیه ی بعد هم هماهنگ است. همچنین است معنای نقص که به معنای هرس کردن متشابهات است.

سوره الاعراف

فإذا جاءتهم الحسنة قالوا لنا هذه وإن تصبهم سيئة يطيروا بموسى ومن معه ألا إنما طائرهم عند الله ولكن أكثرهم لا يعلمون [131] چون نیکی نصیبشان می بهد می گفتند: حق ماست. و چون بدی به آنها می راسید، موسی و همراهانش را بدشگون می دانستند. آگاه باشید، آن نیک و بد که به ایشان رسد از خداست، ولی بیشترینشان نمی دانند. (131)

قرآن مبین - مبین موبایل

طائر همان غل عنق است چنانچه داریم کل انسان الزمانه طائره فی عنقه که متشابه با مانع دریافت نعمت است

سوره الاعراف

وكتبنا له في الألواح من كل شيء موعظة وتقصيلا لكل شيء فخذها بقوة وأمر قومك يأخذوا بأحسنها سأريكم دار القاسقين [145] برای او در آن الواح هر گونه اندرز و تفصیل هر چیز را نوشتیم. پس گفتیم: آن را به نیرومندی بگیر، و قومت را بفرمای تا به بهترین آن عمل کنند، به زودی جایگاه نافرمانان را به شما نشان دهم. (145)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسن متشابه با احکم است متشابه با آن است که به محکم ترین کتاب عمل کنید و پیرو متشابهات نشوید

سوره الاعراف

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أُعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [147] و اعمال آنان که آیات ما و دیدار قیامت را دروغ انگاشتند، ناچیز شد. آیا جز در مقابل کردارشان کیفر خواهند دید؟ (147)

قرآن مبین - مبین موبایل

لقا یعنی دریافت یا متشابه با دریافت است و تکذیب آن یعنی دریافت نکردن دریافت نعمت در آخرت که حبط عمل نامیده شده و در صد و سه تا صد و پنج کهف خسران نامیده شده. و واضح است و جمله ای بدیهی است که هرکس که از دریافت آخرت به خاطر اعمال نیک دنیوییش محروم باشد پس او دریافت نکننده ی نعمت آخرت است.

سوره الاعراف

وَمَنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أَمَّهٖ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ [159] گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می نمایند و به عدالت رفتار می کنند. (159)

قرآن مبین - مبین موبایل

امت متشابه با امام است که در آیه ی بعد هم دوازده عدد ذکر شده و اسباط هم نامیده شده.

سوره الاعراف

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَتَرِدُ الْمُحْسِنِينَ [161] و به آنان گفته شد که در این قریه سکونت کنید و هر جا هر چه خواهید بخورید و بگویید که گناهان ما را بریز و سجده کنان از دروازه داخل شوید، تا گناهانتان را بیامرزیم. به پاداش نیکوکاران خواهیم افزود. (161)

قرآن مبین - مبین موبایل

قریه متشابه با ارض و ولایت خداست که محکم را بیرون می دهد و داخل شدن به در در حال سجده یعنی فرمانبردار امامتان باشید چنانچه در تفسیر لیس البر ان تاتوا البيوت من ظهورها و لكن ان تاتوا البيوت من ابوابها داشتیم و سجده همان خواندن خداست که باید به همراه زینت باشد چنانچه در خذوا زینتکم عند کل مسجد گفتیم که متشابه با ادخلوا الباب سجدا است. و وارد شدن از باب همان زینتی است که باید هنگام سجده داشته باشند و باب قرآن و کتب آسمانی حضرت علی و امامانند که محکم آن را می گویند.

سوره الاعراف

وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحَبَّتِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَاقِلُونَ [179] برای جهنم بسیاری از جن و انس را بیافریدیم. ایشان را دلهایی است که بدان نمی فهمند و چشمهایی است که بدان نمی بینند و گوشهایی است که بدان نمی شنوند. اینان همانند چارپایانند حتی گمراه تر از آنهایند. اینان خود غافلانند. (179)

قرآن مبین - مبین موبایل

اعین لا ببصرون بها ظاهرا متسابه با آن است که امامان در میان آنهایند اما به آن ها مراجعه نمی کنند تا فهم محکم پیدا کنند زیرا عین و ینبوع متسابه با امامند

سوره الاعراف

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ [181] از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق راه می نهمایند و به عدالت رفتار می کنند. (181)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظو از امه امام است چنانچه در آیه ی بعد صحبتش کامل می شود

سوره الاعراف

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَتَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ [182] و آنان را که آیات ما را دروغ انگاشتند، از راهی که خود نمی دانند به تدریج خوارشان می بهازیم. (182)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه قبل است و استدراج متشابه با همان درجه یافتن بر دیگران است که خدا به کافران می دهد اما علت آن چیست؟ آن اینکه لایعلمون اما ما که امام را نمی شناسند و قبول ندارند تا به او نعمت خود را دهند و بنابراین مالدار می شوند و به مومنان استدراج می یابند و آنان را زبردست خود می کنند مراجعه شود به سی و سه زخرف این ها به خاطر آنکه علم ندارند که باید نعمت را به آخرت بفرستند کم کم نسبت به دیگران درجه ی مالی می یابند.

سوره الأنفال

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ [6] با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده درباره آن با تو مجادله می کنند، چنان قدم برمی دارند که گویی می بینند که آنها را به سوی مرگ می برند. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

جدال نسخ کردن متشابه برای روی کار آوردن محکم است و یجادلونک فی الحق یعنی می خواهند بعد از اینکه حق مشخص شده و متشابهات نسخ شده حق را حذف کنی و متشابهش را روی کار آوری.

سوره الأنفال

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ [7] و به یاد آر آنگاه را که خدا به شما وعده داد که یکی از آن دو گروه به دست شما افتد و دوست داشتید که آن گروه که عاری از قدرت است، به دست شما افتد، حال آنکه خدا می خواست با سخنان خویش حق را بر جای خود نشانده و ریشه کافران را قطع کند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

قطع همان عدم وصل و عدم تبعیت است و متشابه با عدم قوام و شجره ی خبیثه است که چون این ها روی زمین قوام

ندارند و از امام تبعیت نمی کنند متشابه با آن از زمین هم دابرشان قطع خواهد شد که یعنی کافر کسی است که در آسمان از امام تبعیت نمی کند و عضو غیر منشعبه است پس بهتر است در زمین هم از زمین تبعیت نکند و از روی آن قطع شود و نباشد.

سوره الأنفال

إِذْ يَغْشَىٰ كُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةٌ مِّنْهُ وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ [11] و به یاد آر آنگاه را که خدا چنان ایمنیتان داده بود که خوابی سبک شما را فروگرفت و از آسمان برایتان بارانی بارید تا شست و شویتان دهد و وسوسه شیطان را از شما دور کند و دلهاتان را قوی گرداند و قدمهاتان را استوار سازد. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

یربط علی قلوبکم احتمالا ربط قلوب با حضرت رسول الله است ربط متشابه با الف و ثبات دادن است و همان وصل است که خلاف قطع است و آن همان پایداری شجره ی طیبه بر اصلش است که در اینجا اصل آن باید حضرت رسول الله و ربط آن میل مسلمانان به آن جناب باشد

سوره الأنفال

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [41] و اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه به هم رسیدند نازل کرده ایم ایمان آورده اید، بدانید که هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است. و خدا به هر چیز تواناست. (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

روز فرقان ظاهرا همان روز معرفی امام است چنانچه فرقان همان قرآنی است که به امام داده شده است (رجوع شود به یک فرقان) و آنچه بر عبدنا نازل شده احتمالا همان بینه ی مشخص کننده ی امام است و معرفی امام است و بینه در آیه ی بعد همان محکم کننده ی متشابهات قرآن باید باشد که با فرق (مکت، صبر) نازل می شود و روز تقی جمعان همان جمعه ی معرفی یمانی باید باشد زیرا روز جمعه به صلوه ندا داده می شود و صلوه همان ایمان است و ایمان همان یمانی و ولایت و حضرت علی است

سوره الأنفال

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدُوَّةِ القُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِ فِي المِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةِ وَيْحِي مَنْ حَيَّ عَن بَيْتَةِ وَإِنَّ اللهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ [42] شما در کرانه نزدیک تار بیابان بودید و آنها در کرانه دورتر بودند و آن قافله در مکانی فروتر از شما بود. اگر شما با یکدیگر زمان جنگ را تعیین می کردید باز هم از آن تخلف می ورزیدید تا کاری که خدا مقرر کرده است واقع شود، تا هر که هلاک می شود به دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند به دلیلی زنده ماند. هرآینه خدا شنوا و داناست. (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

لیهک من هک و یحیی من حی ظاهرا متشابه با لیحق الحق است و هک و حی اول به معنای مردن و زنده بودن دنیوی و هک و حی دوم به معنی مردن و زنده بودن اخروی است که یعنی آن ها که در آخرت مردگانند با خود متشابهی در دنیا هم هلاک شوند و زندگان زنده بمانند.

سوره الأنفال

إِنَّ الذِّينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالذِّينَ آوُوا وَتَصَرُّوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالذِّينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النُّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [72] آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده اند و آنان که به مهاجران جای داده و یاریشان کرده اند، خویشاوندان یکدیگرند. و آنان که ایمان آورده اند و مهاجرت نکرده اند خویشاوندان شما نیستند تا آنگاه که مهاجرت کنند. ولی اگر شما را به یاری طلبیدند باید به یاریشان برخیزید مگر آنکه بر ضد آن گروهی باشد که میان شما و ایشان پیمانی بسته شده باشد. و خدا به کارهایی که می کنید بیناست. (72)

قرآن مبین - مبین موبایل

هجر متشابه با ضرب فی الارض برای پاک شدن سنگ و رسیدن به ارض است و ارض متشابه با امام است و اینکه داریم اگر هجر نکنند ولایت ندارند بدیهی است و یعنی اگر مانع ولایت را برندارند ولایت ندارند.

سوره التوبة

سوره التوبة

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ [6] و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس به مکان امنش برسان، زیرا اینان مردمی نادانند. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

جئر متشابه با انابه است و آن همان کسی است که هیچ پناهی در درماندگی به غیر از به خدا ندارد و استجارک متشابه با آن است که از دست دشمنان مضطر شده بود و پناهی به غیر از به خدا یا رسولش نداشت پناهی بده چنانچه خدا خود وقتی مشرکان انابه می کنند آن ها را پناه می دهد چنانچه فرعون را بارها پناه داد. و دین حق و خودمتشابهی حکم می کند که ما نیز مشرک درمانده را پناه دهیم تا سخن خدا را بشنود زیرا وقت شنیدن سخن خدا هنگام درماندگی است.

سوره التوبة

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ [17]
مشرکان را نرسد که در حالی که به کفر خود اقرار می کنند مسجدهای خدا را عمارت کنند. اعمال آنها ناچیز شده و در آتش جاویدانند. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

عمر خلاف نقص است و نقص چون معنی عدم قوام می دهد آنگاه عمران معنی قوام دار کردن مساجد را می دهد که متشابه کردن مساجد زمین با آسمان است زیرا مساجد آسمان و حرم امن خدا در آسمان خود به خود قوام دار است و نیاز به عمران ندارد و هرچه در آن وارد شود نقص نمی شود و باقی می ماند

سوره التوبة

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ [29] با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند جنگ کنید، تا آنگاه که به دست خود در عین مذلت جزیه بدهند. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراعات دین حق (یدینون دین الحق) همان متشابه کردن زمین با آسمان است زیرا حق همان محکم است و وقتی فرد حق را مراعات کرده که از آن تبعیت کرده باشد و چون تبعیت کننده متشابه با تبعیت شونده است بنابراین تبعیت از حق به معنی متشابه شدن با آن است زیرا تابع با متبوع متشابه است و این همان منجر شدن به دین حق و خودمتشابهی است. یا آنکه داریم اتبعوا الحق من ربکم که نتیجه ی آن متشابه شدن با حق است و منجر به خودمتشابهی عمومی جهان می شود.

سوره التوبة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [34] ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از خبرها و راهبان اموال مردم را به ناشایست می خورند و دیگران را از راه خدا باز می دارند. و کسانی را که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی کنند، به عذابی دردآور بشارت ده؛ (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل متشابه با امام است و اینکه داریم صد عن سبیل اللّٰه می کنند یعنی اموال و انفس را به امام نمی دهند زیرا کار امام بردن اموال و انفس از دنیا به حرم آمن است برای همین داریم یاکلون اموال الناس بالباطل که یعنی آن ها را در امر دنیا و ... صرف می کنند و در ادامه نیز از کسانی یاد شده که آن ها را ذخیره می کنند و به امام نمی دهند.

سوره التوبة

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ [36] شمار ماه ها در نزد خدا، در کتاب خدا از آن روز که آسمانها و زمین را بیافریده، دوازده است. چهار ماه، ماه های حرامند. این است شیوه درست. در آن ماه ها بر خویشتن ستم مکنید. و همچنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاستند، همگی به جنگ ایشان برخیزید. و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. (36)

قرآن مبین - مبین موبایل

فلا تظلموا فيهن أنفسكم متشابه با آن است که مانع دریافت نعمت خود نشوید و حرام متشابه با سنگ مولاست که نباید آن را حلال کرد و علی بر انسان است و اینکه داریم منظور از چهار حرام چهار امام با نام علی است متشابه است با آنچه گفتیم. زیرا علی و حرم متشابهند.

سوره التوبة

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عِدَّةً وَلَكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَتَبَطَّهْمُ وَقِيلَ لَأَعْدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ [46] اگر می خواستند که به جنگ بیرون شوند برای خویش ساز و برگی آماده کرده بودند، ولی خدا بسیج آنان را ناخوش داشت و از جنگشان باز داشت و به ایشان گفته شد که همراه کسانی که باید در خانه بنشینند در خانه بنشینید. (46)

قرآن مبین - مبین موبایل

خروج متشابه با خارج شدن و رشد یافتن دانه از زمین است و عده متشابه با دانه یعنی اگر می خواستند در زمین خدا سبز شوند تخمی می کاشتند معنای دیگر آنکه اگر به خروج قیامت از قبر ایمان داشتند اموال و اولادشان را در جنگ با تو صرف می کردند (عده برای مال و اولاد می آید چنانچه داریم جمع ماله و عده) و معنای دیگر آنکه اگر قصد خروج با تو را داشتند برای آن وسایلی آماده می کردند تا بتوانند بیرون آیند

سوره التوبة

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ [53] بگو: خدا از شما نمی پذیرد، چه از روی رضا انفاق کنید چه از روی کراهت، زیرا مردمی نافرمان هستید. (53)

قرآن مبین - مبین موبایل

فاسق کسی است که در سختی مومن می شود و در راحتی سر می تابد چون همه در سختی خدا را پیدا می کنند خدا انفاق آنان را قبول نمی کند زیرا در راحتی است که باید انفاق کند تا از او قبول شود

سوره التوبة

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ [64] منافقان می ترسند که مباد از آسمان در باره آنها سوره ای نازل شود و از آنچه در دل نهفته اند با خبرشان سازد. بگو: مسخره کنید، که خدا آنچه را که از آن می ترسید آشکار خواهد ساخت. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از نزول سوره سوره ی جنگ است چنانچه داریم

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَمْ تَنْزَلْ سُورَةٌ فَلَدَا أَنْزَلْتَ سُورَةً مُحْكَمَةً وَذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَنْظَرَ الْمُقَشَّيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَى لَهُمْ

و منظور از تنبیهم بما فی قلوبهم همان مرض است و باز مانند آیه ی سی و چهار بحث عدم شرکت آن ها در جهاد و تبدیل اموال و انفس به دست امام است و منظور از استهزا همان دو رویی آن هاست که می گویند در جنگ شرکت می کنیم اما می ترسند فرمان جنگ صادر شود و معلوم شود که نمی خواسته اند در جنگ شرکت کنند و از این مسئله می ترسند که با اعلام حکم جنگ و نرفتن آن ها به میدان جنگ لو برونند که منافقند(در قلبشان مرض است)

سوره التوبة

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوَلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا دَرْنَا تَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ [86] چون سوره ای نازل شد که به خدا ایمان بیاورید و با پیامبرش به جنگ بروید، توانگرانشان از تو رخصت خواستند و گفتند: ما را بگذار، تا با آنهايي که بايد در خانه نشينند در خانه بنشينيم. (86)

قرآن مبین - مبین موبایل

طول متشابه با ضرب فی الارض و دستیابی به سبیل است و اولو الطول متشابه با کسانی اند که توان ضرب فی الارض و تبعیت از امام را دارند اما در اینجا می بینیم که تقاضای تقاعد دارند که پذیرفته نیست

سوره التوبة

لكن الرّسولُ والَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُقْلِحُونَ [88] ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند. نیکیها از آن آنهاست و آنهايید که رستگارانند. (88)

قرآن مبین - مبین موبایل

جهاد با مال و نفس همان دادن آن به امام و نابود شدن آن در دنیا به امید بازبایی آن در آخرت در حرم امن است و چون نعمت(مال و انفس) دنیا شر است و نعمت آخرت خیر داریم اولئك لهم الخيرات

سوره التوبة

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [100] از آن گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیشقدم شدند و آنان که به نیکی از پی آنان رفتند، خدا خشنود است و ایشان نیز از خدا خشنودند. برایشان بهشتهایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود، آماده کرده است. این است کامیابی بزرگ. (100)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسان متشابه با تصدیق است

سوره التوبة

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ [108] هرگز در آن مسجد نماز مگزار. مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد. (108)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز اقامه ی صلاه متشابه با جنگ با گناهان و گناهکاران و پاک کردن آن هاست و ظاهرا خدا در اینجا می گوید در مسجدی قیام کن که مردانش می خواهند از موانع فهم قرآن (متشابه با گناهان) پاک شوند زیرا طهارت همان عدم ظالم بودن برای فهم قرآن است در این صورت این افراد در برابر قیام حضرت محمد در مسجد مقاومت نمی کنند.

سوره التوبة

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [110] آن بنا که برآورده اند همواره مایه تشویش در دلشان خواهد بود تا آن هنگام که دلشان پاره پاره گردد. و خداوند دانا و حکیم است. (110)

قرآن مبین - مبین موبایل

ریب متشابه با متشابه است و چون قلبشان پیرو متشابه است و متشابهاات خلاف محکم که یکی است زیادند قلبشان متقطع می شود یعنی بعضی می شود و هر طرفش به سمتی از متشابهاات میل می کند.

سوره یونس

در مورد دروغ بستن به خداست که ممکن است عمدی یا سهوی باشد

سوره یونس

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ [18] سوای خدا چیزهایی را می پرستند که نه سودشان می رساند نه زیان. و می گویند: اینها شفیعان ما در نزد خدایند. بگو: آیا به خدا از چیزی خبر می دهید که در زمین و آسمان از آن سراغی ندارد؟ خدا منزه است و از آنچه با او شریک می بهازید، فراتر است. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

شفیع واسطه و خلیفه ی فرد است برای فرمانروایی به زیردستانش و منظور کسانی اند که مردم آنان را خلیفه ی خدا می

دانند اما نیستند مانند بسیاری از فقها. همچنین شفیع به حق امام است که متشابه با زمین است برای همین هم در مورد امام و هم در مورد زمین داریم که باذن خدا عمل می کند و داریم من الذی یشفع عنده الا باذنه و داریم یخرج نباته باذن ربه.

سوره یونس

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَتَى تَوْفُكُونَ [34] بگو: آیا از این بتان شما کسی هست که چیزی را بیافریند، و باز زنده کند؟ بگو: خدای یکتا مخلوقات را می آفریند و باز زنده می کند. پس چگونه از حق منحرفتان می کنند؟ (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه طولی آمده و منظور از شرکا مراجع تقلید مردم و از خدا امامانند و منظور از بدء و عود همان گرفتن نعمت ها و پس دادن آن در قیامت توسط امامان است

سوره یونس

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَتَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ [39] چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند و هنوز از تاویل آن بی خبرند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز پیامبران را چنین به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

در این آیه و آیات سوره کهف دلیلی واضح از نیاز به امام بیان می شود اینکه کسی که به چیزی علم نداشته باشد و کسی هم برای او تاویلش را توضیح ندهد باعث تکذیبش می شود و نشان آن اینکه داریم کیف تصریح علی ما لم تحط به خبرا و این جمله خطاب به حضرت موسی است که پیامبر خداست و بعد در آخر که توضیح به او داده می شود داریم ذلک تاویل ما لم تسطع علیه صبرا یعنی وقتی حضرت موسی به دلیل کار حضرت خضر احاطه ی خبری نداشت و تاویل آن را هم نمی دانست (لم یحیطوا بعلمه و لما یاتهم تاویله) کارهای او را منکر و خلاف شرع می دانست همین گونه است که کسی که بخواهد امام زمان ظهور کند باید برای دین او و دلیل کارهای او تبلیغ کند تا مردم او را تکذیب نکنند چنانچه حضرت موسی حضرت خضر را تکذیب کرد اگر نه امام همانگونه که حضرت خضر حضرت موسی را رها کرد ترجیح می دهد از مردم دور باشد و همان گونه که حضرت موسی آمادگی شنیدن و دیدن اعمال حضرت خضر را نداشت اگر آمادگی قبل از ظهور برای فهم سخن و عمل امام غایب وجود نداشته باشد به او کافر می شوند و احتمالا ظهور نکردن در چنین شرایطی بهتر است همه ی این ها به این معناست که ظهور ظاهرا نیازمند فردی است که قبل از آن با علمی زیاد طوری که حتی حضرت موسی هم به خوبی آن را ندارد پدید آید که مردم را آماده ی شنیدن سخن خدا کند و ظاهرا او همان یمانی است که به حق (دین حق، خودمتشابهی) می خواند. شاید بعضی گمان کنند حضرت محمد هم ظهور کرد و چنین فردی لازم نشد اما بحث در ظهور امام زمان آموزش علم کامل برای مردم است چنانچه حضرت موسی خواستار آن بود اما توان نیافت همین گونه است کسی که امامی غیر از منتخب خدا داشته باشد دستور و کار پسندیده ی خدا را به علت عدم علم و عدم توضیح مسئله توسط فردی دانا نمی پسندد و واضح است که مسلمانان می دانند که تاویل قرآن را نمی دانند و از حضرت

موسی هم خود را بالاتر و با فهم تر نمی دانند بنابراین سخنی را که به آن واقفند که به آن علم ندارند و تاویلش را هم نمی دانند تکذیبش می کنند و در اینجا است که امام لازم است تا تاویلش را به مردم بگوید تا خدا و سخنش را تکذیب نکنند. و منظور از تاویل ظاهرا متشابه با یا همان منظور خدا از سخنش است چنانچه در هفت آل عمران داریم

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ [7] اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد. بعضی از آیه ها محکمانند، این آیه ها ام کتابند، و بعضی آیه ها متشابهاتند. اما آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه جویی و میل به تاویل از متشابهات پیروی می کنند، در حالی که تاویل آن را جز خدای نمی داند. و آنان که قدم در دانش استوار کرده اند می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست. و جز خردمندان پند نمی گیرند. (7)

باز در اینکه گوش ندادن به سخن امام سبب تکذیب سخن خدا می شود در سوره ی شمس داریم کذبت نمود بطغواها و در الرحمن داریم الا تطغوا فی المیزان که میزان متشابه با امام است که یعنی نمود به علت طغیان در مورد امام (فهمنده و مفسر سخن خدا که می تواند خود حضرت صالح یا امامی بعد از او باشد) تکذیب سخن کرد که برای فهم بیشتر مراجعه کنید به تفسیر هفت و هشت و نه سوره ی الرحمن

منظور ظاهرا آن است که گرفتار متشابهات قرآن شده اند زیرا داریم لم یحیطوا بعلمه که چون متشابه قرآن دارای تناقض است و آن ها علم تاویل محکم آن را ندارند و گمان می کنند منظور قرآن همان متشابهات ظاهری است بنابراین آن را تکذیب می کنند که درست باشد و از طرف خدا باشد

سوره یونس

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ [57] ای مردم، برای شما از جانب پروردگارتان موعظه ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان. (57)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از شفاء لما فی الصدور شفای قلب است زیرا آنچه در صدور است قلب است چنانچه داریم و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور و منظور شفای مرض است زیرا آنچه شفا می یابد مرض است چنانچه داریم و اذا مرضت فهو یشفین پس منظور شفای مرض قلب است چنانچه داریم فی قلوبهم مرض و منظور از مرض همان عدم فهم محکم از متشابه است چنانچه داریم

سوره البقرة

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ [10]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ [11]

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ [12]

و اینها شعر ندارند تا محکم را از متشابه تشخیص دهند و منظور خدا را کج برداشت می کنند

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ [58] بگو: به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند، زیرا این دو از هر چه می آید و لذت بهتر است. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

فضل متشابه با نعمت است و رحمت متشابه با ایمان است زیرا داریم من تق السيئات يومئذ فقد رحمته و داریم من الله علينا و وقانا عذاب السموم و ایمان همان ایمن شدن از عذاب است پس رحمت همان وقی از عذاب است و ایمان متشابه با ولایت است پس به فضل و رحمت خدا باید شاد باشند یعنی به نعمت (متشابه با بهشت) (متشابه با علم) و ایمن شدن (ولایت) (ایمنی از جهنم) باید شاد باشند و این ها همان درجاتند که داریم یرفع الله الذين آمنوا و الذين اتوا العلم درجات و همان است که در حدیث داریم فضل علم تاویل قرآن است و رحمت همان موالات (ولایت)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللهُ أذنَ لكم أم على الله تفتنون [59] بگو: آیا به رزقی که خدا برایتان نازل کرده است نگرسته اید؟ بعضی را حرام شمردید و بعضی را حلال. بگو: خدا به شما اجازه داده است یا به او دروغ می پندید؟ (59)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز در مورد فقیهان ظان است و اذن متشابه با بیان آمده که آکن ها علم و بینة ای ندارند بر منظور خدا از حلال و حرام و با پیروی از متشابهات (ظن) افترا بر خدا می بندند و عده ای دیگر هم وقتی ناحق بودن ایشان را می بینند می گویند قرآن دروغ است زیرا سخن خدا نیست در حالی که این فقیهانند که به خدا دروغ بسته و آن ها را گمراه کرده اند

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ تِلْكَ هِيَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [64] بشارت است ایشان را در دنیا و آخرت. سخن خدا دگرگون نمی شود. این است کامیابی بزرگ. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

خدا اگر کسی به حرف او گوش نکند را می برد و به جای او کس دیگری را می آورد چنانچه داریم یرفع الله درجات و ایمان متشابه با ولایت است پس به فضل و رحمت خدا باید شاد باشند یعنی به نعمت (متشابه با بهشت) (متشابه با علم) و ایمن شدن (ولایت) (ایمنی از جهنم) باید شاد باشند و این ها همان درجاتند که داریم یرفع الله الذين آمنوا و الذين اتوا العلم درجات و همان است که در حدیث داریم فضل علم تاویل قرآن است و رحمت همان موالات (ولایت)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ [67] اوست که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را پدید آورد تا در آن ببینید. در اینجا برای مردمی که می شنوند عبرتهاست. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

لتسكنوا فيه یعنی به مسکنت بیفتید و مضطر شوید و شب تاریک است و در آن فرد کور است و کوری متشابه با عدم تشخیص محکم از متشابه است که همان اضطرار و نشناختن معبود باطل از خداست و بعد می گوید روز را مبصر قرار داد و بصر متشابه با فهم محکم از متشابه است و همان شناختن خدا از معبودان باطل است. چنانچه باقی سوره هم در مورد خدا در برابر معبود باطل است.

فَلَمَّا أَتَقُوا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ [81] چون بیفکندند، موسی گفت: آنچه شما آورده اید جادوست و خدا آن را باطل خواهد ساخت، زیرا خدا کار مفسدان را به صلاح نمی آورد. (81)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که حق و تاویل درست قرآن مانند عصای حضرت موسی متشابهات را نسخ می کند و باطل بودن آن ها را مشخص می کند

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ لِقَوْمِكَ مِمصْرَ بَيْتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ [87] به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه هایی مهیا کنید و خانه های خود را عبادتگاه سازید و نمازگزارید و مؤمنان را بشارت ده. (87)

قرآن مبین - مبین موبایل

بیوت امامان متشابه طولی با بیت خدا آمده چنانچه بیت متشابه با ولایت است و داریم اطیعوا الله و رسوله و اولی الامر منکم و اقامه ی صلوه همان اقامه ی ایمان است و قبله همان رو کردن و تابع شدن به این بیوت است همچنین قبل و اذن با هم متشابهند و آن همان نسخ متشابهات است و داریم فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیه اسمہ

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَيْنَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ [90] ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیبشان پرداختند. چون فرعون غرق می شد گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل بدان ایمان آورده اند نیست، و من از تسلیم همدگانم. (90)

قرآن مبین - مبین موبایل

درک متشابه با دریافت محکم است احتمالاً منظور آن است که مسلم شد که غرق خواهد شد

سوره هود

سوره هود

این سوره در مورد بینه و شاهد است که آیا سخنی که پیغمبری می آورد بینه ای همراه دارد که افترا نیست و کسی هست تا بر این امر شاهد باشد یا نه.

سوره هود

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ [3] و نیز از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید، تا شما را از رزقی نیکو - تا آنگاه که مقرر است - برخوردار می دهد. و هر شایسته انعامی را نعمت دهد. و اگر رویگردان شوید، بر شما از عذاب روز بزرگ بیمناکم. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

غفر متشابه با پاک شدن از معبودان باطل و کاشته شدن در تاریکی زمین (تاریکی متشابه با پاک شدن از معبودهاست) و توبه متشابه با رستن از زمین است منظور آن است که از معبودان باطل دست بکشید و نسبت به آنها در تاریکی فرو روید و بعد پیرو خدا شوید

منظور از اجل مسمی دریافت آخرت است زیرا با توبه به دست می آید که همان رستن پس از پاک شدن از معبود باطل است و مسمی متشابه با آخرت و محکم است و خلاف آنچه است که داریم اسماء سمیتوها انتم و اباءکم. و همچنین متشابه با آن است که از اولیای باطل دست بکشید (استغفروا) و نعمت را به امام بدهید (توبوا) تا خدا اجل مسمی (دریافت آخرت) به شما بدهد

اجل مسمی در برابر اجلی است که سمیتوها انتم و اباوکم ما انزل الله بها من سلطان ان الحکم الا لله و همان دریافت محکم است که خدا آن را تسمیه کرده (وجه داده) و وجود داده. بنابراین مسمی متشابه با محکم است و به تبع آن آخرت چنانچه داریم یوخرکم الی اجل مسمی که طبق دین حق مسمی متشابه با موخر است برای همین اجل مسمی معنی اجل بلندتر و عمر دارا تر هم می دهد

سوره هود

أَلَا إِنَّهُمْ يَخْتَوْنَ صَلْتَدَانَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَعِشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُغْلِبُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ [5]

آگاه باش که اینان صورت برمی گردانند تا راز دل خویش پنهان دارند، حال آنکه بدان هنگام که جامه های خود در سر می کشند خدا آشکار و نهانشان را می داند، زیرا او به راز دلها آگاه است. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

خفی متشابه با ایمان است و آن یعنی خود را از امام پنهان می کنند و از کمک به او و گوش دادن به سخن او در دژهای ایمان خود به اولیای باطل می روند.

سوره هود

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ [6] هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست، جز آنکه روزی او بر عهده خداست، و موضع و مکانش را می داند، زیرا همه در کتاب مبین آمده است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

احتمالا منظور از دابه ی فی الارض همان رستنی زمین است که متشابه با مومنان و پیروان امامان است که منظور آن است رزق مومنان در آخرت و هدایت آنها به عهده ی خداست.

سوره هود

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَبْيَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ [7] اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر روی آب بود. تا بیازماید کدام يك از شما به عمل نیکوتر است. و اگر بگویی که بعد از مرگ زنده می شهوید، کافران گویند که این جز جادویی آشکار نیست. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه خدا در شش روز آفرید هفت آسمان بودن آسمان هاست که همان به وجود آمدن متشابهات برای امتحان مردم است که به سوی محکم می روند یا متشابه. برای همین داریم لیبلوکم ایکم احسن عملا

وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيْقُولَنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوقًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ [8] و اگر چندگاهی عذابشان را به تأخیر بيفکنیم می پرسند: چه چیز مانع آن شده است؟ آگاه باشید چون عذابشان فرا رسد، آن را باز نگردانند، و آنچه مسخره ایش می کردند آنان را در بر خواهد گرفت. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

امه معدوده همان امام معدوده است که متشابه با ایام معدودات است و برای همین ایام معدودات هم به تبع این همان امامانند و یک تاویل آن عذاب آن ها هنگام قیام حضرت قائم است

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مَرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ [17] آیا آن کس که از جانب پروردگار خویش دلیلی روشن دارد و زبانش بدان گویاست و پیش از این کتاب موسی که خود پیشوا و رحمتی بوده است بدان شهادت داده، با آن کس که دلیلی ندارد برابر است؟ ایشان به آن کتاب روشن ایمان می آورند. و هر گروه دیگری که به او کافر شود، جایگاهش در آتش است. در آن شک مکن، که حق است و از جانب پروردگارت آمده است. ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از شاهد اینجا همان است که در فارسی به او قاضی می گویند و منظور از کسی که بر بینه است کسی است که دلیل قانع کننده ای می آورد زیرا بینه یعنی آنچه محکم را از متشابه جدا می کند و اینجا احتمالا منظور از فرد بینه دار حضرت محمد است و شاهد کسی است که مشخص می کند آیا به خدا دروغ بسته است یا نه چنانچه در آیه بعد همین مسئله آمده است و در آیات قبل بحث در مورد افترا بودن یا نبودن قرآن است.

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ [21] اینان به خویشتن زیان رسانیدند و آنچه را که به دروغ خدا می خواندند از دست داده اند. (21)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَنْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ [13]

منظور متشابه با معبودان باطلند که آنها را می خوانند تا سخنی مانند سخن خدا بیاورند و همان شریکان شناخته شده اند چنانچه در چهل هفت و چهل و هشت ضل عنهم را برای شرکایی که دعایشان می کنند آمده است همچنین چون افترا زنده را حضرت محمد می دانند بنابراین کسان دیگری را که خدا مطرح می کند این امر معقبه ای است که ظاهرا مشخص می کند امر در مورد مراجع فهم سخن خداست و منظور از شریکان خدا نیست بلکه حاکمان و مراجع تقلید و اینگونه افرادند که داریم پس آنها را بخوانید زیرا در اینجا متهم رسول خداست و نه خدا

سوره فصلت

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدَّأكَ مَا مِثْلًا مِنْ شَهِيدٍ [47] علم به روز قیامت نزد اوست. و هیچ ثمره ای از غلاف خویش بیرون نمی آید، و هیچ ماده ای آبستن نمی بھود و نمی ژاید مگر آنکه او بدان آگاه است. و آن روز که ایشان را ندا دهد که شریکان من کجایند؟ گویند: آگاہت کردیم که کسی از ما به شرك گواھی نمی دهد. (47)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره فصلت

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ [48] و آنچه را پیش از این به خدایی می خواندند از دست دادند و دانستند که راه گریزی ندارند. (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینها همه به این معنی است کسی که برای امور دینی اش به کسی غیر از آنکه توسط خدا مشخص شده مراجعه کند به خدا دروغ بسته است

سوره هود

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ [57] اگر هم رویگردان شوید، من رسالت خویش را به شما رسانیدم و پروردگار من مردم دیگری را جانشین شما خواهد ساخت و هیچ به او زبانی نمی رسانید. زیرا پروردگار من، نگهبان همه چیزهاست. (57)

قرآن مبین - مبین موبایل

می دانیم که ابلاغ رسالت توسط امام که متشابه با رصد است و از بین یدی و خلف حفظ می کند انجام می شود چنانچه در اواخر سوره جن داریم. حال اینجا هم که حضرت هود می گوید ابلاغ رسالت می کنم پس رصدهایی از بین یدی و خلف داشته چنانچه همینگونه هم هست و آنها همان نذرند که در سوره احقاف آمده:

وَأَنْكَرَ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِيَّايَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [21]

همچنین منظور از یستخلف قوما غیرکم منظور امامان و پیروان آنها باید باشند و منظور از حفیظ بودن خدا آنکه خدا نمی گذارد به او دروغ ببنند و این آیه ظاهرا کلا در مورد امامت و وصایت است.

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرَبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّخِذْ لِنَفْسِكَ مِنْكُمْ أَحَدًا إِنَّا أَمْرًا تَكْتُمُ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ
 إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ [81] گفتند: ای لوط، ما رسولان پروردگار تو هستیم. اینان، هرگز به تو دست
 نخواهند یافت. چون پاسی از شب بگذرد، خاندان خویش را بیرون ببر. و هیچ يك از شما روی برنگرداند جز زنت که به او
 نیز آنچه به آنها رسد خواهد رسید. وعده آنها صبحگاه است. آیا صبح نزدیک نیست؟ (81)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سه رعد

سوره هود

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ [86] اگر ایمان آورده اید، آنچه خدا باقی می گذارد برایتان
 بهتر است. و من نگهبان شما نیستم. (86)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است که داریم لا تبخسوا الناس اشیائهم و همان آیات اول مطففین است که اموال و اولاد(اشیاء)
 مردم را می گیرند و در آخرت با خسارت پس می دهند برای همین حضرت شعیب به آنها می گوید بقیة الله خیر لکم که
 باقی همان اجر تجارتی است که با دادن اموال و اولاد به امام حاصل می شود و برای همین جمله متشابه طولی با آن است
 که بگوییم از امام تبعیت کنید و بقیة الله لقب امامان شده است و این شعیب که مردم را از امامان باطل به امام حق و
 بقیة الله می خواند همان شعیب صالح باید باشد که در روایات آمده و احتمالاً صالح باز همان مصلح و شعیب به همین
 علت از القاب یمانی است.

سوره هود

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا
 الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ [88] گفت: ای قوم من، چه می گویید اگر با من از
 جانب پروردگارم حجتی باشد و او مرا رزقی نیکو عطا کرده باشد؟ اگر شما را نهی می کنم برای آن نیست که خود سودی
 ببرم. تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم. توفیق من تنها با خداست. به او توکل کرده ام و به درگاه
 او روی می آورم. (88)

قرآن مبین - مبین موبایل

اصلاح و توفیق با هم متشابهند و آن هماهنگی با الگوی اصلی جهان و دادن نعمت به امام است و ما استطعت برای سبیل می آید که باز همان امام است

سوره هود

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسْكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ [113] به ستمکاران میل مکنید، که آتش بسوزاندتان. شما را جز خدا هیچ دوستی نیست و کس یاریتان نکند. (113)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از رکون به افراد ظالم همان دروغ بستن به خداست زیرا داریم

وَإِنْ كَادُوا لِيَفْتَنُواكَ عَنَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِنَقُتِرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا

وَلَوْلَا أَنْ تَبْنَتَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَبُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

که یعنی رکون همان خلیل شدن و خلیل شدن با آن ها همان دروغ بستن به خداست

و این آیه در ادامه ی آیه ی قبل است که داشتیم لا تطغوا که یعنی از امام که سخن حق خدا را درک کرده و تبعیت کرده طغیان نکنید

سوره یوسف

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ [3] با این قرآن که به تو وحی کرده ایم، بهترین داستان را برایت حکایت می کنیم، که تو از این پیش از بی خبران بوده ای. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

غافل متشابه با پردازنده به متشابهات است و این آیه در ادامه ی آیه ی قبل است که قرآن عربی است تا تعقل کنید که تعقل همان گراییدن به محکمت است و سوره ظاهرا کلا در مورد شهادت برای محکمت و تمیز آن از متشابهات است چنانچه شاهد بر دریدن پیراهن حضرت یوسف بینه آورد

سوره یوسف

إِنذ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ [4] آنگاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر، من در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه دیدم، دیدم که سجده ام می کنند، (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

سجده متشابه با خشوع است که با آن انسان معبود باطل از او دور شده و فقط به خدا درخواست می برد و انابه می کند و این خواب ظاهرا یعنی خورشید و ماه و ستاره ها که ظاهرا پدر و مادر و برادران حضرت یوسف رزقشان تنگ خواهد شد و تنها چاره ایشان به دست حضرت یوسف می افتد و نزد او انابه خواهند کرد که همین اتفاق هم افتاد و مجبور به عزیمت به مصر شدند زیرا صاحب نعمت خود را به مصریان فروخته بودند.

سوره یوسف

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ [18] جامه اش را که به خون دروغین آغشته بود آوردند. گفت: نفس شما، کاری را در نظرتان بیاراسته است. اکنون برای من صبر جمیل بهتر است و خداست که در این باره از او یاری باید خواست. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

صبر در برابر عجل است و برای مومنان می آید که هنگامی که اموال و اولاد خود را در راه خدا صرف می کنند و آن ها را از دست می دهند صبر می کنند تا در آخرت آن رربازیابند که در این حا ظاهرا منظور از صبر جمیل صبر بر بازگشت آن حضرت در دنیا یا آخرت است

سوره یوسف

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ [28] چون دید جامه اش از پس دریده است، گفت: این از مکر شما زنان است، که مکر شما زنان مکرر بزرگ است. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

کید متشابه طولی با نعمت است و عملی است که فرد انجام می دهد تا به نعمت برسد و منظور ظاهرا از کیدکن آن است که از تقلای شما برای رسیدن به نعمت است (پاره بودن پیراهن حضرت یوسف یا امری مرتبط) و آنکه داریم کید شما عظیم است عظیم متشابه با سنگ است و مولایی که از مولاهاى دیگر به سرسختی منع می کند و ظاهرا یعنی شما وقتی تصمیم بع رسیدن به نعمتی می گیرید بر تصمیم خود مصرید. این امر موافق آن است که زنان روی یک مرد و متشابهها روی یک هوف متمرکز می شوند چنانچه بنده یک خدا را می پذیرد و مطابق حق چنین پدید آمده است. اما مردان برایشان زنان به منزله ی پیرو و بنده است و به زنان و هدفهای مختلف برای القای نفس خود بر آن فکر می کنند پس کید بنده عظیم تر از

کید مولاست

سوره یوسف

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ [67] گفت: ای پسران من، از يك دروازه داخل مشويد؛ از دروازه های مختلف داخل شويد. و من قضای خدا را از سر شما دفع نتوانم کرد و هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست. بر او توکل کردم و توکل کنندگان بر او توکل کنند. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

علت داخل شدن از ابواب متفرق تفرق برادران از هم و اختلاف درجه ی آن هاست که چون حضرت یعقوب می خواهد همه تحت یک پناه حضرت یوسف قرار بگیرند و بین آن ها تفرق است به آن ها امر می کند که متفرق هم وارد شوند چنانچه باعث می شود حضرت یوسف بنیامین را در پناه خود قرار دهد و متفرق با آن ها رفتار کند. و بعد هم باعث ماندن بنیامین پیش حضرت یوسف می شود.

سوره یوسف

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُّوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَّأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنْ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ [87] ای پسران من، بروید و یوسف و برادرش را بجویید و از رحمت خدا مأیوس مشوید، زیرا تنها کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند. (87)

قرآن مبین - مبین موبایل

روح متشابه با بینه و سخن محکم خداست و متشابه با ناسخ است و کافر نعمت های متشابه را می گیرد و پیرو می شود (مراجعه به هفت آل عمران) و امیدی به نعمت آخرت که محکم است نمی نهد.

سوره یوسف

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ [110] چون پیامبران نومید شدند و چنان دانستند که آنها را تکذیب می کنند، یاریشان کردیم و هر که را که خواستیم نجات دادیم و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانیده نشود. (110)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا رسولان مایوس شدند که کافران دوباره مانند اولشان که به دنیا آمدند مومن شوند (زیرا یاس نا امیدی از دوبارگی است) و همراهان پیامبران گمان کردند دروغ گفته شده اند.

سوره الرعد

این سوره در مورد اغتشای لیل بر نهار و متشابهات آن است.

سوره الرعد

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُوحَيْنِ اثْنَيْنِ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [3] اوست که زمین را بگسترده، و در آن کوه ها و رودها قرار داد و از هر میوه جفت جفت پدید آورد و شب را در روز می پوشاند. در اینها عبرتهاست برای مردمی که می اندیشند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

مد الارض یعنی بر آن آب نازل کرد چنانچه در آیه بعد هم آمده بسقی بماء واحد؛ زیرا مد همان عدم اضطراب است که طبعاً با ریزش آب انجام می شود. یغشی اللیل النهار لیل متشابه با موج است که بر نهار که متشابه با فرد معبود پرست است نازل می شود و او را از معبودش باز می کند برای همین در آیه بعد داریم فی الارض قطع متجاورات که جوار می دانیم متشابه با موج است و منظور از لیل و نهار بندگان زمینند که بعضی بر بعضی مانند موج و مانند شب بر روز فضیلت دارند و آن ها را از معبود غلط باز می کنند با آنکه همه یک کتاب را می خوانند (ماء واحد) و آن قرآن است اما بعضی برداشت اشتباه می کنند و قطع متجاورات یعنی قطاع هایی که مورد تجاور همدن و تجاور همان موج بودن است یعنی بعضی بر بعضی فضیلت دارند پس قطع یعنی درجات مختلف در فضیلت که مورد بندگی و مولایی همدن. اینکه در زمین صفحات و قطاع هایی هم وجود دارد که روی هم سوار می شوند متشابه با همین امر سماوی طبیعت آن را ساخته که بعضی از زمین ها بر بعضی موجند و متجاورند.

مد الارض متشابه با کاشتن تخم و آب در زمین است و متشابه با حامله شدن ام زیرا امداد با اموال و انفس انجام می شود و آن ها همان متشابهاتند که امام (متشابه با ارض) آن ها را می گیرد و در آخرت محکم آن ها را تحویل می گیرد که متشابه با ارض است که تخم را می گیرد و در آخر گیاه تحویل می گیرد

قطع من اللیل متشابه آمده و منظور غشی من اللیل است که چون لیل قطعی با فضیلت تر از نهار است و بر آن سایه می اندازد و نهار را از خورشید که مولای اوست باز می کند (در شب قطع لیل بالای قطع روز است) و برای او به منزله ی موج است و پنهان کننده است به جای در سیاهی شب برو آمده در قطعی از شب برو. همچنین وقتی داریم شب را بر روز و روز را بر شب مستولی می کند یعنی بندگان را مضطر می کند و معبودهای باطل را از آن ها پاک می کند و بعد خود را بر آنها مستولی می کند که معبود حق است و نهار اول معبود باطل است و نهار دوم معبود حق که همان خداست.

سوره الرعد

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَتَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَعَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَتَقْضِلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [4] و بر روی زمین قطعه هایی است در کنار یکدیگر و باغهای انگور و کشتزارها و نخلهایی که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه و همه به یک آب سیراب می شوند و در ثمره، بعضی را بر بعضی دیگر برتری نهاده ایم. هرآینه در اینها برای خردمندان عبرتهاست. (4)

سوره الرعد

وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذْ آتَا كُنَّا تَرَابًا إِنْ تَأْتَاكُمْ سُحُبٌ مِّنْ سَمَوَاتٍ مَّا تَأْتَاكُمْ مَاءٌ حَالِيًا ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ [5] اگر تو در شگفت می آیی، شگفت سخن ایشان است که آیا آن هنگام که خاک شویم از نو ما را بیافرینند؟ اینان به پروردگارشان ایمان ندارند، برگردنهایشان غلها باشد و اهل جهنمند و در آن جاودانه اند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

این قول آن ها متشابه با آن است که می گویند مانند خدا نازل می کنیم و مجادله ی در خدا و آیات خدا می کنند (رجوع شود به آیه ی پنجاه و شش غافر) برای همین خدا را بر قولش گواه می گیرد چنانچه داریم يعجبك قوله و يشهد الله على قلبه (دویست و چهار بقره) در اصل اذا کتا ترابا مجادله ی در خداست که خدا نمی تواند مرده را زنده کند و بعد متشابه با آن است که منظور خدا از متشابهات کتاب متشابهات است و محکماست نیست و این قول آن ها همان سانزل مثل ما انزل الله است که مورد عجب است و خدا را بر آن شاهد می گیرد عجب برای فهم سخن خدا آمده زیرا برای کثرت مال و اولاد می آید و محکم سخن خدا همان رسته شده ی کاشته ی متشابهات است که زیاد شده است و بزرگ. این آیه همچنین همان عجب آن ها از رسالت رسول است که محکم سخن خدا را می گوید و آن را انکار می کنند و این به آن معناست که خود صاحب نظرند و عجب ما از کثره خبیث است که همان تفسیر آن هاست

متشابه با آن است که آیا بعد از اینکه خدا سخن متشابهی را گفت آن را به محکم برمی گرداند و نظر خود را عوض می کند ؟ زیرا آن ها گمان می کنند منظور خدا از متشابهات خود متشابهات است برای همین در آیه ی بعد داریم يستعجلونك ب السیئه قبل الحسنه که یعنی صبر نمی کنند تا محکم سخن خدا نازل شود و گمان می کنند همین متشابه حق است و همچنین یعنی چون گمان می کنند آخرتی نیست دنیا را هدف قرار می دهند و به فساد آخرت مشغول می شوند

سوره الرعد

لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعْزِرُ مَا يُقَوْمُ حَتَّىٰ يُعْزِرُوا مَا بَأْتَسْهُمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ [11] آدمی را فرشتگانی است که پیایی به امر خدا از روبه رو و پشت سرش می آیند و نگهداریش می کنند. خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند. چون خدا برای مردمی بدی خواهد، هیچ چیز مانع او نتواند شد و ایشان را جز خدا هیچ کارسازی نیست. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم من بین یدیه و من خلفه، بین یدیه یعنی هرگاه سخنی بگوید خدا رصدی بر او گماشته که صدای رصد از او بلند تر است و حرف او را نسخ و محکم می کند و آن همان آیه ی 52 حج است که حرف رسول با محکمت محکم می شود و و من خلفه یعنی هرگاه امری را نگوید خدا به استخلاف آن رصدی گماشته تا سخن بگوید و آن متشابه با امام بعد از رسول است که از خلف او می آید

برق از آیات خداست چنانچه رای برای هردو می آید و داریم سنریم آیاتنا و کسی که آن را استجابت می کند رعد است زیرا داریم یسبح الرعد بحمد ربه که تسبیح متشابه با استجابت است و رعد خواننده ی آیه ای است که خدا نازل کرده و این صدای رعد متشابه با خواندن اوست

سوره الرعد

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ [13] رعد به ستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح می کنند. و صاعقه ها را می فرستد و هر که را بخواهد بدان آسیب می رساند. باز هم درباره خدا مجادله می کنند. و او به سختی عقوبت می کند. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

تسبیح متشابه با استجابت است و ظاهرا منظور آن است که رعد را خدا می خواند و او جواب خدا را می دهد و این صدای رعد صدای استجابت اوست

سوره الرعد

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفِيرٍ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ [14] خاص اوست خواندن راستین. آنان که جز او را می خوانند هیچ پاسخشان نمی گویند.

همانند کسی که دو دست به سوی آب برد تا آب به دهان رساند و نتواند که آب به دهان رساند. و دعای کافران جز به گمراهی نیست. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم تحمل اثقالکم الی بلد لم تکنوا بالغیه که همان امامانند و در اینجا داریم خواندن به غیر خدا مثل چیزی است که ما هو ببالغه بنابراین امامان که متشابه با انعامند برای استجابت دعایند و ابلاغ آن به حرم امن خدا که با نسخ شیطان و سخنان او این کار را انجام می دهند

سوره الرعد

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلًّا لَهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ [15] خواه و ناخواه برای خداوند سجده می کنند همه آنها که در آسمانها و زمینند و سایه هایشان نیز بامدادان و شامگاهان به سجده می آیند. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و سجده همان خواندن خدا به اضطرار است و در اینجا داریم هرچند کسی غیر خدا را بخواند کرها و یا خدا را بخواند طوعا مشغول سجده و خواندن خداست و مشغول اطاعت خداست

سوره الرعد

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعِ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ [17] از آسمان آب فرستاد و هر رودخانه به اندازه خویش جاری شد، و آب روان کف بر سر آورد. و از آنچه بر آتش می گذازند تا زیور و متاعی سازند نیز کفی بر سر آید. خدا برای حق و باطل چنین مثل زند. اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند. خدا اینچنین مثل می زند. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه در مورد تفاوت دادن نعمت به امام (قرض، ما یمکت فی الارض که ارض همان امام است) و دادن آن به امام باطل است (ربا، زید رابی) که قرآن در امام ذخیره می شود اما در امام باطل نابود می شود و فرو نرفته است تا مردم از آن استفاده کنند.

سوره الرعد

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدُوا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ [18] برای آنان که دعوت پروردگارشان را پذیرفتند پاداش نیکویی است. و کسانی که دعوت او را نپذیرفتند اند، اگر هر آنچه را که بر روی زمین است و همانند آن را داشته باشند، آن را فدا دهند. آنان به سختی بازخواست خواهند شد و مکانشان جهنم است و بد جایگاهی است. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از استجابت برای خدا استجابت ولایت حضرت علی علیه السلام است

سوره الرعد

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنقَضُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ [22] آنان که به طلب ثواب پروردگار خویش صبر پیشه کردند، و نماز گزارند و در نهان و آشکار از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق کردند و بدی را به نیکی دفع می کنند. سرای آخرت خاص آنان است. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

در مقابل يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه است و متشابه با آن هستند که با محکمتات متشابهات را نسخ می کنند و برای آمدن محکمتات صبر می کنند و با عجله متشابهات را قبول نمی کنند و برای آمدن آخرت صبر می کنند و به دنیا چنگ نمی زنند و صبر و عجله در این دو آیه مانند حسنه و سيئه اتصال همد.

سوره الرعد

وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ [25] و آنان که پیمان خدا را پس از استوارکردنش می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند، لعنت بر آنهاست و بدیهای آن جهان نصیبشان. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

اگر قطع ما امر الله ان یوصل به صله رحم باشد و اگر رحم به معنای رحم مادر باشد آنگاه صله رحم یعنی ارتباط پیروان ائمه با هم و قطع رحم یعنی بعض شدن آن ها نسبت به هم در حالی که خاک و زمین آن ها یکی است باید طبق دین حق آن ها هم با هم وصل باشند و تقطع میان آن ها نباشد. همچنین داریم انما المومنون اخوه

ارحام متشابهه با ائمه است و قطع رحم یعنی جدایی از آنان و تبعیت نکردن از آن ها. و فساد در ارض متشابهه با جنگ با امام است.

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ [29] زندگی خوش و بازگشتگاه نیکو از آن کسانی است که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کسانی اند که در اسفل السافلین نیستند چنانچه در سوره تین داریم ثم ردناه اسفل السافلین الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات بنابراین در مکان علی هستند زیرا خلاف سفل علی است و همینگونه است که اسم حضرت علی چنانچه در زمین علی است در آسمان هم علی یا شاید عالی و ... است زیرا الذین آمنوا و عملوا الصالحات مدام حضرت علی و شیعیان او معرفی شده اند و هر جا که ایمان و صالح بودن است دور از ذهن نیست که تاویل به حضرت علی شده باشد چنانچه مقصود صالح المومنین هم در آیه ی چهار سوره ی تحریم حضرت علی دانسته شده است اما در اینجا علامتی است که نشان می دهد ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه مطابق امر آسمان است و بنابراین این عقد در روایات دور از ذهن نیست که سماوی خوانده شده باشد و آن علامت اینک قرآن طوبی را برای مومنان صالح می داند و طوبی متشابهه با حضرت فاطمه یا همان حضرت فاطمه است و مومن صالح حضرت علی و نشانه ی آنکه طوبی حضرت فاطمه است یکی آن است که طوبی یعنی پاک ترین و حاصلخیزترین زمین که به وضوح حضرت فاطمه سیده نساء خوانده شده و دیگر آنکه روایتی است که ذیل این آیه در تفسیر البرهان آمده است و ظاهرا نشان می دهد که حضرت فاطمه از میوه ی درخت طوبی که حضرت محمد در شب معراج خورد به وجود آمده است. در ادامه داریم و حسن مآب که در اینجا در اصل کنیه ی مومنان مصلح ذکر می شود که ابوالحسن (پدر حسن) است و همان کنیه ی حضرت علی است و باز می بینیم که اسم امام حسن و امام حسین نیز مطابق امر آسمان است. و در اینجا ظاهرا اسم حضرت علی امام حسن امام حسین و حضرت فاطمه آمده است.

در مورد طوبی باید گفت که مونث اطیب است و اطیب یعنی طیب ترین پس طوبی یعنی طیب ترین مونث (سیده النساء العالمین) همچنین وقتی داریم طوبی لهم پس منظور از آن ها طیبین است و در اینجا اطیب زیرا داریم الطیبات للطیبین بنابراین این آیه در بطن خود ازدواج را مد نظر دارو و اگر می خواهید بدانید که طیب یعنی چه گواهی از قرآن برایتان می آورم که طیب یعنی آنچه که وقتی دانه (متشابهه با نطفه) ای را در آن می کارند آن دانه را به ثمر می رساند و گواه آنکه داریم

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ [58] و سرزمین خوب گیاه آن به فرمان پروردگارش می آوید، و زمین بد جز اندک گیاهی از آن پدید نمی آید. برای مردمی که سپاس می گویند آیات خدا را اینچنین گونه گون بیان می کنیم. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

پس طوبی یعنی زمینی (زمین متشابه با زن است زیرا هر دو دانه یا نطفه را می گیرند و حاصل را به عنوان گیاه یا فرزند تحویل می دهند) که به بهترین شکل گیاه یا فرزندش را به شوهرش تحویل می دهد و در اینجا واضح است که بهترین گیاه، گیاه همین زمین است از این رو داریم الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة که امام حسن و امام حسین آقایان جوانان اهل بهشتند که البته در بهشت همه جوانند و مراد از جوان احتمالا همان فرزندان یا ثمرات باید باشد که طبعا چون مادرشان طوبی است (و پدرشان هم بهترین بذر است) پس آنها بهترین شکوفه های بهشتند. مآب چه بازگشت انسان به سمت خدا (انا لله و انا الیه راجعون) و چه بازگشت عمل انسان به او معنی شود هر دو متشابهند و انسان در بازگشت به سمت خدا اجر خود را از تجارت باز می یابد و این همان مآب و حسن مآب است. و بازگشت و مآب متشابه با فرزند است.

ظاهرا تاویل دیگر آن این است که زمین و مالکیت آن در هر زمان باید در اختیار کسی باشد که بهترین کشاورز است و بهترین استفاده را از آن می برد چنانچه می دانیم زمین مرده قابل خرید و فروش نیست زیرا متعلق به صاحبش نیست زیرا او کشاورزی خوبی نداشته تا به حق لیاقت آن زمین را داشته باشد. چنانچه بهترین زنان برای بهترین مردانند

سوره الرعد

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ [38] به تحقیق پیش از تو پیامبرانی فرستاده ایم و برایشان همسران و فرزندان قرار داده ایم. و هیچ پیامبری را حق آن نبود که جز به فرمان خدا آیتی بیاورد و هر امری را زمانی مکتوب است. (38)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور این است که رسول جملات متشابه کتاب را از خود در نمی آورد بلکه به اذن خداست علت اینکه این را می گویم تشابه این مطلب با فرم کلی سوره است که خدا متشابه را می آورد و بعد با غلبه ی لیل آن را نسخ و محو می کند.

سوره الرعد

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُبَيِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ [39] خدا هر چه را بخواهد محو یا اثبات می کند و ام الكتاب نزد اوست. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از آنچه خدا محوش می کند متشابهات باطل است چنانچه داریم یحی الباطل و آن همان متشابهات کتاب است که خدا آن ها را نسخ و محو می کند و آیات خود را محکم می کند چنانچه داریم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

که این آیه متشابه با آیه ی سی و هفت و سی و هشت همین سوره ی رعد است. و منظور از آنچه ثبتش می کند همان وجه محکم آیات است که همان ام الكتاب است (منه آیات محکومات هن ام الكتاب) برای همین داریم و عنده ام الكتاب. وجه آورده این موضوع در سوره ی رعد همان فرم کلی سوره است که غلبه ی لیل بر نهار و متشابهات آن است و چون اینجا نسخ نوعی غلبه دادن لیل بر نهار و نابود کردن است متشابه با فرم کلی سوره است.

وره الرعد

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ [41] آیا هنوز ندانسته اند که ما از اطراف این سرزمین می کاهیم، و خدا حکم می کند و هیچ چیز حکم او را فسخ نمی کند و او سریعاً به حساب همه می رسد؟ (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

از آنجا که داریم لا معقب لحکمه و معقب متشابه با امام است و وظیفه امام حفظ امر خداست تا مردم به خطا نروند پس بعد از محکم شدن آیات و سخنان خدا هم دیگر معقبی نخواهد بود که بندگان را از غلط باز کند و این همان کشته شدن شیطان است که پیرو متشابهات است بنابراین بعد از کشته شدن شیطان به دست حضرت مهدی هم دیگر امامت نخواهد بود و این همان خاتم الاوصیایی حضرت مهدی است و بعد از آن صرفاً خلیفه ی خدا وجود خواهد داشت و سخن خدا نیاز به مفسری که از خطاها باز کند ندارد زیرا سخن محکم شده است و لا معقب لحکمه البته این در صورتی است که معقب در اینجا به امام هم تاویل شود. چه بسا که امام بعد از اتمام سخن امامت از دنیا برود و بعد از او امامی نیاید.

ارض متشابه با امام است و نقص متشابه با عدم قوام و طبعاً متشابه با از بین رفتن آب زمین و منظور از نقص ارض آن است که رستنی های ارض (که متشابه طولی با عرض اند) آب زمین را از دست می دهند و این متشابه با از بین رفتن امام است و فقیهی که علم دین را آموزش می دهد برای همین امام سجاد این آیه را تعبیر بر از بین رفتن عالمان کرده است و منظور کسانی است که علم دین و محکم و متشابه آن را بلدند و مردم را از بی دینی و گمراهی نجات می دهند و دقیق ترین منظور شاید خود امام باشد.

چنانچه نقص به معنی عدم قوام باشد نقص ارض می تواند به معنی نسخ متشابهات ارض و محکم شدن آن باشد که یعنی اطراف ارض که متشابه است را نقص می کنیم

سوره الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ [43] کافران می گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، به شهادت میان من و شما کافی است. (43)

قرآن مبین - مبین موبایل

علم کتاب یعنی علامتی که مشخص می کند چه چیز کتاب است و چه چیز نیست و کتاب همان محکمت است و غیر کتاب همان متشابهاات (مراجعه کنید به هفت آل عمران) برای همین کسی که علم کتاب دارد شهید خوانده شده زیرا شهید یعنی مشخص کننده ی محکم از متشابه.

سوره ابراهیم

فرم کلی سوره در مورد خارج کردن از ظلمات به سمت نور پس از خارج شدن از نور به ظلمت و گمراهی است

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ [3] آنان که زندگی دنیا را از آخرت دوست بدارند و دیگران را از راه خدا باز می دارند و آن را منحرف می جواهرند، سخت در گمراهی هستند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل متشابه با امام است و چون امام همان انعام است که نعمت ها (اموال و انفس) را در دنیا تحویل می گیرد و در آخرت و حرم امن تحویل می گیرد کسانی که صد سبیل می کنند همان کسانی اند که دنیا را بر آخرت ترجیح داده اند بنابراین منظور از ضلال بعید انسانی است که عجل است و به خاطر همین هیچگاه سراغ آخرت و امام که او را از نعمت دنیا محروم و به نعمت آخرت می رساند نمی رود برای همین در آیه بعد داریم:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ که منظور از ارسال رسول ابلاغ رسالت به دست اوست که با بینات امام انجام می شود و هرکس بینات را نخواهد که همان مشخص کننده ی محکمت (نعمت آخرت) از متشابهاات (نعمت دنیا) است در ضلالت و صد سبیل است.

سوره ابراهیم

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [5] موسی را با آیات خود فرستادیم که: قوم خود را از تاریکی به روشنایی بیرون آر، و روزهای خدا را به یادشان بیاور. و در این برای هر شکیبای شکرگزار، عبرتهایی است. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

ایام الله همان ایام خالیه است که خلت فیها نذیر. رجوع شود به بیست و چهار حاقه. و منظور آن است ظاهرا که قومت را از ظلمات به نور ببر زیرا ایامی از خدا (آخرت) خواهد آمد که در آن جز نوری که کشته اند برداشت نمی کنند و این آیه ای برای صبوران است زیرا به غیر از صبور نعمت دنیا را کسی کشت نمی کند.

همچنین در درآمد آیات بعد است و منظور از ایام الله روزی است که از دست فرعونیان (متشابه با ضر) نجاتشان داد و حال می خواهد خدایی که نجاتشان داد را یاد کنند و بر او صبر کنند و کفر پیشه نکنند.

سوره ابراهیم

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْعُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ [6] و موسی به قوم خود گفت: نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است به یاد آورید، آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید. به سختی آزارتان می کردند و پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در این از جانب پروردگارتان برای شما آزمایشی بزرگ بود. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از بلا امتحان است چنانچه دریم لیلوکم ایکم احسن عملا که یعنی می خواهد بداند کدام یک از شما به خدایی که از فرعونیان نجاتش داد صبر می کند و کدامیک پیرو کفر می شود. نساء متشابه با امامان امت است و ابناء خود امت که ذبح آنها متشابه است با گمراه کردنشان زیرا متشابه با کشتن است و زنده نگه داشتن زنان متشابه است با آنکه آنان را به عقد خود در می آوردند و سخنان خود را به آنها القا می کردند تا به امتشان بدهند.

سوره ابراهیم

وَإِذْ تَأْتِنَ رَبِّكُمْ لَنْ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدْتَكُمْ وَلَنْ تُكْفَرْتُمْ إِنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ [7] و پروردگارتان اعلام کرد که اگر مرا سپاس گویید، بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید، بدانید که عذاب من سخت است. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ازدیاد بعد از شکر احتمالا همان متشابه با گرفتن نعمت چند برابر در آخرت است و قبلش هم داشتیم لآیات لكل صبار شكور

سوره ابراهیم

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَأْ يُدْهِبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ [19] آیا ندیده ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است؟ اگر بخواهد شما را می پرد و مخلوقی تازه می آورد. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از جدید ظاهرا خلقی است که از اول خدا مومن آن ها را پدید آورد و بعد کم کم کافر شدند چنانچه داریم اذا كنا عظاما و رفاتا انا لمبعوثون خلقا جدیدا که یعنی دوباره مانند اول پدید می آییم و هماهنگ با آیات قبل و فرم کلی سوره است که در مورد خارج کردن از ظلمات به سمت نور است بعد از آنکه از نور به ظلمات گرفتار شده اند و منظور از خلق جدید متشابه با آن است که همانگونه که از اول خلق کردیم دوباره خلق می کنیم خلقی را که مومن هستند.

سوره ابراهیم

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ [40] ای پروردگار من، مرا و فرزندان مرا برپای دارندگان نماز گردان. ای پروردگار ما، دعای مرا بپذیر. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

قبول متشابه با رشد دادن است چنانچه داریم تقبلها ربها و انبتها نباتا حسنا و قبول دعا همان رشد دادن آن است و ظاهرا در دعا انسان تصمیمی می گیرد و قبول کردن خدا به آن معناست که آن تصمیم را در فرد قوام می دهد تا در او پایدار شود و فرد بتواند آن را رشد دهد و برای آن کار کند چنانچه دعا و درخواست از خدا همان انابه است و اگر انابه پایدار باشد استجاب و رشد هم پایدار است و قبول دعا با پایداری انابه انجام می شود. اگر نه دعا به منزله ی استهزا و برگشتن از آن است.

داریم انما يتقبل الله من المتقين و بنابراین فقط دعای متقین اجابت می شود و متقین همان پرهیزگاران از معبودان باطلند و اگر معبودان باطل و دشمنان امام بر جامعه ای حاکم باشند فرد متقی محسوب نمی شود و دعایش مستجاب نمی شود برای همین داریم نگذارید بدکاران بر شما مسلط شوند زیرا دعایتان آنگاه مستجاب نمی شود زیرا فقط دعای متقین مستجاب می شود و متقین امام باطل حاکمشان نیست و کسی که امام باطل را بخواند دعایش مستجاب نمی شود و خدا به واسطه ی امام دعای مردم را مستجاب می کند و وقتی امام حاکم باشد دعای مردم را مستجاب می کند و دعا متشابه با عمل صالح است

سوره الحجر

این سوره ظاهرا در مورد علاقه ی شیاطین به فهم قرآن است که البته قرآن را نمی فهمند و در قلبشان سلک می شود و خدا حافظ آن است و طبعاً حرف شیاطین دروغ بر خدا بستن خواهد بود

سوره الحجر

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ [2] بسا که کافران آرزو کنند که ای کاش مسلمان می بودند. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه دوست دارند مسلمان باشند منظور آن است که می خواهند با اسلام سخن و نعمت خدا را درک کنند چنانچه برای ورود به بهشت در ادامه همین سوره داریم

ادخلوها بسلام آمین [46]

كَذَلِكَ تَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ [12] راهش را در دل مجرمان اینچنین می گشاییم. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه ظاهرا در ادامه ی آیه ی نه است که داریم انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون و سلک برای رصد می آید که با حافظ متشابه است و نسلکه فی قلوب المجرمین متشابه با آن است که با شهاب ثاقب نمی گذارد استراق سمع کنند و فهم سخن خدا کنند. و استهزا که در آیه ی یازده آمده متشابه با همان عمل شعراست که قرآن را نمی فهمند و در آیات اول بقره و الشعرا يتبعهم الغاوون آمده و وقتی به آنها می گوئید فساد نکنید می گویند انا نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا يشعرون زیرا که سخن خدا را کج فهمیده اند.

سوره الحجر

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ [14] اگر بر ایشان از آسمان دری بگشاییم که از آن بالا روند، (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه ی بعد که داریم

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ

متشابه با آن است که اینان چنانچه در آیه ی دوازده توضیح دادیم که لا يشعرون سحر شده اند اما چون لا يشعرون ، سحر(فساد) را حق می بینند و حق(اصلاح) را سحر چنانچه این آیات در آیه دوازده هم گفتم که در مورد ساحران فرعون و شعرا و متشابهات آن هاست که در آیات اول بقره هم آمده و در اینجا این دو آیه متشابه با آن است که اگر معنی حقیقی قرآن را به شعرا که غاوون آنها را تبعیت می کنند و سخن خدا را کج برداشت کرده اند بگوییم می گویند که سحر شده ایم و آن یعنی گمان می کنند وجه متشابه و غلط آیات را به آنها می گوئیم در حالی که آنها خودشان وجه متشابه را فهمیده اند و به اصطلاح سحر شده اند اما لا يشعرون. پس بعد از آنکه جلوگیری از فهم این افراد در آیات اول می آید بعد توضیح داده می شود که اگر به آنها فهم هم داده شود گمان می کنند که سحر شده اند.

سوره الحجر

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ [15] گویند: چشمان ما را جادو کرده اند، بلکه ما مردمی جادوزده هستیم. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی قبل

سوره الحجر

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ [21] هر چه هست خزاین آن نزد ماست و ما جز به اندازه ای معین آن را فرو نمی فرستیم. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی فرم کلی سوره است و توضیح آن است که برای همین عدم توان فهم آنها و محدود بودن فهم از معنی محکم آیات منحصرأ مقداری را معلوم می کنیم که بتوانید فهم کنید و بپذیرید و متشابه با بیست و هفت و بیست و هشت شوری است که خدا بعد از قنوط از اولیای باطل بر بنده سخن (متشابه با نعمت) خود را نازل می کند که یعنی پس از آنکه توان فهم

سوره الحجر

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ [40] مگر آنها که بندگان با اخلاص تو باشند. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مخلصین پیروان ائمه اند که صاحب نظر نیستند برای همین آیه ی بعد صراط مستقیم حضرت علی خوانده شده

سوره الحجر

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ [42] تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر بر آن گمراهانی که تو را پیروی کنند. (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

در سوره شعرا داریم الشعرا يتبعهم الغاوون و می دانیم شعرا متشابه با ساحران فرعون آمده اند بنابراین از ساحران فرعون غاوون تبعیت می کنند اما در این آیه هم (که غاوون تکرار شده) منظور از سلطان همان سحر و جادوی ساحران است که از شیطان است و ظاهرا منظور آن است که از سلطان تو (سحر تو) فقط غاوون تبعیت می کنند چنانچه از ساحران فرعون (شعرا) فقط غاوون تبعیت می کنند و در اینکه سلطان در اینجا منظور سحر و عمل شبیه به آن و آیت و معجزه است نمونه ی آن این آیه است که داریم سوره الذاریات

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ [38]

که منظور از سلطان همان معجزات اوست برای همین در آیه ی بعد او را مجنون و ساحر می خوانند. پس ظاهراً منظور آیه این است که بندگان من از سحر تو (زینت دنیا، درک غلط تو از متشابهات) تبعیت نمی کنند و فقط غاوون اینکار را می کنند اما در آیه ی مشابه دیگر یعنی

سوره الإسراء

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا [65]

در اینجا ظاهراً منظور از سلطان سلطان درست و متشابه عرضی با معجزه و آیت خداست و در اصل همان سلطان مبین است که در سی و هشت ذاریات برای حضرت موسی آمده که مبین یعنی بینه دار و محکم و درست که خطاب به شیطان گفته می شود تو آن را بر بندگان نداری در این آیه گفته می شود که تو توان سخن درست گفتن به بندگان نداری و در چهل و دو حجر گفته می شود سلطان غلط تو فقط بر غاوون است و هرچند ظاهر دو آیه با هم متناقض است اما معنی سلطان در هر کدام با دیگری متفاوت است و سلطان متشابه آمده.

سوره الحجر

لَهَا سَبْعَةٌ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ [44] هفت در دارد و برای هر در گروهی از آنان معین شده اند. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی چهارده که داریم اگر بابی از آسمان بر آنها باز کنیم که مقصود همان باب محکم سخن خداست حال باب متشابهات آمده که همان هفت یا هفتاد جزء متشابه است و متشابه با سخن حضرت عیسی است که در آن داریم وقتی روح خبیث به بیابان می رود با هفت روح بدتر از خود بر می گردد.

سوره الحجر

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ [65] چون پاسی از شب بگذرد، خاندان خود را بیرون ببر. و خود از پی آنها رو و نباید هیچ يك از شما به عقب بنگرد. به هر جا که فرمانتان داده اند بروید. (65)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سه رعد

سوره الحجر

لَعْمَرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَغْمَهُونَ [72] به جان تو سوگند که آنها در مستی خویش سرگشته بودند. (72)

قرآن مبین - مبین موبایل

سکر ظاهرا پیروی از سحر است چون چنانچه گفتیم فرم کلی این سوره علاقه به شنیدن به سخن خداست اما چون نمی فهمند دروغ می بندند و در اینجا هدفشان رسیدن به لواط به جای ازدواج بوده که منکر و متشابه با سحر است و چون از کلمه ی سکر استفاده شده پس سکر اتباع سحر است

سوره الحجر

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ [95] مَا مَسْخَرَهُ كَهَنَدُكَانَ رَا از تو باز می داریم؛ (95)

قرآن مبین - مبین موبایل

مستهزئان همان ها هستند که حضرت محمد را یاری نمی کنند و اموال و اولادشان را صرف دنیا می کنند و منظور از کفیناک یعنی ما خود به تو کمک می کنیم است چنانچه داریم کفی بربک وکیلا و داریم و من یتوکل علی الله فهو حسبه

سوره النحل

فرم کلی سوره در مورد انواع نذیرها و امامان است که محکم و متشابه را جدا می کنند و تعبیر قرآن می کنند و ابلاغ رسالت می کنند مانند نحل انعام و نخیل و اعناب که در آیات شصت و شش تا شصت و نه آمده.

سوره النحل

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ ۗ إِنَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۗ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [7] بارهایتان را به شهرهایی که جز به رنج تن بدانها نتوانید رسید، حمل می کنند، زیرا پروردگارتان رؤوف و مهربان است. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

همان طور که در آیات بعد خواهد آمد انعام متشابه با امامانند و خطاب متشابه آمده که یک وجه به حضرت محمد است که آنگاه منظور از ابلاغ ثقل ابلاغ رسالت (ابلاغ سخن قرآن و نسخ متشابهات) و منظور از بلد حرم امن خداست (زیرا امام که متشابه با انعام است همان رساننده به حرم امن خداست) که همان سخن خداست که امام به آن راهنمایی می کند و سخن پیامبر را نسخ می کند تا به حرم امن برساند و منظور اصلی را مشخص کند و یک وجه دیگر خطابش مردمند و منظور از بلد باز هم حرم امن است که ائمه مردم را به آن می رسانند و من ثقلت موازینه متشابه با من ثقلت انعامه و من ثقلت امامه است که یعنی چه مقدار از ثقل و عملش توسط امام به حرم امن رسیده. که همان اموال و اولاد و نفسش است که با امام باید به حرم امن برساند تا از خسارت ایمن کند و خسارت به میزان زدن یعنی عدم دریافت توسط میزان که در این صورت آن شیء که همان نفس یا مال است طعمه ی عذاب خدا می شود.

در اصل هرکس سوار انعام شود انعام مال و نفس او را برمی دارند و به حرم امن می برند و این تجارت است چنانچه ایمان به انعام(امامان ، ولایت) متشابه با تجارت است که مال و انفس دنیا را با مال و انفس آخرت(حرم امن) عوض می کند و این همان تجارته است که نفس را به حرم امن می آورد و آن را از عذاب الیمی که بیرون این حصن است نجات می

دهد.

منظور از حمل همان حاملگی ام است که متشابه با حمل امام است و بندگان تخمی را که در دنیا در دامان امام می کارند در آخرت برداشت می کنند و در نگاه دیگر آن تخم خود مردمانند که بچه های امامان محسوب می شوند و امامان آن ها را در آخرت وضع حمل می کنند. زیرا امام مادر و نبی پدر مومنان است

سوره النحل

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضْلِلُونَهُمْ بَغِيْرَ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُونُ [25] تا در روز قیامت همه بار گناه خویش و بار گناه کسانی را که به نادانی گمراهشان کرده بودند، بردارند. آگاه باش که بار بدی بر می آرند. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

وزر کامل ظاهرا منظور گناه نابخشودنی است که هیچگاه از آن ها پاک نمی شود و هیچگاه ایملن نمی آورند زیرا کامل متشابه با مقیم است و ظاهرا دلیل این قوام آن است که در آیات فکر نمی کنند و آن را اساطیر اولین می نامند برای همین در آیه بیست و نه داریم خالدين فيها

سوره النحل

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلْمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [28] کسانی هستند که بر خود ستم روا داشته اند؛ چون فرشتگان جانشان را بستانند، سر تسلیم فرود آرند و گویند: ما هیچ کار بدی نمی کردیم. آری، خدا از کارهایی که می کردید آگاه است. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی صد و یازده همین سوره.

سوره النحل

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ [45] آیا آنان که مرتکب بدیها

می شهوند، مگر ایمنند از اینکه زمین به فرمان خدا آنها را فرو برد یا عذاب از جایی که نمی دانند بر سرشان فرود آید؟
(45)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن یا خود آن است که داریم افامنوا مکرالله (فلا یومن مکر الله الا القوم الخاسرون) پس باز طبق این آیه می بینیم که مکر الله که در نود و نه اعراف آمده همان خسف ارض است و آن همان سنگ شدن ارض (امام) است (عدم تبعیت و دسترسی به امام) که باعث می شود نعمت ها از دنیا به آخرت نرود و فرد خاسر شود

سوره النحل

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [64] ما این کتاب را بر تو نازل نکرده ام جز برای آنکه هر چه را در آن اختلاف می کنند برایشان بیان کنی. و نیز راهنما و رحمتی برای مؤمنان باشد. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از کتاب در اینجا ظاهرا ام کتاب یا همان امام کتاب است که نت

شابه با امام است زیرا کتاب محکم و متشابه دارد اما آنچه تبیین کننده است محکم ان است نه همه ی آن

سوره النحل

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّسُقْيِكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِقًا لِلشَّارِبِينَ [66] برای شما در چارپایان پندی است. از شیر خالصی که از شکمشان از میان سرگین و خون بیرون می آید سیرابتان می کنیم. شیری که به کام نوشندگان گواراست. (66)

قرآن مبین - مبین موبایل

عبر متشابه با فهم محکم از متشابه است و آمدن شیر حلال و مفید از میان فرث و دم که هر دو نجسند متشابه با آمدن سخن محکم خدا از میان متشابهات است و انعام اینجا متشابه با امام رصد حافظ و ینیوع است که محکم را از متشابه جدا می کند و ابلاغ رسالت می کند و منظور از انعام احتمالا ائمه است و منظور از لبن سخن محکم خدا و انعام چنانچه می دانین در ا ائل سوره آمد که تحمل ائمه الی بلد لم تکنوا بالغیه که یعنی ابلاغ کننده اند که همان متشابه با ابلاغ کننده ی رسالتند که باز ماشابه با امامند و باز با مادر وجه تشابه دارد و آنجا که مادر به فرزند هم از میان فرث و دم شیر می دهد و مادر(ام) متشابه با امام است. در اینجا مثلی است و آن اینکه همان طور که انسان نمی تواند علف بخورد و باید آن را چهارپایی بخورد و او از شیرش استفاده کند انسان سخن خدا را هم خام نمی تواند بفهمد و باید امام آن را تجزیه ی محکم از متشابه بکند(تجزیه ی لبن از فرث و دم)

سوره النحل

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سُكْرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [67] و از میوه های نخلها و تاکها شرابی مستی آور و رزقی نیکو به دست می آورید، و خردمندان را در این عبرتی است. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

بتاز ظاهرا متشابه با آیه ی قبل آمده که نخیل و اعناب هم سکر می دهند و هم رزق حسن و این باید همان جدا شدن محکم از متشابه باشد که سکر بد است و رزق حسن خوب.

سوره النحل

ثُمَّ كَلِمَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْئَلِي سُبُلَ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [69] آنگاه از هر ثمره ای بخور و فرمانبردار به راه پروردگارت برو. از شکم او شرابی رنگارنگ بیرون می آید که شفای مردم در آن است. و صاحبان اندیشه را در این عبرتی است. (69)

قرآن مبین - مبین موبایل

شفا متشابه با دریافت بینه و بهبودی از مرض است و نحل ظاهرا متشابه با کسی است که از قرآن آیات مختلف (مختلف الوانه) را جمع می کند تا با نشان دادن تناقضات ظاهری آن ها بینه بر نسخ متشابهات بیاورد. منظور از مما یعرفون احتمالا سخنان مردم است که با سخنان خدا مختلف الوان است و بعضی بر بعضی برتری دارد و نحل آن ها را جمع می کند و برتری آن ها را نسبت به هم و نسخ آن ها را انجام می دهد.

مختلف الوان سخن خداوند است که که مانند اختلاف لیل و نهار است که نهار را بر لیل برتری می دهد و لیل متشابه با سینات و متشابهات و تفاسیر غلط است و نهار متشابه با ناسخ و بینه چنانچه محو هم برای باطل شدن باطل به دست حق می آید و هم برای از بین رفتن شب به دست روز. همچنین شفا هم برای سخن خداوند می آید که داریم نازل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین بنا برتین شراب مختلف الوان متشابه با سخنی است که محکم و متشابه دارد که محکم آن ناسخ متشابهش شده و باعث شفای مرض کسانی شده که با متشابهات گمراه شده اند و منظور را اشتباه دریافت کرده اند.

نحل متشابه با امام است زیرا از بطنش شفا بیرون می آید که بطن همان محل محکم است

سوره النحل

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ. فَمَا الَّذِينَ فَضَّلُوا بَرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَقْبِنِعْمَةَ اللَّهِ يَجْحَدُونَ [71] خدا روزی بعضی از شما را از بعضی دیگر افزون کرده است. پس آنان که فزونی یافته اند از روزی خود به بندگان خویش نمی دهند تا همه در روزی یکسان شوند. آیا نعمت خدا را انکار می کنید؟ (71)

قرآن مبین - مبین موبایل

سواء (سوء) متشابه با مولاست و این آیه متشابه با آیه ی بیست و هشت روم است که داریم:

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

سوره النحل

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تَجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتَوَفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [111] روز قیامت هر کس به دفاع از خویش به مجادله می پردازد و جزای هر کس چنان که حق اوست داده می شود و به کسی ستم روا ندارند. (111)

قرآن مبین - مبین موبایل

جدال یعنی سعی بر غلبه دادن باطل بر حق یا برعکس احتمالاً منظور آن است که در آن روز هر کس سعی می کند به حق ایمان بیاورد و باطل نفس خود را باطل کند و به جای آن حق را بنشانند اما بعدش داریمکتوفی کل نفس ما عملت که یعنی این عمل آن ها قبول نمی شود و ظاهراً متشابه با آیه ی بیست و هشت همین سوره آمده که داریم

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلْمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ با توجه به این تشابه منظور آیه ی بیست و هشت هم از القای سلم باید آن باشد که سعی می کنند در آخرین لحظات زندگی که ملک الموت مشغول آن ها می شود خود را پاک کنند چنانچه فرعون چنین کرد.

سوره النحل

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ [120] ابراهیم بزرگوار مردی بود. به فرمان خدا بر پای ایستاد و صاحب دین حنیف بود. و از مشرکان نبود، (120)

قرآن مبین - مبین موبایل

امه متشابه با امام و ام است و قانت همان عدم زناى نسبت به شوهر است و منظور ظاهراً آن است که او امام واسطی بدون هرزگی برای مردم بود و سخن خدا را به درستی به مردم منتقل می کرد و سخن شیطان را با آن مخلوط نمی کرد و نسبت به خدا زناکار نبود برای همین فرزنداناش حرامزاده (پیرو شیطان) نیستند

سوره النحل

ادعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ [125] مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن. زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد. (125)

قرآن مبین - مبین موبایل

جادلهم بالتی هی احسن متشابه با آن است که برای آن ها حکمی را کن که بهتر از قبلی باشد و همان نسخ به بهتر است زیرا جدال یعنی حذف یک متشابه برای روی کار آوردن محکم

سوره آل عمران

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَتَقُولُ تَوْفُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ [181] هر آینه خدا شنید سخن آن کسان را که می گفتند: خدا بینواست و ما توانگریم. گفتارشان را و نیز اینکه پیامبران را به ناحق می کشتند، خواهیم نوشت، و گوئیم: بچشید عذاب آتش سوزان را. (181)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آیه ی صد و دوازده آمده و قتل انبیا عینا تکرار شده و اینکه داریم خدا فقیر است و ما غنی به این علت گفته شده که خدا آنان را به جمل خود می خواند که همان دادن مال و اولاد به امام است اما آن ها نمی دهند و خدا را فقیر می خوانند زیرا توان گرفتن نعمت از آن ها را ندارد و می خواهد با دعوت از آن ها بگیرد و خود را غنی می خوانند زیرا مولایی ندارند و نمی خواهند که به آن ها نعمت دهد و این همان ذلتی است که در آیه ی صد و دوازده آمده زیرا ذلیل یعنی بی مولا و بی هادی (ضال).

سوره اسری در مورد ضلالت از راه بیت خداست که موجب نا فهمی فهم سخن خدا می شود.

سوره الإسراء

ظاهرا فرم کلی سوره در مورد شفاست چنانچه داریم و نزل من القرآن ما هو شفا و داریم یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی که روح همان انذار دهنده است که همان بینه اهنده است که متشابه با شفا دهنده است و داریم و مانرسل بالآیات الا تخویفا که تخویف همان از حصن و امنیت معبود باطل بیرون آوردن است که موجب شفا از مرض معبود باطل است.

سوره الإسراء

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ [1] منزّه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را برکت داده ایم سیر داد، تا بعضی از آیات خود را به او بنماییم، هر آینه او شنوا و بیناست. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

قصی متشابه با آخرت است و منظور از مسجد الحرام همان خانه ی خدا در زمین دنیا و مسجد الاقصی همان حرم آمن خدا در آخرت باید باشد که مسجد الحرام متشابه با آن پدید آمده. این مسئله به همین علت باید نشان دهنده ی معراج به آسمان باشد زیرا حرم آمن در زمین نیست و در آخرت است.

بارکنا حوله باز نشان می دهد مسجد سماوی خدا و حرم آمن منظور است (اگرچه مسجد الحرام حولش برکت ندارد و همچنین بیت المقدس و مسجد الاقصای زمین (یعنی اهلسان در امنیت و فهم قرآن نیستند)) که اهل آن بیت در برکتند زیرا خود بیت برکت دارد چنانچه داریم برکاته علیکم اهل البیت

اینکه داریم بارکنا حوله احتمالاً بارکنا من حوله هست چنانچه داریم قال لمن حوله الا تسمعون و آن ها که حول حرم آمنند همان اهل بیتند (بیت همان حرم است) که داریم رحمت الله و برکاته علیکم اهل البیت

منظور از آیات چیزهایی است که انسان را متوجه گذرا بودن دنیا و باقی بودن آخرت می کند و خدا آن جناب را به حرم آمن می برد تا محکم بودن آخرت را به او نشان دهد این خود دلیلی دیگر است برآنکه منظور از مسجد الاقصی خانه ی امن خدا در آخرت است.

سوره الإسراء

وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا [2] و آن کتاب را به موسی دادیم و آن را راهنمای بنی اسرائیل گردانیدیم که: جز من کارسازی برنگزینید. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

طبق این و آیه ی بعد مراد از بنی اسرائیل در بطن قرآن کسانی است که پیرو حضرت نوحند.

سوره الإسراء

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا [4] و بنی اسرائیل را در آن کتاب خبر دادیم که: دو بار در زمین فساد خواهید کرد و نیز سرکشی خواهید کرد، سرکشی کردنی بزرگ. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از علو کبیر ظاهرا چیره شدن بر تمام زمین است چنانچه داریم پاک و منزّه است از داشتن شریک و علو کبیر دارد(آیه ی چهل و دو اسری) که یعنی علو کبیر همان بی رقیب بودن و پادشاهی یگانه است. و علی متشابه با مولایی است.

سوره الإسراء

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِئْتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا [9] این قرآن به درست ترین آیینها راه می نماید و مؤمنانی را که کارهای شایسته به جای می آورند بشارت می دهد که از مزدی کرامند برخوردار خواهند شد. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

عمل صالح متشابه با حق است زیرا حق با اصلاح متشابه است و آن همان تبعیت دادن زمین نسبت به آسمان است و عمل صالح همان انجام دادن دین حق و محقق کردن خودمتشابهی است که موجب قوام است اما فساد بیرون کردن امور از روبه ی عادی خودشان است

سوره الاسری

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا [11] و آدمی به دعا شری را می طلبد چنان که گویی به دعا خیری را می چوید. و آدمی تا بوده شتابزده بوده است. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

شر متشابه با دنیاست و عاجله و در آیه ی هجده داریم

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا تَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا

و آنکه داریم به شر می خواند دعایش به خیر احتمالا منظور از شر جهنم و دنیاست و از خیر خیر دنیا.

سوره الإسراء

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّيَتَّبِعُوا فُضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِيَتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّيِّئِينَ وَالْحَسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا [12] شب و روز را دو آیت از آیات خدا قرار دادیم. آیت شب را تاریک گردانیدیم و آیت روز را روشن تا به طلب رزقی که پروردگارتان مقرر داشته است برخیزید و شمار سالها و حساب را بدانید، و ما هر چیزی را به تفصیل بیان کرده ایم. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

عدد السنین. سنین متشابه با ارض است و آن همان تعداد و مدتی است که ارض به رزق دادن ادامه می دهد که قلیل است چنانچه داریم: سوره مؤمنون

قَالَ كَمْ لِبِئْتِمُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

قَالُوا لِبِئْتَنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ [113]

قَالَ إِنْ لِبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ [114]

و تمام می شود و دنیا تمام می شود و لتعلموا عدد السنین در اصل ظاهرا یعنی تا بفهمید دنیا متشابه است و تمام می شود و الحساب حساب متشابه با شعر است و آن همان فهم محکم است و لتعلموا عددالسنین و الحساب یعنی تا با فهم آن که دنیا تمام می شود بفهمید که متشابه است و فهم (حساب ، شعر) کنید که محکم آخرت است بنابراین منظور از حساب نیز فهم محکم است. برای امین داریم فمحونا آیه اللیل که لیل متشابه با دنیا است و روز متشابه با آخرت زیرا محو برای باطل می آید که متشابه با سوء و شر و دنیا است و چون روز خلاف شب است پس روز هم متشابه با آخرت است.

این آیه در ادامه ی آیه ی قبل است که انسان دنیا را خیر می داند و خدا لیل و نهار را قرار داده تا متوجه خیر بودن آخرت بشود و در ادامه ی آن است که خدا می خواهد در آیه ی یک آیات را به حضرت محمد نشان دهد

سوره الإسراء

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا [13] کردار نیک و بد هر انسانی را چون طوقی به گردنش آویخته ایم. و در روز قیامت برای او نامه ای گشاده بیرون آوریم تا در آن بنگرد. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

به جاس سیئه که بر گردن قرار می گیرد طایر آمده و منظور از طائر همان سیئه یا عمل شیطان است و در اینجا از متشابه طولی آن یعنی خود شیطان استفاده شده و به جای شیطان از متشابه عرضی آن یعنی طیر استفاده شده برای همین هاست که در حکایت کشاورز شیطان با پرنده ای که تخم (سخن) را می قاپد متشابه آمده

سوره الإسراء

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُنْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا [16] چون بخواهیم قریه ای را هلاک کنیم، خداوندان نعمتش را بیفزاییم، تا در آنجا تبهکاری کنند، آنگاه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را درهم فرو کوییم.
(16)

قرآن مبین - مبین موبایل

فسق همان کفر و دو حرفه شدن است و منظور آن است که کاری می شود که کافر می شوند و می گویند انما اوتیته علی علم. مراجعه شود به تفسیر هجده سجده. و بعد خدا به سبب کفرشان نابودشان می کند و نسخ می شوند

سوره الإسراء

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْوَثًا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا [23] پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه تا تو زنده هستی هر دو یا یکی از آن دو سالخورده شوند، آنان را میازار و به درشتی خطاب مکن و با آنان به اکرام سخن بگوی. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اف ایمان نیاوردن به وعده ی خداست که توسط پدر و مادر (حضرت محمد و حضرت علی) به مردم داده می شود.

سوره الإسراء

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْإِنْسَانِ السَّبِيلَ وَلَا تَبْدُرْ تُبْدِيرًا [26] حق خویشاوند و مسکین و در راه هانده را ادا کن و هیچ اسرافکاری مکن. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

مبذر کسی است که نعمت را در راه غیر خدا صرف می کند و ظاهرا منظور آن است که نعمت را به مسکین و ذی القربی و ابن سبیل بده و آن را به کس دیگری نده(در راه غیر خدا صرف نکن)

سوره الإسراء

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا [30] پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می دهد، یا تنگ می گیرد، زیرا او به بندگانش آگاه و بیناست. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه کنید به بیست و هشت و بیست و هفت اسری از تفسیر خودم. برای فهم علت بسط و قدر رزق؛ و آنکه خدا چه زمانی رزق را تنگ می کند و چه زمانی بسط می دهد. همچنین ببسط الرزق لمن یشاء و ببسط ظاهرا یعنی خدا نعمت را بر خواننده ی خودش بسط می دهد و بر خواننده ی معبود باطل تنگ می کند نه آنکه بگوییم به کسی نعمت ندهید اگر خدا می خواست خودش به او می داد بلکه باید مانند خدا رفتار کرد.

سوره الإسراء

وَأَوْقُوا الكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا [35] چون چیزی را پیمانه کنید، پیمانه را کامل گردانید و با ترازویی درست وزن کنید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

وفی کیل هممان پس دادن به اندازه ی جنس در معامله است و متشابه با آن است که هنگامی که امامت مردم را به دست می گیرید امام به حق باشید که در این صورت خطاب این تاویل آیه ظاهرا فقط با ائمه است زیرا دیگران وفی کیل کامل ندارند.

سوره الإسراء

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأُتِنَعُوا إِلَىٰ نبي العرش سَبِيلًا [42] بگو: همچنان که می گویند، اگر با او خدایان دیگری هم بودند پس به سوی صاحب عرش راهی بسته بودند. (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل متشابه با وسیله است و همچنین متشابه با امام و آنکه داریم

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا [56]

منظور از ادعوا الذین من دونه و وسیله متشابه با خواندن و درخواست و سوال از امام است که سبیل و رسیدن به خداست

سوره الإسراء

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا [48] بنگر که چگونه برای تو مثلها زده اند. گمراه شده اند و راه به جایی نمی برند. (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه در ادامه ی عدم فهم سخن خدا و یگانگی خدا توسط ظالمان است و استطاعت بر سبیل همان پیدا کردن راه خانه ی خداست که منبع فهم سخن خداست و برای همین داریم و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و استطاعت بر سبیل متشابه با پیدا کردن راه درست رسیدن به امام و بیت خداست

چون گمان می کنند بعد از مرگ زنده نمی شوند پس اطاعت سبیل بیت هم نمی کنند تا اموال و انفس خود را به آنجا ببرند و بعد از مرگ آن ها را وفی کنند برای همین داریم ضربوا لك الامثال فضلوا و لا يستطيعون سبيلا

سوره الإسراء

وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَيْسَ لِمَنْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا [49] گفتند: آیا اگر از ما استخوانی بماند و خاکی، باز هم با آفرینشی نو از قبر برمی آیزیم؟ (49)

قرآن مبین - مبین موبایل

عظام خلاف هین است یعنی وقتی که سخت شدیم و دگر بازگشتمان سخت شد در حالی که خدا می گوید

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

و این جواب متشابه با دو آیه ی بعد همین سوره آمده و چون آنها می گویند سخت است خدا جوابشان می دهد که بر من راحت است همانطور که از اول نبودید و خلقتان کردم

سوره الإسراء

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا [53] و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند، که شیطان در میان آنها به فتنه گری است، زیرا شیطان آدمی را دشمنی آشکار است. (53)

قرآن مبین - مبین موبایل

يقولوا التي هي احسن يعني لا تقولوا ما لا تفعلون زیرا احسن همان سخن خداست که داریم الله نزل احسن الحديث پس یعنی قرآن را درست تفسیر کنید و سخن شیطان را که دروغ به قرآن می بندد نگویید برای همین بعدش داریم ان الشيطان ينزع بينهم بنابراین شیطان با قرآن و متشابهاتش و با کتب آسماتی و نتشابهاتش بین صاحبات فرقه های مختلف قرآن و صاحبان ادیان مختلف با هم دشمنی ایجاد می کند

سوره الإسراء

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا [58] هیچ قریه ای نباشد مگر اینکه پیش از فرا رسیدن روز قیامت هلاکش می کنیم یا به عذابی سخت گرفتارش می بهازیم. و این در آن کتاب نوشته شده است. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

قریه متشابه با امام و ارض است و منظور از قریه هایی که قبل از روز قیامت نابود می شوند ظاهرا امامان باطلی است که ادعای اصلاح زمین از طرف خدا(یا غیر خدا، زیرا نفس خواهی متشابه با تبعیت از خداست) می کنند اما به جای اصلاح فساد می کنند و طاغوتند و قریه اینجا ظاهرا عام آمده و منظور تمام حکومت های قبل از قیام حضرت قائم است که یا به علت آنکه دنبال حقیقتند اما به راه غلط رفته اند عذاب می شوند و یا به علت اینکه از عمد به دنبال باطل بوده اند هلاک می شوند و آن حدیث که پرچمداران قیام قبل از قائم طاغوتند احتمالا همین است.

سوره الإسراء

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا [59] ما را از نزول معجزات باز نداشت، مگر اینکه پیشینیان تکذیبش می کردند. به قوم ثمود به عنوان معجزه ای روشنگر ماده بهتر را دادیم. بر آن ستم کردند. و ما این معجزات را جز برای ترسانیدن نمی فرستیم. (59)

قرآن مبین - مبین موبایل

خوف خلاف امن است و آن یعنی برای زدودن معبود باطل و حصن (ایمان) او از مردم آیات را می فرستیم که حصن آن ها همان اکنه ای است که در آیات قبل آمد و این عمل همان کافر کردن آن ها به معبود باطل است باید گفت که خوف متشابه با کفر است زیرا هر دو خلاف امن آمده اند و تخویف آن ها یعنی کافر کردن آنها به معبود باطل

ناقه متشابه با امام و ماعون است زیرا منع برای ماعون می آید و همان ماء معین و ینابیع است برای همین داریم ثمود طغیان کرد و شقی ترینشان را بر انگیخت که طغیان همان سرپیچی از امام است و شقاوت همان عدم پرهیز از متشابهات که امام آن ها را نسخ می کند. برای همین ها شقی ترین افراد قاتل ناقه و قاتل حضرت علی شناخته شده اند. و علت غیبت امام هم همین تکذیب و قتل اوست و خدا خود را منع نمی کند از فرستادن او الا به خاطر تکذیب و ظلم به او و قتل او. و قاتل ناقه از اشقیاء بود چنانچه داریم اذنبعت اشقاها پس ظاهرا عدم ظهور برای در امان ماندن از اشقیاست که تعبیر غلط از دین دارند

تکذیب همانگونه که در ماعون داریم همان منع ماعون است بنابراین ظاهرا معنای آیه این است که ما منعنا ان نرسل بالآیات الا منع منها الاولون یعنی علت اینکه ما ماعون و ما معین و آیات را نمی فرستیم این است که اگر بفرستیم شما از آن منع می کنید و برای مثال ناقه ی صالح آمده که به عنوان آیه و ماعون آورده شده اما آن را کشتند و منع کردند از ماندن

سوره الإسراء

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا [60] و آنگاه که تو را گفتیم: پروردگارت بر همه مردم احاطه دارد. و آنچه در خواب به تو نشان دادیم و داستان درخت ملعون که در قرآن آمده است چیزی جز آزمایش مردم نبود. ما مردم را می ترسانیم ولی تنها به کفر و سرکشیشان افزوده می شود. (60)

قرآن مبین - مبین موبایل

خوف متشابه با آیت است چنانچه داریم ما نرسل بالآیات الا تخویفا و آیت متشابه با علامتی است که موجب رسیدن به نعمت می شود بنابراین متشابه طولی با نعمت است و اینکه داریم نخوفهم ممکن است منظور این باشد که به آنها نعمت (به وسیله ی علامت) می دهیم اما این فقط فتنه است و فقط به طغیان آنها اضافه می کند. و رویا متشابه با ماعون است و نعمت تا خدا مشخص کند چه کسی پیرو محکم آن و چه کسی پیرو متشابه آن می شود و منظور از طغیان همان متشابهات سرپیچی از امام و سخن محکم است

احاطه با علم و خبر و نبا متشابه طولی است چنانچه داریم احطنا بما لدیہ خبرا و منظور از خبر ابتلای اخبار است چنانچه داریم لنبلوا اخبارکم و منظور آن است که خدا انسان را دچار فتنه (متشابهات) می کند تا مشخص کند هرکس به محکم رو

می آورد یا متشابه و خیر متشابه با عمل آن هاست چنانچه داریم لنبلوهم ایهم احسن عملا و خدا بر بندگان احاطه دارد منظور ظاهرا آن است که آن ها را با فتنه ها آزمایش می کند تا بفهمد چه کسی پیرو محکم و چه کسی متشابه است برای همین هاست که بعدش داریم و ما جعلنا الرویا التی اریناک الا فتنه للناس

درخت ملعون ظاهرا دشمنان خدایند و مخالفان امام غائب زیرا تخویف در آیه ی قبل برای آمدن آیات آمده و آیات همان شتر حضرت صالح دانسته شده و آن هم متشابه با امام است که سخن محکم خدا را می گوید و به خاطر همین اشقیاء دشمنشند.

سوره الإسراء

وَاسْتَقْرَزَ مَنْ اسْتَطْعَتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا [64] با فریاد خویش هر که را توانی از جای برانگیز و به یاری سواران و پیادگانت بر آنان بتاز و در مال و فرزند با آنان شرکت جوی و به آنها وعده بده. و حال آنکه شیطان جز به فریبی وعده نشان ندهد. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

استفزاز متشابه با استفزاز از ارض است چنانچه داریم یستفزونک من الارض است و متشابه با آن است که آن ها را از راه امام (که متشابه با ارض است) خارج کند (فرز متشابه با خرج است) و از حرم امن که داخل شده اند خارج کند و استطاع که برای شیطان آمده همان خلاف من استطاع الیه سبیلاست که سعی می کنند ضرب فی الارض کنند (لا یستطیعون ضربا فی الارض) و شیطان استطاع می کند تا سنگ بر ارض بگذارد.

شارکهم فی الاولاد متشابه با آن است که پدر فرزندانشان شو که این به علت انتخاب امام اشتباه توسط فرد است که شیطان پدر او می شود و به حرف شیطان گوش می کند

در اصل آیه متشابه با آن است که خدا اذن داده به نبی که سخن خدا را به مردم عادی هم بگوید و آن ها برای دیگران تفسیر می کنند و نقش امام را بازی می کنند و بعضی وقت ها خیر و بعضی وقت ها شر را انتقال می دهند اما سرجمع خدا صلاح دیده که سخن را منتقل کنند و راوی حدیث از مردم عادی هم وجود داشته باشد

سوره الإسراء

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا [65] تو را بر بندگان من هیچ تسلطی نباشد و پروردگار تو برای نگهبانیشان کافی است. (65)

قرآن مبین - مبین موبایل

به چهل و دو حجر مراجعه شود.

در این آیه بعد از گمراه کنندگی شیطان به وسیله دنیا تذکر داده می شود که تو ای شیطان به راه خدا هدایت کننده نیستی و بندگان مرا هیچکدام هدایت نمی کنی به راه من و بعد از لیس لک علیهم سلطان الا نیامده زیرا منظور از سلطان در اینجا هدایت به سمت خداست و این آیه در ادامه ی آن است که داریم وعده ی تو غرور است و وعده ی راست بر بندگانم نداری. در حالیکه در آیه ی مشابهه سوره حجر داریم که از وعده ی غرور تو فقط غاوون تبعیت می کنند.

سوره الإسراء

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا [71] روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم، نامه هر که به دست راستش داده شود، چون بخواند بیند که به اندازه رشته باریکی که درون هسته خرماست، به او ستم نشده است. (71)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الإسراء

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا [71] روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم، نامه هر که به دست راستش داده شود، چون بخواند بیند که به اندازه رشته باریکی که درون هسته خرماست، به او ستم نشده است. (71)

قرآن مبین - مبین موبایل

ایمان (یمین ها) متشابه با عهد و سخن خداست و به تبع آن متشابه با مال و اولاد و آنچه به امام داده می شود و برای همین کسی که یمین در آخرت نداشته باشد کتابش را نمی تواند بخواند

سوره الإسراء

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا [72] و هر که در این دنیا نابینا باشد، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است. (72)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و سبیل متشابه با امام است که در آیه ی قبل آمده

سوره الإسراء

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خَلْقَكَ إِلَّا قَلِيلًا [76] و نزدیک بود که تو را از این سرزمین برکنند تا از آنجا آواره ایت سازند. و خود پس از تو جز اندک زمانی نمی ماندند. (76)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اخراج از ارض متشابه با همان سعی آن ها در آن است که حضرت محمد به خدا افترا ببندد که این کار همان اخراج آن جناب از ارض(متشابه با امام و جبرئیل و آنچه سخن خدا را برای حضرت محمد بازگو می کند) است

سوره الإسراء

سُنَّةٌ مِّنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا [77] سنت خدا درباره پیامبرانی که پیش از تو فرستاده ایم چنین است. و سنت ما را تغییرپذیر نیابی. (77)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است که می خواستند کاری کنند که حضرت محمد به خدا دروغ ببندد و از ارض(متشابه با جبرئیل و محل سخن محکم خدا) اخراجش کنند اما خدا این نکته را به عنوان دلیل می آورد که این سنت خداست که نمی گذارد رسول بر او دروغ ببندد چنانچه در سوره جن داریم که خدا بر رسولان رصد می گمارد تا محافظتشان کند از آنکه بر او دروغ ببندند همچنین کلمه ی سنت متشابه با محکم کننده است و با رصد متشابه است و این نشان می دهد باز منظور از سنت خدا که در آیه ی قبل توضیحش آمده همان آیات آخر سوره جن است

سوره الإسراء

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا [81] بگو: حق آمد و باطل نابود شد. حقا که باطل نابودشدنی بود. (81)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آمدن عصای حضرت موسی و باطل شدن سحر ساحران است که وقتی تاویل درست قرآن می آید تاویل غلط آن نابود می شود چنانچه داریم ما جئتم به السحر ان الله سيطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين و عمل حضرت موسی حق و عمل ساحران باطل بود این عمل اصلاح نامیده می شود چنانچه عمل ساحران به واسطه ی مفسد نامیده شدنشان فساد نامیده شده. و حق متشابه با تاویل درست سخن خدا و باطل متشابه با تاویل غلط آن است. این آیه در ادامه ی آیه ی قبل

است که داشتیم رب ادخلی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و دخول صدق همان خارج شدن از ظلمات به نور و دخول به بیت خدا که من دخله کان آمنا است که همان ایمان است و آیه ی هشتاد در مورد ایمان و هشتاد و یک در مورد اصلاح است.

سوره الإسراء

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا [83] چون به انسان نعمت دادیم اعراض کرد و خویشتن به یک سو کشید، و چون گزندی به او رسید نومید گردید. (83)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با یا همان آیه ی یازده است و منظور از نعمت باید نعمت دنیا باشد و از شر همان آتش جهنم که به سبب عدم انفاق آنچه نعمت یافته بود انجام می شود و یاس همان عدم ایمان او به آخرت و نعمتش است.

سوره الإسراء

قُلْ لئن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَأَيْتُونَنَّ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا [88] بگو: اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند نمی توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (88)

قرآن مبین - مبین موبایل

بعضهم لبعض ظاهرا الجن للانس است که داریم:

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

و جن به آسمان برای شنیدن سخن خدا راهی ندارد و اگر انسان به آن پناه ببرد نمی تواند مانند قرآن بیاورد و یعنی سخنی که می گوید سخن خدا نیست قول ما تفعل است (لم تقولون ما لا تفعلون)

سوره الإسراء

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُورًا [89] ما در این قرآن برای مردم هر مثلی را گوناگون بیان کردیم، ولی بیشتر مردم جز ناسپاسی هیچ کاری نکردند. (89)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از آنچه برای مردم تصریف شده است وعید است چنانچه داریم صرفنا فيه من الوعيد و منظور از وعید قیامت است چنانچه داریم و نفخ فی الصور ذلک يوم الوعيد پس منظور از صرفنا من کل مثل امثال قیامت است که همان اثبات قیامت با خودمتشابهی است

سوره الإسراء

أَوْ تَسْقِطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلٍّ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا [92] یا چنان که گفته ای آسمان را پاره پاره بر سر ما افکنی یا خدا و فرشتگان را پیش ما حاضر آوری، (92)

قرآن مبین - مبین موبایل

این چند آیه که درخواست های کافران از حضرت محمد است درخواست خودمتشابهی و متشابه شدن دنیا با آخرت است مثلا می گویند اگر آسمان بر ما فرود آمده و بدبخت شده ایم پس کاری کن که آسمان دنیا هم همان طور که گمان می کنی بر ما فرود آید یا می گویند همانگونه که امامت را چشمه ی آب جوشان برای زنده نگه داشتن ما می دانی در زمین هم متشابه با آن پدید آور که نشانه ی آن است که طلب عاجله را می کنند زیرا خدا این کارها را در آخرت خواهد کرد و در آخرت و هنگام قیام حضرت قائم این خودمتشابهی پدید خواهد آمد و این ها کافرانی اند که عجله آن ها را کافر کرده و بعد داریم و مامنع الناس ان یومنوا ان جاءهم الهدی الا ان قالوا ابعت الله بشرا رسولا که یعنی علت کفر مردم همین متشابه نبودن آسمان و زمین و دیر بودن آینده در نظرشان است

سوره الإسراء

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلاَّ أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا [94] هیچ چیز مردم را از ایمان آوردن آنگاه که هدایتشان می کردند، باز نداشت مگر اینکه می گفتند: آیا خدا انسانی را به رسالت می فرستد؟ (94)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به آیه ی نود و یک

سوره الإسراء

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاَسْأَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا [101] از بنی اسرائیل بپرس، که چون موسی نزد آنان آمد، به او نه نشانه آشکار داده بودیم. و فرعون به او گفت: ای موسی، پندارم که تو را جادو کرده باشند. (101)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی ابعت الله بشرا رسولا آمده که دوست داشتند کسی به سمت آنان بیاید که مالک(مثل ملائکه) باشد و خدا حضرت موسی را به عنوان کسی که مالک بر معجزه بوده می آورد و می گوید که اگر حضرت محمد هم برای شما مالک بود باز به او ایمان نمی آوردید و ایراد سحر می گیرید چنانچه داریم و ما منعنا ان نرسل بالآیات الا ان کذب بها الالولون که یعنی خدا یک دلیل را که رد کرده اید دوباره برایتان تکرار نمی کند و گواه ترین نشانه ی نبوت حضرت محمد همان سخن درستش است و نه معجزات و قدرت ملکش بر نفع و ضرر و خوارق عادت.

سوره الإسراء

وَقَلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا [104] و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در آن سرزمین ساکن شوید و چون وعده آخرت رسد همه شما را با هم محصور می کنیم. (104)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی چهار است که در آن دوبار فساد در ارض بنی اسرائیل آمده و منظور از سکونت در ارض پیروی از امام است چنانچه منظور از فساد در ارض جنگ با امام است

سوره الإسراء

وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا [106] و قرآن را به تفاریق نازل کردیم تا تو آن را با تانی بر مردم بخوانی و نازلش کردیم، نازل کردنی به کمال. (106)

قرآن مبین - مبین موبایل

علی مکث همان انباشت آن در امام است و فرقه شدن آن همان فیها یفرق کل امر حکیم است که قرآن در آن شب فرقه می شود و در امام انباشت می شود و بعد که نزول آن در آن شب قطع شد امام همچنان با ذخیره ی ینبوعی که دارد آن را به گوش بقیه می رساند

سوره الإسراء

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا [108] و می گویند: منزله است پروردگار ما. وعده پروردگار ما انجام یافتنی است. (108)

قرآن مبین - مبین موبایل

وعد خدا متشابه با قیامت و رسیدن سخنش بعد از موت حضرت محمد توسط ائمه است در اصل امام سخن خدا را می گیرد و بعد از موت نبی آن را به مردم پس می دهد و متشابه با آن در قیامت معمتی را که از مردم گرفته به آن ها پس می دهد برای همین وعده ی خدا استخلاف ائمه در زمین است بنابراین وعده در قرآن هم برای قیامت و هم برای امامت است. بنابراین منظور از وعده ی خدا شدنی است ظاهرا آن است که خدا به وسیله ی امام پایداری سخن خود را به مردم وعده داده است

سوره الإسراء

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا [110] بگو: چه الله را بخوانید چه رحمان را بخوانید، هر کدام را که بخوانید، نامهای نیکو از آن اوست. صدایت را به نماز بلند مکن و نیز صدایت را بدان آهسته مکن و میان این دو راهی برگزین. (110)

قرآن مبین - مبین موبایل

خفی متشابه با غیب و متشابه و سنگ و قتر است و جهر متشابه با شهادت و بسط و محکم است و صلاه همان قیام ضد گناه و گناه کار است و متشابه با آن است که نه در کشتن دشمنان دستت را بسط بگیر و همه را بکش و در قتل اسراف کن و نه دستت را تنگ بگیر چنانچه داریم

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

و منظور متشابه یا همان آن است که در قتل اسراف یا اقتار نکن و باز داریم

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

که بین ذلک هم برای عدم اقتار و اسراف آمده و هم برای صلاه زیرا با هم متشابهند

و باز متشابه با این آیه است که آمد

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

آیه در ادامه ی آیه ی صد و شش است که قرآن آرام آرام نازل شده تا مردم یکباره به آن حمل نشوند و آنچه آمادگی اش را دارند به آن ها برسد و همه ی دین به مردم آموزش داده نشود و جهر متشابه با رفع صوت و داخل کردن دیگران به تبعیت خود است و ضرب اعناق و سنگ مانع بین آن ها و خود است و صلوه متشابه با ایمان است و لا تجهر بصلوتک متشابه با آن است که همه را به دین خود درنیاور و همه را هم از خود محروم نکن بلکه بین این دو سبیلی (امام ، دین) انتخاب کن که ظاهرا این آیه موید سنت حضرت محمد است که به مردم به اندازه ی فهمشان سخن خدا را می گفته و از آنچه عموم آن ها توان پذیرشش را نداشته اند پرهیز می کرده

اینکه داریم ایا ما تدعوا باز ظاهرا در ادامه ی آن است که آنچه از دین باید به مردم گفته شود که آمادگی اش را دارند و اگر از خدا صفت رحمان او را قبول دارند همان به آن ها گفته شود و اگر بیشتر قبول دارند مثلا الله گفته شود.

سوره الإسراء

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدَّالِّ وَكَبِيرَةٌ تَكْبِيرًا [111] بگو: سپاس خدایی را که فرزندی ندارد و او را شریکی در ملك نیست و به مذلت نیفتد که به یاری محتاج شود. پس او را تکبیر گوی، تکبیری شایسته. (111)

قرآن مبین - مبین موبایل

ولد یعنی فرزند شریک یعنی برادر و ولی ذل یعنی پدر زیرا ذل متشابه با بی پدری و بی پناهی است که یعنی کسی نمی تواند ولی خدا باشد و خدا ذلیل و بی پناه است در حالی که انسان ها نیاز به عزت و پناه دارند خدا از پناه بی نیاز است که ذلیل در اینجا یعنی خدا از هیچکس عزت نیافته

فرم کلی سوره در مورد نبود شدن دنیا و باقی ماندن آخرت و ثواب خداست

سوره الکهف

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا [4] و کسانی را که گفتند: خدا فرزندی اختیار کرد، بترساند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اتخاذ ولد خواندن ولی ای غیر از اولیای خداست (خلایف خدا در زمین در هر زمان). مراجعه شود به هجده مزمل

سوره الکهف

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِذَا كَذَبْنَا [5] نه خود به آن دانشی دارند و نه پدرانشان داشته اند، چه بزرگ است سخنی که از دهانشان بیرون می آید و جز دروغی نمی گویند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیات در مورد پیروی از ولی خداست که محکم سخن خدا را می گوید و پرهیز از اولیای باطل و منظور از کبریت کلمه تخرج من افواههم کبر مقتا عند الله کلمه تخرج من افواههم است و منظور از ان يقولون الا کذباً همان يقولون ما لا يفعلون است که به خاطر آن دروغگو خوانده شده اند و آیه متشابه با آیات دو و سه ی صف است و علت این مقت آن است که این کذب و این قول ما لا تفعل آن است که می گویند ما هم آنچه قرآن گفته را می فهمیم (مراجعه به دو و سه ی صف) که این قول همان اتخاذ ولی ای غیر از اولیای خداست که در آیه ی چهار توضیح داده شد

سوره الکهف

فَلَعَلَّكَ بَاطِحٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا [6] شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، خویشتن را به خاطرشان از اندوه هلاک سازی. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از این حدیث ولایت خلیف خدا و حضرت علی است چنانچه در آیه ی چهار هم بحث در مورد همین بود منظور از آثارظاهرا متشابه با نعمت های دنیوی آنان است که آن را صرف آخرت نمی کنند چنانچه داریم بل توترون الحیوه الدنیا و آثار همان نعمت های دنیاست که به ارث نمی گذارند و مصرف می کنند چنانچه در آیات بعد هم داریم تاسف نخور زیرا آنچه دارند را نابود می کنیم

سوره الکهف

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا [7] ما هر چه در روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا امتحانشان کنیم که کدامشان به عمل بهترند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از بلا و زینت همان متشابهات فتنه است که خدا دنیا را قرار داده تا معلوم کند چه کسی آن را انتخاب می کند و چه کسی آخرت را و هشت آیه ی اول این سوره در مورد این دو دسته یعنی کسانی که احسن عمل را انجام می دهند(عمل صالح) و کسانی که کفر می ورزند و پیرو متشابهاتند است و بعد می گوید

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا [6]

که آثار متشابه طولی با علم است و متشابه با نعمت است زیرا علم متشابه طولی با نعمت است و در اینجا آثار متشابه با نعمت های دنیا و گمراهی و سقوط در فتنه به وسیله ی آنهاست و اینکه داریم لعلک باخع نفسک و بعد داریم

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا [8] متشابه با این دو آیه است

سوره الشعراء

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَتَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ [3]

إِن تَشَاءُ نُنزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ [4]

و آثار متشابه با غل عنق است و منظور از خاضع کردن عنق همان لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا است.

علت آنکه طبیعت زود امر به معروف و نهی از منکر نمی کند آن است که خدا می خواهد عمل انسان را ببیند زیرا در این آیه داریم که ما آنچه در زمین است را زینت قرار دادیم که منظور نعمت حاصل از پیروی معبود باطل است که متشابه با زینت آمده تا ببینیم چه کسی از آن پیروی می کند و به راه خطا می رود و چه کسی به راه درست می رود و برای همین است که طبیعت در خودمتشابه سازی با تاخیر عمل می کند.

سوره الکهف

تَحْنُ تَقْصُ عَلَيْهِمْ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدَّنَاهُمْ هُدًى [13] ما خبرشان را به راستی برای تو حکایت می کنیم: آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم امنوا و زدناهم هدی متشابه با انزل السکینه فی قلوب المومنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم است که سکینه همان مضطر شدن و پاک شدن از معبودهای باطل است و بعد باز داریم و ربطنا علی قلوبهم از قاموا که ربط قلب بعد از مضطر شدن و استغاثه می آید و متشابه آن خارج کردن رسول و مومنان توسط مشرکان است که در سوره ی انفال آمده و اصحاب کهف متشابه با آنانند

سوره الکهف

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةً يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا [43] جز خدا گروهی که به یاریش برخیزند نبود و خود قدرت نداشت. (43)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با کم من فئه قليل غلبت فئه كثيره فهزموهم باذن الله است که داشتیم مرتبط با یقولون نحن جميع منتصر سیهزم الجمع است و منظور از ولایت که در آیه ی بعدش می آید همان ایمان است و اینها همه مرتبط با سناریوی آخرالزمان در صدو هفتاد و سه آل عمران است ولایت حق همان خودمتشابهی است که تمام الگوها از الگوی خدا تبعیت می کند و روزی می رسد که روز (قیامت) نزدیک می شود و به جز خدا و تابعانش منتصری برای کسی یافت نمی شود

سوره الکهف

هَذَا لِكَ الْوَلَايَةِ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا [44] آنجا یاری کردن خدای حق را سزد. پاداش او بهتر و سرانجامش نیکوتر است. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

حق در اینجا معنی قوام دار باید باشد و آن متشابهی که بر سایر متشابهات غلبه دارد و حفظ می شود و آنها را نابود می کند چنانچه داریم خیر عقبا و آن همان عقبه است که حفظ کننده است چنانچه قبل از این داستان نابود شدن کشت دنیا آمده است.

سوره الکهف

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطُ بِهِ تَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا [45] برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که چون بارانی است که از آسمان بیارد و با آن گیاهان گوناگون به فراوانی بروید. ناگاه خشک شود و باد بر هر سو پراکنده ایش سازد. و خدا بر هر کاری تواناست. (45)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا باز می دانیم که ریح متشابه با معقبات است و و حال می فهمیم چرا بعضی ریح عقیمند و بعضی بارور و منظور از ریح عقیم همان معقباتی (ریح و معقبات با هم متشابهند) است که برای سخن خدا بارور کننده ی بشرند و برای سخن شیطان نابود کننده ی آنند و این در ادامه ی ولایت حق است که در آیه ی قبل گفتیم. و منظور از ذری که کشت کردن معنی می شود و اینجا عقیم کردن است نیز برای همین است که معقبات بارور کننده از سخن مولای خود و عیم کننده از سخن غیر مولای خودند این مسئله متشابه با آن است که می گوئیم گوش دادن به سخن یک مولا از فهم سخن سایر مولا ها منع می کند و عمل شیطان مبنی بر گمراه کردن با زینت دنیا قوام نمی یابد و خدا با زیاد کردن سخن خود با معقبات

گوش و چشم جهان را از شنیدن سخن شیطان کر می کند.

سوره الکهف

مَا أَشْهَدْتَهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَا مَا خَلَقَ أَنْفُسَهُمْ وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا [51] آنگاه که آسمانها و زمین و خودشان را می آفریدم، از آنها یاری نخواستم. زیرا من گمراه کهنندگان را به یاری نمی گیرم. (51)

قرآن مبین - مبین موبایل

شاهد کسی است که کاذب را از صادق مشخص می کند و آنها شاهد خلق آسمانها و زمین نبودند یعنی نمی توانند محکم را از متشابه تشخیص دهند و متشابه با آن است که پیرو متشابهاتند و سخن درست خدا را نمی دانند

سوره الکهف

وَيَوْمَ يَقُولُ تَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا [52] و روزی که می گوید: آنهايي را که می پنداشتيد شريكان منند ندا دهيد. ندا دهند و شريكان پاسخ ندهند. آنگاه هلاکتگاه را ميانشان قرار دهيم. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که اگر تخمی در آنها بکارید درختی پس نمی دهند زیرا سخن متشابه با تخم است و اگر مال و اولاد به آنها بدهید در آخرت پس نمی دهند و این آیه در مورد اولیای باطل است. وبق متشابه با مصیبت است و جعلنا بینهم موبقا متشابه با آن است که بین آن ها مصیبت است و معنای مصیبت از دست دادن است و یعنی آنچه که در دنیا به آنها از مال و اولاد تحویل داده اند را نمی توانند پس بگیرند این آیه ظاهرا متشابه آیه ی ما اصابکم من مصیبه فيما کسبت ایدیکم است و در برابر آن آیه ی ما اصابکم من مصیبه فی الارض لکیلا تاسوا علی ما فاتکم در اصل آن ها در سختی که مانند زمین خشک بوده اند خدا را خوانده اند و مانند زمین سبز شده اند و به خاطر کفر خشک شده اند و بعد در آخرت می شود آتش زیرا در دنیا هیزم بوده و این همان ما اصابکم من مصیبه فيما کسبت ایدیکم است و ما اغنی عنه ماله و ما کسب سیصلی نارا ذات لهب و آنچه کسب می کنند آتش هیزم کفرشان است.

سوره الکهف

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا [67] گفت: تو را شکیب همراهی با من نیست. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

صبر متشابه با آن است که انسان تخمی را می کارد و منتظر برداشت آن می شود و این عمل متشابه با صبر است و برای همین استطاع برای آن آمده زیرا استطاع برای سبیل هم که همان امام است و نعمت را با تاخیر به صورت مضاعف پس می

دهد هم می آید بعد از اعمال حضرت خضر هرچند ظاهر آن بد است اما مانند تخمی است که کاشته می شود و ثمر خوب می دهد و این نشان بر اصالت نتیجه است که هرچند انسان تخمی را به جای آنکه بخورد به هدر می دهد و زیر خاک می گذارد اما به ازای این کار بد تخم های زیاد دیگری می رویند و در ازای آن مصیبت از دست دادن تخم با صبر انسان چیزهای زیادتری پس می گیرد بنابراین کارهای خوب هرچند ظاهری شر دارند اما نتیجه ی خیری دارند و اصالت به نتیجه ی عمل است ظاهرا. و به خاطر همین شر ظاهری کار خیر (مانند انداختن تخم در زمین جهت رویش) هم بوده که حضرت موسی بر حضرت خضر ایراد می گرفته و صبر نداشته که عدم صبر به خاطر عدم علم (خبر) بر حاصل کشتن تخم در زیر زمین است که ظاهرش شر اما خیر است.

صبر برای دادن نعمت و انجام کار در دنیا و گرفتن ثمره ی آن در آخرت توسط امام می آید که چون حضرت موسی حضرت خضر را در کارها کمک نمی کرده صبور نامیده نشده زیرا کاری نکرده که بخواهد برای دریافت نتیجه اش در آخرت صبر کند این همان چیزی است که در زمان ظهور امام باید وجود داشته باشد تا ظهور کند زیرا اگر مردم با او صبر نکنند مانند آن است که امامتش را قبول ندارند و کارهایش عاقل می ماند و انگار که اصلا ظهور نکرده است

سوره الکهف

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَانَ زَيْبًا وَغَدُوًّا رَبِّي حَقًّا [98] گفت: این رحمتی بود از جانب پروردگار من؛ و چون وعده پروردگار من در رسد، آن را زیر و زبر کند و وعده پروردگار من راست است. (98)

قرآن مبین - مبین موبایل

دک متشابه با نرم کردن و زلزله ی قیامت است که بر اثر آن زمین رستنی خود را بیرون می دهد که در اینجا متشابه با یاجوج و ماجوج است که آن سد(متشابه با سنگ زمین که مانع بیرون دادن رستنی زمین است) مانع بیرون آمدن آن هاست

سوره الکهف

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَتَفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا [99] و در آن روز واگذاریم تا چون موج روان گردند ، و چون در صور دمیده شود همه را یکجا گرد آوریم. (99)

قرآن مبین - مبین موبایل

نفخ صور متشابه با ندای منادی است به ایمان زیرا همانگونه که در آیه ی صد و هفتاد و سه آل عمران آمد که ان الناس قد جمعوا لكم فزادهم ایمانا و بعد گرد ایمان(یمانی، صلاه) جمع می شوند بنابراین چون در یک آیه منادی به ایمان خوانده و

موجب جمع آنان شده و در یک آیه نفخ صور پس نفخ صور متشابه با صیحه ی آسمانی در آخرالزمان است

ترک بعضی فی بعض عبارت بعض فی بعض برای مولایی عده ای بر دیگران می آید و ترک همان عدم به فتنه و عذاب و متشابهات انداختن است و ظاهرا منظور آن است که ائمه کفر را رهایشان می کنیم تا یارگیری کنند علیه مومنان و علیه آن ها جمع شوند و موج همان مضطر کردن دیگران برای به بندگی گرفتنشان است و بعد در صور دمیده می شود و مومنان نیز گرد ایمان جمع می شوند و یارگیری کافران و رها کردنشان همان انا جعلنا ما علی الارض زینه لیبلوهم ایهم احسن عملا ست و همان بیرون آمدن یاجوج و ماجوج از پشت سد است. بنابراین اول زلزال رخ می دهد و بعد ایمان و نفخ صور

سوره الکهف

الذین ضلّ سعيهم في الحياة الدنيا وهم يحسبون أنهم يحسنون صنعا [104] آنهایی که کوششان در زندگی دنیا تباه شد و می پنداشتند کاری نیکو می کنند. (104)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به هشت فاطر

سوره الکهف

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا [109] بگو: اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود، دریا به پایان می رسد و کلمات پروردگار من به پایان نمی رسد، هر چند دریای دیگری به مدد آن بیاوریم. (109)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه ظاهرا در مورد آن است که اگر تمام نعمت های آسمان و زمین جمع شوند تا نعمت هایی که خدا برای مومنان صالح آماده کرده است را نشان دهند باز نعمت های آخرت از آن ها بیشتر است و کلمه در اینجا منظور همان نعمت های بهشت باید باشد و کلمه القا می شود چنانچه داریم کلمه الله القاها الی مریم و متشابه با حسنه است زیرا خدا سخنش و آنچه که القا می کند احسن الحدیث است و متشابه با نعمت است و آنکه قبل و بعد این آیه در مورد کفر به لقا و امید به لقا داریم امید به القای همین نعمت های بهشت است که به عنوان کلمه ذکر شده اند.

سوره الکهف

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا [110]; بگو: من انسانی هستم همانند شما. به من وحی می رسد. هر آینه خدای شما خدایی است یکتا. هر کس دیدار پروردگار خویش را امید می بندد، باید کرداری شایسته داشته باشد و در پرستش پروردگارش هیچ کس را شریک نسازد. (110)

اینکه داریم فلیعمل عملا صالحا زیرا عمل صالح همان شکر و قوام دادن به دریافت نعمت است تا فرد عملش حبط و نابود نشود و در آخرت باقی بماند در این صورت فرد به لقای آخرت رجا داشته و از خاسران نبوده

سوره مریم

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا [4] گفت: ای پروردگار من، استخوان من سست گشته و سرم از پیری سفید شده است و هرگز در دعا به درگاه تو، ای پروردگار من، بی بهره نبوده ام.

سوره مریم

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا [5] من پس از مرگ خویش، از خویشاوندانم بیمناکم و زخم نازاینده است. مرا از جانب خود فرزندی عطا کن، (5)

وهن یعنی پناه ندادن و عظم یعنی وفی کننده و منظور ظاهرا آن است که دیگر نمی تواند موالیش را وفی دینی کند و عظمش در وفی کردن سست شده و حال ولی ای می خواهد که البته ولی متشابه با فرزند است که این کار را با عظم کریم انجام دهد.

يَرْتَبِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و او را ای پروردگارم! [از هر جهت]مورد رضایت [خود] قرار ده. (۶)

مریم - 6

قرآن مبین

ارث پیامبران چنانچه در حدیث داریم علم آن هاست و مسیح در متی تورات و انجیل را گنج می داند ظاهرا زکریا دانشمند دین بوده و علاوه بر آنچه از آل یعقوب به او رسیده بوده خود نیز کشفیاتی داشته که دوست نداشته میراث خودش و یعقوب از بین برود و فرزندی طلب کرده تا علمش را به او بیاموزد تا به مردمی که در آیه ی قبل آمده آموزش دهد. ظاهرا اطراف زکریا هیوکس دانتر از او نبوده و به همین خاطر می ترسیده است که علمش با مرگش نابود شود

سوره مریم

قَالَتْ أَتَى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا [20] گفت: از کجا مرا فرزندی باشد، حال آنکه هیچ بشری به من دست نزده است و من بدکاره هم نبوده ام. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

بغی به معنی دریافت ناحق یا متشابه با آن پرداخت نا حق است و آنجا که حضرت مریم می گوید ما کنت بغیا ظاهرا یعنی نطفه ی کسی را که بر من ناحق باشد نپذیرفته ام

سوره مریم

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا [22] پس به او آبستن شد و او را با خود به مکانی دورافتاده برد. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

قصی متشابه با مکان با برکت است رزق خود را محکم بیرون داده چنانچه داریم الی المسجد الاقصی الی بارکنا فیها و به همین علت هم آن حضرت با جوی آبی و درخت خرمایی برخورد می کند.

سوره مریم

وَأَعْتَزَلَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا [48] از شما و از آن چیزهایی که به جای خدای یکتا می خوانید کناره می گیرم و پروردگار خود را می خوانم، باشد که چون پروردگارم را بخوانم محروم نشوم. (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

شقی یعنی پیرو بت ها و معبودهای باطل و متشابهات ظاهرا یعنی با دعای به درگاه تو و استجابت آن امید دارم که گمراه و هرگری به دنبال بتان و دعا کردن آنها نروم.

وَمَا تَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا [64] و ما جز به فرمان پروردگار تو فرود نمی آییم. آنچه در پیش روی ما و پشت سر ما و میان این دو قرار دارد از آن اوست. و پروردگار تو فراموشکار نیست. (64)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از آنچه بین ایدینا و ماخلفنا گفته شده معقبات است و نسیا اینجا یعنی همان معقبات باز زیرا نسی خلاف ذکر است یعنی پروردگارت ذکر کننده است و آن همان جلوگیری کردن از پندار کج بردن به منظور خداست با معقبات که همان نماز و ذکر است زیرا بنده بعد از اضطرار فراموش می کند اما صلاه و ذکر برای قوام و فراموش نکردن است و متشابه با معقبات

است.

سوره طه

فرم کلی سوره ماجرای مخفی شدن محکم در میان متشابهات و سعی مردم برای رسیدن به آن است چنانچه در آیه ی پانزده آمده و در داستان عجله ی بنی اسرائیل در پیدا کردن خدای محکم. و خدا در این سوره به توقف نزد شبهات دستور می دهد چنانچه در آیه ی صد و چهارده داریم.

سوره طه

طه [1] طا، ها. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم طه یعنی طلب کننده ی حق و هدایت کننده به سوی آن مطابق فرم کلی سوره است که داریم قل رب زدنی علما و بعد به آن عمل کن یعنی اول حق را بفهم و بعد هدایت کن تا از اشقیا نشوی.

سوره طه

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى [2] قرآن را بر تو نازل نکرده ایم که در رنج افتی. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز طبق فرم کلی سوره ظاهرا منظور آن است که آنچه از قرآن را متشابه به تو گفته ایم و محکمش را نازل نکرده ایم صبر کن تا محکمش بیاید و با ظن محکم را انتخاب نکن که ما قرآن را نازل نکرده ایم که توسط آن شقی شوی. و ظاهرا کسانی که محکم قرآن را نمی فهمند و به آن عمل می کنند به اشقیا می پیوندند چنانچه شقی یعنی آنکه به خاطر پیروی از شبهات توسط نجوم رجم و عذاب می شود.

سوره طه

إِذَا تَذَكَّرَةٌ لِمَنْ يَخْشَى [3] تنها هشدار است برای آن که می ترسد. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم انما يخشى الله من عباده العلماء و عالم کسی است که محکم و متشابه را تشخیص می دهد و در ادامه ی آیه ی قبل آمده که قرآن را نازل نکردیم تا بدون علم به آن عمل کنی و شقی شوی بلکه تذکری است برای عالمان که سخن محکم را می فهمند. آنکه نمی فهمد باید صبر کند و بگوید رب زدنی علما تا از کسانی شود که تذکره برای آنها آمده و نباید قبل از علم در عمل عجله کند تا از اشقیا شود (مراجعه به آیه ی صد و چهارده) و آنکه می فهمد عمل کند. پس آیه ی قبلی یعنی

اگر نمی فهمی به قرآن عمل نکن و این آیه یعنی قرآن برای کسانی است که می فهمند و بعد در صد و چهارده توضیح کامل می شود که بگو خدایا علمم را زیاد کن تا از کسانی شوی که قرآن را می توانند عمل کنند.

همچنین خشیه خشوع به همراه می آورد و خشوع همان خضوع گردن از معبودهای باطل است و در اینجا متشابه با آن است که به متشابهات قرآن نباید عمل کنی بلکه باید خشیه کنی و گردن خود را از آن پاک کنی که این همان عالم شدن است برای تشخیص محکم از متشابه.

سوره طه

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ [15] قیامت آمدنی است. می خواهم زمان آن را پنهان دارم تا هر کس در مقابل کاری که کرده است سزا ببیند. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

خفی متشابه با متشابه و غیب است و سعی متشابه با سخن محکم و سخنی که امام می گوید و همان سخن محکمی است که از آسمان منی شده است. در اینجا ظاهرا خدا می خواهد جزای هر نفس را بر اساس پیدا کردن محکم از متشابه بدهد نه آنکه آخرت به صورت محکم هویدا باشد و نعمت دهد آنگاه واضح است که همه آخرت را انتخاب می کنند و متشابه با یومنون بالغیب است. و معنی دیگر آنکه قیامت محکم است و جهر است اما خدا آن را هم خفی کرده تا هرکس با توجه به آنچه که سعی (انتخاب یکی از متشابهات به عنوان محکم) می کند پاداش داده شود یکی به انتخاب دنیا پاداش داده می شود و در آخرت بهره ای ندارد و یکی به انتخاب آخرت.

سوره طه

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي [27] و گره از زبان من بگشای. (27)

يَقْقَهُوا قَوْلِي [28] تا گفتار مرا بفهمند. (28)

وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي [29] و یاوری از خاندان من برای من قرار ده؛ (29)

هَارُونَ أَخِي [30] برادرم هارون را. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا صحبت از فهم سخن است و اینکه حضرت موسی درست نمی تواند سخن خود را به دیگران بفهماند بعد می گوید اجعل لی وزیرا من اهلی که می دانیم وزر با سخن متشابه است زیرا برای آن از حمل استفاده می شود و برای انتقال هم استفاده می شود و ائقال متشابه با سخنان و فرزند و نطفه است بنابراین منظور از وزیر در اینجا احتمالا همان سخنگویی است که بتواند سخن حضرت موسی را بفهماند چنانچه در آیات دیگر هم حضرت موسی حضرت هارون را اینگونه معرفی

می کند سوره قصص آیه ی سی و چهار

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

سوره طه

اشدُّدُ بِهِ أَزْرِي [31] پشت مرا بدو محکم کن. (31)

قرآن مبین - مبین موبایل

وزیر شدد کننده ی ازر است و ازر یعنی ظهر و پشت چهارپا که مولا بر آن می نشیند مانع نشستن دیگران می شود و وزیر کسی است که وزر بر ازر می گمارد تا فرد از آزار و سخنان دیگران منع شود. وزیر وزرش هم بر دیگران می افتد که نقش آن سخن گویی است و هم بر مولای خود که نقش آن مانع و امان دهنده است. و اگر بخواهیم به حق مراجعه کنیم نام دیگر وزیر ایمان است زیرا همان طور که گفتم امان دهنده است. همچنین مطابق آن است که داریم لهم علی ذنبی فاخاف ان يقتلون فارس الی هارون که نشان می دهد باز حضرت موسی حضرت هارون را به عنوان ایمان می خواهد که همان وزیر است.

سوره طه

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى [37] و ما بار دیگر به تو نعمت فراوان داده ایم، (37)

قرآن مبین - مبین موبایل

منن متشابه با مانع گذاشتن برای ایمن شدن است چنانچه داریم بل الله یمن علیکم ان هداکم للایمان یاداریم مننا الله علینا و وقانا عذاب السموم و اینکه گفتم وزیر همان باعث ایمان است مطابق این آیه است زیرا در جواب سوال وزیرخواهی حضرت موسی به او می گید بر تو منت نهادیم که یعنی در ایمان شدی و ایمان همان وزیر است که یعنی وزیر به تو دادیم. و خدا وزیر دادن را منت نهادن نامیده زیرا وزیر همان ایمان است و منت نهادن همان به ایمان وارد کردن.

سوره طه

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمَمِكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ [40] آنگاه که خواهرت می رفت و می گفت: می خواهید شما را به کسی که نگهدارنده کند راه بنمایم؟ ما تو را نزد مادرت باز گردانیدیم تا چشمانش روشن گردد و غم نخورد. و تو یکی را بکشتی و ما از غم آزادت کردیم و بارها تو را بیازمودیم. و سالی چند میان مردم مدین زیستی. و اکنون، ای موسی، در آن هنگام که مقدر کرده بودیم آمده ای. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

منت اول خدا که در آیه ی سی و هفت داریم منت دوباره باید همان نجات حضرت موسی از دست فرعون باشد چنانچه داریم فنجیناک من الغم و غم با عذاب متشابه است و نجی با ایمان و منت و امان اول این است و منت دوم وزارت حضرت هارون که باعث ایمان حضرت موسی از فرعون است.

سوره طه

قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَ تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَيَا بَرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي [94] گفت: ای پسر مادرم، چنگ به ریش و سر من مینداز. من ترسیدم که بگویی: تو میان بنی اسرائیل جدایی افکندی، و گفتار مرا رعایت نکردی. (94)

قرآن مبین - مبین موبایل

لم ترقب قولی یعنی قول مرا به گردنت غل نکردی و از بندگی و تبعیت من سرپیچی کردی.

سوره طه

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا [109] در آن روز شفاعت سود ندهد، مگر آن را که خدای رحمان اجازت دهد و سخنش را بپسندد. (109)

قرآن مبین - مبین موبایل

شفاعت متشابه با زنده شدن است و اینکه اذن آمده متشابه با آن است که داریم البلد الطيب يخرج نباته باذن ربه و اینکه در آیه بعد داریم يعلم ما بين ايديهم و ما خلفهم این عبارت برای ام و ارض و رصد می آید و ظاهرا منظور آن است که شفاعت برای کسی است که در ارض طيب است (متشابه با امامت) و اذن هم برای مرضی ها می آید چنانچه داریم:

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى

و کسی مرضی است که شکر می کند چنانچه داریم ان تشكروا يرصه لكم و شکر همان ذکر است که نماز است برای همین ها شفاعت از جانب ائمه است و برای نمازگزاران است چنانچه داریم لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلوه.

سوره طه

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا [112] و هر کس که کارهای شایسته کند و مؤمن باشد، نباید از هیچ ستمی و شکستی بهراسد. (112)

قرآن مبین - مبین موبایل

صالحات متشابهاتی دارد که همان فاسدات و متشابهات است که در اینجا ظاهراً یکی از تأویلهای این است که هرکس عملی که گمان می کند صالح است را انجام دهد و آن عمل با ایمان (و هو مومن) به خلیفه ی خدا و گرفتن دستور از او انجام دهد پس عملش قبول می شود اما اگر آن عمل را با ایمان به خلیفه ی خدا انجام ندهد و بعد معلوم شود فاسد بوده عملی برای او حساب نمی شود اینکه در اینجا فاسد به جای صالح نشستند نماند ان است که بعضی وقت ها به جای یقین در قرآن از ظن استفاده شده چنانچه داریم ظن داوود انما فتناه در حالیکه ظاهراً حضرت داوود به این مسئله یقین داشته و دراصل ظاهراً در اینجا منظور از صالحات صالحات و متشابهاتش (فاسدات) است که در صورتی که فرد مومن باشد آنگاه عمل صالح را انجام داده و در صورتی که مومن به خلیفه ی خدا نباشد ممکن است عمل فاسد را انجام داده باشد.

مراجعه شود به نه مرسلات

سوره طه

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا [114] پس برتر است خدای یکتا آن پادشاه راستین. و پیش از آنکه وحی به پایان رسد در خواندن قرآن شتاب مکن. و بگو: ای پروردگار من، به علم من بیفزای. (114)

قرآن مبین - مبین موبایل

مطابق فرم کلق سوره منظور از لا تعجل ظاهراً آن است که در برداشت وجه محکم از متشابه قرآن تا زمانی که خدا ناسخ و معقبه را برای نسخ متشابهات نفرستاده عجله نکن که مانند بنی اسرائیل می شوی که گوساله پرست شدند چنانچه بعدش هم داریم قل رب زدنی علما که یعنی از خدا بخواه علامت محکم و متشابه را به تو بدهد تا وجه دقیق را برآشت کنی و از عجله کنندگان نباشی.

در ادامه ی آیات اول سوره است که داریم ما انزلنا عليك القرآن لتشقى الا تذكره لمن يخشى و در جای دیگر داریم انما يخشى الله من عباده العلماء بنا براین در اینجا برای اینکه از علما شویم و شقی نشویم داریم قل رب زدنی علما منظور از قضی محکم شدن است و منظور از عجله نکردن قبل از انقضای وحی آن است که قبل از فهم محکم قرآن به آن عمل نکن و بگو خدایا علم محکم من را زیاد کن.

رجوع شود به سی بقره

سوره طه

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَسِيٍّ وَلَمْ تَجِدْ لَهُ عَزْمًا [115] و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد، و شکیبایش نیافتیم. (115)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از عزم صبر است (با هم متشابهند) و خدا می خواهد به پیامبر حضرت آدم را مثل بزند تا مبادا در مورد قرآن عجله کند چنانچه در آیه ی قبل آمده بود.

باز در ادامه ی فرم کلی سوره ظاهرا آمده که منظور از نسی متشابه با ضل باید باشد که خدا عهد کرد(سخن گفت) که از این درخت نخور اما او در مورد سخن خدا به ضل افتاد زیرا که عجول بود و صبر نکرد تفسیر خدا بر او معلوم شود و عزم نداشت یعنی عجول بود زیرا عزم متشابه با صبر است و صبر خلاف عجل است چنانچه داریم:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ. یا داریم:

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

باید گفت نحوه ی هدایت در متشابهات با آمدن رجم نجوم و هدایت آن ها می آید اما این خیر با تاخیر می آید چنانچه می دانیم خیر با آخرت متشابه است بنابراین صبر کردن نزد شبهات برای مشخص شدن محکم لازم است و نه آنکه با ظن رفتار کرد و اشتباه حضرت آدم هم ظاهرا همین بوده که صبر نکرده تا منظور خدا از سخن متشابهش معلوم شود.

وَإِنَّ عَزْمَ الطَّلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

منظور از فان عزموا الطلاق که بعد از تریص اربعه شهور در دویست و بیست و هفت بقره آمده همان صبر بر طلاق و برنگشتن از تصمیم است و این باز گواه آن است که عزم و صبر متشابهند

صبر آن است که فرد از میان خیر دنیا که متشابه است و خیر آخرت که محکم است خیر آخرت را انتخاب کند و متشابه با همین کسی که عزم دارد صبر می کند و به متشابه قرآن عمل نمی کند تا خدا محکم آن را در آینده به او بگوید.

رجوع شود به سی بقره

سوره طه

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى [120] شیطان وسوسه ایش کرد و گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاویدانی و ملکی زوال ناپذیر راه بنمایم؟ (120)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی صد و هفده است که خدا به آن ها می گوید که شیطان از بهشت خارجتان نکند و حال شیطان به آن ها می گوید آیا می خواهید در بهشت جاودان شوید؟ ظاهرا میل حضرت آدم به خوردن آن درخت این بوده که از شر درخت ممنوعه خلاص شود و آن همان درخت آگاهی بوده (رجوع شود) و بعد به طمع یافتن درخت آگاهی که نباید از آن بخورد از درخت آگاهی می خورد در اصل احتمالا گمان کرده که درخت خلد همان درخت آگاهی است زیرا با خوردن آن منوجه می شود که درخت ممنوعه کذاست که البته درخت ممنوعه همان درخت آگاهی بوده و منظور از ملک لا یبلی یعنی گرفتار متشابهات نشوید زیرا بلا متشابه با متشابه است و این را هم به خاطر هشدار خدا که لا یخرجنکما الشیطان فتشقی گفته زیرا شقاوت یعنی پیروی از متشابهات

سوره طه

قَالَ اهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَغْضًا لِمَ غَضَ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْتَقِي [123] گفت: همگی از آنجا پایین روید؛ دشمنان یکدیگر. اگر از جانب من شما را راهنمایی آمد، هر کس از آن راهنمای من متابعت کند نه گمراه می‌شود و نه تیره بخت. (123)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از هدایت در اینجا سخن محکم خدا باید باشد نه مخلوط محکم و متشابه زیرا مخلوط محکم و متشابه چنانچه در آیه ی دو آمد می‌تواند موجب شقاوت شود.

سوره طه

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى [126] گوید: همچنان که تو آیات ما را فراموش می‌کردی، امروز خود فراموش گشته ای. (126)

قرآن مبین - مبین موبایل

با توجه به فرم کلی سوره نسی اینجا باید معنی توجه نکردن به عنوان محکم و توجه کردن به چیزهای دیگر باشد

سوره طه

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى [135] بگو: همه منتظرند، شما نیز منتظر بمانید. به زودی خواهید دانست آنها که به راه راست می‌روند و آنها که هدایت یافته‌اند، چه کسانی هستند. (135)

قرآن مبین - مبین موبایل

تربص برای تناقض گویی انجام می‌شود (رجوع شود به سی و یک طور) که یعنی اگر صبر کنید متوجه خواهید شد سخن چه کسی غلط است و تناقض هایش آشکار می‌شود.

سوره الانبیاء

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ [16] ما این آسمان و زمین و آنچه را میان آن دوست به بازیچه نیافریده ایم.
(16)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الانبیاء

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخَذْتَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ [17] اگر خواستار بازیچه ای می بودیم خود آن را می آفریدیم،
اگر خواسته بودیم. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الانبیاء

بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ [18] بلکه حق را بر سر باطل می رانیم، تا آن
را درهم کوبد و باطل نابود شونده است. و ای بر شما از آنچه به خدا نسبت می دهید. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

لهو و لعب و باطل هر سه با هم متشابهند آیه ی شانزده متشابه با آن است که داریم ربنا ما خلقت هذا باطلا یعنی بر اساس
حق است و آن همان خود متشابهی است آیه ی هفده داریم اگر بخواهیم چیزی مثلا لهو یا غیره بیافرینیم از نزد خود می
آفرینیم یعنی با همان الگوی خودمان که حق است بنابراین آن هم حق خواهد بود بنابراین لهو که مطابق الگوی ما نیست در
آسمان راهی ندارد زیرا آسمان را ما آفریده ایم و هر چه می آفرینیم بر اساس الگوی اولیه ی خودمان است. بعد داریم بلکه
اگر جایی نا حقی و نا خود متشابهی وجود داشته باشد ما آن را نابود می کنیم و حق را جایگزین می کنیم که یعنی آیا باز
گمان می کنید که آسمان ناحقی دارد و اگر داشت ما آن را نابود می کنیم اینها سه استدلال است که آسمان بر اساس حق
است.

همچنین لاعب آنها را نیافریدیم یعنی لهو نیستند و این یعنی از راه خدا گمراه نمی کنند زیرا داریم من یشتی لهو الحدیث
لیضل عن سبیل الله که یعنی آسمان و زمین هدایت کننده به سوی خدا هستند

سوره الانبیاء

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ [19] از آن اوست هر که در آسمانها و
زمین است. و آنان که در نزد او هستند، از عبادتش به تکبر سر نمی تابند و خسته نمی شوند. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از لا یستحسرون آن است که کوتاهی نمی کنند زیرا حسرت با تفریط متشابه است چنانچه داریم یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله و فرط همان غفلت از خدا و اتباع از هوی است چنانچه داریم: **وَلَا تَطْعَمُ مَنْ أَغْلَقْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ قَرْطًا [28]** که یعنی فرط به معنی غفلت و کم کاری در پیروی از خداست چنانچه در اول سوره هم مدام از غفلت صحبت شده در اینجا داریم که در عبادت خدا کوتاهی نمی کنند و لا یستحسرون به معنای لا یفرطون آمده

سوره الانبیاء

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ [20] شب و روز، بی آنکه فتوری در آنان پدید آید، تسبیح می گویند. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی نوزدهم که داریم در تبعیت از خدا کوتاهی نمی کنند و تمام دستورات او را اجرا می کنند در اینجا داریم که به غیر از دستورات خدا از دستورات دیگران تبعیت نمی کنند و تسبیح و عدم افترا هر دو به این معناست

سوره الانبیاء

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ [22] اگر در زمین و آسمان خدایانی جز الله می بود ، هر دو تباه می شدند. پس الله، پروردگار عرش، از هر چه به وصفش می گویند منزّه است. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز در ادامه ی سه آیه ی شانزده تا هجده است آن سه آیه می گفت که خدا به غیر از حق انجام نمی دهد و این آیه می گوید کسی به غیر از خدا هم در آسمان حکومتی ندارد تا عملی به غیر از حق در آنجا انجام دهد

فساد متشابه با جنگ است، فراکتالیسم به ما می گوید آسمان یک خدا و حاکم دارد و زمین هم متشابه با آن باید یک خدا داشته باشد تا دچار فساد نشود و اصل صلح هم همین است که خلاف فساد است و اگر دو خدا بود داریم دچار فساد می شد بنابراین صلح در آخرالزمان که کار شیلوه یا صیلوح است همین است که جهان را یکپارچه می کند و جنگ که متشابه با فساد است را تمام می کند برای همین به او مصلح یا شیلوه (صیلوح) می گوئیم و داریم که جنگ را تمام می کند و ملت ها را یکپارچه می کند و راه تمام شدن جنگ یک حاکمی است.

این قضیه همان ظهر الفساد فی البر و البحر است

سوره الانبیاء

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ [26] و گفتند که خدای رحمان صاحب فرزند است. منزّه است او. بلکه آنان بندگان گرامی هستند، (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از عباد مکرمون تفسیر آن جمله است که انبیا پسران خدایند و مردم از آن تاویل اشتباه کرده اند و گمان می کنند خدا واقعا فرزند دارد در حالیکه جمله ای متشابه است و به این معناست که تحت تکریم خدایند و آن یعنی تحت بیت خدایند و کسی که تحت تکریم دیگری باشد با فرزند او متشابه است چنانچه داریم بل لا تکرمون الیتیم که یعنی یتیم را سرپرستی نمی کنند و برای او به منزله ی پدر نیستند که این یعنی یتیم کسی است که تکریم نشده است و بنابراین خدا به تکریم او دستور داده و چون یتیم بی پدر را گویند پس تکریم به معنای پدری کردن است پس چنانچه گفتیم منظور از آیه آن است که بفهماند که انبیا پسر خدایند یا حضرت عیسی پسر خداست جمله هایی متشابهند که از آن ها منظور غلط برداشت کرده اند

تکریم به معنی پدری کردن است و نه پدر بودن چنانچه داریم بل لا تکرمون الیتیم که یعنی برای یتیم پدری نمی کنند و نه آنکه پدر یتیم نیستند زیرا یتیم پدرش را از دست داده و کسی غیر از پدرش منظور است تا برایش پدری کند و در مورد حضرت عیسی ظاهرا خدا می گوید پدر او نیستم بلکه او را تکریم کرده ام (برایش پدری کرده ام) و این جمله باعث سوء تفاهم شده چنانچه در انجیل هم نشانه های این قضیه آشکار است

سوره الأنبیاء

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ [27] در سخن بر او پیشی نمی گیرند و به فرمان او کار می کنند. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبق متشابه با قدم است و لا یسبقونه بالقول متشابه با لا تقدموا بین یدی الله است

سوره الأنبیاء

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ [28] می دانند، هر چه در برابر آنهاست و هر چه پشت سر آنهاست. و آنان جز کسانی را که خدا از آنها خشنود است شفاعت نمی کنند و از بیم او لرزانند. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

یعلم ما بین ایدیهیم و ما خلفهم همان است که داریم یسلک من بین یدی و من خلفه رسدا (سلک متشابه با علم است) لیعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم که باز معلوم می شود در مورد اتخاذ ولد انبیایی که در این آیات منظورند صحبت هایی داشته اند که خدا برای محکم کردن سخنان ر آن ها رصد گماشته تا مردم گمراه نشوند و اگر می خواهید بدانید منظور چه نبی ای است آیات بیست پنج تا بیست و نه این سوره را با آیات صد و شانزده و صد و هفده مانده مقایسه کنید این باز نشان می دهد قول من پسر خدایم از حضرت عیسی شنیده شده. در آنجا داریم ما قلت لهم الا ما امرتني و در اینجا داریم لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون. در آنجا داریم انت قلت للناس اتخذونی و امی الهین و در اینجا داریم و من یقل منهم انی اله من دونه و ... که با خود آموز قدآن این دو دسته ی آیات در این دو سوره به هم ارجاع شده اند و یادآوری شده اند.

سوره الأنبياء

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًا أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ [31] و بر زمین کوه ها بیافریدیم تا لرزاندشان. و در آن راه های فراخ ساختیم، باشد که راه خویش بیابند. (31)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الأنبياء

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ [32] و آسمان را سقفی مصون از تعرض کردیم و باز هم از عبرتهای آن اعراض می کنند. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیات سی و یک و سی و دو باز هم نشانه ای از امامت است که داریم آسمان محفوظ است یعنی آب آن به شما نمی رسد و داریم فجاجی در زمین که شاید هدایت شوید که منظور امام است و ظاهرا احتمالا بعد از ختم نبوت تاویل این آیه است که به حفظ آسمان و مراجعه به امام اشاره می کند دلیل اینکه می گویم فجاج اشاره به امام است این است که داریم سوره نوح

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا [17]

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا [18]

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا [19]

لِيَسْتَلْكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا [20]

که در اینجا واژه ی فجاج با سلک آمده و با هم طبق این آیه متشابه طولی اند و چون سلک برای امام می آید بنابراین منظور از سبلا فجاجا هم امامان هستند که به سخن خدا و بیت خدا می رسانند همچنین منظور از بسیط بودن زمین قرار دادن امام است و قرار دادن مادر برای فرزند و بساط جایی است که انسان توان نان خوردن از آن را دارد و منظور آن است که امامان قرار داده شده اند تا در موقع عدم باران خشک نشوید البته این تاویلات همواره محکم نیستند چنانچه سخن خدا همواره محکم نیست بلکه متشابهات ذکر می شود تا معلوم شود منظور به کجاها ممکن است میل کرده باشد و منظور اصلی را معقات معلوم می کنند

سوره الأنبياء

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ [44] بلکه ما آنها و پدرانشان را بهره مند کردیم تا عمرشان به درازا کشید. آیا نمی بینند که قصد این سرزمین می کنیم و از اطراف آن می کاهیم؟ آیا باز هم آنها پیروزند؟ (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهراً ارض در اینجا متشابه با تغذیه کننده و مادر انسان آمده که متشابه با آن است که گیاه با آمدن باران تغذیه می شود و بعد از آن هم از زمین تغذیه می کند اما بالاخره زمین روز به روز با از بین رفتن باران خشک تر می شود و این همان نقص آن است و ساکنانش را بی قوت می گذارد و می میرند و دوباره مضطر می شوند و به خدا بر می گردند این حال ارض دنیوی است که کشتی نشین به دریا می رود و خدا را می شناسد اما نماز نمی خواند و خدا را فراموش می کند و فقط از آب زمین استفاده می کند تا زمین خشک می شود و دوباره قیامت می شود و او دیگر درختی خشک است اما در مورد ارض اخروی که همان امام است علم متشابه با آب است اما معقبه ای وجود دارد که آن ها را از هم متمایز می کند و آن این که آب با خوردن کم می شود اما علم با یاد دادن کم نمی شود بنابراین پیرو امام همواره هدایت شده است و مضطر نمی شود و همواره در نماز است.

سوره الأنبياء

وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ [47] روز قیامت ترازوهای عدل را تعبیه می کنیم، و به هیچ کس ستم نمی شود. اگر عملی به سنگینی یک خردل هم باشد به حسابش می آوریم، که ما حساب کردن را بسنده ایم. (47)

قرآن مبین - مبین موبایل

میزان متشابه با امام است و ارض و اینکه داریم کمترین عمل را می آوریم یعنی اگر کمترین مال و اولادی به امام سپرده باشید دریافت می کنید و چون داریم موازین قسط را می گذاریم پس به هیچکس ظلم نمی شود پس قسط یعنی زمینی که رزق خود را کامل بیرون می دهد و صفت امام است که چیزی از اموال و اولاد مردم را ضایع نمی کند همچنین منظور از خردل صرفاً خردی آن نیست زیرا در این صورت خرد تر از آن هم برای محاسبه وجود دارد بلکه بزرگی ما حاصل آن است چنانچه در انجیل حضرت عیسی خردل را تخمی کوچک با درختی بزرگ می داند این همانجاست که ممکن است عملی در نظر ما خرد آید اما در حساب خدا بزرگ بیاید مانند دزدی فدک که منجر به دزدی کل اراضی اسلامی از خلافت خدا (امامان) شد و این آیه همان ماحصل کشت مومنان در دنیا را نشان می دهد و مراد از خردل همان مثال انجیل است که کار کمی کردند اما به ما حاصلی بزرگ در آخرت تبدیل شد. همچنین حکم به قسط که در قرآن آمده منظور پس دادن عین جنس در دعاوی نیست بلکه پس دادن آن با خسارت آن است.

سوره الأنبياء

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ [55] گفتند: برای ما سخن حقی آورده ای، یا ما را به بازی گرفته ای؟ (55)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از لاعب در اینجا کسی است که حرف باطل می زند و دلیلی برای اثبات حق بودن آن ندارد زیرا لاعب با پیرو باطل متشابه است برای همین در آیه ی بعد حضرت ابراهیم خود را شاهد می خواند و می گوید:

سوره الأنبياء

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ [56] گفت: نه، پروردگار شما، پروردگار آسمانها و زمین است. آن که آنها را بیافریده است. و من بر این سخن که می گویم گواهی می دهم. (56)

قرآن مبین - مبین موبایل

و منظور از شاهد کسی است که برای ادعای خود دلیل می آورد و حرف خود را اثبات می کند و راست و دروغ را مشخص می کند و نمونه ی آن اینکه در سوره ی یوسف داریم:

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قَدْ مَنَّ مِنْ قَبْلِ فَصَدَقْتَ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ [26] یوسف گفت: او در پی کامجویی از من بود و مرا به خود خواند. و یکی از کسان زن گواهی داد که اگر جامه اش از پیش دریده است زن راست می گوید و او دروغگوست. (26)

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قَدْ مَنَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبْتَ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ [27] و اگر جامه اش از پس دریده است، زن دروغ می گوید و او راستگوست. (27)

سوره الأنبياء

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ [59] گفتند: چه کس به خدایان ما چنین کرده است؟ هر آینه او از ستمکاران است. (59)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ظالم در اینجا بی ایمان به بت ها و کسی است که به معبودی باطل گرایش دارد چنانچه موضوع اصلی سوره همین است چنانچه بت پرستان پس از شنیدن دلیل حضرت ابراهیم مبنی بر عدم توان بت ها به سخن گفتن خود را ظالم می دانند

سوره الأنبياء

وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَتَجْنِئَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوَاءٍ فَاسْقِينَ [74] و به لوط حکم و علم دادیم و از آن قریه که مردمش مرتکب خبائث می شدند نجاتش بخشیدیم. آنها که مردمی بد و فاسق بودند. (74)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از عمل خبیث لواط است و در برابر آمیزش زن و مرد آمده که طیب است زیرا لواط فرزند نمی آورد اما آمیزش زن و مرد فرزند می آورد و دلیل اینکه خبیث به این معنی است آنکه داریم

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ [58] و سرزمین خوب گیاه آن به فرمان پروردگارش می روید، و زمین خبیث جز اندک گیاهی از آن پدید نمی آید. برای مردمی که سپاس می گویند آیات خدا را اینچنین گونه گون بیان می کنیم. (58)

سوره الأنبياء

وَدَا الثُّونُ إِذْ تَهَبَ مَغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدَرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ [87] و ذوالثنون را، آنگاه که خشمناک برفت و پنداشت که هرگز بر او تنگ نمی گیریم. و در تاریکی ندا داد: هیچ خدایی جز تو نیست، تو منزله هستی و من از ستمکاران هستم. (87)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم که در ظلمات خود را ظالم نامید و این به معنای آن است که ظلم که خدا انسان را از آن خارج می کند از خود اوست و نباید آن را از خدا بداند و باید بگوید سبحانک همچین ایمان به معنای کلمه‌ری لا اله الا الله است و برای همین حضرت یونس مومن خواتمه شده که می گوید لا اله الا انت

سوره الحجسوره الحج

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ [1] ای مردم، از پروردگارتان بترسید، که زلزله قیامت حادثه بزرگی است. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

به خاطر آن در اینجا زلزله یاد شده که زلزله به آن گویند (اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها) که اثقال زمین (متشابه با اعمال مردم) را بیرون می ریزد (رستنی های طیب و خبیث آنها را می رویاند) و چنانچه در آیات بعد داریم این زلزله مشخص می کند چه کسانی پیرو شیطان و چه کسانی پیرو خدا بوده اند و چه کسانی پیرو متشابهات و چه کسانی پیرو محکومات بوده اند و ربط زلزله به آیات بعد همین است و برای این است که سوره چون می خواهد در مورد مشخص کنندگی روز قیامت صحبت کند با لفظ زلزله شروع شده است.

يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ [2] آن روز که ببینیدش، هر شیردهنده ای شیرخواره اش را از یاد برد و هر آبستنی بار خود بر زمین گذارد و مردم را چون مستان بینی، حال آنکه مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

زلزله متشابه با چیزی است که باعث می شود زمین خباثت یا طبیعی خود را معلوم کند و رستنی خود را بیرون دهد که میرو متشابهات بوده یا محکمت برای همین داریم و تری الناس سکاری که یعنی در پی متشابهات می دوند.

منظور از تری الناس سکاری متشابه با آن است که فرد به جای به دنبال نعمت دویدن در آن روز به دنبال آتش می دود و گمان می کند به دنبال نعمت می دود زیرا سکاری کسانی اند که نمی فهمند چه می گویند (لاتقربوا الصلوه و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون) و این افراد متشابه با کسانی اند که می گویند مانند قرآن می آوریم اما نمی آورند بلکه گمانی غلط است و پنداری غلط از فهم سخن خدا چنانچه داریم اتقولون علی الله ما لا تعلمون یا داریم لم تقولون ما لا تفعلون اینها همان بنده های شیطانند که پیرو متشابهاتند که درون آنها آتش جهنم است اما گمان می کنند که به بهشت می روند پس داریم و تری الناس سکاری یعنی آنها را در اشتباه می بینی و ماهم بسکاری که این سکرای دوم همان اولی نیست و متشابه با آن است و شاید منظور سکر با شراب و ... باشد برای همین هاست که بعدش آمده (و لکن عذاب الله شدید در ادامه ی آن است که مردم در پی متشابهات می دوند و از راه کج به آسمان می روند و مورد عذاب قرار می گیرند.

سوره الحج

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ [3] بعضی از مردم، بی هیچ دانشی در باره خدا مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

و شیطان همان سکر کننده است که پندار غلط را القا می کند و داریم

سوره الحج

كَيْبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَتَهُ بُضُلُهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ [4] بر شیطان چنین مقرر شده که هر کس را که دوستش بدارد گمراه کند و به عذاب آتش سوزانش کشاند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

که همان پیروی از آتش و دنبال آتش دویدن در روز قیامت است که سکر است یعنی گمان می کنند نعمت است اما آتش است.

سوره الحج

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبْنَ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ [15]
کسی که می پندارد که خدا در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد، خویشتن را با ریسمانی از سقف بیاویزد تا خود را خفه کند و بنگرد که آیا این حيله خشمش را از میان خواهد برد. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبب متشابه با علم است و فلیمدد بسبب الی السماء ظاهرا یعنی سعی کند سخن خدا در آسمان را فهم کند و سبب همان سلطان است و قطع متشابه با انتخاب محکم از متشابهات است زیرا داریم ما کنت قاطعه امرا حتی تشهدون و خلاف وصل است و وصل برای محکومات می آید و قطع برای متشابهات و یعنی نسخ نتشابهات و ظاهرا منظور آن است که به سببی (راه فهم محکم از متشابه) به سخن خدا در آسمان رجوع کند و آنگاه متشابهات را قطع (نسخ) کند و ببیند آیا این کید (حسنه پیروی از محکم نسخ متشابه) او را از غیظ (سوء متشابهات) پاک می کند تا محکم سخن خدا را بفهمد ظاهرا منظور آن است که باید سعی کند توسط علم (امام) به سخن خدا در آسمان پی ببرد و بعد معلوم کند که کدام گزینه از متشابهات درست است و ببیند آیا این کید و چاره جویی او را از آنچه سوءش بوده پاک می کند تا به حقیقت پی برده باشد.

سوره الحج

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ [26] و مکان خانه را برای ابراهیم آشکار کردیم و گفتیم: هیچ چیز را شریک من مساز و خانه مرا برای طواف کنندگان و به نمازایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مکان البیت باید مکان بیت سماوی خدا باشد که همان ایمان و همان ولایت خداست زیرا داریم الا تشرک بی شیئا که همان کلمه ی لا اله الا الله است که داریم حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی بنابراین احتمالا همین جا هم هست که خدا می گوید کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی اما در آنجا که داریم طهر بیتی منظور از بیت باید کعبه باشد زیرا بیت سماوی خدا همواره طاهر است.

سوره الحج

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ [27] و مردم را به حج فرا خوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راه های دور نزد تو بیایند. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فج راه محکم و درست است زیرا فجاج متشابه با سلک و جدا کننده ی محکم از متشابه که همان ارض و امام است هست و در اینجا آمدن از فجاج متشابه با مناسک حج برای رسیدن به بیت خداست و منظور از بیت خدا همان ولا یت حضرت ابراهیم و امام هر زمان است

سوره الحج

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نَذْوَرَهُمْ وَلِيُطَوْفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ [29] سپس چرك از خود دور کنند و نذرهای خویش را ادا کنند و بر آن خانه کهنسال طواف کنند. (29)

منظور از وفای به نذر دریافت سخن و تبعیت از بیت خداست و شامل تبعیت از امام هم می شود زیرا نذر متشابه با عقد و ولایت و ... است و وفا یعنی دریافت پذیرفتن و ... چنانچه در حدیث هم داریم که نذر دیدار امام است

و روی عنه (علیه السلام)، و قد نظر إلى الناس يطوفون بالبیت، فقال: «طواف كطواف الجاهلية، أما و الله ما بهذا أمروا، و لكنهم أمروا أن يطوفوا بهذه الأحجار، ثم ينصرفوا إلینا و يعرفونا مودتهم، و يعرضوا علينا نصرتهم». و تلا هذه الآية: ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نَذْوَرَهُمْ و قال: «التفت: الشعث، و النذر: لقاء الامام (عليه السلام)»

و حج دو بخش دارد عمل مضطر که همان پاک شدن از معبودان باطل است و شامل سعی صفا و مروه و ... می شود که در آن انسان خودش را متشابه با مضطر قرار می دهد و بخش بعدی استجابت دعا توسط خداست که همان شناخت خداست (وارد شدن به بیت خدا) پر واضح است که در آن لحظه است که دعا به استجابت می رسد زیرا هر کس خدا را به درستی بخواند (و نه معبود باطل را) دعایش به خدا می رسد و خدا می گوید دعایی که به من برسد را استجابت می کنم چنانچه داریم ادعونی استجب لکم بعد این فرد با توجه به اینکه خدا را شناخته همه ی گناهانش آمرزیده شده زیرا تنها عامل عدم شناخت خدا گناه است و گناه آن است که مانع شناخت خدا شود و همین حج است که مقبول است زیرا فرد در آن گناهانش آمرزیده شده (چنانچه وعده داده شده) و نشان آن این است که اگر دعا کند دعایش مستجاب می شود یعنی جواب تمام سوالهایش را پیدا می کند که این در دیدار امام صورت می گیرد

سوره الحج

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ حَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحْلَيْتُمْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ [30] همچنین هر کس دست از حرام بردارد، در نزد پروردگارش برایش بهتر است. و چارپایان بر شما حلالند مگر آنهایی که برایتان خوانده شده. پس، از بتهای پلید و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از تعظیم انتخاب به عنوان مولاست زیرا عظم با سنگ و مولا متشابه است پس تعظیم حرمت الله یعنی تبعیت از

حرمت الله و حرمت خدا نیز همان بیوت خداست که هر کس در آن داخل شود ایمن است و اینجا باز منظور از تعظیم حرمت تبعیت از خدا و امام و ... است.

همچنین اوئان متشابه با شیطان است زیرا داریم رجس من الاوئان و داریم رجس من عمل الشيطان و شیطان همان دروغ بند به خداست که در اینجا پس از امر به تبعیت از بیت خدا از شیاطین که همان دروغ بندگان به خدایند نهی می شود در اینجاست که امر به امام و نهی از طاغوت مطرح می شود

سوره الحج

الذینَ اِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ [41] همان كسان که اگر در زمین مكانتشان دهیم نماز می گزارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. و سرانجام همه کارها با خداست. (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که وقتی نعمتی به آن ها می دهیم شکر می کنند و آن را در راه خدا مصرف می کنند (اقامه ی صلوه) و در راه خدا با آن قیام می کنند (قیام=اقامه) نه آنکه بعد از دریافت آن کفر بورزند و بگویند انما اوتیته علی علم

سوره الحج

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [52] ما پیش از تو هیچ رسول یا نبی را نفرستادیم مگر آنکه چون به خواندن آیات مشغول شد شیطان در سخن او چیزی افکند. و خدا آنچه را که شیطان افکنده بود نسخ کرد، سپس آیات خویش را استواری بخشید. و خدا دانا و حکیم است. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

منی متشابه با آب باران است که از آسمان می آید و متشابه با متشابه است و قرآن. و منظور از القای شیطان همان وجوه متشابهات است و منظور از نسخ شدن نسخ متشابهات و محکم ماندن وجه محکم است.

سوره الحج

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [52] ما پیش از تو هیچ رسول یا نبی را نفرستادیم مگر آنکه چون به خواندن آیات مشغول شد شیطان در سخن او چیزی افکند. و خدا آنچه را که شیطان افکنده بود نسخ کرد، سپس آیات خویش را استواری بخشید. و خدا دانا و حکیم است. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

مدخلا یرضونه همان حرم آمن است که داریم من دخله کان آمنا و رضایت از آن به علت وفی اموال و اولادی است که امام در دنیا از آن ها گرفته و به حرم آورده.

سوره الحج

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ [61] این بدان سبب است که خدا از شب می کاهد و به روز می افزاید و از روز می کاهد و به شب می افزاید. و خدا شنوا و بیناست. (61)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیات قبل است و نهار متشابه با اموال و اولاد است و لیل متشابه با از دست دادن آن ها که خدا در دنیا اموال و اولاد آنها را می گیرد و در آخرت به آنها پس می دهد. وجه تشابه لیل و نهار با مال و اولاد دار بودن یا نبودن آن است که اولاد (انفس) زنده بودنشان متسابه با نهار و مردنشان متشابه با لیل است.

سوره المؤمنون

فرم کلی این سوره ظاهرا در مورد کمک نکردن و دفع ضر نکردن به کسانی است که کافرند و انابه نمی کنند و در مورد کسانی است که مدام به خاطر گرفتاری به ضر و آزادی بعد از آن به خاطر انابه بین ایمان و کفر در حرکتند

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ نَادُونَ [5] و آنان که شرمگاه خود را نگه می دارند، (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

فرج متشابه با جایی است که در آن فرد سخن خود را می گوید و دیگران می خواهند در آن مانند شیاطین نفوذ کنند و استراق سمع کنند برای همین پوشاندن آن از شیاطین که اهل آن نیستند واجب است و از تاویلات آن آلت مرد است که برای او فرزند می آورد که متشابه با سخن اوست پس آلت زن و مرد به منزله و متشابه با فروج آسمان و اقطار سماوات است

سوره المؤمنون

إِنَّا عَلَىٰ أَعْتَابِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ [6] جز بر همسران یا کنیزان خویش، که در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی گیرند؛ (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

زوج کسی است که اهلیت فهم سخن را دارد مانند حضرت علی برای حضرت محمد و ملکت ایمانهم کسی است که با ضرب
یمنین شخص از غل عنق پاک شده چنانچه داریم فاضریو فوق الاعناق یا داریم ضرب الرقاب که چون مولایی ندارد می
توان به او سخن گفت

سوره المؤمنون

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ [7] و کسانی که غیر از این دو بجویند از حد خویش تجاوز کرده اند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

به غیر از دو دسته ای که در آیه ی پیش ذکر شد سخن گفتن به سایرین و راز خدا را فاش کردن به آنان حرام است و به
منزله ی لواط است

سوره المؤمنون

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ [8] و آنان که امانتها و پیمانهای خود مراعات می کنند، (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

رعی متشابه است با غذا دادن به انعام و زیر دستان و پیروان که متشابهند با ازواج چنانچه داریم کلوا و ارعوا انعامکم و
بعد از آیات قبل که نهی کردن از سخن گفتن به بیگانگان است دستور بر سخن گفتن به اهل خود آمده و عهد متشابه با
سخن است

سوره المؤمنون

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ [64] تا آنگاه که ناز پروردگانشان را به عذاب گرفتار کنیم و ناله سر دهند.
(64)

قرآن مبین - مبین موبایل

جنر متشابه با انابه است و وقتی در دنیا انسان جنر می کند (معبود باطل را از ذهن خود پاک می کند) خدا جوابش را می
دهد و دعایش را مستجاب می کند و کمکش می کند چنانچه داریم هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا که یعنی پس از
انابه دعا را مستجاب می کند اما این مسئله حد دارد و حد آن قیامت است زیرا در آیه ی بعد داریم

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تَنْصُرُونَ

که یعنی در این روز دیگر پاک شدن معبود باطل از ذهن شما باعث مستجاب شدن دعایتان نمی شود. و داریم

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنكصُونَ

که ظاهرا یعنی بعد از چند باری که دعایتان مستجاب شد کفر پیشه کردید و دوباره پس از انابه شرک ورزیدید و مانند فرعون عمل کردید

سوره المؤمنون

وَهُوَ الَّذِي يُخَيِّبُ وَيُمَيِّتُ وَلَهُ اخْتِلافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ [80] و اوست آن خدایی که زنده می کند و می پیراند و آمدوشد شب و روز از آن اوست. چرا تعقل نمی کنید؟ (80)

قرآن مبین - مبین موبایل

مزابق فرم کلی سوره منظور از له اختلاف اللیل و النهار هم احتمالا آن است که ضر و کشف ضر به دست او انجام می شود

سوره المؤمنون

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ [96] سخن بد آنان را به هر نیکوتری می آید پاسخ گوی. ما به سخن آنان آگاهتر هستیم. (96)

قرآن مبین - مبین موبایل

با توجه به این آیه و آیه ی بعد دفع حسنه به سیئه متشابه با پناه بردن به سخن محکم خدا از سخن متشابه شیطان است

سوره المؤمنون

وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ [103] و آنان که ترازویشان سبک باشد، به خود زیان رسانیده اند و در جهنم، جاوید ماندگانند. (103)

قرآن مبین - مبین موبایل

یعنی نتوانستند نفس خود را به حرم آمن برسانند و نفسشان نابود شد و ایمن از عذاب نشد زیرا من دخله کان آمنا. مراجعه شود به هفت نحل و هشت قارعه.

سوره النور

سوره النور

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ [3] مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را نمی گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی گیرد. و این بر مؤمنان حرام شده است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

زنا با شرک متشابه است چنانچه زانی با کسی غیر از شوهر خود می آمیزد و مشرک نیز نعمت را از خدا می گیرد اما سخن شیطان را در خود می پروراند و قوت می دهد و چون هر دو خبیثند و الخبیثات للخبیثین پس ازدواجشان صحیح و به دین حق است.

منظور از زانی و مشرک احتمالا شیطان است که بندگان خدا را که به منزله ی زنان خدایند گمراه می کند و در اموال و اولادشان شریک می شود و مال و ولد آن ها به جای حرم آمن به حرم شیطان در می آیند.

حرامزاده کسی است که مادرش به کسی غیر از پدرش دل دارد و باعث آن کارهایی مثل زنا قبل ازدواج است که باعث می شود زن و شوهر همدیگر را دوست نداشته باشند و در نتیجه بچه ی خود را نیز دوست نخواهند داشت و به او محبت لازم را نمی کنند و در نتیجه بچه عصبی و پرخاشگر می شود و جامعه را اذیت می کند و این همان حرامزادگی است

زنا حرام شد تا حرامزادگی در ازدواج کم شود و زن و شوهر به کسی دیگر دل نبندند

معیار حلال یا حرام بودن رابطه همین حس آرام بودن دو طرف است که اگر نباشد حرام و زناست حتی اگر به ظاهر در قالب ازدواج باشد

ظاهرا برای همین است که خدا زنا را با شرک مقایسه می کند زیرا فرد در آن به کسی غیر از همسر خود علاقه دارد و خدا نسبت به بنده اش متشابه با شوهر نسبت به زنش است

سوره النور

إِذْ تَلَقَوْهُ بِاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ [15] آنگاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می گرفتید و چیزی بر زبان می راندید که در باره آن هیچ نمی دانستید و می پنداشتید که کاری خرد است، و حال آنکه در نزد خدا کاری بزرگ بود. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

عظیم یعنی محکم و رشد یافته و ظاهرا یکی از تاویلاتش آن است که شما آن گناه را کوچک می شمارید (و کوچک است) اما رشد می کند و خسارات زیادی به بار می آورد و اینکه داریم عندالله عظیم منظور از عندالله دریافت حاصل آن عمل در آخرت از خداست و همان تجدوه عندالله است که انسان در آخرت تخم آن عمل را با رشدش به صورت یک درخت می بیند و تخم ممکن است مانند خردل کوچک اما درختش بزرگ باشد که این تخم از همان تخم ها بوده.

عظیم متشابه با حرام است و به تبع آن همین متشابه با حلال و یعنی شما گمان می کردید این کار حلال است اما نزد خدا حرام بود.

سوره النور

يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ [25] آن روز که خدا جزایشان را به تمامی بدهد و بدانند که خدا حقیقت آشکار است. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

دین متشابه با اجر است زیرا برای آن ها از وفی استفاده شده و آن همان است که فرد اموال و اولادش را به حرم آمن می برد و آنجا آن ها را وفی می کند و موازینش (انعام) ثقیل می شود چنانچه ثقل در آن روز حق است زیرا داریم الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازينه بنا براین منظور از دین حق (متشابه با آب محکم، نعمت محکم. زیرا نعمت با دین و حق با محکم متشابه است) آن است که فرد اعمالش و اموال و اولادش را به همراه میزان (امام) به حرم آمن ببرد تا آنجا آن را وفی کند و دین حق پیروی از امام است. اگر ما دین (نعمت، اموال و اولاد) را به حرم آمن ببریم آنجا نعمت محکم یافته ایم اما اگر در دنیا مصرفشان کنیم باید دانست که متشابهند (فتنه) چنانچه داریم انما اموالکم و اولادکم فتنه. وقتی می گوئیم کسی به دین حق است یعنی نعمت محکم را طلب می کند و از فتنه ها پرهیز می کند. همچنین چون تدین به دین حق که همان تبعیت از حق، امام و محکم است موجب تشابه طولی با حق می شود (زیرا تابع با متبوع متشابه طولی است). پس تدین به دین حق باعث خودمتشابهی می شود و دین حق همان خودمتشابهی کردن است چنانچه حضرت ابراهیم کعبه را متشابه با حرم آمن لا اله الا الله ساخت. و این همان است که آنچه در پیروی و تشابه آسمان باشد (ولایت، خودمتشابهی) سالم می ماند و آنچه نباشد نابود می شود.

سوره النور

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [26] زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک. آنها از آنچه در باره شان می گویند منزهند. آموزش و رزق نیکو برای آنهاست. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

طبق بسط خودمتشابه جهان زن خوب نباید با مرد بد ازدواج کند این کار مانند سنگ انداختن در زمین طیب است که قوت زمین را خراب می کند و به هدر می دهد و مانع بسط جهان می شود و زن بد نباید با مرد خوب ازدواج کند این کار مانند انداختن تخم خوب در سنگلاخ است و مانند لواط است و تخم را به هدر می دهد و مانع گسترش جهان است

زن بد باید با مرد بد ازدواج کند این کار باعث می شود سنگ مرد بد در زمین بد بیفتد و زمین خوب را خراب نکند و زمین بد نیز از تخم خوب میزبانی نکند. زن خوب هم باید با مرد خوب ازدواج کند تا جهان بسط پیدا کند و خودمتشابهی گسترش پیدا کند و فرزندان خوب زاده شود

هنچنین است زن و مرد نازا که خبیثند و رزق (بچه) خود را بیرون نمی دهند (یخرج نباته باذن ربه و الذی خبت لا یخرج الا نکدا) که البته ممکن است به خاطر خیری بالاتر از این شرها چشم پوشی شود.

چون داریم الزانی للزانیه و داریم البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه پس دلیل آنکه خدا از انسان عدم زنا قبل و حین ازدواج را می خواهد یکیش داشتن بچه های خوب است و زنا با خبت متشابه آمده و ظاهرا باعث می شود بچه بد شود و علت آن

هم احتمالا از بین رفتن عشق بین زن و مرد است که خدا ظاهرا آن را دوست دارد و زنا باعث می شود فکر زناکار به فرد هرزه ای باشد که با او جماع کرده و همسر خود را دوست نداشته باشد چنانچه اولین جماع و اولین بوسه از یاد زانی نمی رود و برای همین ظاهرا رابطه اول به یاد ماندنی ترین رابطه است و خدا دوست دارد انسان با هم کفو خود رابطه اول را داشته باشد و ازدواج موقت انجام ندهد و طلاق هم ندهد اما در صورت وجود شر و یا برای رسیدن به خیری بیشتر طلاق و ازدواج موقت هم وجود دارد.

سوره النور

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ [36] آن نور در خانه هایی است که خدا رخصت داد ارجمندش دارند و نامش در آنجا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند: (36)

قرآن مبین - مبین موبایل

اسم متشابه با وجه است یعنی دهنده نعمت و رفع آن یعنی علی شدن آن بر اهل خانه زیرا علی با رفع متشابه طولی است (چنانچه داریم رفعناه مکانا علیا) پس ظاهرا یعنی بیوتی که وجه خدا بر اهل آن است و مکمل آیه ی

سوره الأحزاب

وَأَذْكُرَنَّ مَا يُنْتَلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا [34] آنچه را در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می شود، یاد کنید، که خدا باریک بین و آگاه است. (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

است.

و رفیع شدن اسم خدا منظور آن است که در این خانه ها خدا به اهل خانه امر یا وحی می کند و اهل آن همان اهل بیتند که در سی و چار احزاب هم آمده اند.

سوره النور

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ [55] خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را -که خود برایشان پسندیده است- استوار سازد. و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می پلرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند. و آنها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند. (55)

قرآن مبین - مبین موبایل

آن ها که استخلاف می شوند چنانچه در سی و هشت محمد هم آمد همان پیروان ولایتند چنانچه مومنان صالح در بطن قرآن حضرت علی و متشابهات آن جنابند و دین مرضی همان شکر است چنانچه داریم و ان تشکروا یرضه لکم و شکر همان ایمان است و ایمان همان ولایت خدا و خلیفه هایش و یبعدونی لا یشرکون بی شیئا منظور اتمام تقیه است و آنها محکم قرآن را می گویند و برای تقیه سخن متشابه نمی گویند

سوره الفرقان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا [1] بزرگ است و بزرگوار آن کس که این فرقان را بر بنده خود نازل کرد، تا جهانیان را بیم بدهد ای باشد. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

نذیر همان امام است و علت آنکه فرقان باعث نذر می شود آن است که فرقان برای رفته رفته آب دادن به گیاه پس از اتمام باران است که همان کار امام و ینبوع است چنانچه داریم قرآنا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث و داریم ما ینفع الناس یمکث فی الارض (رجوع شود به تفسیر هفده رعد) برای همین فرقان همان قرآن (آب) مکث شونده در زمین (امام) است. بنابراین فرقان قرآن محکم شده و داده شده به امام است که متشابهاتش به محکمش تبدیل شده و تعبیر محکمش معلوم شده

به طور کلی این آیه و آیه ی بعد یادآور آیات آخر سوره ی اسری است چنانچه فرقه شدن قرآن و همچنین بدون ولد و شریک بودن خدا در هردو ذکر شده

سوره الفرقان

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا [18] گویند: منزهی تو. ما را سزاوار نبوده است که جز تو کسی را به یاری گیریم. تو خود آنها و پدرانشان را برخوردار ساختی، چنان که یاد تو را فراموش کردند و مردمی شدند به هلاکت افتاده. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا منظور از متعتهم همان تمتع آن ها به کفرشان است که به سبب آن نعمت ها را به امام نداده اند تا در آخرت به آن ها پس دهد برای همین فراموش کنندگان ذکر(قیامت) هستند و پیرو پادشاهان و مالداران باطل که در آیه بیبست هم توضیح دادیم

سوره الفرقان

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لِيَأْكُلُوا الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا [20] پیش از تو پیامبرانی نفرستاده ایم جز آنکه طعام می خوردند و در بازارها راه می رفتند. و شما را وسیله آزمایش یکدیگر قرار دادیم. آیا صبر توانید کرد؟ و پروردگار تو بیناست. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

فتنه متشابه با متشابه است و ظاهرا منظور آن است که می خواهیم بدانیم شما پیرو پادشاهان می شوید که فتنه اند یا مرسلین که محکمند و پادشاهان و حکام باطل متشابهات مرسلینند و صبر همان صبر در دنیا است که پیامبران مال ندارند (چنانچه بحث در آیات قبل هم در همین موارد است) اما حکام باطل دارند و می خواهیم بدانیم مردم پیرو پادشاهان می شوند یا مرسلین و امامان که از آن ها مال و اولاد طلب می کنند و صبر می خواهند تا در آخرت به آن ها پس دهند.

سوره الفرقان

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا [29] با آنکه قرآن برای من نازل شده بود، مرا از پیرویش بازمی داشت. و این شیطان همواره آدمی را تنها می گذارد. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

خذل خلاف نصر است و چون نصر معنی الف و محکم شدن می دهد خذل معنی سست کردن از راه درست و کج شدن می دهد و همان ضل عن الذکر است که قبلش آمده

سوره الفرقان

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا [30] پیامبر گفت: ای پروردگار من، قوم من ترك قرآن گفتند. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیات قبل است که آن ها فلان را خلیل گرفته اند و به همین خاطر به قرآن دروغ بسته اند چنانچه داریم
وَإِنْ كَادُوا لِيَفْتَنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا

و علت آنکه رسول می گوید این قرآن مهجور شده همین دروغ بستن به واسطه ی خلیل شدن با فلان است همچنین شیطان همان فلان است و شیطان که در آیه ی قبل آمده همان دروغ بند به سخن خداست که برداشت غلط از قرآن می کند

سوره الفرقان

أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا [44] یا گمان کرده ای که بیشترینشان می شنوند و می فهمند؟ اینان چون چارپایانی بیش نیستند، بلکه از چارپایان هم گمراه ترند. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

همان طور که گفتم انعام متشابه با امامند و اینکه اضل سبیل هستند نکوهش امامان نیست بلکه ستایش آن هاست که یعنی از سخن معبودان باطل ضلالت دارند و فقط به سخن سوارشان توجه می کنند و سوارشان نبی است و خداست. و انعامی که سوارشان شیطان باشد ضلالت جهنمی دارند.

سوره الفرقان

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا [57] بگو: من از شما هیچ مزدی نمی طلبم و این رسالت بدان می گزارم تا هر که خواهد به سوی پروردگارش راهی بیابد. (57)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل متشابه با امام است که پیروی از آن همان اجر رسالت است و همچنین در آیه ای دیگر داریم

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَلَىٰ الْمَوَدَّةِ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

که قریبی همان سابقونند چنانچه داریم السابقون السابقون اولئك المقربون و سبقت آنان به ایمان است چنانچه داریم سبقونا بالایمان و ایمان همان پذیرش ولایت و کلمه ی لا اله الا الله است و تاویل آن حضرت علی است چنانچه او اولین نفری بود که به حضرت محمد ایمان آورد.

سوره الفرقان

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا [72] و آنان که به دروغ شهادت نمی دهند و چون بر ناپسندی بگذرند به شتاب از آن دوری می جویند. (72)

قرآن مبین - مبین موبایل

کرام ظاهرا یعنی مورد کرامت قرار گرفته و کرامت یعنی پدری و کهف که انسان را از سخن بیهوده باز می دارد و از سخنان شیطان بنابراین ظاهرا یعنی آنان که وقتی سخن شیطان را می شنوند به سخن خدا پناه می برند و به آن گوش نمی کنند چنانچه داریم من الشيطان نرع فاستعذ بالله

سوره الشعراء

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ [3] شاید، از اینکه ایمان نمی آورند، خود را هلاک سازی. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه در مورد ولایت است چنانچه در آیه ی شش کهف هم که مشابه این آیه است بحث در مورد ولایت است و آنکه داریم این آیه در مورد صیحه ی آخرالزمان است که به وایت حضرت علی می خواند درست است و آنکه در آیه ی بعد آمده اگر بخواهیم از آسمان آیه ای نازل می کنیم باز دال بر علامتی از آسمان در ولایت حضرت علی است

سوره الشعراء

إِن تَشَاءُ نَنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ [4] اگر بخواهیم، از آسمان برایشان آیتی نازل می کنیم که در برابر آن به خضوع سر فرود آورند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

چنانچه گفته ام این آیه باید همان خودمتشابه ساز طبیعت باشد که الگوی آسمان اول را به آسمان های پایین تر بسط می دهد و غل عنق همان عامل عدم فهم و پذیرش سخن خداست و با پاک کردن آن الگوی مردم را با آسمان متشابه می کند و مردم خداپرست می شوند. به طور کلی علت خودمتشابهی آن است که مردم هر وقت کافر شوند نعمت بر آن ها تنگ می شود چنانچه در آیات مربوط به گرفتاری در دریا داشته ایم و بنابراین شرک که الگوی منکر است را رها می کنند و پیرو خدا می شوند و بنابراین الگویشان با الگوی خدا یکی می شود و جهان خودمتشابه می شود و آیه که در اینجا آمده به طور کل متشابه با موج دریا و عذاب و ... است که مردم را به خداپرستی و متشابه شدن با الگوی خدا و الگوی اولیه ی جهان

مجبور می کند

سوره الشعراء

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ [13] و دل من تنگ گردد و زبانه گشاده نشود. هارون را رسالت ده.
(13)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از یضیق صدی ظاهرا آن است که تکذیب می کنند و در روحیه ام اثر می گذارد و نمی توانم تبلیغ امر تو را به پایان بدسانم چون گفتن سخن به نا اهلش لواط است و این کار حضرت موسی نوعی لواط است هرچند که لواط در دراز مدت باعث گشودگی می شود چنانچه داریم فان مع العسر يسرا

سوره الشعراء

وَأْتَهُمْ لَنَا نَعَائِظُونَ [55] و ما را به خشم آورده اند، (55)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از نسبت به ما غائظند یعنی از ما تبعیت نمی کنند باید باشد نه ما را به خشم آورده اند چنانچه داریم کاظمین الغیظ و چون آنان در حال فرار بوده اند پس کظم غیظ کرده بوده اند و فرعون همین را نمی خواسته اگر نه فرعون دلیلی ندارد از خشم آنها بترسد بلکه منظور سرپیچی آنهاست زیرا غیظ یعنی متنفر بودن از خیر داده شده یا مولایی که هست.

سوره الشعراء

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ [89] مگر آن کس که با قلبی رسته از شرك به نزد خدا بیاید. (89)

قرآن مبین - مبین موبایل

قلب سلیم متشابه با قلب غیر لاهی است که به سخن بیهوده گوش نکرده و قرآن را می پذیرد زیرا سلام در برابر لغو است و متشابه با قرآن است

سوره الشعراء

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ [128] آیا بر فراز هر بلندی به بیهودگی برجی برمی آورید؟ (128)

قرآن مبین - مبین موبایل

عبث متشابه با نامیراست و منظور از عبث کاری است که برای خلود انجام می گیرد و برج هایی که در این آیه و آیه ی بعد آمده اند متشابه با همان ها هست که خدا در موردشان می گوید

أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ

و برج همان چیزی است که مورد حفظ قرار می گیرد تا مورد شیاطین قرار نگیرد چنانچه داریم جعلنا فی السما بروجاً و زینها للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم

پس ساخت این برج ها متشابه با اعمالی است که انسان انجام می دهد تا مورد حمله ی متشابهات نشود و همواره سخن محکم خدا را دریافت کند اما در این جا منظور محکم باید دوری از مرگ باشد که متشابه با متشابهات است

سوره الشعراء

أَوْقُوا الْكَيْلَ وَلَئِن تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ [181] پیمانہ را تمام پردازید و کم فروشی مکنید. (181)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که هنگامی که امامت مردم را به عهده می گیرید و مال و اموال آن ها را می گیرید آن ها را در راه خدا صرف کنید تا در آخرت به آن ها پس دهید و خسران نکنند چنانچه در دو آیه ی بعد داریم

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُّسِيدِينَ ۚ ۚ که شیء همان اموال و اولاد است چنانچه با هم متشابهند

سوره الشعراء

وَلَا تَنْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ [183] به مردم کم مدهید و بی باکانه در زمین فساد مکنید.
(183)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی دو آیه ی قبل است که در مورد امامت است و فساد در ارض همان جنگ(فساد متشابه جنگ است) با امام(ارض) است زیرا این ها ائمه ای بودند که برخلاف دوازده امام وفی مکیال نمی کنند و نعمتی را که در دنیا از مردم می گیرند در آخرت کامل پس نمی دهند

سوره الشعراء

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ [197] آیا این نشانه برایشان بسنده نیست که علمای بنی اسرائیل از آن آگاهند؟ (197)

قرآن مبین - مبین موبایل

بنی اسرائیل نسل حضرت ابراهیم است و حضرت ابراهیم همان کسی است که تقاضای لسان صدق کرده و خدا به کلمات او را آزموده و تمام کرده و لسان صدق را به او و نسلش داده بنابراین احتمالا منظور از علما بنی اسرائیل عالمان به علم الفبا و حروف حضرت ابراهیمند چنانچه در آیه ی ده احقاف هم شاهدان قرآن معرفی شده اند زیرا قرآن ظاهرا بر ساختار علم حروف نوشته شده.

سوره الشعراء

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ [224] و گمراهان از پی شاعران می روند. (224)

قرآن مبین - مبین موبایل

این شعرا که در لغت یعنی فهم کنندگان حدیث و در اینجا متشابه با فقیهان اصلی آمده اند متشابه با ساحران فرعونند که مقداری از سخن خدا را فهمیده اند اما نه تمام آن را و بر عکس با آن مردم را گمراه می کنند از مولای حقیقیشان برای همین از لفظ شعرا برای آنها استفاده شده و افک در تنزل علی کل افاک ائیم همان افک در تلقف ما یافکون هست آنکه داریم انهم یقولون ما لا یفعلون یعنی یقولون سائل مثل ما انزل الله و لن تفعلوا برای همین اینان چیزی می گویند که عمل نمی کنند و کاذبند و فقیهان باطلند.

شعر متشابه با سنگ است و شاعر ظاهرا کسی است که سنگ بر قلب مردم می گذارد و با معنای غلط قرآن مردم را از راه خدا منع می کند همچنین کسی که صاحب نظر است و کافر محض است و نظر غیر خدا را مطرح می کند نیز سنگ گذار (شاعر) است

شاعر کسی است که می گوید سائزل مثل ما انزل الله مراجعه شود به سی طور

سوره الشعراء

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَكَرَّرُوا اللَّهُ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ [227] مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و خدا را فراوان یاد کردند و چون مورد ستم واقع شدند انتقام گرفتند. و ستمکاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می گردند. (227)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینجا منظور باز باید ایمان مصلح باشد که در برابر سایر شعرا آورده شده در اصل در اینجا ایمان مصلح از سایر شعرا با یک الا جدا می شود تا فهمیده شود که شعرا همگی گمراه کننده نیستند زیرا شاعر یعنی فقیه و فهم کننده ی حدیث و خدا تمام فهم کنندگان سخنش را به غیر از مومن مصلح که آورده شده و متشابه با حضرت علی است نکوهش کرده همچنین اینکه داریم انتصروا من بعد ما ظلموا می تواند نشان دهنده ی من باشد که ابتدا ظلم می شود و فهم نمی کند اما بعد اصلا ح می کند و سخن خدا را فهم می کند

سوره النمل

ظاهرا فرم کلی این سوره بیان است یعنی مشخص کردن محکم در برابر متشابه چنانچه در آیه ی اول هم از کلمه ی مبین استفاده شده برای همین در آیه ی چهار و پنج هم امری آمده که مشخص می کند گرایش به دنیا در برابر آخرت خسران است. چنانچه سوره در مورد توانایی بلقیس در شناخت تخت خورگد یا قصر شیشه ای صحبت می شود که به متشابهات گرفتار شده یا نه.

سوره النمل

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ [1] ط، سین. این است آیات قرآن و کتاب روشنگر. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

مبین یعنی بیان کننده و یعنی مشخص کننده ی محکم از متشابه برای همین در آیه ی چهار و پنج هم امری آمده که مشخص می کند گرایش به دنیا در برابر آخرت خسران است

سوره النمل

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ [4] اعمال آنهايي را كه به آخرت ايمان ندارند در نظرشان
بياراستيم. از اين روي سرگشته مانده اند. (4)

قرآن مبین - مبين موبایل

در اصل فهم فی طغيانهم يعمهون است که در سوره بقره آمده. مراجعه شود به هشت فاطر

سوره النمل

وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمَنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَضَى الْمُبِينُ [16] و سليمان
وارث داود شد و گفت: ای مردم، به ما زبان مرغان آموختند و از هر نعمتی ارزانی داشتند. و این عنایتی است آشکار. (16)

قرآن مبین - مبين موبایل

منظور از و اوتینا من كل شیء همان اوتینا من كل شیء سببا است زیرا داریم آتیناه من كل شیء سببا و منظور از سبب علم
است زیرا در آیه ی قبل علم فضل معرفی شده و در این آیه سبب. بنابراین سبب و علم متشابهند

سوره النمل

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ [32] زن گفت: ای بزرگان، در کار من رأی بدهید، که تا
شما حاضر نباشید من هیچ کاری را فیصل نتوانم داد. (32)

قرآن مبین - مبين موبایل

پیرو فرم کلی سوره که انتخاب محکم از متشابهات است در اینجا هم فتوی و شهادت به معنای مشخص کردن محکم از
متشابه است و قطع امر همان انتخاب یک قطع از متشابهات به عنوان وجه محکم است.

مراجعه شود به هشت فاطر

سوره النمل

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذُنًا وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ [34] زن گفت: پادشاهان چون به قریه ای درآیند، تباہش می کنند و عزیزانش را ذلیل می بھازند. آری چنین کنند. (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

فساد متشابه با جنگ است و منظور صرف خرابی احتمالا نیست و قریه متشابه با امام و زن است و اهل قریه متشابه با فرزندان و منظور ظاهرا آن است که ملوک قریه را طوری تنظیم می کنند که مطیع او شود و فرزندان ملک قبلی را می کشد و فرزندان (پیروان) خود را عزت می دهد

سوره النمل

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفَكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ [40] و آن کس که از علم کتاب بهره ای داشت گفت: من، بیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو می آورم. چون آن را نزد خود دید، گفت: این بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاسگزارم یا کافر نعمت. پس هر که سپاس گوید برای خود گفته است و هر که کفران ورزد پروردگار من بی نیاز و کریم است. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فضل، علم است چنانچه در آیه ی شانزده علم، فضل مبین شناخته شده و این همان تفاوت شاکر مومن و کافری است که در سوره زمر آمده (آیه ی هشت ؛ و چهل و نه)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا نَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَٰ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ يَا آنکه قارون گفت انما اوتيته على علم عندي

که خدا به علم انسان را از ضرر دفع می کند اما کافر انداد می گذارد و علم را از خودش می داند و مومن آن را از خدا می داند و می گوید هذا من فضل (علم) ربی

سوره النمل

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبْتَهُ لِحَّةً وَكَشَعَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ [44] گفتندش: به صحن قصر درآی. چون بدیدش پنداشت که آبیگری ژرف است. دامن از ساقهایش برگرفت. سلیمان گفت: این صحنی است صاف از آبیگینه. گفت: ای پروردگار من، من بر خویشتم ستم

کرده ام و اینک با سلیمان در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

این عمل حضرت سلیمان برای آزمون اسلام ملکه سبا است حضرت سلیمان گفته بود اتونی مسلمین او گفته بود که مسلمان است و حضرت سلیمان اینجا اثبات می کند مسلمان نیست و دلیل آنکه از ساقش کشف می کند و این همان عدم اسلام است چنانچه داریم

سوره القلم

يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ [42] روزی که آن واقعه عظیم پدیدار شود و آنها را به سجود فرا خوانند، ولی نتوانند. (42)

سوره القلم

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَاءِلُمُونَ [43] وحشت در چشمانشان پیداست، ذلت بر آنها چیره شده است. پیش از این نیز آنها را در عین تندرستی به سجده فراخوانده بودند. (43)

این دو آیه ی سوره قلم نشان می دهد سلامت (اسلام) همان استطاعت بر سجود است که وقتی از ساق کشف شده باشد کسی سلامت ندارد بنابراین ملکه سبا نیز اسلام نداشت و وقتی ساقش را کشف کرد و حضرت سلیمان این نکته را فهمید گفت اسلمت که یعنی اسلام آوردم

سوره النمل

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [46] گفت: ای قوم من، چرا پیش از نیکی بر بدی می شتابید؟ چرا از خدا آمرزش نمی خواهید؟ شاید بر شما رحمت آورد. (46)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با کسانی اند که در آیه ی چهار آمد و عمل سوءشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده و آن را حسن می بینند و دنبال آن می روند و چنانچه در آن آیه گفتیم همان انتخاب دنیا بر آخرت است و چنانچه در اینجا هم آیه متشابه با يدع الانسان بالشر (سینه التي تزعمون انها حسنه) دعاءه بالخير (حسنة) و كان الانسان عجولا. در اصل ظاهرا لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه لم تستعجلون بالخير الدنيا قبل خيرا الاخره است.

سوره النمل

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةٌ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ [48] در شهر نه مرد ناصالح بودند که در آن سرزمین فساد می کردند نه اصلاح. (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز هم عدد تسع متشابه با فرم کلی سوره آمده که همان عدد فساد و فتنه و متشابه است در حالی که محکم دهمین عدد است و نه تای اول متشابهات آند. این آیه متشابه با بیهزده و دوازده بقره و به تبع آن متشابه با الشعرا یتبعهم الغاوون است که در آن دو آیه هم از فساد و اصلاح سخن آمده و الشعرا یتبعهم تلغاوون در مورد فقیهانی است که گمان می کنند منظور خدا را فعمیده اند اما نفهمیده اند. که نشان می دهد این آیه هم موافق فرم کلی سوره است.

سوره النمل

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ [73] و پروردگار تو فضل خود را بر مردم ارزانی می دارد، ولی بیشترینشان شکر نمی گویند. (73)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آیه ی چهل است که فضل همان علمی است که خدا با آن به انسان نعمت می دهد تا ببیند انسان کافر می شود یا شاکر

سوره النمل

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ [74] و پروردگار تو می داند که چه چیز را در دل نهان کرده اند و چه چیز را آشکار می بهازند. (74)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از آنچه سینه شان اعلان می کند ظاهرا متشابه با ایمان در سختی است و آنچه پنهان می کند ایمان در آسانی است و منظور از پنهان کردن کفر است

سوره النمل

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ [82] چون فرمان قیامت مقرر گردد، بر ایشان جنبنده ای از زمین بیرون می آوریم که با آنان سخن بگوید که این مردم به آیات ما یقین نمی آوردند. (82)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به بیست و هشت فاطر

ارض متشابه با امام است و آنچه از آن خارج می شود همان تخمی است که در آن کاشته شده و متشابه با فرزند امام و متشابه با کسی است که پیرو امام و تفسیر اوست و دابه احتمالا از شیعیان امام مهدی است که در آخرالزمان خروج می کند و یمانی باید باشد که با تفاسیر غلط دشمنی می کند.

یقین خلاف ظن است و متشابه با علم و فهم محکم است منظور ظاهرا آن است که در آخرالزمان جنبنده ای یا موجودی خروج می کند و می گوید که مردم آیات خدا را اشتباه می فهمیده اند که مردم آیات ما را نمی فهمیدند بعد می گوید از هر امتی فوجی گرد می آوریم و امت همان امام است که سخن خدا را معنی می کند و بعد به آنها گفته می شود آیا بدون آنکه به آیات من علم داشته باشید و معنای آن را بفهمید آن را تکذیب کردید که همان عدم علم امامان باطل به کتب آسمانی است که موجب تکذیب آنها می شود مثلا مسلمانان تکذیب می کنند که حضرت عیسی گفته باشد پسر خدایم حال آنکه معنی آن را نمی فهمند و ممکن است کلام خدا باشد و آن ها ندانند و تکذیب کنند به همین علت است که هیچ قومی سایر کتب آسمانی را نگهداری نمی کند و می گویند دروغ است و کتاب خودشان را هم از سر عادت نگهداری می کنند و با مرگ هر قومی کتابش هم از بین می رود و لازم است کسی تمام این کتب را قبل از مرگشان جمع آوری کند در اصل ظاهرا این آیه و آیه بعد حشر فوج هایی از پیروان مذاهب مختلف در برابر یکی از پیروان ائمه است

سوره النمل

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ [83] روزی که از هر ملتی فوجی -از آنان که آیات ما را تکذیب می کردند- گرد می آوریم و آنان را به صف برانند؛ (83)

قرآن مبین - مبین موبایل

امه متشابه با امام است و ظاهرا منظور پیروان امامان باطل است که بعد داریم آیا بدون اینکه به آیات ما علم داشته باشید تکذیب می کردید

ظاهرا فرم کلی سوره رسیدن چیزی است از جانب خدا و غیب که انتظارش را و امیدش را نداشته ایم مانند هلاک قارون

نزول قرآن و بعثت حضرت موسی و سخن گفتن خدا از آتش برای حضرت موسی

سوره القصص

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ [18] دیگر روز در شهر ترسان و چشم بر راه حادثه می گزدید. مردی که دیروز از او مدد خواسته بود باز هم از او مدد خواست. موسی به او گفت: تو به آشکارا گمراه هستی. (18)

این شهر ظاهرا شهر فرعونیان بوده و باعث خوف و اضطراب حضرت موسی شده اما آنکه شیعه ی حضرت موسی خوانده شده و بعد غاو خوانده شده غاو کسی است که از شیطان پیروی می کند و متشابه با آن است که ظاهرا چون این فرد مدام در چنگ فرعونیان می افتاده و نمی توانسته از آن ها پرهیز کند گرفتار (غاو) خوانده شده زیرا گرفتار و اسیر و پیرو با هم متشابهند اگر نه این فرد گمراه دینی ممکن است نبوده.

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره القصص

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ [23] چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که چارپایان خود را آب می دهند و پشت سرشان دو زن را دید که گوسفندان خود را باز می رانند. گفت: شما چه می کنید؟ گفتند: ما آب نمی دهیم تا آنگاه که چوپانان باز گردند، که پدر ما پیری بزرگوار است. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

خطب متشابه با درخواست کردن است در اینجا منظور ظاهرا آن است که به دنبال چه هستید(وقتی دید بیکار ایستاده اند ظاهرا پرسیده چکار می خواهید بکنید؟)

سوره القصص

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ [24] گوسفندانشان را آب داد. سپس به سایه بازگشت و گفت: ای پروردگار من، من به آن نعمتی که برایم می فرستی نیازمندم. (24)

قرآن مبین - مبین موبایل

فقیر کسی است که استطاعت بر ضرب در ارض (امام، ینبوع) ندارد تا بتواند رزق بردارد و در اینجا ظاهرا یعنی خدایا بر آن رزقی که بر من نازل کردی استطاعت ندارم تا سنگ زمین را ضرب کنم و بردارم و الحاف هم نمی کرده است و تعفف

می ورزیده است چنانچه داریم:

لِلْقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَقُّفِ تَغْرِقُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَاقًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

و اینکه با الحاف نمی خواسته تقاضا کند او را فقیر در ضرب ارض کرده و ظاهرا از خدا می خواهد که حلش کند و خدا هم با فرستادن دختر حضرت شعیب به جای آنکه درخواست خیر از حضرت موسی باشد از جانب حضرت شعیب مطرح می کند تا خیر از حضرت موسی به خاطر عدم استطاعتش بر ضرب ارض و درخواست منع نشود.

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ۖ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ ۗ نَجَّوْتِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت حیا گام برمی داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می طلبد تا پاداش اینک [دام های] ما را آب دادی به تو بدهد. چون نزد او آمد و داستانش را بیان کرد، گفت: دیگر نترس که از آن گروه ستمکار نجات یافتی. (۲۵)

قصص - 25

قرآن مبین

تمشی علی استحیا ظاهرا یعنی در بیان مقصود خود کمرو بود چنانچه داریم ان ذلک یوذی الرسول و هو یستحیی منکم که یعنی پیامبر رویش نمی شده خواسته خود را بیان کند در اینجا هم ظاهرا آن دختر عاشق حضرت موسی شده بوده اما رویش نمی شده و با پدرش مطرح کرده بوده و درخپاست ازدواج را از طریق پدرش ابراز می کند

سوره القصص

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَقَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ [76] قَارُونَ از قوم موسی بود که بر آنها افزونی جست. و به او چنان گنجهایی دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی از مردم نیرومند دشوار می نمود. آنگاه که قومش به او گفتند: سرمست مباش، زیرا خدا سرمستان را دوست ندارد، (76)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فرح دریافت نعمت هاست زیرا متشابه با حسن است و خلاف سیئه که مانع دریافت نعمت است و خاص آمده و

منظور تفرح از نعمت دنیا است و نه از نعمت آخرت اگر نه داریم فیفضل الله و نعمته فبذلک فلیفرحوا و منظور آن است که از نعمت دنیا شادی نکند و یعنی آن را برای خود نگه ندارد و بلکه به امام تحویل دهد

سوره القصص

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ [85] آن کس که قرآن را بر تو فرض کرده است تو را به وعده گاهت باز می گرداند. بگو: پروردگار من بهتر می داند که چه کسی بر راه راست است و چه کسی در گمراهی آشکار است. (85)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه با آیه ی بعد تشریح می شود در اصل اصل این آیه چنین است من یحیی العظام و هی رمیم قل الذی فطرها اول مره و منظور از الذی فرض علیک القرآن خدایی است که از غیب کار را انجام می دهد و از هیچ پدید می آورد زیرا در آیه بعد داریم ما کنت ترجوا انیلقی الیک الکتاب که یعنی از جایی به حضرت محمد نازل شد که غیب بود چون خداییکه از اول آفریده باز گرداننده است (الذی فطرها اول مره) بنابراین منظور از الذی فرض علیک القرآن خدایی است که از هیچ پدید آورد و امید به جای دیگر نبود که پدید آورد غیر از او

سوره القصص

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ [86] اگر رحمت پروردگارت نبود، امید آن را نداشتی که این کتاب بر تو القا شود. پس نباید پشتیبان کافران باشی. (86)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجا خلاف قنوط است و داریم من یقنط من رحمه ربه الا القوم الضالون بنابراین ظاهرا این عدم رجا و قنوط عطف به الا رحمه من ربک است یعنی از همه چیز به غیر از رحمت خدا قانط بودی و امید نداشتی که کتاب بر تو نازل شود الا آنکه می گفتم مگر رحمتی از پروردگارم کتاب را بر من نازل کند این متشابه با این آیه است هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا که منظور از قنوط قنوط از اولیای باطل است و نزول غیث متشابه با نزول قرآن آمده

ظاهرا منظور از ما کنت ترجوا الا رحمه من ربک آن است که تو امید نداشتی خدا بر تو قرآن نازل کند الا آنکه رحمتی از پروردگارت برسد و گناه مصاحبت با کافران را که مانع رسیدن قرآن به تو است را ببخشد برای همین داریم فلا تکن ظهیرهم. و بعدش هم داریم از آیات خدا بعد از نزولش تو را صد نکنند. و برای همین ها هم بود که به حرا می رفت تا از صد کافران در امان باشد

سوره العنكبوت

سوره العنكبوت

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ [6] هر که جهاد کند به سود خود کرده است، زیرا خدا از همه جهانیان بی نیاز است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

جهاد متشابه تجارت است و همان دادن متشابهات و فتنه ها در دنیا برای دریافت محکم آن ها در آخرت است برای همین هرکس جهاد کند و متشابه را بدهد منحصرأ به خود کمک کرده.

سوره العنكبوت

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [20] بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده. سپس آفرینش باز پسین را پدید می آورد. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

سیر متشابه با رفت و آمد با امام است (چنانچه در هجده سبا هم آمده) و ظاهراً منظور آن است که به امام مراجعه کنند تا بفهمند آخرت وجود دارد و نعمت خود را به او دهند و توسط امام به حرم آمن ببرند. چنانچه این عمل متشابه با کاشتن است و نشی همین معنا را می دهد.

سوره العنكبوت

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِهِمْ تُبَدِّلْنَاهُمْ سُلْبًا وَإِنَّا لَمَعَمُ الْمُحْسِنِينَ [69] کسانی را که در راه ما مجاهدت کنند، به راه های خویش هدایتشان می کنیم، و خدا با نیکوکاران است. (69)

قرآن مبین - مبین موبایل

جهد متشابه با تجارت است که در آن فرد از متشابه دست می کشد(اموال و اولاد که فتنه است) تا به محکمت برسد و خدا ظاهراً می گوید هر کس چنین کند او را به محکمت می رسانیم(لنهدینهم سلبنا) و آیه بدیهی است.

سوره الروم

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [38] حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را ادا کن. این بهتر است برای کسانی که خشنودی خدا را می‌جویند و ایشان رستگارانند. (38)

قرآن مبین - مبین موبایل

ابن متشابه با پیرو است و سبیل متشابه با امام و ابن السبیل احتمالا پیروان ائمه منظور باشند چنانچه داریم و ازواجه امهاتهم و همان مومنان باشند.

سوره الروم

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّرَبِّو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُّو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ [39] م
الی که به ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود، نزد خدا هیچ افزون نمی‌شود؛ و مالی که برای خشنودی خدا از بابت زکات می‌پردازید، کسانی که چنین کنند پاداش مضاعف دارند. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا یعنی آنچه از ربا (که همان دادن نعمت به امام باطل است) می‌دهید نزد خدا (در آخرت) زیاد نمی‌شود) و فقط به اموال آنها اضافه کرده اید) و آنچه از زکات به امام می‌دهید رشد می‌کند

سوره لقمان

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ [6] بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا به نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به مسخره می‌گیرند. نصیب اینان عذابی است خوارکننده. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از حدیث ولی است و سبیل الله همان امام است و لهو حدیث همان امام باطل و به تبع آن احسن الحدیث در برابر لهو الحدیث همان امام است

سوره لقمان

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ [12] هر آینه به لقمان حکمت دادیم و گفتیم: خدا را سپاس گوی، زیرا هر که سپاس گوید به سود خود سپاس گفته، و هر که ناسپاسی کند خدا بی نیاز و ستودنی است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به تفسیر سه ی انسان

سوره لقمان

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ [19] در رفتارت راه میانه را برگزین و آوازت را فرود آر، زیرا ناخوش ترین بانگها بانگ خران است. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از قصد قوام است و مشی رفتن به سمت بیت است و قصد مشی همان تبعیت از امام است و غض صوت در برابر رسول است که امام را معرفی می کند چنانچه در سه ممتحنه آمد و حمیر دشمن آن هاست که به حرف آن ها گوش نمی کند و صاحب نظر است و صوت و نظر او انکر است و معروف نیست و متنشابه است و همان کسی است که بار کتاب تورات و قرآن حمل می کند اما معنای آن را نمی داند که در سوره جمعه آمده و صورت واقعی او خراست و در قیامت انتظار است از خران محشور شود علت اینکه صوت خراست این است که از محتوای باری که دارد خبر ندارد

قصد مشی رفتن به سمت امام و غض صوت در برابر او گوش کردن به حرف اوست و حمیر کسی است که در برابر امام صاحب نظری کند و روی حرف امام حرف بزند

سوره لقمان

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ [30] این بدان سبب است که خدای یکتا حق است و هر چه به جز او می خوانند باطل است و خداست بلندمرتبه و بزرگوار. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است که خدا ماه و خورشید را ساخته (مراجعه شود به دوازده اسری) تا ما بفهمیم محکم چیست و متشابه چیست و شب که همان حکومت معبودان باطل در دنیاست در روز گم خواهد شد

سوره لقمان

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [31] آیا ندیده ای که کشتی به نعمت خدا در دریا روان می شود تا خدا پاره ای از آیات قدرت خود را به شما بنمایاند؟ در این، برای مردم شکیبای سپاسگزار عبرتهاست. (31)

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا تَجَاهَمُ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ [32] و چون موجهای عظیم همانند ابرها آنها را فرو پوشد، خدا را از روی اخلاص در دین بخوانند. و چون نجاتشان دهد و به خشکی برد، برخی به عهد خویش وفا کنند. و جز غداران کافر نعمت، آیات ما را انکار نکنند. (32)

آیات متشابه با چیزهایی است که باعث ظل عنق می شود چنانچه داریم لو نشاء نزل من تلسماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعين و متشابه با موج است که در آیه ی سی و دو آمده که باعث پاک شدن گردن از غل (معبودان باطل) می شود و در آیه ی سی و یک منظور از لیریکم آیاته منظور از آیات احتمالا همان امواجی است که سبب پاک شدن گردن و مخلص شدن انسان می شود پس منظور از من آیاته همان موج است و آنکه داریم

سوره الشوری

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ [32] از نشانه های قدرت او کشتیهایی است چون کوه که در دریاها روانند. (32)

منظور از الجوار فی البحر همان موج یا چیزی متشابه با آن است و برای همین از تعبیر من آیاته استفاده شده است

قرآن مبین - مبین موبایل

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره السجدة

وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ [10] و گفتند: آیا وقتی که در زمین ناپدید شویم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟ آری، ایشان به دیدار با پروردگارشان ایمان ندارند. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

ضلنا فی الارض متشابه با دادن اموال و اولادشان به امام(ارض) است که ضل متشابه با متشابه است که همان متشابه به اموال و اولادشان است و می گویند آیا وقتی اموال و اولادمان را به امام دادیم آیا دوباره آن را دریافت می کنیم؟ و بعد داریم بلکه آنان به دریافت از پروردگارشان (لقا) کافرند

این آیه متشابه با کفر به کل قیامت و زنده شدن پس از مرگ یا ایمان به قیامت و کفر به امامت است که نعمت ها را به انسان تحویل می دهد و در اصل کفر به حساب و کتاب

سوره السجدة

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ [11] بگو: فرشته مرگ که موکل بر شماست، شما را می | میراند. سپس به سوی پروردگارتان باز گردانیده می شود. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

ملک الموت متشابه با امام است که انسان را و مال و اولادش را در دنیا تحویل می گیرد و در آخرت به او تحویل می دهد و متشابه با ارض در آیه ی قبل آمده که داشتیم اذا ضلنا فی الارض که ارض متشابه با امام و ملک الموت است.

سوره السجدة

قُلْنَا تَعْلَمُ تَقَسُّ مَا أَخْفَىٰ لَهُمْ مِنْ قَرَّةٍ أُغْيِنُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [17] و هیچ کس از آن مایه شادمانی خبر ندارد که به پاداش کارهایی که می کرده برایش اندوخته شده است. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

قره اعین متشابه با غرفه و فرزندان است زیرا داریم

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعَرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

که جزای آن ها غرفه خوانده شده و در آیه ی بالا قره اعین جزا خوانده شده و همچنین چون من ازواجنا آمده و وهب برای دادن فرزند می آید بنابراین متشابه با فرزند هم هست و آنچه مخفی شده همان مال و اولادی است که در زمین کشت کرده اند تا در آخرت برداشت کنند

سوره السجدة

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ [18] آیا آن کس که ایمان آورده همانند کسی است که عصیان می ورزد؟ نه، برابر نیستند. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

فاسق به جای کافر آمده چنانچه در مقابل ایمان آمده و علت آن است که فاسق کسی است که حرف خود را تغییر می دهد و چون کافر ابتدا در سختی می گوید ایمان آوردم و در راحتی ایمان خود را ترک می کنم و پیروزی اش را به خود و غیر خدا نسبت می دهد فاسق خوانده شده

سوره الأحزاب

سوره در مورد تمیز دادن سطح الگوها و روابط آن ها از یکدیگر است مثلا حضرت محمد پدر مومنان نیست و می تواند با همسران مطلقه ی آن ها ازدواج کند اما پدر مومنان است و دوازده پیروانش امامان مومنانند و کسی نباید به آنها حکم براند و قواعد سطح الگوها از هم جدا می شود و مشخص می شود نمی توان اشیا متشابه از الگوهای مختلف را با هم مخلوط کرد مثلا اینکه حضرت محمد پدر مومنان است به این معنی نیست که نمی تواند با زنان مطلقه ایشان ازدواج کند زیرا پدر بودن او مربوط به یک سطح الگوی دیگر است و شاید در همان سطح الگوست که قوانین الگوها اجرا می شود و قوانین الگوها وقتی اجرا می شود که متشابهات همه از یک سطح الگو باشند.

قوانین سطح الگوی بالاتر در پایین تر بسط پیدا می کند اما پایین تر در بالاتر بسط پیدا نمی کند مثلا چون حضرت محمد پدر سماوی ماست در زمین هم نباید با همسرانش ازدواج شود زیرا ازدواج با همسر پدران حرام است اما پدران زمینی ما که ازدواج با همسرانشان حرام است ازدواج با همسران سماویشان (کسانی که پیرو مذهب آنانند) حرام نیست و می توانیم آنان را پیرو خود کنیم. و حتی ممکن است که این ما باشیم که در آسمان پدر پدر زمینی خودیم. علت این بسط آسمان در زمین متشابه کردن زمین با آسمان است.

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ [4] خدا در درون هیچ مردی دو قلب ننهاده است. و زنانان را که مادر خود می خوانید مادران قرار نداد و فرزندخواندگانتان را فرزندانان نساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می گویند و سخن حق از آن خداست و اوست که راه می نماید. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

ام متشابه با امام است و در اینجا تذکری است که کسی مادر خود را نمی تواند انتخاب کند یا کسی نمی تواند افرادی را که پیرو او نیستند (متشابه با فرزند) پیرو خود بخواند و مثلاً بگوید ما امام مومنانیم در حالی که امام را خدا به حق تعیین می کند و آنها کسانی اند که پیرو حضرت محمدند و مومنان هم فرزندان آنها نیستند نه فرزندان کسانی که شما به دست خود و به ناحق امام خود می نامید

ادامه در تفسیر آیه ی شش

النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَقُولُوا إِلَىٰ أَوْلِيَاءِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا [6] پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و زنانش مادران مؤمنان هستند و در کتاب خدا خویشاوندان نسبی از مؤمنان و مهاجران به یکدیگر سزاوارترند، مگر آنکه بخواهید به یکی از دوستان خود نیکی کنید. و این حکم در کتاب خدا مکتوب است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به تفسیر آیه ی چهار

النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم و ازواجه امهاتهم _بخشی از آیه ی ششم سوره احزاب_ (پیامبر از مومنان به خودشان سزاوارتر است و همسران او مادرانشانند.)

منظور از ام (مادر) امام است _ام و امام هر دو از ریشه ی سه حرفی امم مشتق شده اند_ و امام فهم کننده ی آنچه است که بر نبی نازل شده است نبی به منزله ی پدر امت است و امام به منزله ی مادرش و نسبت نبی و امام مانند مرد و زنش است و زن به منزله ی زمینی است که بذر و سخن شوهر را در خود می رویاند و همینگونه اند امامان؛ و مومنین مانند فرزندان آن هایند و خداوند نهی کرده از آنکه بر امامان مانند بندگان امر شود آنجا که داریم:

بخشی از آیه ی پنجاه و سوم سوره ی احزاب

وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنْ دَلَّكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

و منظور از آن که در این آیه آمده بعد از رسول با زنانش ازدواج نکنید آن است که به دوازده امام بعد از او فرماندهی نکنید زیرا که آنان سخن خدا را فهم کرده اند و سزااست که دیگران به سخن آن ها گوش کنند نه آنان به سخن دیگران. و آنکه در مورد آیه ی سی و سوم سوره احزاب از زنان پیغمبر صحبت شده و بعد اهل بیت، طاهر معرفی شده اند باز به همان علت است که اهل بیت که همان دوازده امامند به منزله ی زنان پیغمبرند و منظور از زنان پیغمبر و اهل بیت پیغمبر آنانند.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و همینگونه است که آن ها تطهیر شده اند و در نتیجه سخن خدا را درک می کنند چنانچه داریم

سوره واقعه آیات هفتاد و هفتم تا هفتاد و نهم

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

همینگونه است که امامان فهم کنندگان سخن خدا و قرآند چنانچه پیش از این نیز در مورد امامت حضرت ابراهیم توضیح داده بودم که امامت همان فهم سخن خداست.

اگر منظور از اهل بیت و ام مومنان عایشه بود پس عایشه بهترین مفسر قرآن بود زیرا از مطهران بود و قرآن را مطهران دریافت می کنند آیا نمی بینی آنان که قرآن را فهم می کنند همان دوازده امامند.

نکته ی دیگری که در مورد امهاتهم است آن است که خدا می گوید حق را می گوید و حرف آنانکه فرزند خوانده می گیرند را آنها را پسر خود می خوانند را نمی پذیرد و می گوید قولی است به زبانان و خدا حق را می گوید و در همین سوره وقتی داریم ازواجه امهاتهم معلوم است که منظور مادر نیست زیرا زنان پیامبر مادرشان نیستند

سوره احزاب

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ [٤]

خدا در درون هیچ مردی دو قلب ننهاده است. و زنانان را که مادر خود می خوانید مادران قرار نداد و فرزندخواندگان را فرزندانان ساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می گویند و سخن حق از آن خداست و اوست که راه می نماید [٤]

و همچنین داریم: سوره مجادله

الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْتَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ [٢]

از میان شما کسانی که زنانشان را ظاهر می کنند بدانند که زنانشان مادران نشان نشوند؛ مادرانشان فقط زنانی

هستند که آنها را زاییده اند، و سخنی ناپسند و دروغ است که می گویند. و خدا از گناهان درگذرنده است و آمرزنده است. [۲]

سوره الأحزاب

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأْتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا [14] و اگر از اطراف، خانه هایشان را محاصره کنند و از آنها بخواهند که مرتد شوند، مرتد خواهند شد و جز اندکی درنگ روانخواهند داشت. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

قطر یعنی راه رسیدن به محکمت و این جمله متشابه با آن است که اگر راه محکم بر رسیدن به فتنه بیابند دریغ نمی کنند و دلیل اینکه در باقی موارد به فتنه سرگرم نمی شووند این است که راه محکمی به سمت آن ندارند و مورد رجم قرار می گیرند و از فتنه باز می شوند لبث برای مدت زمانی می آید که انسان متشابه را در پیش دارد و بعد به محکم می رسد چنانچه داریم کم لبثتم فی الرض عدد سنین قالوا ان لبثتم الا قلیل که منظور از لبث قلیل زمان ماندگاری کم در دنیا است و منظور آن است که اگر به فتنه دعوت شوند مادامی با آن همراه نخواهند بود که راهشان به خاطر وجود شما غیر محکم است و وقتی سایه ی شما کم شود به فتنه می پردازند و یسیر همان ولایت مومنان بر آنهاست که نرم است و زود پاک می شود و عسر همان ولایت شیطان بر آنهاست که سنگ است و پاک نمی شود و اینها همانانند که در قلبشان مرض است که در اوائل بقره آمد و در اینجا هم در آیه ی دوازده از مرض آنها سخن گفته شده

سوره الأحزاب

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفَرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا [16] بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، هرگز گریختن سودتان ندهد. و آنگاه از زندگی جز اندکی بهره مند نخواهید شد. (16)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با قل تمتع بکفرک قلیلا است که یعنی اگر از مرگ فرار کنید عمر دنیا قلیل است و از این کفر و فرار از مرگ مدت زیادی بهره مند نمی شوید چون مرگ بالاخره به سراغتان می آید. در اصل چنانچه در اوائل بقره آمد آنها با خدا خدعه کردند و خدا با آنها خدعه می کند و مکر آنها این است که مدت کمی در دنیا با مومنانند و مدت زیادی با کافران و مکر خدا بزرگتر است و دنیا را که مدت زیادی در آن با کافرانند مدت کمی قرار داده و مدت زیاد را در آخرت قرار داده که آنها در جهنمند. به نود و نه احزاب هم مراجعه شود.

سوره الأحزاب

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا [18] خدا می داند چه کسانی از شما

مردم را از جنگ بازمی دارند. و نیز می شناسد کسانی را که به برادران خود می گویند: به نزد ما بیایید. و جز اندکی به جنگ نمی آیند. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آنچه است که در آیه ی چهارده گفتیم که فقط مدت کمی با مومنانند و دل آنها با کافران است.

سوره الأحزاب

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ تَحِبَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا [23] از مؤمنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند. بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکرده اند. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

عهد در آیه ی پانزده آمده که در جنگ پشت به دشمن نکنند

سوره الأحزاب

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكَ بِمَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا [30] ای زنان پیامبر، هر کس از شما مرتکب کار زشت در خور عقوبت شود، خدا عذاب او را دو برابر می کند. و این بر خدا آسان است. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با کسانی است که خود را پیرو پیامبر می دانند اما سخنان او را متشابه دریافت می کنند و سخن شیطان را در مورد امنیه او می پذیرند.

سوره الأحزاب

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا [33] و در خانه های خود بمانید. و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می کردند، زینتهای خود را آشکار مکنید. و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد. (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

بیت با ایمان و ولایت متشابه است و ایمان ایمن شدن از عذاب است برای همین داریم تا طهارتتان دهد و رجس را پاک کند که این عمل متشابه با امنیت دادن و پاک کردن از سایر مولاهاست.

رجوع شود به هفتاد و نه واقعه

سوره الأحزاب

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا [37] و تو، به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی، گفتی: زنت را برای خود نگه دار و از خدای بترس. در حالی که در دل خود آنچه را خدا آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی، حال آنکه خدا از هر کس دیگر سزاوارتر بود که از او بترسی. پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، به همسری تو اش درآوردیم تا مؤمنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، معنی نباشد. و حکم خداوند شدنی است. (37)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم والله احق ان تخشاه ظاهرا منظور آن است که خدا می خواهد بگوید که با اینکار باید ابلاغ رسالت کنی زیرا در آیه ی سی و نه خشیه همرا کسانی آمده که ابلاغ رسالت می کنند ظاهرا یعنی می خواستی با در عقد ماندن زوج زید برای او مانع آنچه شوی که از مردم می ترسیدی (و شاید درست و حق هم بود) اما خدا می خواهد تو با این کار ابلاغ رسالت کنی و حضرت محمد احتمالا تا قبل از طلاق زید به او می گفته امسک و مخفی می کرده و کار درستی هم می کرده اما بعدش دیگر خیه ی خدا بر خشیه ی مردم برتری می یابد و امر را آشکار می کند اما در آنجا که خشیه ی خدا نبود و فقط خشیه ی مردم بود آن را رعایت می کرد تا موجب سوء ظن بقیه به مقام نبوت و ... نشود.

سوره الأحزاب

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا [39] کسانی که پیامهای خدا را می رسانند و از او می ترسند و از هیچ کس جز او نمی ترسند، خدا برای حساب کردن اعمالشان کافی است. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

در آیه ی قبل داشتیم

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا كَمَا دَانِيْمَ سُنْتِ
مُتَشَابِهَةً بِأَمَامَتِ وَرُصْدِ اسْتِ كِهْ خُذَا بَرِ رَسُوْلِ مِيْ كِمَارِدِ تَا مَطْمَئِنُّ شُوْدِ رَسَالَتِ اَوْ رَا اِبْلَاغُ كُرْدِهْ حَالِ اِيْنِ سُنْتِ اَزْدَوَاجِ بَا
هَمْسَرِ پَسْرِ خُوَانْدِهْ بُوْدِهْ تَا خُذَا مَطْمَئِنُّ شُوْدِ پِيَاْمِبْرِ بِهْ مَرْدَمِ اِبْلَاغُ كُرْدِهْ كِهْ اَزْدَوَاجِ بَا هَمْسَرِ پَسْرِ خُوَانْدِهْ اَشْكَالِيْ نِدَارِدِ.

سورة الأحزاب

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا [40] مُحَمَّدٌ پَدْرِ هِيْجِ يَكِ اَز
مَرْدَانِ شَمَا نِيْسْتِ. اَوْ رَسُوْلِ خُذَا وَ خَاتَمِ پِيَاْمِبْرَانِ اسْتِ. وَ خُذَا بِهْ هَرِ چِيْزِيْ دَانَاْسْتِ. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اب در اینجا پدری واقعی است که حضرت محمد پدر هیچ مردی نیست و مربوط به آن آمده که پدر زید نیست و
خدا حق را می گوید. اما در جایی دیگر که داریم انبی اولی بالمومنین من انفسهم متشابه آمده و حضرت محمد پدر
مومنان معرفی شده. همچنین اینکه آمده پدر هیچیک از مردان شما نیست و لکن رسول خداست باز احتمالاً برای آن آمده
که بگوید چون رسول خداست و مامور ابلاغ توسط رسد مامور است تا با همسر آنکه پسر خود خوانده ازدواج کند تا ابلاغ
رسالت کند

سورة الأحزاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ
فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِنِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا
فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا
إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا [53] اِيْ كَسَانِيْ كِهْ اِيْمَانِ اَوْرْدِهْ اَپِدْ، بِهْ خَاْنِهْ هَاِيْ پِيَاْمِبْرِ دَاخِلِ مَشُوِيْدِ مَكْرِ شَمَا رَا بِهْ
خُوْرْدِنِ طَعَامِيْ فِرَاخُوَانْدِنْدِ، بِيْ اَنِكِهْ مَنْتَضَرِ بَنَشِيْنِيْدِ تَا طَعَامِ حَاضِرِ شُوْدِ. اَكْرِ شَمَا رَا فِرَاخُوَانْدِنْدِ دَاخِلِ شُوِيْدِ وَ چُونِ طَعَامِ
خُوْرْدِيْدِ پِرَاكُنْدِهْ كُرْدِيْدِ. نِهْ اَنِكِهْ بَرَاِيْ سِرْگَرْمِيْ سَخْنِ اَگَاَزِ كِنِيْدِ. هَرِ اَيْنِهْ اِيْنِ كَارِهَا پِيَاْمِبْرِ رَا اَزَارِ مِيْ هِدْ و اَوْ اَزِ شَمَا شَرْمِ
مِيْ هَارِدِ. وِلِيْ خُذَا اَزِ كُفْتِنِ حَقِّ شَرْمِ نَمِيْ هَارِدِ. وَ اَكْرِ اَزِ زَنَانِ پِيَاْمِبْرِ چِيْزِيْ خُوَاْسْتِيْدِ، اَزِ پَشْتِ پِرْدِهْ بَخُوَاْهِيْدِ. اِيْنِ كَارِ،
هَمِ بَرَاِيْ دِلِهَاِيْ شَمَا وَ هَمِ بَرَاِيْ دِلِهَاِيْ اَنِهَا پَاكِ دَارِنْدِهْ نَرِ اسْتِ. شَمَا رَا نَرَسِدِ كِهْ پِيَاْمِبْرِ خُذَا رَا بِيَاَزَارِيْدِ، وَ نِهْ اَنِكِهْ زَنِهَاِيْشِ رَا
بَعْدِ اَزِ وِيْ هَرْگِزِ بِهْ زَنِيْ كِيْرِيْدِ. اِيْنِ كَارِهَا دَرِ نَزْدِ خُذَا گَنَاهِيْ بَزْرُگِ اسْتِ. (53)

قرآن مبین - مبین موبایل

برای این داریم که نباید با زنان او بعد از او ازدواج کرد که پدر ماست و ازدواج با همسر پدر حرام است بیست و دو نساء
استحیا متشابه با تقیه است زیرا طلب امان است و متشابه با ایمان است و متشابه با آن است که نمیخواهد گزندگی از شما
به او برسد یا او را در ایمان به او ترک کنید زیرا حیات متشابه با ایمان است چنانچه داریم اذا دعاکم لما یحییکم و داریم

خدا طلب حیات نمی کند زیرا کسی به خدا گزندی نمی تواند برساند و خدا این امر را بیان می کند و این صلوات خدا بر رسول است و به مردم هم امر می کند که بر او صلوات بفرستند و آن همان باز کردن اذی از اوست. مراجعه شود به پنجاه و شش احزاب

سوره الأحزاب

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا [56] خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او صلوات فرستید و سلام کنید؛ سلامی نیکو. (56)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از صلوات خارج کردن از ظلمات به نور است چنانچه داشتیم

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

و آن متشابه با باز کردن اذیت مردم از اوست که سبب عدم رسیدن او به مقصودش می شود و نور در اینجا متشابه با نعمت های اخروی و دنیوی است که منظور از صلوات مردم احتمالاً برای نعمت ها و عذاب های دنیوی است اگرچه از لحاظ اخروی خود رسول بر مردم صلوات فرستنده است و داریم لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت نبی منظور ظاهراً آن است که آزار و اذیت خود و دیگران را از او باز کنید و این عمل متشابه با صلوات فرستادن بر اوست.

سوره الأحزاب

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِقُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِنُفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَخَطًا وَلِنَجْوزَنَّهُمْ فِيهَا قَلِيلًا [60] اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است و آنها که در مدینه شایعه می پراکنند از کار خود باز نایستند، تو را بر آنها مسلط می گردانیم تا از آن پس جز اندکی با تو در شهر همسایه نباشند. (60)

قرآن مبین - مبین موبایل

جوار متشابه با مضطر کننده است که از معبودان پاک می کند و در اینجا احتمالاً منظور ادی انهاست که متشابه با سخن گفتن است و آنکه می خواهند حضرت محمد را زبردست خود کنند

سوره الاحزاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا [70] ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و سخن درست بگویید. (70)

قرآن مبین - مبین موبایل

سد آن است که بین یدیه و خلف قرار می گیرد (مراجعه کنید به نه و ده یس) بنابراین متشابه با رصد است و منظور از قول سدید متشابه با قولی است که رصد از بین یدی و خلف آن را حفظ کند و همان قولی است که لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه (چهل و دو فصلت) و همان قولی است که امام می گوید که خود رصد ینبوع و سد سخن شیطان است.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْعَقُورُ

[خدا] به آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بالا می رود آگاه است؛ و او مهربان و بسیار آمرزنده است. (۲)

سبأ - 2

قرآن مبین

آنچه از آسمان نازل می شود متشابه با آب است و زندگی و قرآن و سخن خدا و جان انسان و آنچه عروج می کند متشابه با کشتن انسان و مردن و اینها متشابه با یخرج المیت من الحی و یخرج الحی من المیت است بنابراین آنچه عروج می کند همان نفس انسان پس از مرگ است اینها همه چرخه های قرآن است که مثلاً شب و روز یا زنده شدن زمین و مردن دوباره آن قبل و بعد باران یا انزال روح خدا در انسان و عروج دوباره آن. چون ولج برای نهار و لیل و کاشتن تخم در زمین آمده بنابراین لیل و نهار متشابه با دنیا و آخرت هم هست و همچنین مرگ و زندگی زیرا خروج برای سبز شدن گیاه آمده و برای زنده شدن هم آمده

سوره سبأ

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ تَشَأْ تُخْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسْقُطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ [9] آیا به پیش روی یا پشت سر خود از آسمانها و زمین نمی نگرند؟ اگر بخواهیم، آنها را در زمین فرو می بریم یا قطعه ای از آسمان را بر سرشان می افکنیم. و در این برای هر بنده ای که به خدا باز می ا

گردد عبرتی است. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه ما بین یدی و خلف قرار می گیرد ارض رصد امام و نجومند که نجوم همان رصدهای آسمانند که هرگاه کسی برای استراق سمع آیات به آسمان می رود او را رجم می کنند و از راه کج باز می کنند و این همان عذاب کسف است که بسته شدن آسمان است و عذاب خسف آن است که زمین سنگ می شود و به امام و زمین نرم نمی رسند تا متشابه را نسخ کند و به جای آن محکم را تحویل دهد و این همان خسف ارض است و بسته شدن زمین است. این آیه متشابه با شصت و شش انعام است که داریم عذابا من فوقکم او تحت ارجلکم. این آیه به خاطر عدم ایمان کافران به آخرت از خسف ارض صحبت می کند که همان مکر خداست در جواب مکر سوء کافران که به آخرت بهایی نمی دهند (مراجعه شود به نود و نه اعراف و چهل و پنج نحل)

سوره سبأ

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا لَهُمْ أَخَادِيثَ وَمَزَقْنَا لَهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [19]
بر خویشتن ستم کردند و گفتند: ای پروردگار ما، منزلگاه های ما را از هم دور گردان. ما نیز افسانه روزگارشان گردانیدیم و سخت پراکنده بهان ساختیم و در این عبرتهاست برای شکیبایان سپاسگزار. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

قری با برکت متشابه با نبی است و قرای ظاهره متشابه با حواریون انبیا که ائمه اند و منظور از باعد بین اسفارنا عمل آن ها مبنی بر راندن حواریون از خود است چنانچه مسلمانان دوازده امام را راندند و از خود غائب کردند و حال سفرشان دور شده و هرچه برانند به او نمی رسند

سوره سبأ

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَتَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ [32] قدرتمندان به زبون اشدگان گویند: آیا از آن پس که شما را به راه هدایت فراخواندند، ما شما را بازداشتیم؟ نه، شما خود گناهکار بودید. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

صد برای سبیل می آید و آن متشابه با امام است و بنابراین انحن صدناکم عن الهدی متشابه با انحن صدناکم عن الامام است و منظور همان مستضعفینی اند که خدا به آن ها می گوید آیا زمین وسیع نبود تا در آن هجرت(به سمت امام) کنید مگر آن ها که استطاعت بر حيله و هدايت بر سبيل ندارند که اينها داشته اند چنانچه مستکبران اشاره می کنند.

سوره سبأ

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَتَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْثَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [33] زبون بهدگان به قدرتمندان گویند: نه، شما شب و روز حیلت می کردید، آنگاه که ما را فرمان می دادید که به خدای یکتا کافر شویم و برای او همتیانی قرار دهیم. و چون عذاب را ببینند در دل پشیمانی کنند. و ما غلها را بر گردن کافران بگذاریم. آیا نه چنین است که در برابر اعمالشان مجازات می شوند؟ (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

مکر متشابه با اختلاف و عوض کردن حرف در آسانی پس از سختی است و منظور از مکراللیل و النهار ظاهرا کفر آن ها در روز و ایمان آن ها در شب است و روز متشابه با دارایی نعمت و شب متشابه عدم دارایی نعمت است

سوره سبأ

قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهَوٍ يُخْلِقُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ [39] بگو: پروردگار من است که روزی هر که از بندگانش را که بخواهد فراوان می کند یا او را به تنگی می افکند. و اگر چیزی انفاق کنید، عوضش را خواهد داد و او بهترین روزی دهندگان است. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا یکی از تاویلاتش آن است که وقتی اموال و اولاد خود را به امام می دهید و در دنیا ناپدید می شوند امام در آخرت آن ها را می آورد و این باید همان اخلاف باشد که متشابه با استخلاف قومی به جای قومی دیگر در زمین است.

سوره فاطر

سوره فاطر

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ [3] ای مردم، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید. آیا جز خدا آفریننده دیگری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست، پس چگونه از حق منحرفتان می کنند؟ (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

رزق آسمان باران و متشابهاتش مانند قرآن و ... است و رزق زمین امامت و ینابیع و متشابهات آن ها که محکم کننده ی آنچه که از آسمان نازل می شوند هستند. رزق زمین باعث زنده ماندن دینی است (قوام) ولی در آیه ی نه منظور زنده شدن جسمی است که چون از لفظ مرده برای زمین استفاده شده در حالی که زمین با ینابیع زنده است می فهمیم صحبت از رقم بعدی میناست که همان زنده شدن جسمی است و در این آیات از بسط دودویی کلمات یکسان و ساده ی مرگ و زندگی بسط پیدا کرده اند که همان صحبت کردن در مبنای دو منحصر با دو رقم خاص است که با جایگزینی های مختلف می بینیم که در قرآن معانی مختلفی ایجاد شده است در اصل معقبات چون دارای تناقض ظاهری با سخنان قبلی می شوند نشان می دهند که در رقمی دیگر سخن گفته شده و اینگونه بسط تشکیل می شود اگر نه ما مرده ی زنده نداریم مگر آنکه یکی از دو لفظ مرده و زنده در رقمی دیگر باشد

سوره فاطر

وَإِن يَكْفُرُوا فَقَدْ كَذَّبْتِ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ [4] اگر تو را تکذیب کرده اند، پیامبرانی را هم که پیش از تو بوده اند تکذیب کرده اند و همه کارها به خدا بازگردانده شود. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

رسول آن است که رسالت را ابلاغ می کند و آن همان محکم کردن سخن خداست که در اواخر جن آمد و تکذیب او عدم پذیرش امامت و سخن محکم اوست که باعث می شود اموال و اولادشان در آخرت تباه باشد و برای همین داریم و الی الله ترجع الامور

سوره فاطر

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنِ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ [8] آیا آن که کردار بدش در نظرش آراسته شده، چنانکه نیکویش پنداشت، همانند کسی است که چنین نیست؟ پس خدا هر که را خواهد گمراه می کند و هر که را خواهد هدایت می کند. نباید که جان تو به خاطر آنها دچار اندوه شود. زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با چهار نمل است که داریم

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ

و زینت همان ایمان به دنیا است که ظاهرا به خاطر پیشرفت در آن گمان می کنند کارشان کار حسنی است در حالیکه خیر دنیا شر آخرت است. و همان ضل سعیهم فی الحیوه ادنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا در سوره ی کهف است که در هر دو آیه از حسن و صنع استفاده شده

این عمل (زینت) به دست شیطان و متشابهاتش انجام می شود چنانچه داریم قیضا لهم قرنا فزینوا لهم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و داریم نقیض له شیطانا فهو له قرین و این ها همان امامان باطلند چنانچه قرین متشابه با امام و ارض است

زینت عملشان همان خوردن گندمی است که باید بکارند و در آخرت برداشت کنند که چون مومن به آخرت نیستند صرفه را بر نهایت خیر دنیا می بندند که همان خوردن گندم ها و نکاشتن آن برای آخرت است و اگر گندمی هم می کارند جوری می کارند که آخر عمر آن را برداشت کنند و نه در آخرت و این همان طغیان در مورد امام است که داریم فهم فی طغیانهم یعمهون

سوره فاطر

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاہُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيْتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِہَا كَذَٰلِكَ النُّشُورُ [9] خداست که بادهای را فرستاد تا ابرها را برانگیزند. و ما آنها را به سرزمینهای مرده می رانیم و زمین مرده را به آن زنده می کنیم. زنده | گشتن در روز قیامت نیز چنین است. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

در حالی که آیه ی سه و چهار در مورد زنده بودن به معنای دیندار بودن است این آیه به معنای زنده بودن به معنای واقعی و جانوری است و هشدار آن است که در بعد از قیامت و زنده شدن جانوری همه بعضی زنده ی دینی و بعضی مرده ی دینی اند و به این ترتیب ما مرده ی زنده و زنده ی مرده در آخرت خواهیم داشت و نحوه ی بسط در مبنای دو را می بینیم که یکبار منظور از مرده زنده ی مرده یا مرده است و یکبار منظور مرده است.

سوره فاطر

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِہَا لَا يُحْمَلُ مِنْہُ شَيْءٌ وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ رَبِّکَ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِہِ وَإِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِيرُ [18] هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نکشد. و اگر گرانباری کسی را به حمل کردن بار خود فرا خواند، هر چند خوبشاوند او باشد، از حمل آن سرباز زند. تو فقط کسانی را می ترسانی که از پروردگارشان، نادیده، بیمناکند و نماز می گزارند. و هر که پاک شود برای خود پاک شده. و سرانجام همه به سوی خداست. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سی و سه ق

سوره فاطر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ [24] ما تو را به حق به رسالت فرستادیم تا مرزده دهی و بیم دهی و هیچ ملتی نیست مگر آنکه به میانشان بیم بدهند ای بوده است. (24) <

&قرآن مبین - مبین موبایل

در اصل ظاهرا متشابه با ما من امام الا خلا فيها نذير است که یعنی هیچ امامی نیست الا آنکه نذیری ما بین یدیه و من خلفه او را از نادرستی پاک می کند تا درستی را بداند (قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه) همچنین نذیر حضرت محمد است که در امت امام را معرفی کرد تا من بین یدیه و خلفهم را پاک کند (توسط امام) تا گمراه نشوند

سوره فاطر

وَمِنَ النَّاسِ وَالذَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ [28] همچنین از مردم و جنندگان و چهارپایان گوناگون. هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند. و خدا پیروزمند و آمرزنده است. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

مختلف الوان برای شفا می آید که بینه بر سخن محکم خداست و آن همان عالم است که پیرو متشابهات نازل شده نمی شود و محکومات را می شناسد برای همین بعدش دا یم انما یخشی الله من عبادہ العلاما که منظور از علما کسانی اند که محکم و متشابه قرآن را می شناسند و شقی نمی شوند چنانچه در آیات اول طه داریم ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکره لمن یخشی و آن که خشیه میکند در این آیه و آیه ی قبل شرح حالشان آمده که ثمرات و از جبال و از مردم و از دواب و از انعامند همچنین نحل است که ثمرات را می خورد و شراب مختلف الالوان از بطونش بیرون می دهد که باز این همان عالم است که بطون قرآن را کشف می کند و شفا را در آن می یابد.

مختلف الوان متشابه با سخن خداست اما چون داریم و من الناس و الدواب و الانعام بنابراین ناس و دواب و انعام تشابه خاص با سخن خدا و امام دارند (رجوع به قاعده ی پنجاه و دو تفسیر قرآن) یعنی تمام انعام متشابه با امام نیستند بلکه فقط شیردهی آن ها و حمل بار آن ها منظور است چنانچه آن ها اضل سبیل هم هستند و همچنین از ناس فقط امامان منظورند اگر نه کافر و مشرک و مقتصد هم دارند و دواب ظاهرا فقط دابه الارض منظور است که در هشتاد و دو نمل آمده و متشابه با سخن خداست چنانچه سخن هم می گوید.

انعام متشابه با امام و ارض و قرای متبرک، دواب متشابه با دابه الارض و نزدیکان امام و قرای مابین و ظاهر و ناس متشابه با عموم شیعیانند.

انما یخشی الله من عبادہ العلاما ظاهرا منظور ترس از متشابهات و منظور از علم در این آیه خاص باید باشد و آن علم به آن است که سخن خدا متشابه دارد بنابراین فقط علما سخن خدا را می فهمند اما این عالم بودن منظور عالم بودن به سخن

خدا نیست زیرا در این صورت آنها سخن خدا را می دانند و دیگر نیازی به دانستن آن ندارند بلکه این علم ظاهرا خاص است و منظور علم به متشابه بودن سخن خداست که منجر به علم پیدا کردن به سخن خدا می شود

اللّٰهُ در این آیه ظاهرا متشابه با قیامت و لقاءالله در آن آمده زیرا خشیه برای قیامت می آید چنانچه داریم یسئلونک الساعه ایان مرساها انما انت منذر من یخشاها

سوره فاطر

ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْقَضِيُّ الْكَبِيرُ [32] سپس کتاب را به کسانی از بندگانشان که برگزیده بودیم به میراث دادیم. بعضی بر خود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند و بعضی به فرمان خدا در کارهای نیک پیشی گرفتند. و این است بخشایش بزرگ. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

قصد متشابه با قوام و تبعیت از امام است و مقتصد همان پیرو امام و ظالم نفسه همان سرپیچ از امام است که بر نعمت خود مانع (ظلم) گذاشته و در آخرت بهره ای ندارد. چنانچه ائمه هم در مورد معنی ظالم و مقتصد همین را گفته اند

سوره فاطر

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلا سُنَّتَ الْأُولِينَ قُلْنَ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا [43] به سرکشی در زمین و نیرنگهای بد. و این نیرنگهای بد جز نیرنگبازان را در بر نگیرد. آیا جز سنتی که بر گذشتگان رفته است منتظر چیز دیگری هستید؟ در سنت خدا هیچ تبدیلی نمی یابی و در سنت خدا هیچ تغییری نمی یابی. (43)

قرآن مبین - مبین موبایل

سنت متشابه با حافظ و نذیر و نجوم است که وقتی انسان از راه کج می شود او را می زند تا به راه بازگردد برای همین سوء کج روی به خود انسان می رسد و آمده تست لا یحیق مکر السیئ الا باهله

سوره یس

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا فَلا يَبْصُرُونَ [9] در برابرشان دیواری کشیدیم و در پشت

سرشان دیواری. و بر چشمانشان نیز پرده ای افکنیم تا نتوانند دید. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره یس

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [10] تفاوتشان نکند، چه آنها را بترسی و چه نترسانی، ایمان نمی آورند. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

سد متشابه با مانع فهم سخن امام و ینبوع و رصد و نذر است برای همین بعدش داریم چه انذارشان بدهی چه ندهی ایمان نمی آورند. چنانچه از ترکیب من بین یدیه و من خلفه استفاده شده است که برای رصد می آید اما سد همان منع رصد است و انگه داریم قولوا قولا سدیدا متشابه با آن است که بگوییم حرفی بزنی که باطل من بین یدیه و من خلفه نیاید و از گمراهی و سخن شیطان سد شده باشد و آن همان سخن امام است که سدید است.

سوره یس

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ [66] اگر بخواهیم، چشمانشان را محو می کنیم. پس شتابان آهنگ راه کنند. اما کجا را توانند دید؟ (66)

قرآن مبین - مبین موبایل

صراط متشابه با ایمان و سبیل و امام است

سوره یس

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ [70] تا مؤمنان را بیم دهد و سخن حق بر کافران ثابت شود. (70)

قرآن مبین - مبین موبایل

حی متشابه طولی با خواستار زندگی آخرت است چنانچه داریم اذا دعاکم لما یحییکم

سوره یس

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَتَسِيَّ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ [78] در حالی که آفرینش خود را از یاد برده است، برای ما مثل می زند که چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می کند؟ (78)

قرآن مبین - مبین موبایل

خلق انسان مانند زنده شدن دوباره اش است و منظور از خلق ظاهرا همان کاشت او در رحم است که نمادش سجده ی اول است و سجده ی دوم نماد مرگ و قیامتش است و داریم همانکه در خاک رحم شما را کشت و به دنیا آورد بعد از کشتن در خاک دوباره پدید می آورد.

سوره الصافات

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ [12] تو در شگفت شدی و آنها مسخره می کنند. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

عجب آن است که کسی زیادی خیر کسی را ببیند و سخر آن است که کمی آن را ببیند و ظاهرا منظور در اینجا زیادی مال و اولاد آن ها در دنیا نسبت به حضرت محمد است اگر نه اگر امر آخرت بود حضرت محمد از آن ها عجب نداشت.

سوره الصافات

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [15] و می گویند: این چیزی جز جادویی آشکار نیست، (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

سحر همان متشابه است که انسان گمان می کند محکم است که این افراد وقتی حرف های دارای نظم و قوام پیامبران را می بینند می گویند به متشابهات دچار شده ایم یعنی قبول دارند که نظم فراگیری وجود دارد اما این ایراد را می گیرند که از کجا معلوم فریب متشابهات را نخورده باشیم و قیامت غیر محکم نباشد. زیرا انسان به خاطر پیروی از نظم به جای محکّمات دچار متشابهات شود چنانچه قرآن بر اساس نظم علم حروف و کلمات است اما جایگذاری متشابهات در آن این نظم را در آن به هم نمی زند و مشرکان گمان می کنند که فریب همین جا به جایی را خورده باشند

سوره الصافات

أَفَمَا تَحْنُ بِمَيِّتِينَ [58] آیا ما را مرگی نیست، (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

مرگ در اینجا ظاهراً متشابه با عذاب آمده و جایگزین آن شده است چنانچه در آیه ی بعد داریم الا موتتنا الاولى و ما نحن بمعذبين

سوره الصافات

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبِ سَلِيمٍ [84] آنگاه که با دلی رسته از تردید روی به پروردگارش آورد. (84)

قرآن مبین - مبین موبایل

قلب سلیم یعنی قلبی که به لهو و لغو مشغول نشده و لهو و لغو در اینجا متشابه با بت هاست که بعدش می آید که ائفکا آلهه دون الله تریدون؟!

سوره الصافات

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ [89] و گفت: من بیمارم. (89)

قرآن مبین - مبین موبایل

سقیم به معنای کسی است که از متشابهات پیروی می کند که در اینجا متشابهات همان معبودهای باطلند و نجوم که سقیم را رجم می کنند و این مسئله ظاهرا همان به خدایی گرفتن شمس و قمر و ... توسط حضرت ابراهیم است که خود را به سقم (پیروی از معبودهای باطل) زد و منظور او این نبود که من پیرو اینانم بلکه همین که خود را متشابه با پیروانشان کرد و بعد گفت من یکی از پیروانشانم این سخن مانند عملش متشابه بود و منظور او این بود که من مانند یکی از پیروانشانم

سوره ص

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ [2] که کافران همچنان در سرکشی و خلافند. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از شقاق همان آیه ی هشت است ظاهرا که یهود و مسیحیان می گفتند آیا قرآن به جای یکی از ما به او نازل شده و گواه آن اینکه در صد و سی و هفت بقره جدا دانستن آن ها از مسلمانان شقاق نامیده شده که به آنچه به مسلمانان ائمان آوردند ایمان نمی آوردند

سوره ص

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَرَعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تُخَفِّ خَصْمَانِ بَقِيَ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ [22] بر داود داخل شدند. داود از آنها ترسید. گفتند: مترس، ما دو مدعی هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است. میان ما به حق داوری کن و پای از عدالت بیرون منه و ما را به راه راست هدایت کن. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

خوف حالتی است که در آن فرد آماده ی پاک کردن مولای غلط خود می شود تا مولای جدید بپذیرد و متشابه با موج و آیت است در اینجا ظاهرا خوف باعث شده بوده که حضرخ داوود مطیع یکی از آن ها شود و سخن او را قبول کند و به عنوان مولا بپذیرد همچنین است حال کسی که در درگاه پادشاهی سخن می گوید که نباید حرف او را سند تلقی کرد زیرا تحت خوف است.

سوره ص

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظُنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ [27] ما این آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست به باطل نیافریده ایم. این گمان کسانی است که کافر شدند. پس وای بر کافران از آتش. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

در آیه ی قبلیش داریم فاحکم بین الناس بالحق و در این آیه داریم ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا پس یعنی خلقنا السماء و الارض و ما بینهما بالحق فاحکم بین الناس به. که نشان می دهد آسمان و زمین خودمتشابه است و از الگوی آن باید حکم کرد و منظور از فویل للذین کفر من النار متشابه با نا مومنان به ایمان است که در آیات صد و نود تا صد و چهار آل عمران در مورد آن ها مومنان که می دانند جهان باطل نیست می گویند که آنان را که به آتش وارد کنی خزی کرده ای.

ذلک ظن الذین کفروا بالایمان (سید یمانی) (من یکفر بالایمان لیحبطن عمله) ظن آنهاست که به یمانی کافرند که جهان بر اساس باطل است (خودمتشابه نیست و حق نیست. توجه کنید که یمانی خواننده به حق است) فویل للذین کفروا من النار پس وای بر کافران به ایمان (ایمان یعنی ایمن شدن از عذاب نار)(یمانی) عذاب نار

سوره ص

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ [28] آیا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، همانند فسادکنندگان در زمین قرار خواهیم داد؟ یا پرهیزگاران را چون گناهکاران؟ (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و کفار همین مفسدان فی الارضند که گمان می کنند آسمان و زمین باطل است (و حق و خودمتشابه نیست) برای همین از خود الگوهای من درآوردی وضع می کنند و از آن ها تبعیت می کنند و آن ها را بر طبیعت حمل می کنند که موجب عکس العمل قهرآمیز طبیعت است برای همین مفسد(جنگ کننده) در ارض (طبیعت، جهان که پیرو الگوی خداست) خوانده می شوند

سوره ص

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ [83] مگر آنها که از بندگان مخلص تو باشند. (83)

قرآن مبین - مبین موبایل

مخلصین همان کسانی اند ظاهرا که داشتیم خالص ذکر دار می کنند (آیه ی چهل و شش) و منظور از دار دارالآخره است که مدام در قرآن آمده و آن ها همان مومنان به حرم آمن آخرت و پیروان ائمه اند و علت عدم اغوایشان آن است که امام به

آن ها مسائل را توضیح می دهد ولی کسانی که خود دنبال حقیقتند ممکن است به اشتباه بروند.

سوره ص

لَأْمَلْتَأَن جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ [85] که جهنم را از تو و از همه پیروانت پر کنم. (85)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیات قبل است که هر کس از امام تبعیت نکند در اینجا تبعیت کننده از شیطان است

سوره الزمر

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ. وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَنَا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَقَّارُ [5] آسمانها و زمین را به حق بیافرید. شب را بر روز داخل می کند و روز را بر شب. و آفتاب و ماه را رام گردانید و هر يك تا زمانی معین در حرکتند. آگاه باش که اوست پیروزمند و آمرزنده. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سه رعد. منظور از برتری دادن شب به روز پاک کردن بنده از معبود باطل است و منظور از برتری دادن روز به شب به بندگی خدا درآمدن بعد از پاک شدن از معبود باطل است که مدام در این سوره مانند آیات هشت و چهل و نه خود این مسئله یا متشابهاتش آمده.

سوره الزمر

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ تَسِيًّا مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لَهُ أُنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ [8] چون به آدمی گزندی برسد، به پروردگارش روی می آورد و او را می خواند. آنگاه چون به او نعمتی بخشد، همه آن دعاها را که پیش از این کرده بود از یاد می برد و برای خدا همتیانی قرار می دهد تا مردم را از طریق او گمراه کنند. بگو: اندکی از کفرت بهره مند شو، که تو از دوزخیان خواهی بود. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به نود و نه اعراف و سه انسان

منظور از کفر همان زکات ندادن نعمت به امام است

سوره الزمر

أَمِنْ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ [9] آیا آن کس که در همه ساعات شب به عبادت پرداخته، یا در سجود است یا در قیام، و از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امیدوار است، با آن که چنین نیست یکسان است؟ بگو: آیا آنهایی که می دانند با آنهایی که نمی دانند برابرنند؟ تنها خردمندان پند می پذیرند. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

قنوت همان عدم زنا کردن توسط زن شوهردار است و لیل همان غیاب خدا که ظاهرا منظور کیی است که وقتی در دنیاست از لقا دوباره خدا می ترسد و در غیابش در دنیا پیرو شیطان نمی شود. منظور از رحمت خدا همان ارحام که متشابه با امامند باید باشد

سوره الزمر

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ [10] بگو: ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان بترسید. برای آنان که در حیات اینجهانی نیکی کرده اند، پاداش نیک است. و زمین خدا پهناور است. مزد صابران بی حساب و کامل ادا می شود. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ارض الله واسعه، الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها است و هجرت متشابه با رفتن به سمت امام است که تجارت مومنان را انجام می دهد و اجر آن ها از تجارت در آخرت داده می شود و صابر به این علت آمده که اموال و انفس خود را در دنیا می دهند و منتظر دریافت آن در آخرت می شوند و اجر همان دریافت آن ها در آخرت از این تجارت است

حسنه ی دنیا ظاهرا همان فهم سخن خداست زیرا منظور از احسنوا ظاهرا تقوای خدا و گرایش به امام است و در نتیجه فرد سخن خدا را درک می کند و این همان حسنه ای است که به او می رشد زیرا محکم سخن خدا احسن است و داریم الله نزل احسن الحدیث و در مقابل کسی که احسان نمی کند و آن همان عدم گرایش به امام است سخن خدا را نمی فهمد و برای او خزی و متشابهات کتاب است که با هم در تناقض است و منظور از احسان به والدین نیز همین گرایش به نبی و امام است که پدر و مادر امتند (رجوع شود به النبی اولی بالمومنین من انفسهم)

سوره الزمر

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ [15]
بپرستید هر چیز دیگری را جز او. بگو: زیان کهنندگان کسانی هستند که در روز قیامت خود و خاندانشان را از دست بدهند. بهوش باشید که این زبانی آشکار است. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

از آنجا که اهلیم آمده ظاهرا منظور از خسر نفس آن است که خود را به عذاب می کشند و و خدا آنان را در آخرت قبول نمی کند و منظور از اهلشان پیروان این فقیهان باطل است.

سوره الزمر

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ [18] آن کسانی که به سخن گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند، ایشانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان خردمنداند. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسن الحدیث سخن خداست و همان محکم است که باید برای آن عقل داشت تا آن را فهمید و این آیه می فهمیم سمع برای دریافت متشابهات و بصر(که متشابه با عقل است) برای فهم محکم آن می آید. در سه آیه ی بعد مشخص می شود که اتباع احسن با تبعیت از امام حاصل می شود.

سوره الزمر

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ [21] آیا ندیده ای که خدا از آسمان باران فرستاد و آن را چون چشمه بهارهایی در زمین روان گردانید، آنگاه به آن کشته های رنگارنگ برویانید، سپس همه خشک می شوند و می پهنی که زرد شده اند، آنگاه خردشان می بهازد؟ هر آینه خردمندان را در آن اندرزی است. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

آب متشابه با کتب آسمانی است و زرع متشابه با کسانی است که به آن ایمان می آورند اما با رفتن امام و نبی زرد می شوند و می میرند(بی دین می شوند) و اینها در کتاب زرع یعنی کشت نامیده شده اند و انقلاب کنندگان به عقب چنانچه داریم

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ

شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

همچنین متشابه با آن است که اگر آب از آسمان (دین خدا و آموزش خدا) قطع شود همه ی شما گمراه و بی دین می شوید

ینابیع فی الارض منظور امام است که متشابه با ارض است و آب را در خود نگه می دارد و به کشت تحویل می دهد اما گیاه عمیق ریشه از آن می خورد و آنکه ریشه ی عمیقی ندارد و در سطح زمین کشت شده از آن محروم می شود و خشک می شود بنابراین معادن آبهای زیر زمینی و مکان های سفره های زیر زمینی متشابه با امام و ام هستند که بعد از باران کشت را تغذیه می کنند.

منظور از سلکه ینابیع فی الارض یعنی سفره های زیر زمینی برای آن است تا آب را کامل به اهلش برسانند و گیاهان از آب (توضیح دین) محروم نشوند زیرا سلک برای مطمئن شدن خدا از رسیدن سخنش توسط رسولان به کار می رود چنانچه داریم

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ رَصَدًا

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

و سفره های زیر زمینی متشابه با اوصیای انبیا پدید آمده اند تا کشت هیچگاه از آب محروم نشود و اگر کسی به اوصیا اعتقاد ندارد باید توضیح دهد که ینابیع متشابه با چه چیز پدید آمده زیرا جهان خودمتشابه است آیا خدایی که برای کشت ینبوع می گذارد تا تباه نشود برای امت ها پس از پیامبرش امامی نمی گذارد تا تباه نشوند؟

همچنین رصد و شهاب با امام متشابه است

هر کس بگوید تاویلی که از این آیه به ائمه شد غلط است اشکالی ندارد این فقط استدلالی بود از وجود امام چنانچه پیغمبران استدلال می کردند و دیگران را مجاب می کردند و ینبوع مثال روشنی از نحوه ی عمل خدا در مورد تعیین امام است برای همین هاست که خدا می گوید

سوره المائدة

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَاتَهُ

زیرا چنانچه در آیات آخر سوره جن خواندیم رصد که همان امام است برای آن است که خدا مطمئن شود که رسالت ابلاغ شده و حال خدا می گوید اگر نکنی رسالت ابلاغ نمی شود و باز می بینیم که آنچه ائمه در مورد این آیه (شصت و هفت مائده) گفته اند که در مورد امامت است درست است. و امامت برای آن است که بعد از اتمام باران آب در ینبوع ذخیره شود و درخت را از خشک شدن نجات دهد و آن همان پیرو متشابهات شدن است. یعنی خدا با رصد کاری می کند که رسالت ابلاغ شود و رصد همان امام است که بعد از رسول بر سخن او قرار می گیرد تا ابلاغ رسالت انجام شود.

انزل من السماء ماء فسلكه ینابیع فی الارض آب متشابه با کتاب آسمانی است و ینابیع امامان که خدا آب را منی کرده و ینابیع را رصد و سعی دهنده ی آن قرار داده و بدون سعی منی به کار نمی آید

زرع متشابه با فرد بی امام و بد امام و درخت متشابه با شیعه است که کمند.

سوره الزمر

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ [22] آیا کسی که خدا دلش را بر روی اسلام گشود و او در پرتو نور پروردگارش جای دارد، همانند کسی است که ایمان ندارد؟ پس وای بر سخت دلانی که یاد خدا در دلهایشان راه ندارد، که در گمراهی آشکار هستند. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از شرح صدر برای اسلام قبول امامت است زیرا ذکر همان امامت و قسیه قلوب همان بی امامی است

سوره الزمر

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَعَانِي تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ [23] خدا بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی متشابه و دوتا دوتا، که از تلاوت آن کسانی را که از پروردگارشان می ترسند از خوف تن بلرزد. سپس تن و جانیشان به یاد خدا بیارآمد. این راه خداست که هر که را بخواهد بدان راهنمایی می کند، و هر که را خدا گمراه کند او را هیچ راهنمایی نخواهد بود. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسن الحدیث و کتاب هردو متشابه با امامند

منظور از خشیه ظاهرا ترس از متشابهات است چنانچه داریم یخشون ربهم بالغیب که غیب متشابه با متشابهات است اما بعد به خاطر ذکر که محکم آور است آرام می شوند. هنجنین انما یخشی الله من عباده العلما ظاهرا منظور ترس از متشابهات و منظور از علم در آن آیه خاص باید باشد و آن علم به آن است که سخن خدا متشابه دارد در اصل ظاهرا علت وجوب کسب علم برای مسلمان به خاطر همین سه آیه ی اخیر است که خدا ابتدا قرآن را نازل کرده اما آن که خشیه ندارد و زرع است و دنبال علم نمی رود گمراه می شود و بعد از پیامبر خشک می شود بنابراین واجب است تا علم کسب کند که سخن خدا چیست و امام او کیست.

سوره الزمر

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ [25] پیشینیانشان تکذیب کردند و عذاب از جایی که نمی دانستند بر سرشان رسید. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به دو بیست و بیست و چهار شعرا. این آیه متشابه با آن است که خدا شاعران که همان فقیهانی هستند که فریب متشابهات قرآن را خورده اند و از محکمت آن خبر ندارند را به خاطر عمل نکردن به محکمت و ضایع کردن محکمت عذاب می کند و من حیث لا یشعرون همان محکمت است زیرا آنها متشابهات را شعر کرده اند اما محکمت را شعر نمی کنند و در نتیجه آن را تکذیب می کنند.

سوره الزمر

فَأَذَاهُمْ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ [26] خدا در این جهان رسوایشان ساخت؛ ولی اگر بدانند، عذاب آخرت بزرگتر است. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

خزی همان متشابهات کتاب و سخن شیطان است رجوع شود به آیه ی ده.

سوره الزمر

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ [34] برایشان هر چه بخواهند در نزد پروردگارشان مهیاست. این است پاداش نیکوکاران. (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

احسان متشابه با تصدیق و تبعیت از سخن خداست چنانچه داریم فیتبعون احسنه و اتباع احسن متشابه با احسان است زیرا تابع با متبوع متشابه است و اتباع احسن همان تصدیق سخن خداست

سوره الزمر

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [49] چون

آدمی را گزندی رسد ما را می‌جوواند، و چون از جانب خویش نعمتی ارزانیش داریم گوئید: به سبب داناییم این نعمت را به من داده‌اند. این آزمایشی باشد ولی بیشترینشان نمی‌دانند. (49)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا این آیه هرچند به آیه ی هشت زمر و خیلی از آیات دیگر این چنین شبیه است اما ظهرا محکم آن در مورد کسی است که گمان می‌کند آخرتی وجود ندارد زیرا پی نمی‌برد که نعمت دنیا فتنه است و محکم آن در آخرت است و گمان می‌کند که فقه دارد و می‌گوید انما اوتيته على علم این فرد متشابهه عرضی با شعرایی است که غاوون تبعیتشان می‌کنند زیرا منظور اصلی را نمی‌فهمد

منظور از فتنه آن است که محکم آن در آخرت است و فرد باید متشابهه آن (اموال و اولاد) را زکات بدهد تا محکم آن را در آخرت توسط امام بازیابد) همچنین مراجعه شود به سه انسان

بنابراین فرم کلی به این صورت است که انسان مضطر می‌شود و معبودهای باطل از نظرش پاک می‌شود و خدا به خاطر اخلاصش به او نعمت می‌دهد اما بعد از او زکات طلب می‌کند تا مشخص کند آیا قبول دارد که نعمت را خدا به او داده و راه او ذکر یا همان صلاه است و نعمت را اگر ذکر کند که خدا به او داده به امام می‌دهد و اعتماد می‌کند که خدا دوباره به او پس می‌دهد

سوره الزمر

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَقُورُ الرَّحِيمُ [53] بگو: ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید، از رحمت خدا مأیوس مشوید. زیرا خدا همه گناهان را می‌آمرزد. اوست آمرزنده و مهربان. (53)

قرآن مبین - مبین موبایل

اسراف متشابهه با بسط خوردن و گوش دادن و تبعیت کردن و گوش دادن به سخن شیطان علاوه بر گوش دادن به سخن خداست و خلاف افتتار است که بمعنای گوش ندادن به سخن خدا و شیاطین است و ظاهرا منظور آن است که کسانی که علاوه بر گوش دادن به سخن خدا (که احتمالا به همین خاطر عباد نامیده شده‌اند) خدا آنان را می‌بخشد و برای همین در آیه ی بعد داریم که انابه کنید که یعنی شرکای باطل را کنار بگذارید و در آیه ی بعد تر داریم که احسن آنچه نازل شده را تبعیت کنید که باز هم نشان دهنده ی گوش دادن آن‌ها به منزولات خدا و غیر خدا توامان است.

سوره الزمر

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ [56] تا کسی نگوید: ای حسرتا بر من که در

کار خدا کوتاهی کردم، و از مسخره کنندگان بودم. (56)

قرآن مبین - مبین موبایل

تفریط فی جنب الله همان ندادن نعمت به امام است و ساخر بودن همان خلاف عجب است و یعنی کسانی که نعمت را به امام می دادند و اموالشان را مصرف می کردند مسخره می کردیم و تاویل دیگر آنکه سخر معنی کمی مال و اولاد می دهدو آن یعنی مال و اولاد کمی در جنب خدا نگهداری کردیم.

سوره الزمر

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ [65] به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک بیاورید اعمالتان ناچیز گردد و خود از زیان کنندگان خواهید بود. (65)

قرآن مبین - مبین موبایل

شرک متشابه با دروغ بستن به خداست و همان کفر به ایمان است برای همین چنانچه داریم و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله در اینجا هم داریم لئن اشركت لیحبطن عملک

سوره الزمر

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ [67] خدا را نشناختند آنچنان که شایان شناخت اوست. و در روز قیامت، زمین یکجا در قبضه اوست و آسمانها در هم پیچیده، در ید قدرت او. منزّه است و برتر از هر چه شریک او می پندارند. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

می دانیم که قدر متشابه با تنگی و سنگ است و ماقدروا الله حق قدره متشابه با آن است که بگوییم خدا را مانند سنگ آن چنان که باید تنگ بگیرند نگرفتند که یعنی برای او معبود باطل در نظر گرفتند و حصن خدا تنگ بر بالای سر آنها نیامد و همان عمل نکردن به اتقوا الله حق تقاته است که یعنی از غیر خدا پرهیز کنید

سوره الزمر

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [69] و زمین به نور پروردگارش روشن شود و نامه های اعمال را بنهند و پیامبران و گواهان را بیاورند و در میان مردم به حق داوری شود و

بر کسی ستمی نرود. (69)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از کتاب ولایتی است که انسان پذیرفته چنانچه داریم کتب علیه انه من تولاه فقد یضله و یهدیه الی عذاب السعیر

منظور از کتاب عمل است زیرا کتاب با وزر و حمل و ثقل

نبیین متشابه سخن گفته اند و شهدا همان امامانند که محکم آن را از متشابه آن جدا می کنند و برای آن می آیند تا مشخص کنند چه کسی در بهشت و محکومات است و چه کسی مشرک است و به خدا دروغ بسته است. و برای همین است که ارین وفیت کل نفس ما عملت که همان نعمت هایی است که در دنیا به امام داده اند و اکنون پس می گیرند و شهید بر آنکه چه کسی امام بوده است شهادت می دهدسوره غافر

سوره غافر

غَافِرِ الدُّبِّ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ [3] آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، سخت عقوبت، صاحب نعم. هیچ خدایی جز او نیست. بازگشت همه به سوی اوست. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

عقاب همان فک رقاب است و متشابه با رجم است و شدد همان تنگ گرفتن و سنگ کردن که متشابه با آن است که خدا با تنگ گرفتن بر کجروها رجم و عذابشان می کند تا همه نعمت ها را در خانه ی خدا ببرند و در جای دیگر نگذارند تا تباه شود.

سوره غافر

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبِلَادِ [4] جز کافران در آیات خدا جدال نمی کنند. پس جولا نشان در شهرها تو را نفریبند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

جدال به معنی جا به جا کردن متشابه و باطل با محکم و حق است که متشابه با آن است که متشابه قرآن را محکم برداشت می کنند و القا می کنند و برای همین در آیه بعد داریم جادلوا بالباطل ليدحضوا به الحق و داریم همت کل امه برسولهم لياخذوه که منظور از رسول محکم کننده ی سخن خداست چنانچه در آیات آخر جن داریم. منظور ظاهرا آن است که آن ها که می خواهند متشابه را با محکم عوض کنند خود متشابهند(کافر) و خدا آنان را نسخ خواهد کرد و قومی بهتر که محکم باشند را خواهد آورد چنانچه داریم و ان تتولوا یسندل قوما غیرکم ثم لا یكونوا امثالکم و دلیل اینکه منظور از لا یغررک تقلبهم فی البلاد نسخ آن هاست این آیه است که داریم لا یغررک تقلبُ الذین کفروا فی البلاد متاعٌ قلیلٌ ثم

مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ که منظور از متاع قلیل عمر دنیاست زیرا خدا دنیا را قلیل می داند و در آخر به آن ها نعمتی جز جهنم نمی دهد و نسخ می شوند. در اصل منظور این آیه ظاهرا آن است که کسی که متشابه را با محکم جایگزین کند کافر است و کافر را خدا نسخ می کند

سوره غافر

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ [6] بدین سان حکم پروردگار تو بر کافران محقق شد که اهل جهنمند. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

به علت آنکه متشابه را با محکم عوض کرده اند خودشان هم متشابه با متشابه شده اند و کافر شده اند و بنابراین مانند متشابه باید نسخ شوند و این تحقق سخن خداست

سوره غافر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرَ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ [10] کافران را ندا می دهند که دشمنی خدا با شما از دشمنی شما با خودتان، آنگاه که به ایمانتان فرا می خوانند و راه کفر پیش می گرفتید، بزرگ تر است. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با مجادله ی به باطل آن هاست زیرا ایمان همان گرویدن به محکم و کفر گرویدن به متشابه است و این از سناریوی آخرالزمان است و ایمان همان یمانی است

سوره غافر

ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ [12] این عذاب بدان سبب است که چون خدا را به یکتایی می خواندند شما انکار می کردید، و اگر برای او شریکی قرار می دادند شما به آن شریک ایمان می آوردید. پس، فرمان، فرمان خدای بلندمرتبه بزرگ است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

پیرو آیه ی ده است که داشتیم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرَ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

و ایمان همان ایمن شدن از عذاب است و آن با کلمه ی لا اله الا الله ممکن است چنانچه داریم کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. برای همین در اینجا به جای ایمان داریم اذا دعی الله وحده. و از تدعون الی الایمان فتکفرون مساوی با اذاعی الله وحده کفرتم است.

سوره غافر

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ [15] فرابرنده درجات، صاحب عرش که بر هر يك از بندگانش که بخواهد به فرمان خود وحی می فرستد تا مردم را از روز قیامت بترساند. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

روح متشابه با رصد است و همان ناسخ متشابهات و سخن محکم است زیرا داریم برای نذر می آید و نذر متشابه با حافظ امام و ... است که ناسخ متشابهاتند و آنکه در سوره قدر داریم تنزل الملائکه و الروح، روح به نذیر القا می شود و نذیر متشابه با امام است و ناسخ متشابهات.

سوره غافر

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ [35] کسانی که بی هیچ حجتی که در دست داشته باشند در آیات خدا جدال می کنند. کار آنان نزد خدا و مؤمنان سخت ناپسند است. خدا بر دل هر متکبر جباری اینچنین مهر می نهد. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

سلطان توان ورود به آسمان ها برای فهم سخن خداست و این ها کسانی اند که سخن خدا را نمی فهمند اما آن را می گویند فهمیده ایم که متشابه همان افراد آیات دو و سه صفند برای همین باعث مقت خدا می شوند یجادلون فی آیات الله متشابه با آن است که یک وجه از متشابهات قرآن را می خواهند بر وجه دیگری غالب کنند و آن را نسخ کنند و محکم آن را دریابند اما علم آن را ندارند و چیزی می گویند که عمل نکرده اند و می گویند ما معنی این آیه را می دانیم اما نمی دانند

سوره غافر

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِثْمِ لِأُظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ [37] درهای آسمانها. و خدای موسی را ببینم، زیرا پندارم که دروغ می گوید. بدین سان کردار زشت فرعون در نظرش آراسته شد و او از راه باز ماند و چاره چویی او جز زیان هیچ نبود. (37)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از در تباب بودن کید فرعون آن است که به آنچه می خواهد نمی رسد زیرا تب عدم دسترسی ید به زمین برای ضرب فی الارض و برداشت حسنات آن است

سوره غافر

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَقْعِرُ سُلْطَانُ أَتَاهُمْ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ [56] آنان که بی هیچ حجتی که از آسمان آمده باشد درباره آیات خدا مجادله می کنند، در دلشان جز هوای بزرگی نیست؛ ولی به آن نخواهند رسید. پس به خدا پناه ببر که او شنوا و بیناست. (56)

قرآن مبین - مبین موبایل

برای فهم بهتر این آیه و آیه ی بعد بهتر است به آیات چهل هشت تا پنجاه و یک اسری مراجعه کرد که نتیجه می شود منظور از جدال در آیات خدا انکار قیامت و بعث است (یا متشابهات آن) و منظور از کبر در صدر بزرگ بودن خلق دوباره ی انسان از خاک و استخوان باقی مانده ی او.

همچنین این آیه متشابه است با آیه ی سیزده و چهارده سوره رعد که داریم هم یجادلون فی الله و هو شدید المحال

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَقِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

چنانچه در آیه ی پنجاه هم داشتیم که:

قَالُوا أَوْلَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

و منظور از ما هم ببالغیه استجاب دعا توسط معبودهای باطل است که چون سلطانی بر انسان ندارند(سلطان فهم سخن خدا) نمی توانند دعا را مستجاب کنند و منظور خدا را از آیاتش بگویند و مجادله ی آن ها باطل است.

مجادله ی در خدا آن است که می گویند من یحیی العظام و هی رمیم که می خواهند باطل را که بی خدایی است با حق

که خداست جا به جا کنند و این کار مجادله است و منظور از کبر بزرگی زنده شدن مردگان است چنانچه داریم او خلقا مما یکبر فی صدورکم برای همین در آیه ی بعد داریم که خلق آسمان ها و زمین از خلق مردم سخت تر است.

کبر در این آیه آن است که فرد در نظرش زنده شدن مردگان کبیر و سخت آید و به خاطر همین منکر خدایی شده که از اول آن ها را خلق کرده چنانچه در آیه ی بعد داریم آفرینش آسمان ها و زمین کبیرتر و سخت تر از ناس است. و به خاطر همین در خدا مجادله می کند و برایبیشبرد مقاصدش متوسل به چیزی غیر خدا می شود و خدا را نمی خواند و برای همین این فرد تکبر کننده از عبادت خدا خوانده می شود که تکبر ظاهرا به معنای ضعیف خواندن خدا و خدانشناسی است. برای همین در آیه ی شصت چنان داریم و منظور از ما هم ببالغیه یعنی بدون خدا به مقصود و اجابت دعای خود نمی رسند

مجادله در خدا متشابه با مجادله در آیات خداست خدا حرف محکمی دارد که به صورت متشابه آن را می زند و بعد آن متشابه را محکم می کند و به وضعیت اولیه ی خود بر می گرداند اما کافران در یک تاویل می گویند خدا حرف متشابه را محکم نمی کند و مقصود خدا همین حرف متشابه است و در تاویل دیگر و متشابه این تاویل می گویند خدا زنده ای را که کشت دیگر زنده نمی کند این امر متشابه با آن است که خدا جهان را متشابه با خود ساخت و رها کرد و بعد آن را به تشابه محکم خود برمی گرداند

سوره غافر

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ [60] پروردگارتان گفت: بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم. آنهایی که از پرستش من سرکشی می کنند زودا که در عین خواری به جهنم درآیند. (60)

قرآن مبین - مبین موبایل

همانطور که در آیه ی پنجاه و شش گفتم منظور از این آیه و کبر و بالغ شدن ، استجابت دعا و مانع استجابت دعاست که حال داریم هرکس طلب کبر از عبادت خدا کند مساوی با نخواندن خدا لحاظ شده که مطابق توضیحات ما در آیه ی پنجاه و شش است.

سوره غافر

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ [61] خداست آن که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را روشنایی بخشید. خدا فضل خویش به مردم ارزانی می دارد. ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند. (61)

قرآن مبین - مبین موبایل

مسکنت در شب متشابه با مضطر شدن در دنیا است که خدا آن را قرار داده تا مومنان خدا را بخوانند و مومن از کافر

مشخص شود اما اکثر مردم خدا را ذکر نمی کنند تا در روز به بهشت درآیند

سوره غافر

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفَلَكَ تَحْمَلُونَ [80] و شما را در آن منافعی است و می توانید با آنها به حاجاتی که در نظر دارید برسید. و بر آنها و بر کشتیها سوار شوید. (80)

قرآن مبین - مبین موبایل

انعام متشابه امام و حاجه متشابه دعاست و این آیه در مقابل کباسط کفیه الی الماء لیبلغ فاه است که برای کسی آمده که کسی غیر خدا را دعا می کند و در اینجا امام واسطه ی دعای خدا خوانده شده و حاجه همان بلد است زیرا داریم بیبلغ ائقالکم الی بلد لم تکنوا بالغیه و داریم لتبلغوا علیها حاجه و مراد از حاجت رسیدن به بلد آمن است که امام به آن می رساند و حاجت همان رسیدن اعمال انسان به آخرت است تا در حرم آمن باشد و حاجت همان قوام یافتن تخم و رستن آن در آخرت است و آنکه خدا می گوید ادعونی استجب لکم همان رساندن اعمال ما به آخرت است که بنده می خواند و خدا مستجاب می کند.

سوره فصلت

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ [8] آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند، پاداشی است تمام ناشدنی. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

من متشابه با ایمان است و اجر نیز متشابه با ایمان است چنانچه داریم لیوفیهم اجورهم و وفی یعنی دریافت از یا پرداخت به ایمان و متشابهاتش بنابراین اجر غیر ممنون متشابه با دریافت کردن بدون در حصن(ایمان) بودن نسبت به سایر نعمت دهنده هاست یعنی اجری به آنها می دهند که اجر دهنده آنها را از سایر اجر دهنده ها منع نمی کند یعنی انواع اجرها. البته باز طبق قرار همیشگی نمی گویم این تاویل حق است بلکه فقط متشابهی از سخن را گفتم تا بدانید منظور ممکن است به چه چیزهایی تاویل شود و احتمال درستی را و نزدیکی به حقیقت را بیشتر در این می بینم که گفتم.

سوره فصلت

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْأَخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ [16] ما نیز بادی سخت و غران در روزهایی شوم بر سرشان فرستادیم تا در دنیا عذاب خواری را به آنها بچشانیم. و عذاب آخرت خوارکننده تر است و کسی به یاریشان برنخیزد. (16)

قرآن مبین - مبین موبایل

نحس متشابه با نابود کننده ی متشابهات است و منظور از ایام نحسات روزهایی است که در آن پیدوان فتنه ها و متشابهات عذاب می شوند و نسخ می شوند و به جای آن ها قومی دیگر می آید به طور کلی از اول عالم خدا قومی را متشابه پدید آورده و مدام متشابهات را نسخ کرده تا به قوم آخرالزمان برسد

سوره فصلت

وَقَيْضًا لَهُمْ فَرْتَاءَ فَرَيْتُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ [25] و برایشان همدمانی مقدر کردیم و آنان حال و آینده را در نظرشان بیاراستند. و بر آنها نیز همانند پیشینیانشان از جن و انس، عذاب مقرر شد. زیرا زیانکار بودند. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

قَيْضًا یعنی ولینا و قرین یعنی ولی زیرا زینت دهندگان همان مصابیح و نجومند که شیاطین را رجم می کنند و متشابه با خود شیاطینند که با زینت ها و لهو حدیث مردم را سرگرم می کنند و منظور از ما بین ایدیهیم و ما خلفهم همان امام یا متشابهات آن است که یعنی از راه امام با لهو حدیث باز می کنند زیرا ما بین ایدیهیم و ما خلفهم بدای رصد می آید و رصد متشابه با نجوم و مصابیح و امام است.

سوره فصلت

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ [26] کافران گفتند: به این قرآن گوش مدهید و سخن بیهوده بدان بیامیزید، شاید پیروز گردید. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

لغو متشابه با لهو است زیرا داریم من بیشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله و می گویند که علف هرز را زیاد کنید تا سخن خدا را خفه کنید و بر آن غلبه یابید متشابه با آن است که قرآن را گوش نکنید و به جای آن رقیبی مانند آن بسازید که گوشتان به آن عادت کند و کمتر به قرآن گوش کنید تا قرآن مغلوب شود

سوره فصلت

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ [42] نه از پیش روی باطل بدو راه یابد و نه از پس. نازل شده از جانب خداوندی حکیم و ستودنی است. (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

باطل از پیش و پس آن نمی آید زیرا خدا بر آنجا رصد گذارده چنانچه در اواخر سوره جن داریم و متشابه با آن است که امام نمی گذارد به سخن خدا تعبیر غلط ببندند زیرا رصد متشابه با امام است اما آنان که امام ندارند به راه باطل می روند.

سوره فصلت

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ [49] آدمی هر چه طلب خیر کند خسته نمی بھود، اما چون بدی به او برسد بداندیش و نومید می گردد. (49)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا منظور از شر خیر دنیاست که شر آخرت است و منظور ظاهرا آن است که انسان از طلب خیر دنیا خسته نمی شود و هنگامی که چیزی از آن خیر به او می دهیم کافر می شود و گمان می کند که دیگر شر دنیا او را رها کرده و هیچ وقت بدبخت نمی شود و این پندار او یاس است زیرا یاس کافر شدن به دوباره اتفاق افتادن امری است برای همین هم در آیه ی بعد داریم که پس از رسیدن به نعمت پس از ضرر گمان می کند آخرتی وجود نخواهد داشت. رجوع شود به تفسیر آیه ی یازده اسری

سوره فصلت

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيئَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ [54] بھوش باش که آنها از دیدار پروردگارشان در تردیدند. بھوش باش که او بر هر چیزی احاطه دارد. (54)

قرآن مبین - مبین موبایل

احاطه با خبر می آید و خبر با ابتلا توسط فتنه ها و ظاهرا منظور آن است که خدا با ابتلایی که توسط متشابهاات از آن ها دارد می داند که به محکم (لقای پروردگار در آخرت) ایمان ندارند و پیرو متشابهااتند و لقا همان دریافت آخرت است

سوره الشوری

سوره الشوری

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَّقَطُرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ [5]
نزدیک است که آسمانها بر فراز یکدیگر در هم شکنند و فرشتگان به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و برای ساکنان زمین آمرزش می طلبند. آگاه باشید که خدا آمرزنده و مهربان است. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از این آیه قول ناحق اتخاذالرحمن ولدا است که در آیات هشتاد و هشت تا نود و یک سوره مریم آمده است زیرا برای آن است که آمده تکاد السماوات يتفطرن منه بنابراین در اینجا هم که يتفطرن من فوقهن آمده متشابه با همان است و علت تسبیح و استغفار ملائکه هم احتمالا همین است و چون در آیه ی بعد داریم الذین اتخذوا من دونه اولیا بنابراین منظور از ولد اولیای من دون الله است چنانچه ولد نوح از اهل او نبود اگر نه لفظ ولد محکمش به معنای ولی و پیرو است و همان ولدیت حضرت عیسی برای خداست که یعنی پیرو اوست و ولی اش خداست چنانچه داریم النبی اولی بالمومنین من انفسهم که یعنی پیامبر پدر مومنان است و ولی به معنای پدر آمده (زیرا بعدش زنان او مادران مومنان نامیده شده اند) مشرکان چون گمان می کنند هرکس پیامبر زاده باشد رستگار است منظورشان از ولد ولد دنیوی است برای همین خدا انکار می کند که فرزند داشته باشد.

سوره الشوری

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ [6] خدا مراقب اعمال کسانی است که جز او را به دوستی گرفتند، و تو وکیل آنها نیستی. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اتخاذ اولیا من دونه متشابه با این است که می گویند اتخاذالرحمن ولدا(چنانچه در آیه ی قبل هم توضیحش آمد) چنانچه منظور از ولد کسی است که حکم به غیر از حکم خدا می دهد و حکم متشابه می دهد که اولیا من دونه همان فقیهان دینند که گمان می کنند حوم خدا را می دهند اما گرفتار متشابهاتند و این همان قول اتخاذالله ولدا گفتن است بدون آنکه به زبان جاری کنند. مراجعه شود به بیست و دو نساء.

سوره الشوری

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ [7]
و نیز این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا ام القری و ساکنان اطرافش را بیم دهی. همچنین آنان را از روز

قیامت - که در آن تردیدی نیست - بترسانی که گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

جمع متشابه با زنده شدن است و روز جمع منظور روز زنده شدن است که همان قیامت است

ام القری متشابه با امام للناس است که داریم انی جاعلک للناس اماما و ظاهرا منظور یاد دادن قرآن به امام و شیعیانش است چنانچه در آیه بعد هم داریم

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ

که نشانه ی اختلاف است و سرپیچی عده ای از امام

سوره الشوری

فَاظِرُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلْ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ [11] آفریدگار آسمانها و زمین است. برای شما، هم از شما، همسرانی بیافرید. و نیز برای چارپایان جفتهایی پدید آورد. با آفرینش همسران بر شمارتان می افزاید. هیچ چیز همانند او نیست و اوست که شنوا و بیناست. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

جعل لکم من انفسکم ازواجاً ظاهراً منظور امامان است زیرا داریم و ازواجهم و منظور جانشینی امام برای نبی است و من الانعام ازواجاً متشابه با قرای ظاهره برای قرای مبارکه و نایبان امامان است زیرا انعام متشابه با امامان است (در اصل ظاهراً این گونه است جعل لکم من انفسکم ازواجاً و (هم الانعام) و من الانعام ازواجاً (و هم النواب) و ظاهراً در ادامه ی آیه ی قبل است که هنگام اختلاف در حکمی از کتاب باید به خدا مراجعه کنید و خدا برای پیامبر امام قرار داده و برای امام نایب پس حکم را از آنجا استخراج کنید. و لیس کمثلہ شیء گواه بر آن است که نشانه ی درستی آن حکم که از پیامبر امام یا نایب می گیرد آن است که مثل و ماندی ندارد چنانچه مفسران و اولیای باطل می گویند سائل مثل ما انزل الله بلکه و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره بنابراین ظاهراً برای حکم نایب دلیلی وجود دارد و همان بی ماندی و عدم تناقض آن است با سایر احکام قرآن

سوره الشوری

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ [13] برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کرده ایم

که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید. تحمل آنچه بدان دعوت می کنید بر مشرکان دشوار است. خدا هر که را خواهد برای رسالت خود بر می گزیند و هر که را بدو باز گردد به خود راه می نماید. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

طبق دین حق اگر بخواهیم بگوئیم منظور از ما تدعوهم الیه توحید است زیرا مشرکان را به آن می خوانند و اگر مثلا صلا ح بود آنها مفسد خوانده می شدند و اگر مثلا خیر بود آنها شر خوانده می شدند اما چون آنها مشرک خوانده شده اند منظور توحید یا متشابهاتش است

منظور از ما تدعوهم الیه ایمان یا متشابه آن است که همان قول لا اله الا الله و همان حضرت علی است (حضرت علی با ایمان ولایت و قول لا اله الا الله متشابه است) زیرا داریم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

برای همین در روایات ما تدعوهم الیه خواندن به ولایت حضرت علی است

همچنین علت اینکه آنان مشرک خوانده شده اند آن است که ایمان همان قول لا اله الا الله است و تاویل دیگر دعا به آن است چنانچه داریم اذا دعی الله وحده کفرتم بنابراین منظور از آنچه مشرکان را به آن می خوانیم ایمان و کلمه ی لا اله الا الله و ولایت حضرت علی و متشابهاتشان است. همچنین داریم انها (الصلاه که متشابه با ایمان و ولایت است) لکبیره الا علی الخاشعین و خاشع یعنی کسی که معبود باطل را کافر شده که خلاف مشرک است بنابراین این جمله متشابه انها لکبیره الا علی الخاشعین هم هست

سوره الشوری

قُلْ لِكِ فَاذَعُ وَأَسْتَقْمُ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ [15] برای آن دعوت کن و چنان که فرمان یافته ای پایداری ورز و از پی خواهشهایشان مرو و بگو: به کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و به من فرمان داده اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم. خدای یکتا پروردگار ما و پروردگار شماست. اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شما. میان ما و شما هیچ محاجه ای نیست. خدا ما را در یک جا گرد می آورد و سرانجام به سوی اوست. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

جمع متشابه با واحد کردن و خلاف اختلاف است و عطف به آیات قبل است که داشتیم ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه الی الله و لو شاء الله لجعلهم امه واحده و منظور ظاهرا آن است که خدا اختلافمان را جمع می کند و دلیل برایمان می آورد و تاویل دیگر آنکه امتی واحد خواهیم شد

سوره الشوری

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَتَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ
بَعِيدٍ [18] آنان که باورش ندارند آن را به شتاب می طلبند، و آنان که ایمان آورده اند از آن بیمناکند و می دانند که
حق است. آگاه باش، کسانی که درباره قیامت جدال می کنند سخت در گمراهی هستند. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

یستعجل بها ظاهرا یکی از تاویلاتش آن است که به خاطر عدم ایمانشان به آخرت به دنیا ایمان می آورند و باعث استعجال
عذاب خود می شوند چنانچه داریم شر استعجالهم بالخير يا داريم يدع الانسان باشر دعاءه بالخير و كان الانسان عجولا.
چنانچه در دو آیه بعدش هم داریم

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْنَ الْآخِرَةِ تَزِدْ لَهُ فِي حَزْتِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْنَ الدُّنْيَا نُوْتِيَهُ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ [20]

سوره الشوری

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْتِنِ بِهِ اللَّهُ وَلَوْ أَنَّا كَلِمَةَ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [21] آیا
مشركان را بتانی است که آیینی برایشان آورده اند که خدا رخصت آن را نداده است؟ و اگر قصد تاخیر عذابشان نبود،
کارشان به پایان آمده بود و ستمکاران را عذابی است درآورد. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا مکمل آیه ی چهارده است که داریم

وَمَا تَقْرَفُوا إِنَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَلَوْ أَنَّا كَلِمَةَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا
الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ [14]

که معنی اش ظاهرا این است که اگر خدا نمی خواست آن ها را به اجل (متشابه بانعمت) مسمی برساند(که ظاهرا یعنی
پرداخت دستمزد اعمالشان در دنیا) آنگاه قضی بینهم اجلهم چنانچه داریم لو يعجل الله شر استعجالهم بالخير لقضى اليهم
اجلهم اما اینکه چرا کلمه فصل آمده فصل متشابه با پناه دادن است و طبعاً متشابه با نعمت دهنده که در اینجا ظاهرا یعنی
اگر این خواست خدا نبود که آن ها را نعمت تمام دهد و چیزی برای آنها در آخرت باقی نگذارد بین آن ها محاکمه می کرد و
مومنان راحت می شدند و نعمت کافران گرفته می شد. چنانچه در آیه ی قبلش هم (آیه ی بیست) درباره ی نعمت دنیا و
آخرت آمده که کسی که نعمت دنیا به او برسد در آخرت نعمت نخواهد داشت.

سوره الشوری

ذَلِكَ الَّذِي يُبَسِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَدَدْ
لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ عَقُورٌ شَكُورٌ [23] این است آن چیزی که خدا آن گروه از بندگان را که ایمان آورده اند و کارهای
شایسته کرده اند، بدان مژده می دهد. بگو: بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی خواهم.
و هر که کار نیکی کند به نیکویی ایش می افزاییم، زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است. (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به پنجاه و هفت فرقان

موده منظور اتخاذ ولی است چنانچه داریم لا تتخذوا عدوی و عدوكم اولیاء تلقون الیهم بالموده و قریبی همان سابقون به ایمان که حضرت علی است و تاویل آن است که او را ولی بگیرید و اینکه داریم و فقد کفروا بما جاءکم منظور قد کفروا بالا یمان است چنانچه داریم و من یکفر بالایمان و ایمان همان حضرت علی است منظور آن است که کافران به حضرت علی را ولی خود نگیرید

اجر متشابه با پرداخت به امام هم هست (دریافت و پرداخت با هم متشابهند) بنابراین منظور ممکن است آن باشد که آنچه از شما می خواهیم پرداخت کنید (اجر) پرداخت به امام است (موده)

یعنی من از شما نمی خواهم چیزی پرداخت کنید الا به امام. و منظور از من یقترف حسنه همان پرداخت مال و اولاد به امام است که نزد له فیها حسنا یعنی به او چند برابر بازگردانده می شود

سوره الشوری

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ [28] و اوست آن خدایی که بعد از نومیدیشان باران می فرستد و رحمت خود را به همه جا منتشر می کند و اوست کارساز و ستودنی. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از قنوط در اینجا قنوط از اولیای باطل است ظاهرا. چنانچه داریم و من یقنط من رحمه ربه الا الضالون پس قنوط عمل ضال است و داریم وقتی انسان به سختی می افتد ضل عنهم ما كانوا یعدون من قبل. پس فردی دعایش مستجاب می شود که از اولیای باطل قنوط دارد و معنی این آیه هم این است که خدا رحمتش را بعد از آنکه از اولیای باطل قنوط شدند و ضل عنهم ما كانوا یفترون بر آن ها نازل می کند و قنوط خاص اولیای باطل آمده. اگر نه اگر منظور از قنوط ، قنوط از رحمت خدا بود که داریم من یقنط من رحمه ربه الا الضالون و ضال یعنی کسی که نعمت پروردگارش را دریافت نمی کند و خدا به ضال از درگاه خودش غیث نازل نمی کند. این آیه در ادامه ی آیه ی قبل است که داریم

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ [27] إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

یعنی به خاطر پیروی از معبود باطل اگر بر آنها بسط رزق دهد در زمین بغی می کنند پس خدا تا از آنها قنوط پیدا نکنند بر آنها نعمت نازل نمی کند و به این طریق از بغی در زمین جلوگیری می شود. و منظور از یینزل بقدر آن است که یینزل الغیث من بعد ما قنطوا و قدر همان تنگ گرفتن بر بنده برای رها کردن معبود باطل است.

همچنین متشابه با آن است که تا از اولیای باطل قنط نشوند و به آنها کفر نوزند خدا (و متشابهات طولی اش که امامان هر زمانند) بر آنها خیر خود را نمی فرستد که آن خیر همان خیر امام هم تاویل می شود و تا افراد از حاکمان و اولیای خود نا امید نشوند حاکم خود را نمی فرستد و این همان حدیثی است که می گویند تمام اندیشه ها قبل از ظهور بروز می کند تا کسی بعد از ظهور نکوید که ما هم می توانستیم و این همان ناامید شدن آن ها از ولایت خود و دیگران بر زمین است

سوره الشوری

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أُنْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ [30] اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که کرده

اید. و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

در عام و خاص این آیه که مصیبت را از خود انسان می داند باید گفت ظاهراً منظور آن است که مصیبت ها و شرها از انسان ها پدید می آید اما نه به آن معنا که هر مصیبتی که به سر هر انسانی می آید تقصیر خودش است بلکه ممکن است تقصیر سایرین باشد و این آیه انسان ها و موجودات را ظاهراً عام آورده و منظور قضاوت تک به تکی آنها نیست بلکه مجموع آنهاست. ظاهراً اصل آیه در مورد مصیبت پیروی از معبودان باطل در آخرت است. رجوع شود به پنجاه و دو کهف

سوره الشوری

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ [32] از نشانه های قدرت او کشتیهایی است چون کوه که در دریاها روانند. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

به سی و یک لقمان مراجعه شود.

اعلام: دنیا و زینت آن و نجوم و موج

و علامات (اعلام) دو کارکرد دارند یکی آنکه کسانی که به دنیا و زینت آن می پردازند را عذاب می کنند و دیگر آنکه با این عذاب آنها را مجبور می کنند که از این راه برگردند و علاماتی هستند تا فرد بفهمد راه درست این نیست و به راه خدا برگردد و به مقصود اصلی برسد

سوره الشوری

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنَ الرِّيحَ فَيَظْلِلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [33] اگر بخواهد، باد را ننگه می دارد تا کشتیها بر روی دریا از رفتن بازمانند. هر آینه در این برای صابران شکرگزار عبرتهایی است. (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

مسکنت ریح متشابه با مسکنت زمین و خاضع شدن آن از معبود باطل است زیرا ریح مبشر بین یدی من رحمته است و رحمت همان باران است و ظاهراً منظور آن است که در پیروی از امام هم شما مسکنت دارید تا گناهان دیگرتان به غیر از

عدم ولایت پاک شود و کسی که صبور باشد اجر کارش را می یابد همچنین این مسکنت متشابه با آن است که امام مال و اولادشان را می گیرد و آن ها مانند زمین خشک می شوند اما اگر صبر کند خدا دوباره به آن ها مال و اولاد می دهد.

سوره الشوری

أَوْ يُوقِنُ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ [34] یا آنها را به خاطر اعمالشان غرقه می کند و بسیاری را نیز می بخشد.
(34)

قرآن مبین - مبین موبایل

ویق متشابه با مصیبت و نابودی است و ظاهرا منظور کسانی اند که با امام بیعت می کنند و مال و جان خود را در اختیار او قرار می دهند اما بعد عهدشکنی می کنند و این به منزله ی آن است که از کشتی که متشابه با امام است بیرون آمده باشند و مانند کسی می شوند که سوار کشتی نشده بوده.

سوره الشوری

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ [35] و تا بدانند کسانی که در آیات ما جدال می کنند. آنان را هیچ گریزگاهی نیست. (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است که عهدشکنی می کنند و از ولایت امام بیرون می آیند آیات چنانچه در پنجاه و نه اسری آمده متشابه با امام است و جدال همان جدال بالباطل لیدحضوا به الحق است که یعنی می خواهند با اولیای باطل خود را روی کار بگذارند و امام را کنار بزنند

سوره الشوری

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی قبل است که چون خدا در معیشت دنیا بعضی را بر بعضی برتری داده تا زیردست آن ها باشند حال نمی خواهد کافران به رحمن معیشت قوی ای داشته باشند تا مومنان را به تسخیر خود و زیردستی خود بگیرند و منظور از امه واحده از لحاظ اعتقاد به امام آخرت نیست بلکه امام دنیاست که همان کسب و کارها و زمین ها و ... است که سبب رزق می شود که اگر مردم با هم زندگی نمی کردند خدا ثروت بیشتری در اختیار کافران قرار می داد اما این اتفاق نیفتاده است و کافران ثروت خود را ظاهرا فقط از طریق ندادن آن به امام جمع می کنند و تفاوت دیگری با مومنان ندارند

سوره الزخرف

وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ [58] و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند، که مردمی ستیزه جویند. (58)

قرآن مبین - مبین موبایل

جدل متشابه با عوض کردن محکم و متشابه با هم است و ضرب برای این برای آن به کار رفته که ضرب ارض همان برداشتن سنگ (متشابه) برای رسیدن به زمین (محکم) است و منظرکشان ظاهرا آن است که می خواهند الهان خود را با حضرت عیسی عوض کنند و بگویند به جای عیسی او را بپرستید و خدا در آیه ی بعد می گوید که او اله نیست بلکه صرفا مثلی برای بنی اسرائیل قرار دادیمش (احتمالا برای فهم قدرت خدا در زنده کردن مردگان و ...)

سوره الزخرف

الْأَخْيَارُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ [67] در آن روز دوستان - غیر از پرهیزگاران - دشمن یکدیگرند. (67)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه مربوط به بعد از تبیین حضرت عیسی است و تا قبل از آن ظاهرا به علت امی بودن بعضی خلیل دیگری بوده اند و عدو نبوده اند اما بعد از آنکه می فهمند آن فقیهان دروغگو بوده اند سبب اختلافشان می شود مگر متقیانی که از آن فقیهان پرهیز می کرده اند زیرا خلیل کسی است که بر وحی پیغمبر دروغ می بندد چنانچه داریم و ان کادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك لتفتري علينا غيره و اذا لاتخذوك خيليا و امی ها متوجه نمی شده اند که آن فقیهان مشغول دروغ لستن به خدایند.

سوره الدخان

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ [4] در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت صادر می شود، (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

فرق متشابه با مکت و رسیدن و انباشته شدن سخن خدا در امام است و منظور ظاهرا آن است که در این شب سخن خدا (قرآن فرقه شده، فرقان) در امام ذخیره می شود تا به مردم رزق دهد

سوره الدخان

إِنَّ يَوْمَ الْقِصَلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ [40] وعده گاه همه در روز داوری، قیامت است. (40)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به تفسیر سیزده مراسلات

سوره الدخان

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ [41] روزی که هیچ دوستی برای دوست خود سودمند نباشد و از سوی کسی یاری نشوند. (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به تفسیر آیه ی قبل این روز همان روزی است که رسول گواه می شود تا مشخص کند چه کسی پیرو محکم او بوده و چه کسی پیرو متشابه او و منظور از مولا امام است (چنانچه در شش احزاب مولایی همان امامت است) و مولای دوم پیروان ائمه که یعنی هیچ مولایی دیگر در آخرت نمی تواند بنده های خود را رزق دهد و بعد در آیه ی بعد داریم الا من رحم الله که این عده همان ائمه اند زیرا آنان به طور محکم پیروان رسول و منظور اویند و متشابه با زنان اویند.

همچنین علت نامگذاری یوم الفصل به فصل همین گرفتن هر مولا بندگان را به پناه خود باید باشد زیرا فصل معنی پناه

دهندگی می دهد چنانچه داریم و فصیلته التي توویبه و منظور از یفصل بینهم آن است احتمالا که هرکس را به دیگری (مولا یش) پناه می دهد هرچند لا یعنی مولى عن مولى شیئا مانند کار حضرت محمد در پناه دادن مهاجرین توسط انصار و منظور از فصل مولایی و پناه دهندگی آن ها میان خودشان باید باشد

سوره الدخان

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ [42] مگر کسی که خدا بر او ببخشد، زیرا اوست پیروزمند و مهربان. (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور ائمه اند چنانچه در حدیث در تفسیر البرهان هم داریم. رجوع شود به تفسیر آیه ی قبل

سوره الجاثیة

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ [4] و در آفرینش شما و پراکنده شدن جنبندگان عبرتهاست برای اهل یقین. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

دابه متشابه با پیرو امام است که در آخرالزمان خروج می کند و می گوید که مردم به آیات ما یقین نداشتند و ظاهر است احتمالا با پیروان امامان باطل بحث می کند

سوره الجاثیة

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَأَيَّاتِهِ يُؤْمِنُونَ [6] اینها آیات خداست که به راستی بر تو تلاوت می کنیم. جز خدا و آیاتش به کدام سخن ایمان می آورند؟ (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آیات سه تا پنج شعراست و به ازای حدیث محدث آمده و کلمه ی آیه هم عینا آمده متشابه با آن است که اگر به صیحه ی آسمانی ایمان نیاورند پس بعد از آن به چه چیز ایمان خواهند آورد؟

سوره الجاثية

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ [14] به کسانی که ایمان آورده اند، بگو: از خطای کسانی که به روزهای خدا باور ندارند درگذرید، تا خود، آن مردم را به جزای اعمالی که مرتکب شده اند پاداش دهد. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

روزهای خدا همان روز قیامت است. رجوع شود به آیه ی سی و چهار.

سوره الجاثية

وَأْتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [17] و آنها را در باره آن امر دلایلی روشن دادیم. و در آن از روی حسد و کینه اختلاف نکردند، مگر آنگاه که دانش یافتند. خدا در روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند داوری خواهد کرد. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا اختلاف در تبعیت از علم است اگرچه همه ی آنها طبق آیه به ببینه(سخن محکم خدا) علم داشته اند اما بغی بین خودشان که ظاهرا همان عدم پرداخت مال و اولاد به نماینده ی خداست همان اختلاف عملی آنهاست و قضی بین آنها همان پس گرفتن آنچه حق است به قسط(سود و بهره، یعنی عین ضرر به همراه خسارت وارده به امام) است.

سوره الجاثية

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ [21] آیا آنان که مرتکب بدیها می بھوند می بھندارند که در شمار کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند

قرارشان می‌دهیم؟ و آیا زندگی و مرگشان یکسان است؟ چه بد داوری می‌کنند. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

قیامت متشابه با زنده شدن است و دریافت پاداش از امام حال آنکه چیزی به امام نداده چیزی هم دریافت نمی‌کند و بنابراین زنده شدن او در آخرت مردن است زیرا او عملی ندارد که زنده شود و اعمالش مرده‌اند و اینگونه محیا و مماتش مساوی است. این شخص وقتی در قیامت زنده می‌شود با وقتی که مرده بود فرقی ندارد زیرا هیچ چیز برای زنده شدن و دریافت از امام ندارد و حال زنده شدنش در قیامت مساوی با وقتی است که مرده بود.

سوره الجاثية

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [23] آیا آن کس را که هوسش را چون خدای خود گرفت و خدا از روی علم گمراهش کرد و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیدگانش پرده افکند، دیده‌ای؟ اگر خدا هدایت نکند چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ چرا پند نمی‌گیرید؟ (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه ظاهراً متشابه با کسانی آمده که فقه دارند اما نه فقه کامل و متشابه با الشعرا یتبعهم الغاوون باید باشد این افراد ظاهراً متشابه با کسانی‌اند که برای رسیدن به دنیایی خوب اول به خود مقداری سختی می‌دهند و از عمل غلط به این امید پرهیز می‌کنند تا به ثواب دنیایی بهتری برسند و این احتمالاً همان ضلالت بر اساس علم و فقه است یا فقیهی که مقداری فقه دارد اما این فقه او را به منظور و تاویل اصلی نرسانده و او به تاویل غیر اصلی متوجه است و از تاویل اصلی غافل است و به آن هدایت نشده است مانند کسی که حج کند و گمان کند وظیفه خود را در قبال این دستور خدا انجام داده و آسوده خاطر شود در حالی که اصل حج شناخت خدا و بیت او و امام است.

سوره الجاثية

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [29] این نوشته ماست که به حق سخن می‌گوید، زیرا ما کارهایی را که می‌کرده‌اید می‌نوشته‌ایم. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

نسخ متشابه با نسی و کاشتن بذر در زمین و پنهان کردن آن است و ظاهرا منظور آن است که ما آنچه انجام می دادید را می کاشتیم چنانچه می دانین حکم به قسط است یعنی به همراه ماحصل عمل و رشد یافته ی آن و در چهار آیه ی بعد که داریم بدا لهم سیئات ما عملوا همان مشخص شدن آنچه است که نسخ و پنهان شده بود.

این آیه ظاهرا در مورد امامان حق است و آیه ی قبل در مورد امامان باطل و منظور از کتابها امام مردم و منظور از کتابنا امام برگزیده خداست که به حق سخن می گوید و محکم سخن را می گوید و منظور از نسخ نسخ نعمت های دنیا در زمین و بیرون دادن آن ها به عنوان نعمت های آخرت در قیامت است.

سوره الجاثیة

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ [33] اعمال زشتشان در برابرشان آشکار شد و آن چیزی که مسخره ایش می کردند گرد بر گردشان را بگرفت. (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آن است که سیئاتشان که همان دنیا پرستی است (چنانچه در دو آیه ی بعد داریم) و مانع رسیدن به آخرت و باعث عذاب آخرت است حال نمایان می شود و شروع به کار می کند و این همان بدی است. وگرنه آنها در دنیا چون دنیا پرست بوده اند سیئه ای از قبل دنیا پرستی به آنها نمی رسیده است مانند کسی که پیرو مردی است و تا وقتی در پیروی از اوست تحت امنیت اوست و از سایر مولاها به او گزندی نمی رسد اما وقتی آن مولا بمیرد سیئه ی تبعیت نکردن از مولای برگتر بر گردنش می افتد.

سوره الجاثیة

وَقِيلَ الْيَوْمَ نُنَسِّكُمْ كَمَا تَسِيبْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ [34] به آنها گفته شود: امروز فراموشتان می کنیم، همچنان که شما دیدار چنین روزتان را فراموش کرده بودید. جایگاهتان در آتش است و شما را هیچ یآوری نیست. (34)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از لا یرجون ایام الله از یوم الله همان روز قیامت است چنانچه داریم لا یرجون لقاء بنا براین منظور لا یرجون لقاء یومکم هذاست که در همین آیه آمده و منظور کار نکردن برای این روز است و ندادن نعمت به امام تا در این روز پس دهد و لقا هم یعنی دریافت و نسیان این روز فقط فراموشی نیست بلکه اگر به یاد آن هم باشند و امام اشتباه داشته باشند نسیان است

سوره الجاثية

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا فَلْتُمَّ مَا تَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِثْمًا وَتَأْتِي بِمُتَّبِعِينَ [32] چون گفته می‌شود که وعده خدا حق است و در قیامت تردیدی نیست، می‌گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ جز گمانی نمی‌پریم و به یقین نرسیده ایم. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آن است که به کشت نعمت و برداشت آن معتقد باشند اما به آخرت نه مانند کسی که در جوانی برای بهره‌ی پیری اش کار می‌کند زیرا ظن متشابه با فهم متشابه است و متشابه آخرت، آینده است

سوره الأحقاف

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكُفْرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ [10] بگو: چه می‌کنید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما بدان ایمان نیاورید؟ یکی از بنی اسرائیل بدان شهادت داد و ایمان آورد. ولی شما گردنکشی می‌کنید. خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

شاهدی از بنی اسرائیل در بطن قرآن لزوماً از خاندان حضرت یعقوب منظور نیست زیرا در بطن قرآن بنی اسرائیل پیروان حضرت نوحند مراجعه شود به آیه‌ی دو اسری

سوره الأحقاف

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفِئْتُمَا لِمَا أُعِدَّانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَفْغِيَانِ اللَّهُ وَيَلْكَ آمَنَ إِنْ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ [17] و آن که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که از گورم برخیزانند و حال آنکه مردمی پیش از من بوده‌اند که برنخاسته‌اند؟ و آن دو به درگاه خدا استغاثه می‌کنند و گویند: وای بر تو ایمان بیاور که وعده خدا حق است. می‌گویند: اینها چیزی جز همان افسانه پیشینیان نیست. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا منظور از والدین نبی و امامند مانند حضرت محمد و حضرت علی اگر نه همه ی والدین به معاد وعده نمی دهند و این نشان از آن است که منظور آیه پدر و مادر زمینی نیستند

قد خلت القرون من قبلی یعنی پیشینیان من زنده نمی شوند یا نشده اند و این را دلیلی بر عدم قیامت می داند زیرا خلی به معنای قوام دار شدن و بودن است و منظور آن است که قرون قبل از من از این امر خالی ماندند و قیامت نیامد و مردگان زنده نشدند و خلی برای امامان هم که زمین از آنها خالی نمی شود می آید و آن همان خلت النذر است

سوره الأحقاف

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ بِيَوْمٍ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ [35] پس پایداری کن، همچنان که پیامبران اولوالعزم پایداری کرده بودند. و در عقوبتشان شتاب مکن. آن روز که آن وعده الهی را که به آنها داده شده بنگرند، پندارند که جز به قدر ساعتی از روز در گور درنگ نکرده اند. این تبلیغ رسالت است. آیا جز نافرمانان به هلاکت می راسند؟ (35)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از رسولان اولوالعزم ظاهرا رسولانی اند که به مقام امامت رسیده اند زیرا عزم به معنی صبر نزد شبهه است تا محکم سخن خدا معلوم شود و این همان امامت است که با آن فرد سخن حقیقی و محکم خدا را به مردم می رساند و بقیه رسولان ممکن است هنوز معنی محکم سخنان خدا را فهم نکرده باشند و حق احتمالا یا همین است که گفتم یا چیزی متشابه با آن

سوره محمد

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ [3] و این بدان سبب است که کافران از باطل پیروی کردند و آنان که ایمان آوردند از حق می رزند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم اتبعوا الحق من ربهم نتیجه ی آن متشابه شدن با حق است زیرا تبعیت کننده با تبعیت شونده متشابه است و منجر به خودمتشابهی عمومی جهان می شود.

سوره محمد

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخَّنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُلْنَ إِنَّهُمْ [4] چون با کافران روبرو شدید، گردنشان را بزنید. و چون آنها را سخت فرو کوفتید، اسیرشان کنید و سخت ببندید. آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة. تا آنگاه که جنگ به پایان آید. و این است حکم خدا. و اگر خدا می خواست، از آنان انتقام می گرفت، ولی خواست تا شما را به یکدیگر بیازماید. و آنان که در راه خدا کشته شده اند اعمالشان را باطل نمی کند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از من ایمان است چنانچه داریم بل الله یمن علیکم ان هداکم للإیمان و ایمان همان ایمنی از عذاب است و منظور از فداء یعنی آنچه که فرد به خاطر عدم ایمانش باید فداء کند تا از عذاب ایمن شود چنانچه داریم:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَن لَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَقْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا ثَقِيلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس فرد یا ایمان می آورد و آنگاه ایمن است یا فدایی می دهد تا ایمن باشد.

همچنین ایمان آنگونه حاصل می شود که فرد از آنکه به او ایمان آورده اطاعت می کند چنانچه در آیا چهارده شانزده و هفده حجرات داریم که منت گذاشتن همان تعلیم و اطاعت است و بدین ترتیب کسی که از کسی اطاعت می کند به او ایمان دارد. به آن معنی که از عذاب نافرمانی او ایمن است. پس یا فرد کافر که حق را تبعیت نمی کند باید منت بپذیرد و حق را تبعیت کند و ایمان بیاورد و یا به خاطر ایمن بودن از عذاب نافرمانی کردنش فدیة ای بپردازد. و فدیة پرداختن متشابه با طعام مسکین است که فک رقبه می کند. زیرا داریم للذین یطیقونه فدیة طعام مسکین. همچنین داریم فک رقبه او اطعام فی یوم نذی مسغبه یتیم ذامقربه او مسکین ذامقربه. پس فدیة ای هم که طلب می شود برای آن است که گردنشان از آنچه باعث نپذیرفتن سخن خدا(اطاعت از خدا، تعلیم یافتن از خدا) می شود پاک شود و بتوانند ایمان بیاورند چنانچه در ضرر افتادن باعث ضل معبودهای باطل و پیروی از خداست و این فدیة نوعی زکات است که آنها را در ضرر می اندازد تا از معبود باطل پاک شوند.

سوره محمد

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلُوّٰ صَدَقُوا اللَّهُ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ [21] فرمانبرداری است و سخن نیکو گفتن. و چون تصمیم به جنگ گرفته شد، اگر با خدا صداقت ورزند برایشان بهتر است. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی قبل است و منظور از عزم امر همان محکم شدن فرمان قتال و نسخ متشابهات آن است چنانچه عزم یعنی صبر نزد شبهه برای یافتن محکم که یعنی اول می گویند چرا فرمان قتال نمی آید و بعد که آیه ای می آید که محکم است و آنان که عزم و صبر دارند را راهنمایی به راه درست می کنند آن ها حرکت نمی کنند

سوره محمد

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ [22] آیا اگر به حکومت رسیدید، می خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندیتان را ببرید؟ (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

فساد در ارض متشابه با جنگ با امام و قطع رحم متشابه با قطع رابطه با امام است زیرا رحم متشابه با ارض و امام است بنابراین بطن صله رحم هم داشتن رابطه با امام است

سوره محمد

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعُونَ لِنُفْقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَنْخُلُ وَمَنْ يَنْخُلُ فَإِنَّمَا يَخْضَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْعَنِي وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أُمَّةَ لَكُمْ [38] آگاه باشید که شما را دعوت می کنند تا در راه خدا انفاق کنید. بعضی از شما بخل می ورزند؛ و هر کس که بخل ورزد، در حق خود بخل ورزیده است. زیرا خدا بی نیاز است و شما نیازمندانید. و اگر روی برتابید، به جای شما مردمی دیگر آرد که هرگز همسان شما نباشند. (38)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه چنانچه در روایات دا یم در مورد ولایت است چنانچه در سوره هود داریم

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

که استخلاف (استبدال) بعد از ابلاغ رسالت به عنوان تهدید برای کسانی که ابلاغ رسالت (که در بطن قرآن همان معرفی امام است) را قبول نمی کنند می آید بنابراین خدا قومی را که ولایت را قبول نمی کنند در عقبه نسخ می کند چنانچه آیات غلط را نسخ می کند (این دو عمل با هم متشابهند) و سنگ ها نابود می شوند و خاک نرم باقی می ماند. این عمل همان حفظ است و برای همین خدا در ادامه ی آیه حفیظ نامیده شده.

فقیر می دانیم کسی است که نمی تواند سنگ را از ارض بردارد تا به او رستنی دهد و غنی کسی است که می تواند این کار را بکند حال اینکه کسی بخل بورزد به منزله ی سنگ زمین خواهد شد که برای خدا رستنی خود را بیرون نمی دهد و طبعاً خدا او را بر می دارد و خاک جایگزین او خواهد بود که امر خدا را اطاعت می کند.

سوره الفتح

سوره الفتح

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا [1] ما برای تو پیروزی نمایانی را مقدر کرده ایم. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

لین فتح متشابه با سکینه و گرفتاری ای است که خدا برای مومنان در جنگ ایجاد کرد تا مصطر شوند و گناهان و معبودان باطلشان پاک شود و در بهشت بر آنها فتح شود برای همین در آیات بعد سخن از غفران و ورود به بهشت و سکینه است. این تاویل با خطاب دانستن مومنان به جای حضرت محمد (به علت تشابه طولی شان) انجام می شود.

سوره الفتح

لِيَعْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا [2] تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو بیامرزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم راه نماید. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سه نصر

قدم متشابه با دنیا است و آنچه کاشته شده و پنهان است و بعدا بروز می کند و اخر یعنی آنچه بروز کرده و در حال انجام است و منظور ظاهرا دشمنی آشکار و پنهان مکیان با حضرت محمد است که هر دو ظاهرا بخشیده شده و تاویل آن احتمالا ظهور حضرت قائم است زیرا برای حضرت محمد فقط ظاهر دشمنی مکیان از بین رفت و دشمنی آل امیه باقی ماند اما در قیام حضرت قائم آن ها دیگر دشمنی پنهانشان را هم که در دل های خود کاشته و آبیاری کرده بودند نخواهند توانست آشکار کنند چنانچه یزید آشکار کرد.

کسی چیزی را در لحظه می دهد و این همان تقدم (تعجل) است و کسی چیزی را با تاخیر می دهد و ابتدا چیزی را می کارد تا رشد کند و بزرگ شود و بعد آن را می دهد و این همان تاخر است.

سوره الفتح

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [4] اوست که بر دل های مؤمنان آرامش فرستاد تا بر ایمانشان پیوسته بیفزاید. و از آن خداست لشکرهای آسمانها و زمین، و خدا دانا و حکیم است. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

سکینه متشابه با اضطراب است که انسان چون در حال اضطراب فقط خدا را می خواند و از معبود باطل دوری می گزیند پاک می شود و از عذاب خدا ایمن می شود و این همان ایمان است برای همین تنزیل سکینه بر قلوب مومنین را خدا جهت ایمان بیشتر آن ها خوانده و این سکینه و گرفتاری همان ترس از دشمن در جنگ تاویل می شود که در آیات بعد آمده بنابراین یکی از علل گرفتاری مومنان آن است که خدا می خواهد بر ایمان آنان بیفزاید.

سوره الفتح

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَلَوْ لَرَجُلٌ مِّنْهُمْ مَنْ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ وَإِنِّي لَمِنَ الْكٰفِرِينَ [25]

ایشان همانهاییند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند که قربانی به قربانگاهش برسد. اگر مردان مسلمان و زنان مسلمانی که آنها را نمی‌بهناسید در میان آنها نبودند و بیم آن نبود که آنها را زیر پای درنوردید و نادانسته مرتکب گناه شوید، خدا دست شما را از آنها باز نمی‌داشت. و خدا هر که را بخواهد مشمول رحمت خود گرداند. اگر از یکدیگر جدا می‌بودند، کافرانشان را به عذابی دردآور عذاب می‌کردیم. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

مسجد حرام متشابه با بیت خداست و هدی احتمالاً متشابه با هدایت در بیت و قوت اهل بیت است و بلاغ آن به محل یعنی نمی‌گذارند تا رسول به آنانکه به او ایمان آورده اند سخن خود را برساند و ابلاغ کند که آن همان به دست امام انجام می‌شود و انتخاب امام است و اینها متشابه است با آنچه گفته شده ظاهراً.

سوره الفتح

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَلَوْ لَرَجُلٌ مِّنْهُمْ مَنْ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ وَإِنِّي لَمِنَ الْكٰفِرِينَ [25]

ایشان همانهاییند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند که قربانی به قربانگاهش برسد. اگر مردان مسلمان و زنان مسلمانی که آنها را نمی‌بهناسید در میان آنها نبودند و بیم آن نبود که آنها را زیر پای درنوردید و نادانسته مرتکب گناه شوید، خدا دست شما را از آنها باز نمی‌داشت. و خدا هر که را بخواهد مشمول رحمت خود گرداند. اگر از یکدیگر جدا می‌بودند، کافرانشان را به عذابی دردآور عذاب می‌کردیم. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه داریم لم تعلموهم منظور ممکن است دانایی به مومن از کافر نباشد چنانچه بعدش داریم اگر جدا می‌شدند کافرانشان را عذابی الیم می‌کردیم پس علت چیزی است که خدا را هم باز داشته از عذاب آنها (به شرط آنکه منظور از خدا در اینجا رسولش و مومنان نباشد) بنابراین تزیل به معنی جدا شدن مومن از صلب کافر شاید درست تر باشد علم هم احتمالاً متشابه با جدا شدن آمده و نمونه‌ی آن فلیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الله الکاذبین است که به معنی مشخص کردن و جدا کردن است و نه فهمیدن.

سوره الفتح

إِن جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا [26]

آنگاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب، تعصب جاهلی

سپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مؤمنان فروفرستاد و به تقوی الزامشان کرد که آنان به تقوی سزاوارتر و شایسته تر بودند و خدا بر هر چیزی داناست. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از سکینه ظاهرا باز همان اضطرار ناشی از معبودان باطل (متشابه طولی با مشرکان) و گرفتاری ناشی از آن هاست که مومنان تقوا می کنند و در آن دعوا کوتاه می آیند و برای آنکه با جنگ و دعوا با آن ها آسیبی به آنها نرسد تقیه می کنند و کوتاه می آیند و از آن ها پرهیز می کنند. بنابراین ظاهرا یک تاویل از سکینه قدرت مشرکان در این کار است که مومنان را مضطر می کند و چون مضطر می شوند از معبود باطل (مشرکان و آذیت و آزار و میل به کشت و کشتار آنها) پاک می شوند و خدا مومنان را برای این کوتاه آمدن سزاوارتر می داند زیرا این مومنانند که هنگام اضطرار معبود باطل باعث شد دست از آن معبودان بکشند اما مشرکان خیره سری کردند و باز معبودان باطل را پرستیدند برای همین مومنان به پرهیز از بدی ها و کوتاه آمدن در این جهت سزاوارترند

سوره الفتح

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا [28] اوست که پیامبرش را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند. و خدا شهادت را کافی است. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

دین حق متشابه با یا همان پیروی از امام است (مراجعه شود به بیست و پنج نور)

دین متشابه با سخن و نعمت است و حق متشابه با محکم و دین حق همان سخن محکم خداست نسبت به متشابهات

سوره الفتح

مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوَارِقِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهَا فَأَرْزَهُ فَاسْتَقْلَطُ فَاسْتَوَىٰ عَلَى سَوْفِهِ يُعْجِبُ الرِّزَاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا [29] محمد پیامبر خدا، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان. آنان را بینی که رکوع می کنند، به سجده می آورند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند. نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست. این است وصفشان در تورات و

در انجیل، که چون کشته ای هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و بر پاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد. خدا از میان آنها کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به آموزش و پاداشی بزرگ وعده داده است. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

عجب متشابه با گرایش است و ظاهرا معنایش این است که زارعان (آنان که دین و سخن خدا را می کارند و در قلوب مردم پخش می کنند و سخن خدا را به گوش مردم می رسانند) از رستن این تخم تعجب می کنند و به کشت آن و رساندن آن به مردم مشغول می شوند

سوره الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [1] ای کسانی که ایمان آورده اید، بر خدا و پیامبر او پیشی مگیرید و از خدا بترسید، زیرا خدا شنوا و داناست. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

تقدم کردن متشابه با کاشتن متشابهات برای دریافت محکومات است زیرا داریم ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله. که در اینجا ظاهرا یعنی در حضور خدا و رسولش متشابهات قرآن و اعمال و مال و اولاد خود را به ظن و اختیار خود نکارید تا در نزد خدا محکمش را برداشت کنید بلکه هنگام حضور پیامبر او وکیل این کار است. همچنین تقدم متشابه با تعجل است زیرا هر دو خلاف تاخر می آیند بنابراین این یعنی صبر کنید تا خود خدا و رسول حکم چیزی را که نمی دانید نازل کنند و بیان کنند.

پس قدم متشابه با رفع و بین یدی متشابه با علی است زیرا بعدش داریم لا ترفعوا اصواتکم فوق(علی) صوت النبی.

اینکه داریم من بین یدیه و من خلفه پس بین یدیه یعنی هرگاه سخنی بگوید خدا رصدی بر او گماشته که صدای رصد از او بلند تر است و حرف او را نسخ و محکم می کند و آن همان آیه ی 52 حج است که حرف رسول با محکومات محکم می شود و و من خلفه یعنی هرگاه امری را نگوید خدا به استخلاف آن رصدی گماشته تا سخن بگوید و آن متشابه با امام بعد از رسول است که از خلف او می آید. تقدم که کاد به قیام است برای مبارزه و محکم کردن سخن متشابه و نسخ باطل می آید و خلف که کاد به خلی است برای وقتی که سخنی گفته نشده

سوره الحجرات

سوره الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ [2] ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر مکنید و همچنان که با یکدیگر بلند

سخن می گویند با او به آواز بلند سخن مگویند، که اعمالتان ناچیز شود و آگاه نشوید. (2)

آنچه عمل را نابود می کند کفر به ایمان است چنانچه داریم و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله که باز نشان می دهد این ها همان اعراب آیه ی چهارده و هفده همین سوره یا متشابه آنان اند

و رفع صوت منظور علی کردن وجه خود بر وجه نبی است تا او را مطیع خود کنند زیرا رفع متشابه با علی است و از اینکه داریم عملتان حبط می شود یعنی بالا بردن صوت همان کفر به ایمان است و گوش ندادن به حرف بیت اوست. این آیه باز می گوید ایمان آن است که روی حرف خدا حرف نزنید

کسانی که صدای خود را بلند می کنند و غض نمی کنند(که در آیه ی سه آمده) متشابه با خرنند زیرا داریم اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر و خر کسی است که قرآن به او رسیده و حمل می کند ولی نمی داند درون آن چیست زیرا داریم مثل الذین حملوا التورات ثم لم يحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا و این خرن در برابر امامان آمده اند که انعامی هستند که سخن رسول را حمل می کنند به حرم آمن و این حاملی همان حاملگی مادر است و خرن محتوای کتاب را نمی فهمند و به راه کج می روند و امامان می فهمند و سخن خود را نزد حضرت محمد کم می کنند

این آیه در ادامه ی آیه ی قبل است در آیه ی اول دستور به صبر بود تا آیات نازل شود و پیامبر بیان کند و در این آیه دستور به خاموشی هنگام سخن گفتن پیامبر است

سوره الحجرات

إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَسْوَأَتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ [3] کسانی که در نزد پیامبر خدا صدایشان را پایین می آورند همانها هستند که خدا دلهايشان را به تقوی آزموده است. آنها راست آمرزش و مزد بسیار. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا می دانیم که تقوی متشابه با ایمان است و اینکه در روایات داریم کسی که قلبش به ایمان امتحان شده باشد احتما لا منظور همین آیه است و مراد از تقوی در اینجا همان ایمان باید باشد. چنانچه این سوره در مورد ایمان است و در آیه ی قبل داشتیم که عملتان حبط می شود و آن همان کفر به ایمان است. بنابراین این آیه یعنی کسانی که صدای خود را نزد رسول کوتاه می کنند همانانند که عملشان حبط نمی شود زیرا خدا قلبشان را به ایمان امتحان کرده و حبط عمل مربوط به کسانی است که به ایمان کفر می ورزند و ایمان همان ولایت خدا و رسول و اولی الامر است که امام است

سوره الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ [6] ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید، مباد از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید، آنگاه از کاری که کرده اید پشیمان شوید. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

فسق متشابه با استبدال قول است و این آیه ظاهرا یعنی اگر کسی فاسق و دروغگوست و قول خود را تغییر می دهد خبری برایتان آورد (خبر متشابه با حاصل ابتلاست که همان ایمان است) پس تبیین کنید که همان فهم محکم از متشابه است زیرا آن ها در سختی مومن و در راحتی کافرند. و شهادت آن ها به ایمانشان را به خاطر سختی نباید پذیرفت

سوره الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ [12] ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان فراوان بپرهیزید. زیرا پاره ای از گمانها در حد گناه است. و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید. و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ يك از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت. و از خدا بترسید، زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامه ی آیه ی شش و متشابه با آن است و منظور آن است که کسی پیرو سخن متشابه (غیب) برادرش نشود زیرا سخنان خدا متشابه با مومنان به منزله ی فرزندان خدایند و مومنان با هم برادرند و بعضی محکمند و بعضی متشابه که محکم ها متشابه با زنده ها و متشابه ها متشابه با مردگانند که پیرو سخنان متشابه خدا شده اند و پیروی از سخن آن ها که فاسقند بدون معلوم کردن محکم آن مانند خوردن گوشت مرده است. در اینجا ظاهرا آنکه غیبت می شود همام امامان باطل و آنکه غیبت می کند همان پیروان امامان باطلند و امام باطل عملش متشابه زنا و پیرو او متشابه با غیبت کننده است.

در اینجا منظور از غیبت ظاهرا ذکر کار غلط برادرش است که ظاهرا مثال این است که او کار غلطی کرده و به منزله ی آن است که مرده باشد (زیرا مرگ متشابه با عدم رویش متشابهاتی است که در زمین کاشته شده و مانند آن است که تخمی را به جای کاشت در زمین تپاه کرد) و شما با ذکر آن مانند آن است که از آن عمل می خورید و پیرو آن می شوید شاید به خاطر همین باشد که کسی که دیگری را سرزتش کند خود دچار می شود.

سوره الحجرات

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ [13]

ای مردم، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم. و شما را جماعتها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

کرم متشابه با پدری است و هرکه تقوا کند و روی حرف حضرت محمد حرف نزند چنانچه در آیات یک و دو آمد که تقوا محسوب شده از همه بیشتر لایق کریم بودن است که معنای آن همان جانشینی و امامت است و در ادامه ی لا یسخر بعضکم بعضاست که آمد که بیهوده خود را بالاتر از دیگران ندانید زیرا ملاک برتری خاموش بودن به سخن خدا و پیامبر است و ملاک کهنتری عرعردم مانند خرانی است که روی حرف پیامبر بدون دلیل و با ظن حرف می زند

سوره الحجرات

قُلْ أُنْعَلِمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [16] بگو: آیا می خواهید خدا را از دینداری خویش آگاه کنید؟ حال آنکه خدا از هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است آگاه است و او به هر چیزی عالم است. (16)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز در ادامه سبک کلی سوره است که روی حرف پیامبر حرف می زند و با ظن خود آیات قرآن را تفسیر می کنند.

سوره الحجرات

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَقُورٌ رَحِيمٌ [14] اعراب بادیه نهشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بگویید که تسلیم شده ایم، و هنوز ایمان در دلهایتان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید از ثواب اعمال شما کاسته نمی شود، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

يَمْتُونُ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمْتُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ [17] از اینکه اسلام آورده اند بر تو منت می گذارند. بگو: به خاطر اسلامتان بر من منت مگذارید، بلکه خدا بدان سبب که شما را به ایمان راه نموده است بر شما منت می نهد، اگر راست می گویید. (17)

قرآن مبین - مبین موبای

منت آن است یا متشابه با آن است که از عذاب و سخن دیگران باز می دارد چنانچه داریم فمن الله علينا و وقانا عذاب السموم و حال این عده منت گذاشته اند متشابه با آن است که سعی کرده اند منت بگذارند (متشابه طولی) بدین معنی که متشابه با آن است که می خواسته اند به خاطر اسلام آوردنشان حضرت محمد را به حرف خود در آورند و از سخن دیگران (غیر خدا) باز کنند چنانچه موضوع کلی سوره بلند کردن صدا روی حضرت محمد و .. است بعد داریم بلکه اگر راست می گویید که ایمان آورده اید پس ایمن شده اید از عذاب خدا و گوش دادن به سخن دیگرانی غیر از خدا و رسولش یعنی اینکه ادعا می کنید ایمان آورده ایم به این معنی است که منحصرأ به حرف حضرت محمد گوش می کنیم و در بیت او می مانیم پس اگر راست می گویید که به او ایمان آورده اید چرا سعی می کنید که حرف دیگرانی غیر از او مانند خودتان را به کرسی بنشانید بلکه مومن شدن پذیرفتن منت و حصار مولاست و اگر کسی می خواهد به مولایش فرمان دهد و حصار (منت) بگذارد تا به حرف او گوش کند پس به او ایمان نیاورده است و اگر ایمان آورده اید پس منت خدا بر سر شماست و شما تابعان خدا و رسولید و حرف کسی جز آن ها را نمی پذیرید اما شما حرف او را نمی پذیرید و این استدلال واضحی است از عدم ایمان آنها که بدیهی و حق است و عملشان نقیض ادعایشان است در آیه ی هفده ادعا می کنند مومند اما با این استدلال اثبات می شود کسی که به حضرت محمد تلاش می کند منت بگذارد تلاش می کند او را مطیع خود کند) مومن نیست و ظاهرا منظور آیه ی هفده همان اعراب آیه ی چهارده هستند که خدا آنان را به خاطر سعی در منت گذاشتنشان مومن معرفی نمی کند و مسلم می خواند و در آخر آیه اشاره می کند به ادعای ایمان آنها که اگر مومن بودند تحت منت و فرمانبرداری خدا و رسولش بودند (خدا و رسول متشابه طولی اند و در اینجا خدا منت می گذارد ممکن است رسول منظور باشد) پس صادق نیستند در ادعای ایمانشان.

در اصل احتمالا این آیه اینگونه است یمنون علیک ان اسلموا(و هم یزعمون انهم آمنوا و یمنون علیک باقوالهم اننا آمننا) قل لا تمنوا علی ایمانکم الذی تحسبون بل الله یمن علیکم ان هداکم لایمان ان کنتم صادقین انکم آمنتم

بر تو منت می گذارند که ایمان آورده ایم (حال آنکه اسلام آورده اند و ایمان نیاورده اند و دروغ می گویند) بگو (چنانچه گمان می کنید ایمان آورده اید) پس نباید بر من منت گذارید به خاطر ایمانتان (که اسلام است و گمان می کنید ایمان است) بلکه خدا بر شما منت می گذارد که شما را به ایمان هدایت کرده است اگر راست می گویید که ایمان آورده اید.

سوره ق

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ [19] به راستی که بیهوشی مرگ فرامی راسد. این است آنچه از آن می گریختی. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

سکر ماشابه با حالتی است که انسان سخنی می گوید که نمی داند چنانچه داریم لا تقربوا الصلوه حتی تعلموا ما تقولون و این آیه در ادامه ی آیه های قبل است که داریم سخناتش را ثبت می کنند و منظور متشابه با هذیان های مرگ است که به زبان می راند و همچنین متشابه با سخن ضمیر اوست که خود معنایش را مقرر نیست و نمی داند اما هنگام مرگ از او دریافت می کنند.

سوره ق

مَنَاعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيْبٍ [25] آن که از بخشش امساک ورزید و تجاوزکار بود و شك می آورد، (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آخر ماعون است که داریم یمنعون الماعون و همچنین داریم ما منعنا ان نرسل بالایات الا ان کذب بها الاولون و می دانیم که ابلاغ رسالت آیات با امام انجام می شود بنابراین منظور از خیر متشابه با امام است که به خاطر تکذیب پیشینیان منع می شوند از آمدنشان و اولون اینجا ممکن است ابوبکر و عمر هم جزو تاویلاتش باشد. و در آیه ی بیست و هفت که طغیان آمده در ادامه و تایید همین است زیرا طغیان، طغیان در میزان است و میزان متشابه با ارض و امام است. و منظور از ضلال همان عدم هدایت به سبیل است و سبیل متشابه با امام است

سوره ق

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتَهُ وَلَكِنْ كَانِ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ [27] همنشین او گوید: ای پروردگار ما، من او را به سرکشی وادار نکردم، بلکه او خود سخت در گمراهی بود. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعة شود به آیه ی بیست و پنج

سوره ق

هَذَا مَا توعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ [32] این همان چیزی است که به هر توبه کننده پرهیزگاری وعده ایش داده بودند. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

چنانچه از آیه ی قبل هم پیداست منظور از وعده بهشت است و همان است که داریم ربنا آتنا ما وعدتنا علی رسلک و رسول همان ابلاغ کننده ی رسالت توسط نذیر(امام) است و امام نعمت دنیا را می گیرد و نعمت آخرت (بهشت) تحویل می دهد و عمل امام همان است که رسول به آن برای امت وعده گرفته است و همان بهشت است. و در آیه ی بعد باید گفت انما تنذر من خشى الرحمن بالغیب و نذر توسط نذیر که همان امام است انجام می شود بنابراین این سه آیه در مورد رسول و نذیر و امت است که رسول وعده می دهد هرکس نعمت را در دنیا به امام دهد در آخرت وعده ی بهشت دارد و نعمت را در آنجا باز می یابد و منظور از حفیظ هم حافظ متشابه با امام است و حفیظ تبعیت کننده از اوست.

سوره ق

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ بِالْقَبْلِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّئْتَبِرٍ [33] آنهایی را که در نهان از خدای رحمان می ترسند و با دلی توبه کار آمده اند، (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

غیب متشابه با متشابه است و خشیه متشابه با عذاب و رجوم و ظاهرا یعنی کسی که از متشابهات خدا و نعمت ها و عذاب های متشابه او پرهیز کند و آن ها را برتر از نعمت و عذاب محکم خدا نداند. پس چنین فردی نذر می گیرد و حرف امام(نذیر) را که سخن محکم خدا را بازگو می کند تبعیت می کند.

سوره الذاریات

وَالذَّارِيَاتُ ذُرْوًا [1] سوگند به بادهایی که خاک می پراکنند. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی سه

سوره الذاریات

وَالْحَامِلَاتُ وِقْرًا [2] سوگند به ابرهای گرانبار. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی سه

سوره الذاریات

فَالجَارِيَاتِ يُسْرًا [3] سوگند به کشتیهایی که به آسانی روانند، (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

جاریات متشابه با اعلام و علامتند که باعث فهم محکم می شوند چنانچه داریم الجوار فی البحر کالاعلام و یسر هم همان فهم محکم است و یعنی علاماتی که باعث فهم محکم می شوند منظور از این آیه احتمالا رسول و به طور خاص حضرت محمد است که به امام راهنمایی می کند و منظور از حاملان و قر امام است که قرآن نازل شده را در خود مانند ینبوع نگه می دارد و منظور از ذاریات همان فرشتگانی اند که قرآن را به حضرت محمد و امام نازل می کنند و قرآن در اینجا متشابه با تخم آمده است

سوره الذاریات

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ [41] و نیز عبرتی است در قوم عاد آنگاه که باد عقیم را بر آنها فرستادیم. (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا منظور از عقیم بی باران است زیرا عقیم ظاهرا یعنی بی نطفه و چون نطفه متشابه با باران است در اینجا از آن استفاده شده و منظور آن است که بادی که دارای نعمت نیست (و مثلا برای عذاب است).

سوره الذاریات

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [49] و از هر چیز جفتی بیافریده ایم، باشد که عبرت گیرید. (49)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از زوج ظاهرا ابوا الامه که حضرت محمد و حضرت علی اند هست. و تذکر همان عمل حضرت محمد در دعوت به حضرت علی است چنانچه داریم ما هو الا ذکر للعالمین لمن شاء ان یتتقیم یا تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا

سوره الطور

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ [4] و قسم به بیت المعمور، (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

چون نقص به معنی عدم قوام است عمر که خلاف آن است معنی قوام می دهد و بیت المعمور معنی خانه ی با قوام می دهد که همان حرم آمن است که چیزی از اموال و اولاد که در آن می آید قوام دارد و از بین نمی رود و متشابه با آخرت است و در آن تاخیر و عمر دارد.

سوره الطور

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ [6] و قسم به دریای مالمال، (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

بحر متشابه با مال التجاره و اموال و اولاد است و منظور از آتش کشیده شدنش ظاهرا از بین رفتن این اموال و اولاد باشد زیرا که در حرم آمن نرفته اند و به بیت معمور نرسیده اند

سوره الطور

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ [15] آیا این جادوست یا شما نمی بینید؟ (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

سحر متشابه با متشابه است و بصر وسیله ی فهم محکم از متشابه است و ظاهرا منظور آن است که آیا باز گمتن می کنید آنکه جهنم حقیقت دارد منظور د اثبات محکم نیست یا آنکه شما توان فهم محکم را ندارید چون وقتی چیزی را انسان اثبات می کند ممکن است چیزی متشابه را به جای محکمش نشان دهد که کافران همین گمان را داشته اند اما حال خدا می

گوید بلکه شما توان فهم محکم نداشته اید و اثبات محکم بوده است

سوره الطور

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ [30] یا می گویند: شاعری است و ما برای وی منتظر حوادث روزگاریم. (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

طبق این آیه شاعر کسی است که سخنش ریب دارد و متشابه را به جای محکم می پندارد اما شاعران اصلی خود این افرادند زیرا حضرت محمد متربص ریب آنهاست زیرا می گویند سخنی مانند قرآن می آوریم اما نمی آورند و متشابهات را به جای محکومات می گویند.

سوره الطور

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ [31] بگو: شما منتظر بمانید که من نیز با شما انتظار می کشم. (31)

قرآن مبین - مبین موبایل

انها متربص ریب از سخنان حضرت محمدند و حضرت محمد هم در سه آیه بعد می گوید فلیاتوا بسوره مثله ان کنتم صادقین که یعنی متربص ریب از آن هاست زیرا داریم ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله که یعنی منظور از متربص به ریب بودن حضرت محمد این است در اصل این است انی معکم من المتربصین بکم ریب المنون فان کنتم فی ریب مما نزل علی فاتوا بسوره من مثله ان کنتم صادقین

در اصل در اینجا حضرت محمد به آن ها می گوید شما متربص تناقض از من باشید و من نیز منتظرم تا شما سخنی مانند قرآن بیاورید و ادعا کنید تناقضی در آن نباشد و اگر از کار من در ریبید پس این کار را بکنید که من نیز مانند شما متربصم

سوره الطور

وَأَن يَزُودَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ [44] اگر بنگرند که قطعه ای از آسمان فرومی افتد، می | گویند: ابری است متراکم. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی عدم فهم محکم از جانب آن هاست که سنگ های آسمانی را باران می بینند چنانچه در آیه پانزده هم سخنان حضرت محمد را سحر و متشابهات می دانستند

سوره النجم

سوره در مقایسه ی محکم و متشابه و به تبع آن وحی و هوی، دنیا و آخرت، منی و سعی، ظن و حق و امور متشابه آمده و آنکه متشابه از محکم بی نیاز نمی کند و متشابه با نجم و هلاک نابود می شود.

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ [1] قسم به آن ستاره چون پنهان شد، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

در این آیه عمل حفاظت نجم از آسمان و سخن حق آمده که اگر کسی به راه غلط بخواهد به آسمان برود و سخن متشایع را دریافت کند نجم او را می زند و در آیه ی بعد داریم

مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَمَا عَوَىٰ

که غوی یعنی تبعیت از شیطان و سخن متشابه او و ضل یعنی خواندن معبود باطل پس آنکه نجم مانع قوام یافتن فرد در سخن باطل می شود گواه بر آن آورده شده که حضرت محمد بر سخن باطل نیست. و گواه بر وحی بودن (درست بودن و محکم سماوی بودن) سخن حضرت محمد آورده می شود اینها یعنی اگر این سخنان را با وحی نفهمیده بود و غاوی بود مثلاً مانند آنچه در شعرا آمده در هر وادی سرگردان بود(به وسیله ی نجوم)

هوی متشابه با منکر است و این آیه دلیلی است که وقتی مردم کاری منکر و هوی انجام می دهند خدا نیز به تقابل آن عذابی منکر هوی می کند برای همین داریم که ائمه گفته اند هرگاه مردم به گناهی دست بزنند که قبل از آن ها نبوده خدا عذابی را می فرستد که قبل از آن ها نبوده زیرا عذاب عمل نجم و متشابهاتش است و آن ها اهل هوی اند.

سوره النجم

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ [3] و سخن از روی هوی نمی گوید. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

نطق متشابه با شهد است و ما یناطق عن الهوی یعنی شهادت او دروغ نیست و اثبات درست بودن سخنش درست است و این گواه آیه ی بعد می شود که سخن او راست است. در اصل شهادت برای تشخیص محکم از متشابه است و در اینجا برای تشخیص وحی از هوی.

سوره النجم

إِنَّ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ يُوحَى [4] نیست این سخن جز آنچه بدو وحی می شود. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیات قبل است و فرق بین وحی و هوی آورده شده که همان اصابت نجم با هوی است و آزادی وحی این چهار آیه به همراه آیه ی بعد (علمه شدید القوی) متشابه باچنین آیاتی است:

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حَكَمًا عَزِيمًا وَلْتُنَّ اتَّبِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَتَا وَاقٍ

سوره النجم

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى [22] این تقسیمی است خلاف عدالت. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از برای شما مذکر و برای او مونث است آن است که آیا گمان کرده اید بتهای شما مذکر و شوهران ملائکه اند و به آن ها حکم می رانند؟ برای همین این کار قسمت نامیده شده زیرا قسمت متشابه با مدرج کردن و درجه دادن کسی بر دیگری است. و منظور از مرد و زن در آیه قبل ظاهرا برتری مرد بر زن است.

سوره النجم

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَتَّى [24] آیا هر چه آدمی آرزو کند برایش حاصل است؟ (24)

قرآن مبین - مبین موبایل

منی یعنی مخلوط محکم و متشابه که متشابه با آبی است که از آسمان می آید اما باید در ارض و ینبوع (امام) ذخیره شود تا مفید باشد و بتواند به سعی (زنده شدن) تبدیل شود و همان سعی است که برای انسان است یعنی جدا کردن محکم از متشابه. متشابه با آن است که نزول قرآن محکم و متشابهش مخلوط است اما عروج آن فقط باید محکم باشد تا به سمت خدا بالا برود و نبی قرآن خام را داده اما عروجش به عهده ی امام است و بدون امام ابلاغ رسالت نمی شود و سعی انسان بالا می رود و منی او برایش باقی نمی ماند. و به خاطر همین که آنچه تمنی شود برای انسان نیست بلکه باید به

سعی برسد تمنی نبی هم برای او فایده ای ندارد مگر آنکه آن را به سعی برساند چنانچه داریم بلغ فان لم تفعل فما بلغت رسالته. همچنین چون داریم لیس للانسان الا ما سعی پس از خواندن قرآن آن مقداری مفید است که محکمش را بفهمیم اگر نه ام للانسان ما تمنی؟! و داریم یتمنی نبی قالقی الشیطان فی امنیته

سوره النجم

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى [26] و چه بسیار فرشتگان در آسمانند که شفاعتشان هیچ سود ندهد، مگر از آن پس که خدا برای هر که خواهد رخصت دهد و خشنود باشد. (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در مورد دهری مذهب هاست که می گویند نیروهای طبیعت و ملائکه به فرمان مایند و از این رو مونث خوانده شده اند و می گویند بت ها مذکوند و آن ها تعیین می کنند چه باید در آسمان ها کرد و خدا می ءوید بلکه آسمان ها مذکوند و از آنجا بود که وحی بر حضرت محمد شد و ملائکه مذکوند و نمی توانید به فرمان درشان آورید و چه بسیار شفاعتشان سود نبخشد و شفاعت در اینجا احتمال دارد همان گوش دادن به فرمان انسان باشد و داریم آیا شما لات و عزی و منات را دیده اید که وحی کنند که می گویند مذکوند؟

یعنی شفاعتشان (تفسیرش از قرآن) به مردم (شیاطین) نمی رسد زیرا اذن ورود ندارند و آنچه این شیاطین (مناه و لات و عزی) می گویند دروغ است

سوره النجم

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لِيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى [27] آنان که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به نامهای زنان می نامند. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

ملک متشابه با دین دهنده و تذکردهنده و معلوم کننده ی محکم کتاب است که اناث بودن آن یعنی بت های مذکر ما کتاب را تفسیر می کنند و دین را معلوم می کنند این همان لا تنکحوا ازواجه من بعده ابداست که داریم با زنان پیغمبر که همان کتاب و قرآنش و امام است نباید ازدواج و حکمرانی کنید بلکه این ها مذکوند نه مونث و شما باید فرزند امام باشید ملک متشابه با امام است که محکم کتاب را مشخص می کند.

سوره النجم

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا [28] اینان را بدانچه می گویند هیچ دانشی نیست. تنها از پندار خود پیروی می کنند و پندار برای شناخت حقیقت کافی نیست. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظن متشابه با منی است که در آیه ی بیست و چهار آمده ام للانسان ما تمنى و در اینجا می آید که منی از حق بی نیاز نمی کند

سوره النجم

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْقَوَاعِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنْ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتَ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى [32] کسانی که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می کنند - جز آنکه گناهی کوچک از آنها سرزند- بدانند که آمرزش پروردگار تو وسیع است و او به شما، آنگاه که از زمین بیافریدتان و آنگاه که در شکم مادران پنهان بودید، آگاه تر است. خویشتن را بی گناه ندانید. اوست که پرهیزگار را بهتر می شناسد. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

زکات و زکی متشابه با تقاه و تقی است و لا تزكوا انفسكم یعنی تقوای خود را رعایت نکنید زیرا باید تقوای خدا را رعایت کنید و منظور آن است که از خود اله مانند لات و عزی و مناه نسازید و بعد برای آن ها تقوی و تزکی درست کنید و خدا می گوید پدر شما منم که شما را از ارض بیرون آوردم و در امام کاشتم شما باید از ولایت خدا و امام تقوی کنید. منظور از لا تزكوا انفسكم احتمالا انتخاب امام به دست خود امت و منظور از هو اعلم بمن اتقى آگاهی خدا از امام است.

سوره النجم

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى [39] و اینکه: برای مردم پاداشی جز آنچه خود کرده اند نیست؟ (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه ی بعد و آن سعیه سوف یری متشابه با آن آمده که حضرت محمد ربش را دید اما مشرکان ربشان را ندیدند (درهمین سوره آمده) و رب مشرکان متشابه است و محکم نیست و منی است که دیده نمی شود اما سعی دیده می شود

سوره النجم

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى [41] سپس به او پاداشی تمام دهند. (41)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اوفی باید همان تخمی باشد که هفتصد برابر برداشت باشد چنانچه سعی همان عروج تخم و درآمدنش از خاک است و وفی در اینجا باید همان پرداخت هفتصد دانه توسط گیاه جدید باشد که اوفی از وفی اولیه که یک تخم بود است.

سوره القمر

اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ [1] قیامت نزدیک شد و ماه دو پاره گردید. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

قمر متشابه با ارض و امام است و ساعه همان سبز شدن زمین است و انشقاق آمادگی زمین برای بیرون دادن کشت خود که همان اعمال مومنان است که به امام داده اند و انشقاق قمر که متشابه با سبز شدن زمین است همان پیدا شدن ماه در اول ماه قمری است زیرا سبز شدن متشابه با پیدا شدن است و در مورد زمین سبز شدن و در مورد ماه پیدا شدن است

انشقاق ارض یا قمر همان پاک شدن سنگ از آن و آمادگی جهت کشت و رشد گیاه است که برابر با خاضع شدن عنق در فطلت اعناقهم لها خاضعین است

سوره القمر

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ [2] و اگر معجزه ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی بزرگ است. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیه متشابه با خاضع کننده است و منظور همان عامل انشقاق قمر است

سوره القمر

حِكْمَةٌ بِالْعَمَةِ فَمَا تَغْنِ الثُّدْرُ [5] حکمتی است تمام. ولی بیم دهندگان سودشان ندهند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از نذر همان امان است که با نذیر و رصد متشابهند چنانچه در بیست و یک احقاف و اواخر جن بین یدی و خلف به دست نذر و رصد خوانده شده. و منظور از محکم شدن سخن خدا توسط ائمه است که متشابهات غلط را نسخ می کنند و منظور از ابلاغ باز مرتبط با محکم شدن سخن خدا به دست رصد (امام، نذیر) است چنانچه در اواخر جن داریم که برای آنند تا خدا مطمئن شود که سخن او را ابلاغ کرده اند. بنابراین ابلاغ که به واسطه امام است در این آیه توضیح می شود که نذیرها یا همان امامها حکمتی بالغ آوردند و محکم را از متشابه تمیز دادند اما فما تغن الثدر.

سوره القمر

إِذَا مَرَسِلُوا النَّاقَةَ فِئْتَةً لَهُمْ فَارْتَمَتِهُمْ وَأَصْطَبِرُ [27] ما آن ماده بهتر را برای آزمایششان می فرستیم. پس مراقبشان باش و صبر کن. (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

اصطبر اگر صبر در باب افتعال باشد می تواند متشابه با این آمده باشد که اموال و انفس خود را صرف آخرت کن و بعد صبر کن تا ثمره اش را بگیری که این همان خود را به صبر انداختن یا اصطبار است یعنی کاری کن که مجبور شوی صبر کنی.

سوره القمر

سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُؤْتُونَ الدُّبْرَ [45] زودا که آن جمع منهزم شود و پشت کرده بازگردند. (45)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا مربوط به سناریوی آخرالزمان است چنانچه در آیه ی بعد داریم

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةَ أَذْهَى وَأَمْرٌ

مراجعه شود به صد و هفتاد و سه آل عمران

همچنین یولون الدبر با این آیه کامل می شود

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْتُونَ الْأُدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

که یعنی آن ها به این دلیل پشت می کنند و فرار می کنند که طالب دنیايند زیرا داریم لا تمتعون الا قليلا که برای دنیاپرستانی می آید که کفر ورزیده اند بنابراین سناریوی آخرالزمان اینگونه می شود که ابتدا که دو جمع با هم روبرو می شوند مومنان می گویند تعداد آن ها از ما بیستر است و یارای تقابل نداریم اما مومنان واقعی می گویند کم من فئه قليل غلبت فئه كثير و می جنگند و کافران پشت می کنند و فرار می کنند زیرا دنیاپرستند و مرگ را پایلن زندگی می دانند و می ترسند بمیرند

سوره القمر

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعْلُوهُ فِي الزُّبُرِ [52] هر کاری که کرده اند در دفترهاست. (52)

قرآن مبین - مبین موبایل

شئ متشابه با اموال و اولاد است بنابراین زبر همان امام و متشابهاتش یعنی ارض و قمر و ... است و این مانند آن جمله است که داریم كل شئ احصيناه في امام مبین

زبر متشابه با کارنامه اعمال است که در آن اعمال را انسان در دنیا نوشته و در آخرت به او می گویند اقرا کتابك كفي بنفسك اليوم عليك حسيبا و همچنین متشابه با امام که رزقی را به او تحویل داده و در آخرت پس می گیرد

سوره الرحمن

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ [7] آسمان را برافراخت و ترازو را برنهاد. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الرحمن

أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ [8] تا در ترازو تجاوز مکنید. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره الرحمن

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ [9] وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم فروشی مکنید. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

سماء که دارای باران است متشابه با مرد است که صاحب نطفه است و میزان متشابه با زمین و زن است که پذیرنده ی آن است و این دو باز متشابه با حضرت محمد و دوازده امامند که سخن از حضرت محمد به حضرت علی رسیده و در او جمع شده چنانچه در ترجمه تفسیر روایی البرهان می خوانیم که امام رضا فرمودند؛

منظور از سماء: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که خداوند او را به نزد خود بالا برد. و منظور از میزان: امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد که خداوند او را در میان خلق خود منصوب کرده است. گفتم: «أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ» چه معنایی دارد؟ فرمود: یعنی از امام نافرمانی نکنید. گفتم: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» به چه معنا است؟ فرمود: یعنی امام را با عدالت بر پا دارید[او را یاری کنید]؛ گفتم: «وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» چه معنایی دارد؟ فرمود: از حق امام نگاهید و به او ظلم نکنید

و طغیان همان چیزی است که باعث تکذیب می شود چنانچه داریم کذبت نمود بطغواها و حال داریم الاتطغوا فی المیزان که متشابه با آن است که بگوئیم یا آن است که بگوئیم امام را تکذیب نکنید و این یعنی نمود به این علت تکذیب کرد که در میزان (امام) طغیان کرد و واضح است که آنکه به تاویل امام گوش نهد چون سخن خدا را نمی فهمد آن را تکذیب می کند و این شاهی دوباره بر آن است که کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لما ياتهم تاويله

طغیان به معنی عدم قوام داشتن است مانند آنچه در اوائل سوره بقره آمده که در حضور پیغمبر چیزی می گویند و در حضور شیاطین چیز دیگر یا آنکه در هفتاد و پنج مومنون داریم

سوره المؤمنون

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ [75] اگر بر آنها رحمت می آوردیم و آزاری را که بدان گرفتارند از آنها دور می بساختیم، باز هم همچنان با سرسختی در طغیان خویش سرگشته می ماندند. (75)

که منظور از طغیان برگشتن از عبادت خداست و قوام نداشتن روی آن؛

و برای همین داریم اقیما الوزن بالقسط که اقامه همان قوام دادن است و متشابه با آن است که به تبعیت از نبی با تبعیت از امام قوام دهید زیرا وزن پیرو میزان است و همان عملی است که به تبعیت از (میزان) امام انجام شده باشد و متشابه با آن است که بگوییم ای درختان تا زمان باران از آسمان آب بنوشید و هنگام قطع آن عمل خود را با آب خوردن از آب ذخیره شده در زمین (میزان، ینبوع) قوام دهید که این دستور برای زنده ماندن رستنی های زمین لازم است زیرا باران (سخن خدا به وسیله ی وحی) همواره نمی بارد چنانچه باران روی زمین نیز متشابه با آن همواره نمی بارد.

سوره الرحمن

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ [29] هر کس که در آسمانها و زمین است سائل درگاه اوست، و او هر روز در کاری است. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

شان همان کشت است و هرروز او مشغول کشت است ظاهرا همان بسط دادن جهان و خودمتشابه کردن جهان با خود است و خرد کردن سنگ کفار و مشرکین و استبدال کردن و برای همین هم ظاهرا طبیعت مدام در حال خودمتشابه کردن جهان است.

سوره الرحمن

سَتَقَرُّ لَكُمْ آيَةُ الثَّقَلَانِ [31] ای جنیان و آدمیان، به حساب شما خواهیم رسید. (31)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور فرغ قطر است ظاهرا که در آیه ی سی و سه هم آمده

سوره الرحمن

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُتُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُتُوا لَأَنْتَقُتُونَ إِيَّائِي بِسُلْطَانٍ [33] ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از کناره های آسمانها و زمین بیرون روید، بیرون روید. ولی بیرون نتوانید رفت مگر با داشتن قدرتی. (33)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا در ادامہی آیه ی سی و یک است و فرغ برای قطر می آید (افرغ علیه قطرا)

سوره الواقعة

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ [1] چون قیامت واقع شود، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

وقع متشابه با محقق شدن است برای همین واقعه متشابه با حاقه است.

وقع متشابه با مولایی است و علت استفاده ی آن به عنوان واقعه آن است که در آن روز افراد درجات مافوق دیگران پیدا می کنند چنانچه داریم خافضه رافعه

سوره الواقعة

لَا يَمَسُّهُ إِذَا الْمُطَهَّرُونَ [79] که جز پاکان دست بر آن نزنند. (79)

قرآن مبین - مبین موبایل

طهر متشابه با قنوت (عدم فاحشه گری) و عدم جهل است که همان فهم محکم از متشابه و تبعیت نکردن از شوهر خود است که منظور آن است که قرآن که کلام خداست را و خدا متشابه با شوهر است را فقط کسانی می فهمند که برای خدا قنوت می کنند و توان فهم محکم از متشابه دارند. که همان اهل بیتند که داریم انما یرید الله لیذهب الرجس عنکم اهل البیت و یطهرکم تطهیرا

سوره الواقعة

قُلُوْا اِنَّ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِيْنِيْنَ [86] اگر قیامت را باور ندارید، (86)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از دین کیفر یافتن است زیرا دین متشابه با نعمت است و این آیه ظاهرا در مورد برزخ است و می گوید اگر گمان می کنید زنده نمی شوید (زنده ی برزخی) پس مرده ای را که به پاداش و کیفر برزخ می رود از برزخ برگردانید (اگر نه قیامت آن هنگام رخ نمی دهد و فرد هنگام مردن زنده ی قیامتی نمی شود تا خدا از این سخن در ردهاورد منکران زنده شدن قیامت استفاده کرده باشد)

سوره الواقعة

تَرْجِعُوْنَهَا اِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ [87] اگر راست می گویید، بازش گردانید. (87)

قرآن مبین - مبین موبایل

قبلش داریم ان کنتم غیر مدینین که منظور از مدین بودن زنده شدن است زیرا دین به معنای دریافت آخرت است در اینجا داریم اگر گمان می کنید بعد از مرگ زنده نمی شوید (در برزخ) و پاداش و عذاب نمی بینید پس مرده ای را که در حال رفتن به برزخ و مدین شدن است را برگردانید

سوره الحديد

سوره در مورد کم شدن از نعمت های دنیا و رجوع آن به آخرت است.

سوره الحديد

وَمَا لَكُمْ اَنْ تَنْفِقُوْا فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ اُولٰٓئِكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوْا وَكَلَّا وَعَدَّ اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ [10] و چرا در راه خدا انفاق نمی کنید و حال آنکه از آن خداست میراث آسمانها و زمین؟ از میان شما آنان که پیش از فتح انفاق کرده و به جنگ رفته با آنان که بعد از فتح انفاق کرده اند و به جنگ رفته اند برابر نیستند. درجت آنان فراتر است. و خدا به همه وعده نیک می دهد. و به هر کاری که می کنید آگاه است. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

درجه با علم و ایمان است چنانچه داریم برفع الله الذین امنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و قتل در اینجا ظاهرا متشابه با علم است زیرا علم جدا کردن محکم از متشابه است و قتل کستن متشابه (مشرکان) و باقی گذاردن محکم است.

سوره الحديد

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ [13] روزی که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: درنگی کنید تا از نورتان فروغی گیریم. گویند: به دنیا بازگردید و از آنجا نور بطلبید. میانشان دیواری برآوردند که بر آن دیوار دری باشد؛ درون آن رحمت باشد و بیرون آن عذاب. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

این باب همان باب حرم آمن و متشابه با رحم و امام است که ظاهر آن و اول آن از دست دادن نعمت هاست اما باطن آن و آخر آن مضاعف شدن آن نعمت هاست و رستن آن ها در آخرت.

سوره الحديد

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ [16] آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است، خاشع شود؟ همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی برآمد دل‌هایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند. (16)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که برای کشت آخرت خشوع کنید و برای رسیدن به آخرت صبر کنید و عمر دنیا بر شما طویل نشود و آن را طویل حساب نکنید تا نسبت به کاشتن تخم در حرم آمن قساوت پیدا کنید بلکه ترم باشید و بکارید و ذکر متشابه با آخرت آمده برای همین در آیه ی بعد داریم اعلمو ان الله يحيى الارض بعد موتها که متشابه با آن است که خدا آخرت را می آورد

سوره الحديد

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ [22] هیچ مصیبتی به مال یا به جانتان نرسد مگر پیش از آنکه بیافرینیمش، در کتابی نوشته شده است. و این بر خدا آسان است؛ (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیات قبل در مورد حطام شدن و تباه شدن دنیاست و ظاهراً منظور آن است که ا قبل نابودی دنیا را در کتاب نوشته ایم و خاص باید آمده باشد نه آنکه بگوییم جبر است و اعمال ما از قبل معلوم است هرچند که ممکن است منظور آیه از قبل مشخص بودن اعمال ما هم باشد

سوره الحديد

لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ [23] تا بر آنچه از دستتان می رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می آید شادمانی نکنید. و خدا هیچ متکبر خودستاینده ای را دوست ندارد: (23)

قرآن مبین - مبین موبایل

یاس نا امید شدن از دوباره به نعمت رسیدن است و منظور آن است که بعد از اینکه خدا نعمتی متشابه در دنیا به شما داد و بعد به مصیبت (متشابه با فوت) همراهی با امام و انعام گرفتار شدید و آن را در دنیا از دست دادید بدانید که امام و انعام آن را به حرم آمن در آخرت می آورند و آن را دوباره می یابید و آن همان نعمت محکم است. رجوع شود به آیه ی پنجاه و دو کهف

سوره الحديد

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ [25] ما پیامبرانمان را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است فرورستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبران او را یاری می کند. زیرا خدا توانا و پیروزمند است. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از کتاب ظاهراً همان کتابی است که در آیه ی بیست و دو آمد که خبر از نابودی دنیا می دهد و منظور از میزان همان متشابه با امام و ارض است که نعمت را از دنیا که فانی است به جهان باقز می برد و منظور از نزول کتاب و میزان برای اقامه ی ناس باید آن باشد که فانی بودن دنیا و راه نجات دادن نعمت ها را از دنیای فانی به دنیای باقی را همراه رسو لان فرستادیم تا مردم نعمت هایشان قوام یابد و آن ها را از دست ندهند

سوره المجادلة

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [3]
آنهایی که زنانشان را ظاهر می کنند، آنگاه از آنچه گفته اند پشیمان می شوند، پیش از آنکه با یکدیگر تماس یابند،
باید بنده ای آزاد کنند. این پندی است که به شما می دهند و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

چون برای خود غل عنقی روی هنسر خود قرار داده اند و آن غل مانع آن ها می شود باید متشابه با آن فک عنق کنند که همان تحریر (فک) رقبه (عنق) است

سوره المجادلة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَ اللّٰهُ عَقُورٌ
رَحِيمٌ [12] ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجواکردنتان صدقه بدهید. این
برای شما بهتر و پاکیزه تر است. و اگر برای صدقه چیزی نیافتید، خدا آمرزنده و مهربان است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

این صدقه متشابه با اقتحام عقبه و فک رقبه برای شنیدن و فهمیدن سخن رسول خداست که چون در آسمان شیاطین نمی
توانند بدون فک رقبه سخن خدا را بشنوند با خودمتشابهی خدا دستور داده که در زمین هم ابتدا گردن خود را از سخن
غلط باز کنید (صدقه) و بعد شایسته ی شنیدن سخن خدا (سخن رسول خدا) هستید

سوره المجادلة

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ [17] اموال و اولادشان برایشان در
برابر خشم خدا سود نکند. اهل جهنمند و در آن جاودان. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آن است که اموال و اولادشان توسط خدا غنی نمی شود(غنی مخالف فقر و به معنای بازبایی دانه ی
کاشته شده در زمین به صورت گیاه و ثمر است) زیرا آن را به امام نداده اند و حال از کسی غیر از خدا نمی توانند طلب
کنند اما خدا چیزی را که دریافت نکرده به آن ها نمی دهد

سوره المجادلة

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِقُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِقُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ [18] روزی که خدا همه آنها را زنده می کند، همچنان که برای شما قسم می خوردند برای او هم قسم خواهند خورد. و می پندارند که سودی خواهند برد. آگاه باشید که دروغگویانند. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اینکه گمان می کنند بر چیزی (شیء) هستند احتمالا همان دریافت اموال و اولادی است که به امام خود تحویل داده اند زیرا در آیه ی قبل شیء برای اموال و اولادشان آمد. و یعنی گمان می کنند نزد خدا اموال و اولادی دارند اما خدا آن ها را کاذب خوانده که یعنی در فتنه (آیات اول عنکبوت) اموال و اولادشان را تحویل نداده اند و حال شیء ای نزد خدا ندارند. زیرا داریم

أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُنْزَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

سوره الحشر

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ [2] اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه هایشان بیرون راند و شما نمی پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می پنداشتند حصارهاشان را توان آن هست که در برابر خدا نگهدارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی کردند بر آنها تاخت آورد و در دلشان وحشت افکند، چنان که خانه های خود را به دست خود و به دست مؤمنان خراب می کردند. پس ای اهل بصیرت، عبرت بگیرید. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

حصن متشابه با بیت است ظاهرا حصونشان محکم بوده و می گفته اند که خدا نیز نمی گذارد ما شکست بخوریم چون خدا طبق اسباب کار می کند و ما حصون قوی ای داریم و یدالله مغلوله که همان است که می گویند دنیا ساعت کوک شده است اما از آنجا که خدا آن است که از جایی که حساب نمی کنیم کمک یا حمله می کند کاری کرد که خودشان حصون خودشان را تخریب کنند و باید بفهمند جهان ساعت کوک شده است اما یدالله مغلوله نیست بلکه دعا و نا شکری تقدیر را می گرداند. همچنین تخریب حصون متشابه با کمک کردن به مسلمانان برای نفوذ به آن ها و ... هم هست و ممکن است متشابه آمده باشد

سوره الحشر

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ [4] و این به کیفر آن بود که با خدا و پیامبرش مخالفت ورزیدند؛ و هر که با خدا مخالفت می ورزد بداند که خدا به سختی عقوبت می کند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

عقاب همان در عقبه گرفتن است و شدد همان تنگ گرفتن است و شدید العقاب ظاهرا یعنی تنگ گیرنده بر آنکه از سبیل منحرف می شود و به سمت متشابهات و معبودهای باطل می رود که چون بعدش داریم و من یشاق الله و رسوله پس ظاهرا مشاقه نیز به همین معناست

سوره الحشر

وَمَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [6] و آنچه خدا از داراییشان به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید؛ بلکه خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط می‌بازد، و خدا بر هر چیزی قادر است. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

سلطه همان فهم محکم سخن است و متشابه با قدر و تنگی و احاطه و نفوذ بر دیگران هم هست که در اینجا ظاهرا همان نفوذ و قدر و تنگی بر یهود منظور است

سوره الحشر

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ [8] نیز غنایم از آن مهاجران فقیری است که از سرزمینشان رانده شده اند و آنها در طلب فضل و خشنودی خدایند و پیامبرش را یاری می‌کنند، اینان راستگویانند. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

فقرا متشابه با کسانی اند که به امام دسترسی ندارند و مهاجر متشابه با کسی است که به دنبال امام است بنابراین ظاهرا متشابه با کسانی اند که به دنبال حقیقت و امامند و نیاز به هزینه دارند و ما یحتاج زندگی این محققان شاید باید اینگونه تامین شود.

سوره الحشر

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [21] اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، از خوف خدا آن را ترسیده و شکاف خورده می دیدی. و این مثالهایی است که برای مردم می آوریم، شاید به فکر فرو روند. (21)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از خشوع هبوط و نرمی است و منظور آن است که اگر قرآن را به کوهی که طبیعتا جنس آن از سنگ است نازل می کردیم نرم می شد و قابل کشت می شد و مراد از سنگ قلب انسان قسی القلب است که پذیرش سخن خدا نمی کند اما بعضی از انسان ها قلبشان از سنگ هم سخت تر است چنانچه در هفتاد و چهار بقره آمده است و خدا برای آن ها می گوید ان نشاء نازل عليهم من السماء آیه فضلت اعناقهم لها خاضعين این احتمال وجود دارد که خدا در آخرالزمان چیزی بزرگتر از قرآن نازل کند و گواه آن همین سه آیه ی مورد بحث است که قرآن قلب سخت تر از سنگ را نرم نمی کند اما در آخرالزمان آیه ای از آسمان این کار را می کند.

احتمال دارد که منظور متشابه با آن باشد که جبل همان سنگ محکمی است که قبل از نزول قرآن صاحب دین است اما با نزول قرآن از ترس آنکه برداشت سنگینی که دارد غلط باشد آن را رها می کند و به قرآن گوش می کند زیدا می ترسد سخن خدا چیز دیگری باشد این مثل احتمالا برای یهود است که تورات را قبول دارند که با نزول قرآن باید خشوع کنند و بترسند از آنکه برداشتشان از تورات و گرایششان به تورات غلط باشد. و جبل در اینجا احتمالا خلاف خشوع آمده

سوره الممتحنة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ [1] ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار مکنید. شما با آنان طرح دوستی می افکنید و حال آنکه ایشان به سخن حقی که بر شما آمده است ایمان ندارند. و بدان سبب که به خدا، پروردگار خویش ایمان آورده بودید، پیامبر و شما را بیرون راندند. اگر برای جهاد در راه من و طلب رضای من بیرون آمده اید، در نهان با آنها دوستی مکنید؛ و من به هر چه پنهان می دارید یا آشکار می گاهترم. و هر که چنین کند، از راه راست منحرف گشته است. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به بیست و سه شوری

حق همان ایمان و ایمانی است زیرا داریم کفرها بما جاءكم من الحق و داریم یکفر بالایمان پس حق متشابه با ایمان است و برای همین ایمانی (ایمان) خواننده به حق است. زیرا خواننده به چیزی با آن متشابه (متشابه طولی) است

سوره الصف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ [2] ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنانی می گویید که به کارشان نمی

بهنید؟ (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

برای چه چیزی میگویید که مشغول انجام دادن آن نیستید

منتشابه با آن است که می گویند سائل مثل ما انزل الله) مانند آنچه خدا آورده می آوریم. نود و سه انعام) و خدا می گوید اگر شک دارید سوره ای مانند آن بیاورید و بعد می گوید و ان لم تفعلوا و لن تفعلوا(و اگر نکردند و نمی کنند. بیست و چهار بقره) که یعنی یقولون سائل مثل ما انزل الله و لن تفعلوا و الله يقول یا ایها الشعرا لم تقولون ما لا تفعلون؟ الشعرا یتبعهم الغاوون الم تر انهم یقولون ما لا یفعلون

اما خطاب به مومنان است و این سخن مانند سخن خدا آوردن سهوا انجام می شود و آن هم مثلا کسی برداشت غلطی از سخن خدا می کند و خدا آن را به منزله ی دروغ بستن به خود در نظر می گیرد چنانچه ابوحنیفه که اشتباه منظور خدا را از حرم آمن برداشت کرده بود از طرف امام صادق به منزله ی کسی شناخته شد که می گوید سائل مثل ما انزل الله

برای همین بعدش داریم

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ [7] کیست ستمکارتر از آن کس که به خدا دروغ می بنهد، در حالی که او را به اسلام دعوت می کنند؟ و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند. (7)

که دروغ بستن به خدا همان سائل مثل ما انزل الله و تقولون ما لا تفعلون است.

و باز برای همین بعدش داریم

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَقْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ [8] می خواهند نور خدا را به دهانهایشان خاموش کنند ولی خدا کامل کننده نور خویش است، اگر چه کافران را ناخوش آید. (8)

که منظور از نور ظاهرا سخن خداست که گمان می کنند آن را می گویند اما در اشتباهند در اینکه نور همان سخن خداست باید گفت که داریم:

(الأعراف)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ بِأَمْرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَتَصَرَّوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [157] آنان که از این رسول، این پیامبر می که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند-آن که به نیکی فرمانشان می دهد و از ناشایست بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام و بارگانشان را از دوششان برمی دارد و بند و زنجیرشان را می گشاید. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند. (157))

سوره الصف

كَبْرًا مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ [3] خداوند سخت به خشم می آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

مقت متشابه طولی با عدم ایمان توسط بندگان شخص است زیرا داریم لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم از تدعون الی الایمان فتکفرون و ایمان همان فهم کننده ی سخن محکم خداست زیرا متشابه با ولایت و سخن محکم خداست و قول ما لا تفعل همان دروغ بستن به خداست این ها چون به ایمان ایمان نمی آورند و در روز جمعه که مردم گرد ایمان جمع می شوند جمع نمی شوند و با او علیه کافران نمی جنگند مورد مقت خدا هستند و آیه ی بعد در همین مورد عدم جنگ آن هوست که داریم خدا کسانی را که صف در سبیلش می جنگند دوست دارد که منظور صف صلاه و صف ایمان است عده ای دیگر از آن ها نیز بعد از پیوستن به خاطر لهو و تجارت که در سوره ی جمعه آمد او را رها می کنند این عده که در اینجا ذکرشان آمد همانند که بیع را رها نمی کنند که داریم و ذروا البیع و بیع همان سخن متشابه خداست اینها بخشی از سناریوی آخرالزمان است

سوره الصف

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ [4] خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی، همانند دیواری که اجزایش را با سُرَب به هم پیوند داده باشند، می جنگند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی دو آیه ی قبل است که در مورد فهم محکم سخن خدا بود و در اینجا خدا کسانی را دوست دارد که سخن او را فهم می کنند و قتال فی سبیل الله متشابه با نسخ متشابهات و پیروی از محکومات است

سوره الصف

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَعْبُدُونَ أَيْدِيَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكُمْ لَعَايِدُونَ لَهُمُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْقَاسِقِينَ [5] و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می آزارید، حال آنکه می دانید که من پیامبر خدا بر شما هستم؟ چون از حق رویگردان شدند خدا نیز دلهاشان را از حق بگردانید. و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی کند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از اذی می تواند سخنان آنها باشد که قول سدید نیست و دروغ بستن به خدا و کتاب آسمانی است و دلیل اینکه می گوئیم اذی می تواند متشابه با قول بیاید آیه ی شصت و نه سوره احزاب است که داریم لا تکنوا کالذین آذوا موسی فبراه الله مما قالوا پس منظور از اذیت آن ها سخنان آن ها بود و در مورد اینکه چرا منظور از سخنان همان دروغ بستن به خداست به آیه ی بعدش یعنی آیه ی هفتاد مراجعه کنید که قول سدید طلب شده (در مقابل قول اذی) و توضیح داده ایم قول سدید چیست که همان منظور خدا از سخنان متشابه خود است.

در مورد اینکه چون این آیه را متشابه با این دانسته ایم که فرد پیامبری حضرت محمد یا یکی از انبیا را قبول داشته باشد و به الهی بودن کتاب او ایمان داشته باشد اما تاویل او را بر کتاب آسمانی درست نداند عده ای ممکن است باور این مسئله برایشان سخت باشد مثال هایی می توان زد از جمله آن که در تفسیر البرهان داریم:

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر، روزه مستحبی یا واجب نمی گرفت و آنها، بر رسول الله صلی الله علیه و آله افترا می زدند تا این که این آیه بر رسول الله صلی الله علیه و آله در کراع القمیم به هنگام نماز صبح نازل شد؛ پس رسول الله صلی الله علیه و آله ظرف آبی خواستند و آب نوشیدند و به مردم نیز دستور دادند تا افطار کنند. گروهی گفتند: روز به نیمه رسیده و مایلم امروز را روزه بگیریم و رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را عَصَا (سرکشان) نامید. و تا زمان رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، آنان با این نام، نامیده می شدند.

یعنی با اینکه حرف حضرت محمد را مبنی بر ترک روزه شنیدند گوش ندادند با اینکه روزه را قرآنی که خود حضرت محمد آورده بود واجب کرده بود.

سوره الصف

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ [9] اوست آن خدایی که پیامبر خود را همراه با هدایت و دین راستین بفرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

دین حق متشابه با یا همان پیروی از امام است(مراجعه شود به بیست و پنج نور)

سوره الصف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ [10] ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را به تجارتی که از عذاب دردآور رهاییتان دهد راه بنمایم؟ (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه ی بعد را اگر بخوایم طبق دین حق مطرح کنیم اینگونه است: (نجی با ایمان و تجارت با جهاد متشابه است) هل ادلکم علی جهاد تومنکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون باموالکم و انفسکم که یعنی اگر قید مال و نفس خود را که فتنه است بزنید از عذاب خدا در امانید.

سوره الصف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوثُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ [14] ای کسانی که ایمان آورده اید، یاوران خدا باشید، همچنان که عیسی بن مریم به حواریان گفت: چه کسانی یاوران من در راه خدایند؟ حواریان گفتند: ما یاوران خدا هستیم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر ضد دشمنانشان مدد کردیم تا پیروز شدند. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ظهور، ظهور و غلبه ی نظامی و ... نیست چنانچه مسیحیان بر دشمنانشان پیروز نشدند بلکه عدو همان شیطان است که می خواهد با بحث و استدلال آن ها را منکوب کند اما به علت نزدیکی آن ها به پیامبرشان آنها قرای ظاهره اند

سوره الجمعة

فرم کلی سوره در مورد عدم گرایش مردمی به محکم سخن خداست منظور از امی در آیه ی دو کسی است که ظاهر کتاب را فقط می داند (مراجعه به آیه ی هفتاد و هشت بقره) و منظور از حکمت سخن محکم خداست و منظور از حمار آنکه محکم سخن را نمی داند و برای همین صوتش انکر است و منظور از حملوا گرفتن تورات و منظور از لم یحملوها نفهمیدن محکم آن و منظور از تمنوا الموت و لا یتمنوه و تفرون منه فرار از جنگ در آخرالزمان است که دو جمع با هم روبرو می شوند و منظور از ذروالبیع و فاسعوا الی ذکر الله بیع همان ظاهر کتاب و متشابهاً و صلوه و ذکرالله همان محکم سخن خداست ظاهراً منظور از حکمت پیروی از قائم و منظور از ترک او برای تجارت آن است که خود به دنبال محکم رفت مثلا اموال و اولاد را صرف کارهایی اخروی کرد که ثواب دارد که البته در برابر پیروی از قائم متشابه در برابر محکم است و منظور از لهو به دنبال کارهای دنیوی رفتن است.

سوره الجمعة

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ [2] اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

امیون همان کسانی اند که محکم را نمی فهمند مراجعه کنید به هفتاد و پنج آل عمران

سوره الجمعة

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ [5] مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمی کنند مثل آن خر است که کتابهایی را حمل می کند. بد مثلی است مثل مردمی که آیات خدا را دروغ می شمردند. اهد. و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

انعام يحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه و متشابه با امامند که نعمت متشابه را می گیرند و محکم آن را در حرم آمن تحویل می دهند حال کسانی از امیون که لایعلمون الكتاب الا امانی هستند و در آیه ی دو یاد شدند و مخلوط محکم و متشابه کتاب را گرفته اند اما نمی توانند محکم آن را دریابند و به اصطلاح آن را به حرم آمن حمل کنند اینان مانند حیوانات بارکشی اند که بار کتاب دارند و از محتوای کتاب نمی فهمند و حرم آمن همان ایمان و قول لا اله الا الله و سخن محکم خداست که متشابه با صلوه است که در آیه ی نه داریم.

در آیه ی دیگر داریم بل کذبوا بما لم يحيطو بعلمه یعنی تورات به آن ها تحمیل شده اما علم آن را ندارند و تکذیب می کنند و ظاهرا این خرها همان هایند که به تورات و قرآن علم ندارند اما به این دو اعتقاد عملی دارند و می خواهند با صدای زشت و انکرشان که همان صدای جهل است مردم را به دین دعوت کنند این آیه با آیه ی خذوا ما آتیناکم بقوه ظاهرا متشابه است یعنی به آن ها تورات داده شده اما آن را نگرفته اند و این نگرفتن نگرستن علمی است اگر نه خدا نمی گفت آنچه به شما داده ایم را بگیرید زیرا اگر به آن ها داده شده است پس آن را گرفته اند و همچنین اگر به آن ها حمل شده است آن را حمل می کنند در حالی که داریم ثم لم يحملوها زیرا اشربو فی قلوبهم العجل خراهی که نمی فهمند گاو را به سرپرستی می گیرند و با صدای انکر خود با امام حق بلند صحبت می کنند همچنین این آیه می تواند در مورد کسانی باشد که کتب آسمانی را دیده اند اما تکذیب می کنند چون علم آن را ندارند و باورمند نمی شوند آن ها نیز مصداق این آیات می توانند باشند

سوره الجمعة

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُتَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [8] بگو: آن مرگی که از آن می گریزید شما را درخواهد یافت و سپس نزد آن دانای نهان و آشکارا برگردانده می شوید تا به کارهایی که کرده اید آگاهتان سازد. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از موتی که از آن فرار می کنند موت در جنگ آخرالزمان است که در جنگ شرکت نمی کنند چنانچه در متن آیات پانزده و شانزده احزاب داریم که فرار آن ها از موت همان فرار از جنگ است

همچنین موت در اینجا متشابه با عدم بیع هم آمده است زیرا جنگ جمعه را و قائم را رها می کنند تا به بیعشان رسیدگی کنند اما خدا می گوید بالاخره شما خواهید مرد حتی اگر ثروت جمع کنید تا از گرسنگی و ... نمرید. در اصل خدا در اینجا می خ اهد متشابه بودن بیع و تجارتی را که در نظر گرفته اند که متشابه با زندگی است را بیان کند و می گوید این بیع (زندگی) که شما در نظر گرفته اید بالاخره موت آن را می رباید بلکه محکم آن کمک به قائم و ایمان است

یبنکم بما کنتم تعملون متشابه لا آن است که نتیجه اعمالتان را به شما می دهد زیرا خبر دادن متشابه با عمل دان ن است چنانچه داریم لیبلوا اخبارکم و داریم لیبلوا ایکم احسن عملا و دلیل این ه اینجا خبر دادن به معنای دادن نتیجه عمل است آن است که این ها خودشان از عملشان با خبرند زیرا داریم لا یتمنونه ایدا بما قدمت ایدیهم

سوره الجمعة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَّىٰ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ [9] ای کسانی که ایمان آورده اید، چون ندای نماز روز جمعه دردهند، به نماز بشتابید و داد و ستد را رها کنید. اگر دانا باشید، این کار برایتان بهتر است. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

همانطور که گفتیم صلاه و ایمان با هم متشابهند و صلاه خواندن به ایمان است و متشابه طولی اند گواهی از سخن حضرت علی در این باره آنکه در مورد آیه ی تعویض قبله داریم:

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الایمه الاطهار علیهم السلام - مجلد ۹۰، صفحه ۹

وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ [۲] فَسَمَىٰ سُبْحَانَهُ الصَّلَاةَ هَاهُنَا إِيمَانًا وَ هَذَا دَلِيلٌ وَ اَضِحَ عَلَىٰ أَنْ كَلَامَ الْبَارِي سُبْحَانَهُ لَا يُشْبَهُ كَلَامَ الْخَلْقِ كَمَا لَا يُشْبَهُ أَعْمَالُهُ أَعْمَالَهُمْ وَ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ وَ أَشْبَاهُهَا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ مَعْنَى حَقِيقَةِ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَأْوِيلِهِ إِلَّا تَبِيَهُ صَ وَ أَوْصِيَائُهُ

ظاهرا تاويلش ظهور حضرت قائم در روز جمعه است و منادی که برای ایمان (=سید یمانی= صلوه) ندا می دهد اما مردم حضرت قائم را در حالی که قیام کرده ترک می کنند و ایمان را رها می کنند و ایمان چنانچه در آیات پیش آمد برای فهم محکم آن هاست تا مانند بارکشانی نباشند که بار کتاب دارند اما از محتوای آن خبر ندارند.

بیع متشابه با تجارت است و منظور ظاهرا آن است که هنگامی که قائم قیام می کند باید دارایی خود را در اختیار او قرار دهید که بهترین معامله است و بهترین سود را به شما پس می دهد و از کاشت آن در جای دیگر خودداری کنید برای همین بیع و انجام عمل مآخر تا زمان قیام قائم به صرفه است و هنگام قیام آن جناب بهترین بیع دادن کالا به امام است که از همه برای خرج آن هوشمندتر است.

ایمان در قرآن کسی است که هر نوع بیع دنیوی یا اخروی را ترک می کند و به خدمت قائم در می آید که بهترین بیع است

و خودش را وقف او می کند (نودی للصلوه که صلوه همان ایمان است و ایمان یعنی کاشتن نعمت های دنیا در حرم آمن که همان دادن آن به امام است و ذروالبیع که بیع همان اعمال ماست و کشت ما برای رسیدن به حسنات دنیوی یا اخروی و کارهای خوب ماست که بهترین آن هنگام قیام قائم خدمت به اوست که همان ایمان است زیرا او بهترین راه را برای خرج اموال و اولاد می داند بنابراین منظور از ایمان وقف شدن برای قائم است ایمان همان وقف شدن در راه خدا و قائم است که تمام اموال و اولاد و نعمت ها را در اختیار او قرار دهیم و این همان لقب حضرت مسیح است (عمانویل) و علت آن همان صیغه ی نذر مادرزگش در حق حضرت مریم است و بنابراین ظاهرا این ندای صلاه و ندای ایمان همان بازگشت حضرت مسیح برای خدمت به قائم است که پشت سر او نماز می خواند

صلاه همان خارج کردن از ظلمت به نور و باز کردن سیئات مردم و دشمنان از حضرت قائم است (مراجعه شود به پنجاه و شش احزاب) اما آن ها حضرت قائم را در حالی که قیام کرده و با دشمنان روبرو شده در همان حالت قیام ترک می کنند و تنها می گذارند و کاری را که خود درست می دانند (بیع) انجام می دهند عده ای بیع دنیوی و عده ای بیع اخروی در حالی که بهترین بیع ایمان به قائم است و دادن نعمت ها و کشتن نعمت ها در او. در اصل فلسفه ی نماز جماعت تیز همین است که افراد جمع می شوند و نعمت ها را به بهترین کشاورز می دهند تا آن ها را برایشان بکارند.

منظور از ذکر خدا در این آیه جنگ است.

جمع متشابه با زنده شدن است و روز جمع و روز جمعه همان روز زنده شدن مردگان و یکی شدن افراد با زیر دستی حضرت قائم است

سوره الجمعة

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [10] و چون نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و رزق خدا را طلب کنید و فراوانش یاد کنید. باشد که رستگار شوید. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

صلاه متشابه با پرداخت مال و اولاد به امام است و قضی هم همین طور چنانچه داریم قضی بالقسط (که قسط همان پرداخت با بهره است) ظاهرا یعنی پس از اتمام کمک رسانیتان به امام در زمین منتشر شوید برای همین در آیه ی بعد داریم ترکوک قائما که یعنی در حالی که قیام کرده ای و مال و اولاد برای کمک نیاز داری.

قضای صلوه متشابه با دادن نعمت به امام و نشر متشابه با دریافت آن است زیرا نشر همان رشد کردن است و دادن نعمت به امام همان کاشتن همچنین صلوه متشابه با ایمنی گرفتن در قلعه و نشر متشابه با درآمدن و پخش شدن است زیرا ایمان با دخول می آید پس نشر با خروج خواهد آمد و همچنین دخل به ایمان گرفتاری در یکی از هفتاد وجه متشابه است پس خروج از آن پخش شدن در هفتاد وجه متشابه است پس نشر معنای پخش شدن هم می دهد. همچنین این نشر به معنای پیروی از متشابهات نیست بلکه پس از پیرو محکم شدن در دژ ایمان متشابه با آن مردم نیز نشر می کنند و از روی محکم سایر امور را بسط می دهند و بسط متشابه می دهند و نشر متشابه با بسط هم می شود

تاویل دیگر آیه از صلوه احتمالا تقیه است چنانچه پنهان شدن دانه در زمین متشابه با کاشتن آن است و آنگاه تاویل آیه احتمالا آن است که هنگامی که از دشمن ایمن شدید تقیه را رها کنید و افکار خود را در زمین پخش کنید

مراجعه شود به تفسیر چهل و یک انفال و آیات بعدش.

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْقَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو وَمَنِ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ [11] و چون تجارتی یا بازیچه ای بینند پراکنده می شوند و به جانب آن می روند و تو را همچنان ایستاده رها می کنند. بگو: آنچه در نزد خداست از بازیچه و تجارت بهتر است. و خدا بهترین روزی دهندگان است. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

روز جمعه احتمالا همان روز یوم تقی الجمعان است که در آیه ی سوره ی آمده و تاویل قائم احتمالا حضرت قائم است و نودی للصلوة صلات متشابه با ایمان و همان سید یمانی است چنانچه داریم

الذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

این ها در روز جمع ناس علیه آن ها خود نیز گرد ایمان جمع می شوند (صد و هفتاد و سه آل عمران) و آن بعد از ندای منادی برای ایمان که متشابه با صلات است هست (نه جمعه) و می گویند ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنوا (صد و نود و سه آل عمران) و آن روز جمعه خوانده می شود اما عده ای هنگامی که تجارت یا لهوی می بینند حضرت قائم را قائم ترک می کنند (پازده جمعه) و قائم در اینجا باید قیام کننده برای جنگ باشد چنانچه جمعه منظور روبرو شدن دو جمع مومنان و کافران است (صد و شصت و شش آل عمران) و بعد از نبرد بین دو جبهه خدا مومنان مصلح را مستخلفین ارض قرار می دهد و جبهه ی مقابل را نسخ می کند یعدوننی لا یشرکون بی شیئا

قائم به این علت معنای جهاد کننده با منافقان و کفار را هم می دهد که همان قوام داشتن و اقامه ی صلات (ذکر اینکه خدا نعمت ها را به ما داده) است و چون این کار همان مبارزه و از زیر پرچم معبودان باطل در آمدن است و خرد کردن سنگ و سایه ی مولایی آن ها، پس قیام متشابه با مبارزه با گناهان که همان صلاه و ذکر خداست مبارزه با منافقان و کفار که متشابه طولی با گناهانند نیز هست.

لهو سخن شیزان است و تجارت عمل نیک اخروی و یاری قائم محکم ترین عمل نیک اخروی که بعضی برای دنیا و بعضی برای آخرتی کم ارزش قائم را ترک می کنند

سوره المنافقون

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ [1] چون منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می دهیم که تو پیامبر خدا هستی. خدا می داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگویند. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

در آیه سه داریم که لا یفقهون که برای فهم محکم از متشابه می آید و در اینجا شهادت می دهند که حضرت محمد رسول خداست که خدا می گوید دروغ می گویند که ظاهرا یعنی حضرت محمد رسول خداست اما منافقان به شهادت خود فقه ندارند و در اصل فقه ندارند تا شهادت دهند و بنابراین دروغ می گویند که تو را رسول خدا می دانند و به این کافرن

سوره المنافقون

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [2] از سوگندهای خود سپری ساختند و از راه خدا بازداشتند و به حقیقت، آنچه می کنند ناپسند است. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

جن متشابه با فتنه است و آن همان گمراه کننده ی دیگران است تا افراد به آنچه در قلب منافقان است پی نبرند اما خدا راز آن ها را فاش می کند.

سوره المنافقون

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ [3] این بدان سبب است که ایمان آوردند، سپس کافر شدند. خدا نیز بر دلهایشان مهر نهاد و آنان در نمی یابند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از فقه در اینجا ظاهرا فهم محکم از متشابه نیست بلکه پیروی از آن است زیرا آن ها یکبار ایمان آورده و فهمیده اند که رسول خدا حق است اما بعد به آن کافر شده اند و انکار کرده اند

سوره المنافقون

يَقُولُونَ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ [8] می گویند: چون به مدینه بازگردیم، صاحبان عزت، دلیلان را از آنجا بیرون خواهند کرد. عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است. ولی منافقان نمی دانند. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از رجوعشان به مدینه ظاهرا متشابه با حمله به مدینه است و آنکه به مسلمانان برتری می یابند چنانچه در سوره نمل داریم

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

از جمعِ ایشان فلنأتينهم بجنودٍ لا قبلَ لهمُ بها ولنُخْرِجَنَّهُمُ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

و خدا ظاهرا به آن ها می گوید که عزت در این شهر از آن خدا و رسول و مومنان است و نمی توانند آن را تسخیر کنند

سوره التغابن

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [11] هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا به کسی نمی رسد. و هر که به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را هدایت می کند. و خدا به هر چیزی داناست. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

قلب متشابه با تغییر و آمدن روز بعد از شب و پس گرفتن نعمت های آخرت است و ظاهرا یعنی هرکس به خدا ایمان آورد و نعمت هایش را در دنیا از دست بدهد در آخرت خدا به او پس می دهد.

سوره التغابن

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاءُ الْمُبِينُ [12] خدا را اطاعت کنید، و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر شما اعراض کنید، بر فرستاده ما وظیفه ای جز رسانیدن پیام آشکار نیست. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

اطاعت از اولی الامر جزو اطاعت از رسول است چنانچه داریم:

سوره النساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا [59] ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید. و چون در امری اختلاف کردید اگر -به خدا و روز قیامت ایمان دارید- به خدا و پیامبر رجوع

کنید. در این خیر شماسست و سرانجامی بهتر دارد. (59)

قرآن مبین - مبین موبایل

و بلاغ همان معرفی امام است که قبلا گفته ام

سوره الطلاق

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمُ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا [2] و چون به پایان مدت رسیدند، یا به وجهی نیکو نگاهشان دارید یا به وجهی نیکو از آنها جدا شوید و دو تن عادل از خودتان را به شهادت گیرید. و برای خدا شهادت را به راستی ادا کنید. هر که را به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اینچنین اندرز می دهد. و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

من یتق الله منظور متشابه یا همان کسی است که مضطر شده و خالص خدا را می خواند و چون خدا همان است که جهان را نبود و به وجود آورد پس چنین شخصی از جایی که گمان نمی کند و حساب نمی کند روزی می خورد زیرا خدایی را خوانده که از جایی که حساب نمی شد جهان را آفریده و خدا کسی است که به غیر حساب ما روزی می دهد. برای همین در آیه ی بعد داریم و برزقه من حیث لا یحتسب و یعنی هر کس تقوا کند از آنکه از غیر خدا و معبود باطل طلب کند پس خدا نیز از جایی که معبود باطل و غیر خدا نیست و از عدم و متشابهاتش روزی اش می دهد

سوره الطلاق

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا [3] و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد. و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می رساند و هر چیز را اندازه ای قرار داده است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی قبل

توکل به معنای تقوا و پرهیز از غیر خداست زیرا قبلیش داریم من یتق الله یجعل له مخرجا و برزقه من حیث لا یحتسب و داریم من یتوکل فهو حسبه و چون حسب برای تقوا و توکل آمده پس متشابهند و به معنای آن است که بنده بگوید خدا از همان جایی که جهان را هیچ نبود و آفرید خیر مرا می رساند و بالغ امر همان نسخ متشابهات و محکم شدن متشابهات

است زیرا داریم رسدا لیعلم ان ابلغوا رسالاته و منظور از قدر تنگ گرفتن بر متشابهات برای محکم کردن محکومات است مانند تناقض هایی که متشابهات با هم پیدا می کنند و موجب نسخشان می شود و ظاهرا خدا می گوید هرکس به من رجوع کند که از هیچ پدید می آورم او را محکم می کنم و این کار را با نسخ متشابهات انجام می دهد

سوره التحريم

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيِّ إِلى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا تَبَأَتْ بِهِ وَأُظْهِرَهُ اللهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِ فَلَمَّا تَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ تَبَأَنِى الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ [3] آنگاه که پیامبر با یکی از زنان خود رازی در میان نهاد، چون آن زن آن راز با دیگری باز گفت، خدا پیامبر را از آن آگاه ساخت و او پاره ای از آن راز را بر آن زن آشکار کرد و از افشای پاره ای دیگر سرباز آد. چون او را از آن خبر داد، گفت: چه کسی تو را از این ماجرا آگاه کرده است؟ گفت: آن خدای دانای آگاه به من خبر داده است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

سر سخنی است که از دیگران پنهان می ماند و در آیه ی یک داشتیم چرا تحریم می کنی بر خود آنچه خدا بر تو آزاد کرده برای زنان. که ظاهرا یعنی چرا این سخن را به سر به زنان خود گفتی و تحریم کردی بر خود که به دیگران نگوئی تا رضایت زنان را به دست آوری؟

سوره الملك

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِىنِكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ

سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم بهو شده [و از یافتن خلل و نابسامانی و ناهماهنگی فرو مانده] و درمانده شده است، به سویت باز گردد. (۴)

ملك - 4

قرآن مبین

در نازعات داریم ابصارها خاشعه انالمردودون فى الحافره تلك اذا كره خاسره

ظاهرا منظور از ارجع البصر کرتین نگاه کردن چشم بعد از رجعت است زیرا در نازعات کره خاسره همان مرگ دوم است و به جای خاسر در اینجا خاسع داریم

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ [12] برای کسانی که نادیده از پروردگارشان می ترسند، آمرزش و مزد فراوان است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم انما یخشی الله من عباده العلما و آنها همان فهمندگان محکم از متشابهند و همچنین متشابه متشابه با غیب است که در آیه آمده و علما متشابه با تاجرانند که متشابه را می دهند و محکم را در آخرت می گیرند و اجر کبیر متشابه با محکم است.

سوره الملك

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ [13] چه به راز سخن گویند و چه آشکارا، او به هر چه در دلها می گذرد داناست. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

سر منشابه با متشابه و جهر متشابه با محکم است که ظاهرا در ادامه ی آیه ی قبل است چنانچه خدا با سر و جهر صحبت می کند و عالمان به صدر سخن خدا نگاه می کنند تا معنی آن سخن را بفهمند. متشابه با آن است که چه متشابه سخن بگویند چه غیر متشابه خدا می داند منظور محکم شما چیست

سوره الملك

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ [14] آیا آن که آفریده نمی داند؟ حال آنکه او باریک بین و آگاه است. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

خالق کسی است که متشابه را می کارد تا محکم آن بیرون شود چنانچه آب از آسمان منی می شود و بعد محکم آن سعی می شود و چنانچه متشابه به امام داده می شود و محکم از او دریافت می شود حال داریم الا يعلم من خلق یعنی آیا کسی که متشابه شما را در زمین کاشته و بعد سعی شما را می بیند نمی داند شما پیرو کدام وجه از متشابهاتید که این همان ابتلا به متشابهات است و این شیوه همان شیوه ای است که انسان به ضمیر افراد پی می برد یعنی هنگامی که عمل او را می بیند که پیروی از کدام وجه از متشابهات می کند می فهمد که در صدرش و تعقلش پیروی از چه وجهی از متشابهات می گذرد. بنابراین خالق متشابه با کشاورز و امتحان کننده ی مردم است که از ذات الصدور آن ها با خبر است.

خالق همان کسی است که موجب رستن می شود و چون خدا در دنیا تخم انسان را کاشته و هر تخمی به دنبال جذب امکانات دنیوی مورد نظر خود است به این وسیله از ذات صدور آن ها آگاه می شویم و این عمل (رها کردن در دنیا) نتشابه

با خلق است.

سوره الملك

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ [30] بگو: اگر آبتان در زمین فرو رود، چه کسی شما را آب روان خواهد داد؟ (30)

قرآن مبین - مبین موبایل

معن متشابه با خیر است و به تبع آن متشابه با آخرت و نعمت آخرت را امام به انسان می رساند پس معن متشابه طولی یا متقاطع با امام است که طبعاً یکی از هفتاد وجه متشابه این آیه می شود اگر امامتان غائب شود چه کسی برای شما ماء معین به آخرت می برد؟ و تعبیر اینکه ماء معین امام غائب است ظاهراً بر این وجه است.

غور متشابه با غائب شدن امام و رفتن آب و زمین زیر سنگ است و اینکه در احادیث داریم ماء غور شده همان امام غائب است برای همین است.

سر جمع ظاهراً این آیه یعنی اگر امامتان غائب شود چه کسی امواتان را در دنیا برای آخرت صرف می کند تا در آخرت در بهشت باشید؟

تعبیر دیگر آن است که اگر آبتان (مال و اولادتان) را به غیر امام بسپارید و غور شود چه کسی در آخرت برای شما آب (مال و اولاد) معین (آخرت) می آورد؟ و امامانی که غیر امام خدا به آن ها مال و اولاد می سپارید در آخرت به شما آن را پس نخواهند داد.

همچنین داریم او یصبح ماءوها غورا فلن تستطیع له طلبا که استطاعت برای شخم سنگ از زمین می آید که همان ضرب فی الارض است که رسیدن به امام است و همچنین ینبوع متشابه با امام است که آب را هنگام بی بارانی به گیاه می رساند و غور شدن آب یعنی غیبت ینبوع که ذخیره گر آن است.

سوره القلم

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ [1] نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

سطر متشابه با کاشتن است و این سوره در مورد حضرت محمد است که نعمت دنیا را که متشابه است می دهد (متشابه با کاشتن) تا نعمت آخرت را به دست آورد برای همین شرح حال مکذبان به دین که چنین نمی کنند و به مسکین طعام نمی دهند آمده و آنها حضرت محمد را که دنیایش را صرف آخرت می کند مفتون (متشابه با میرو متشابهاً) و پیرو متشابهاً می دانند زیرا محکم را دنیا می دانند

نون همان ماهی است چنانچه داریم ذالنون که همان حضرت یونس است و داریم صاحب الحوت در همین سوره؛ در ادامه می بینیم یونس متشابه با سخن خداست که باید آن را به قومی برساند اما نمی رساند و نون اینجا جایی است که سخن خدا نگهداری می شود که ماهی است و به دام افتاده و کفران شده بنابراین منظور از نون دفتر و کاغذ است و برای همین

با سطر و قلم آمده

مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ

که به سبب رحمت پروردگارت [که نبوت و دانش و بصیرت است] [تو مجنون نیستی؛ (۲)]

قلم - 2

قرآن مبین

حضرت محمد را مجنون می خوانند زیرا نعمت ها را صرف کارهایی می کرد که کافران می گفتند بازیابی نخواهد داشت مثلا گمان می کردند اگر به فقیران کمک شود آخرتی نیست که خدا به ازایش به حضرت کمک کند اما خدا می گوید به نعمت پروردگارت خواهی رسید و مجنون (مفتون) نیستی و مجنون و مفتون یعنی آنکه نعمت را جایی می برد که برگشتی ندارد مانند شکم نهنگ که تا قیامت می خواست یونس را نگه دارد و باید خود را رها می کرد مردم آخرت را شکم نهنگ می دیدند که هرچه به آنجا فرستادی بازخواهد گشت و باید برای دنیا سرمایه گذاری کرد.

سوره القلم

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ [3] و تو راست پاداشی پایان ناپذیر. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

علت این اجر بذری است که توسط حضرت محمد کاشته می شود و متشابه با عمل ن و قلم است و اجر همان خواندن آنچه است که نوشته شده است که همان نامه ی عمل است

سوره القلم

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ [5] زودا که تو ببینی و آنها نیز ببینند، (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی هفده

سوره القلم

بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُولُ [6] که دیوانگی در کدام يك از شماست. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی هفده

مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتَمِّمُ

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و متجاوز و گنهکار است. (۱۲)

قلم - 12

قرآن مبین

منظور همان است که در آیه ی دو آوردیم که گمان می کنند حضرت محمد نعمت های خود را دارد تباه می کند و آنها که مال و اولاد دارند آن را مانند حضرت خرج آخرت نمی کردند و آیات چهارده و پانزده به خاطر همین است

سوره القلم

إِنَّا بَلَوْتَاهُمْ كَمَا بَلَوْتَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ [17] ما آنها را آزمودیم، چنان که صاحبان آن بستانها را آزمودیم. آنگاه که قسم خوردند که فردا بامداد میوه ها را خواهند چید. (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

بلا با متشابهات انجام می شود تا مشخص شود چه کسی به محکم (احسن عمل) رو می کند (لیبلوهم ایهم احسن عملا) و در تینجا خدا با نعمت باغ دنیا آنها را آزمود تا ببیند به مسکینان کمک می کنند یا پیرو مال دنیايند. باز مطابق فرم کلی سوره است این ها همان کسانی اند که حضرت محمد را به خاطر صرف دنیا برای آخرت مجنون می خوانند و نابودی آن

باغ متشابه با نابودی دنیا است که آنگاه می فهمند محکم آخرت بوده و نه دنیا برای همین داریم فستبصر و ببصرون بایکم المفتون

سوره القلم

قَدَرْنِي وَمَنْ يُكذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ [44] پس مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار تا اندک اندک، چنان که درنیابند، فروگیریمشان. (44)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به سی و سه زخرف و صد و هشتاد و دو اعراف

قَاصِرٍ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَّا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ تَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ

پس در برابر حکم و قضای پروردگارت [که هلاک کردن تدریجی این طاغیان است] شکیبیا باش و مانند صاحب ماهی [یونس] مباش [که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی محبوس شد] و در آن حال با دلی مالا مال از اندوه، خدا را ندا داد. (۴۸)

قلم - 48

قرآن مبین

متشابه است با آیه ی بیست و نه که داریم قالوا سبحان ربنا انا كنا ظالمين زیرا صاحب حوت یا حضرت یونس هم گفت سبحانک انی كنت من الظالمين و چون داریم فظن ان لن نقدر علیه بنابراین منظور از قدر همان عذاب و گرفتن نعمت است در اینجا که در اینجا برای ح یونس احتمالاً رساندن پیام خدا بوده زیرا پیام های خدا متشابه با نعمت است که رسول باید آن را به بقیه هم برساند همانطور که صاحب نعمت باید آن را به یتیم و ضال بدهد و این مطلب باز همان فرم آیه ی پنج سوره بلد است که داریم ایحسب ان لن یقدر علیه احد

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود، یقیناً نکوهش شده به صحرایی بی آب و گیاه افکنده می شد. (۴۹)

قلم - 49

قرآن مبین

منظور ظاهراً آن است که پیامبران و حضرت یونس سخن خدا را به همراه دارند و باید آن را در دیگران بکارند و آموزش دهند تا ثمره اش در آخرت به آنها برسد و اگر چنین نکنند مانند این است که در دهان نهنگ و نون گیر کنند و سخنشان به جایی نرسد و در آخرت هیچ پاداشی دریافت نکنند و در صحرای بی گیاه رها شوند منظور از گیاه پیروان آنها و نعمت هایی است که خدا به خاطر آموزش به آنها می دهد. در اصل انگار خدا به ح یونس می گوید من به تو علمی داده ام تا به دیگران یاد دهی و نعمتی در آخرت برای تو باشد حال که موقع یاد دادن آن است چرا فرار می کنی و علم خود را حبس می کنی؟ نمی خواهی ثمره ای در آخرت برای خود داشته باشی؟

انگار خدا به ما زمین هایی در آخرت داده زیر آفتاب سوزان و نعمت هایی در دنیا که باید کاشته شود تا در آنجا سایه و قوت ما باشند و اگر نباشند ما نه از گرسنگی و آفتاب سوزان خواهیم مرد

سوره القلم

وَإِنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ [51] و کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود که تو را با چشمان خود به سر درآورند و می گویند که او دیوانه است، (51)

قرآن مبین - مبین موبایل

در اینجا باز پیرو فرم کلی سوره وقتی ذکر (تذکره لمن شاء ان يتخذ الي ربه سبيلا) را که آنها را به سبیل (متشابه با امام که نعمت دنیا را می گیرد و آخرت را پس می دهد متشابه با کتاب اعمال) دعوت می کند می شنوند نی گویند او مجنون است که می خواهد مال و دنیای خود را صرف آخرتی کند که وجود نخواهد داشت

سوره الحاقة

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ [24] بخورید و بیاشامید، گوارا باد شما را. اینها پاداش اعمالی است که در ایام گذشته به جای می آورده اید. (24)

قرآن مبین - مبین موبایل

ایام خالیه متشابه با روز هایی است که امام در آن ها بوده و آن ها به او مال و اولاد خود را داده اند و همان ایام التی خلت فیها التذیر است

سوره الحاقه

يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ [27] ای کاش همان مرگ می بود و بس، (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

قضی برای موت و صلاه می آید که با هم متشابه هم هستند(زیرا هر دو با کاشتن و پنهان شدن تخم در زمین متشابهند) و تاویل آن ظاهرا این است که کاش ایمان(صلاه) آورده بودم و طغیان نمی کردم یا کاش از عذاب پنهان می شدم یا کاش مرده بودم یا کاش مال و اولادم (اجل) را در راه خدا صرف کرده بودم

سوره المعارج

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْزُومِ [25] برای گدا و محروم. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

با توجه به معکوس بودن سوره ی ماعون در آیات بیست و یک تا بیست و پنج این سوره سائل متشابه با مسکین و محروم متشابه با یتیم است

سوره نوح

سوره نوح

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَسَاطِعًا [19] و خدا زمین را چون فرشی برایتان بگسترد، (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه ی بعد متشابه با آن است که داریم الم تكن ارض الله واسعه لتهاجروا فيها که منظور از سلک سبیل و ضرب ارض پیدا کردن امام است

سوره النوح

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَإِنَّا تَبَارًا [28] ای پروردگار من، مرا و پدر و مادرم را و هر که را با ایمان به خانه من وارد شود و نیز مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز و ستمکاران را جز به هلا کتشان میفرزای. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

چنانچه ائمه گفته اند منظور از بیت در اینجا ولایت است و ولایت و بیت با هم متشابهند و به جای ولایت بیت آمده. ، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، في قوله عز وجل: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا: «إنما يعني الولاية، من دخل في الولاية دخل في بيت الأنبياء (عليهم السلام)

سوره الجن

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا [5] و ما می پنداشتیم که آدمی و جن در باره خدا دروغ نمی گویند. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی بعد

سوره الجن

وَأَنْتُمْ كَانَتْ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعْوثُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنَّ فَرَادُوهُمْ رَهَقًا [6] و نیز مردانی بودند از آدمیان که به مردانی از جن پناه می بردند و بر طغیانشان می افزودند. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیات قبل است که بعضی از انسان ها برای فهم آیات قرآن به شیاطین (جن هایی که به آسمان می روند و سخن خدا را درک نمی کنند و با حمله ی نجوم برمی گردند) رجوع می کند اما چیزی اشتباه از قرآن برداشت می کند که دروغ است و منظور از گمان می کردیم نمی توانند دروغ به خدا ببندند ظاهرا آن است که گمان می کردیم آیات قرآن تمامی صریح است و کسی که قرآن می خواند منظور آن را می فهمد و نمی تواند غلط برداشت کند و به خدا دروغ ببندد حال آنکه قرآن تودار است و ظاهرا جن ها نمی دانسته اند.

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا [26] او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌بازد، (26)

قرآن مبین - مبین موبایل

غیب متشابه با متشابه است و در اینجا احتمالاً همان امنیه است که شیطان در آن قدرت نفوذ می‌یابد بنابراین چنانچه بعدش داریم کسی از رسولان را به غیب (سخن متشابه) به مردم ظاهر نمی‌کند الا اینکه رصد (امام، حافظ، بینه) بر او می‌گمارد تا جمله‌ی متشابه را محکم کند و این خود اثباتی از امامت است که خدا سنتش این است که هنگامی که کلمه‌ای متشابه را می‌گوید حتماً بعد از آن توضیح دهنده‌ای باقی می‌گذارد پس چگونه قرآن را که پر از محکمت و متشابهات است بدون توضیح دهنده‌ای بعد از نبی رها می‌کند در حالی که هنوز آیات آن محکم نشده. این برای آن است تا خدا مطمئن شود منظورش را مردم فهمیده‌اند چنانچه در آیه‌ی بیست و هشت داریم لیعلم ان قد ابغوا رسالات ربهم حال همین جمله را برای غدیر خم داریم که بلغ ما انزل الیک من ربک پس آن هر چه بوده ربط به توضیح متشابهات کتاب دارد پس اگر حضرت محمد حضرت علی را معرفی می‌کند واضح است که در همین راستاست.

سوره الجن

إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا [27] مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد که برای نگهبانی از او پیش روی و پشت سرش نگهبانی می‌گمارد، (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه در پیش روی و پشت سرش رصد گمارده می‌شود ممکن است منظور جملات متشابه (غیب) باشد و نه رسول. که آن رصد و حافظ تاویل کج را از جمله‌ی متشابه باز می‌کند.

سنت متشابه با رصد است و از جمله‌ی رصد هایی که خدا گمارده در آیه‌ی سی و هشت و سی و نه احزاب آمده که ما در تفسیر آیه‌ی سی و نه توضیحش را آورده ایم

سوره المزمّل

در مورد تکلیف واجبات قرآن به اندازه‌ی فهم انسان از قرآن و بخشش سایر دستورات قرآن است فهم علم است و به منزله‌ی نعمتی است که شکرش عمل به آن است و متشابه کردن دنیا با آن و اگر کسی فهم نداشته باشد به خاطر آن بازخواست نمی‌شود زیرا فهم نعمت است نه تکلیف و خدا نافرمانی را ظاهراً بخشیده است به شرط آنکه منظور آیه همین باشد

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [20] پروردگار تو می‌داند که تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب را به نماز می‌اپستید. و خداست که

اندازه شب و روز را معین می کنند. و می دانند که شما هرگز حساب آن را نتوانید داشت. پس توبه شما را بپذیرفت. و هر چه میسر شود از قرآن بخوانید. می دانند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی دیگر به طلب روزی خدا به سفر می روند و گروه دیگر در راه خدا به جنگ می روند. پس هر چه میسر شود از آن بخوانید. نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه دهید. و هر خیری را که برای خود پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. و آن پاداش بهتر است و پاداشی بزرگ تر است. و از خدا آمرزش خواهید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

فاقرووا ما تیسر من القرآن متشابه با آن است که بگوییم آنچه از قرآن را می فهمید و محکم آن را می دانید بخوانید (پیروی کنید) زیرا در مورد عدم قیام لیل به طور کامل است و نقص قیام که همان نقص قوام است و آن همان نقص دریافت محکم قرآن زیرا قوام متشابه با محکم است بنابراین یعنی آنچه از قرآن را به طور محکم می فهمید عمل کنید چنانچه یسر هم یعنی حل بودن و دریافت کردن و عسر یعنی سنگ و مانع فهم و منظور از مریض همان استهزا کننده و نفهمندهی متشابهات است و همان شعراایی که غاوون از آنها تبعیت می کنند. همچنین حسی متشابه با علم است و ظاهرا یعنی خدا می داند که شما به علم آن دست نمی یابید پس آنچه میسر می شود و می فهمید را پیروی کنید. ظاهرا خدا تکلیف نکرده است که آنچه از قرآن را نمی دانند تبعیت کنند و داریم فتاب علیکم فاقرووا ما تیسر من القرآن. در مورد تکلیف واجبات قرآن به اندازه ی فهم انسان از قرآن و بخشش سایر دستورات قرآن است فهم به منزله ی نعمتی است که شکرش عمل به آن است و اگر کسی فهم نداشته باشد به خاطر آن بازخواست نمی شود زیرا فهم نعمت است نه تکلیف ضرب فی الارض به این علت سفر هم تعبیر می شود که ضرب متشابه با هجر است و همچنین این عمل متشابه با کشاورزی و برداشتن سنگ زمین است و همچنین متشابه با عملی است که برای رسیدن به امام (ارض) انجام می شود

سوره المزل

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا [15] ما بر شما پیامبری فرستادیم که بر اعمالتان گواه است، بدان سان که بر فرعون هم پیامبری فرستادیم. (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره المزل

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا [17] اگر کافر باشید، در روزی که کودکان را پیر می گرداند چگونه در امان مانید؟ (17)

قرآن مبین - مبین موبایل

چنانچه در دو آیه ی بعد آمده و یوم متشابه با آن است منظور از یوم، ولایت و ایمان است و ایمان همان ایمنی از عذاب است و آیه آن است که کیف تتقون العذاب ان کفرتم بالایمان و ایمان متشابه با یمانی نیز هست

سوره المزل

السَّمَاءُ مُنْقَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا [18] در آن روز آسمان بشکافد و وعده خدا به وقوع پیوندد. (18)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه باعث انفطار سماء می شود متشابه با خواندن ولی ای غیر از خداست (ولایت، ایمان) چنانچه در پنج و شش شوری داریم. و همچنین همان خواندن ولد برای خداست چنانچه در هشتاد و هشت تا نود و یک مریم داریم. برای همین داریم فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا که منظور از سبیل امام ولایت و ایمان است و یوما يجعل الولدان شیبیا منظور ظاهرا همان یوم تقی الجمعان و ایام الخالیه (خلت النذر) است که در آن پسر بچه از شدت رنج نبرد آخرالزمان و تقی الجمعان موی سرش سفید می شود

سوره المزل

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا [19] این تذکاری است. پس هر که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش آغاز کند. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

می دانیم که سبیل متشابه با امام است و رصد است که بر رسول است تا حرف رسول هموارگی باشد و ذکر متشابه با صلا ه و ایمان است و همان عمل امام است. این آیه در ادامه ی آیه ی پانزده است.

سوره المزل

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَخْرُونَ يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ [20] پروردگار تو می داند که

تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب را به نماز می ایستید. و خداست که اندازه شب و روز را معین می کند. و می داند که شما هرگز حساب آن را نتوانید داشت. پس توبه شما را بپذیرفت. و هر چه میسر شود از قرآن بخوانید. می داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی دیگر به طلب روزی خدا به سفر می روند و گروه دیگر در راه خدا به جنگ می روند. پس هر چه میسر شود از آن بخوانید. نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه دهید. و هر خیری را که برای خود پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. و آن پاداش بهتر است و پاداشی بزرگ تر است. و از خدا آمرزش بخواهید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. (20)

قرآن مبین - مبین موبایل

حصی متشابه با علم است و همان لتعلموا عدد السنین و الحساب است که همان پرهیز از متشابه و گرایش به محکم است و قرآن همان خواننده به محکم است زیرا داریم فیه شفاء. و محکم همان امام و سبیل است که در آیه ی قبل آمد و قیام همان قیام بالصلاه است که صلاه متشابه با امام است

یسر متشابه با علم و محکم است و فاقرووا ما تیسر من القرآن یعنی آنچه می فهمید را بخوانید و به آن علم دارید همچنین علم ان لا تحصوه متشابه با علم ان لا تعلموه است که یعنی می داند که آن را نمی فهمید پس از قرآن آنچه را بخوانید (قرائت متشابه با برداشت کردن و پیروی کردن است) که می فهمید که منظور آن است که از عمل به آنچه نمی فهمید پرهیز کنید زیرا فاقرووا استثنایی بر فرمان نخواندن قرآن در علم ان لا تحصوه است

سوره المدثر

لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ [37] برای هر کس از شما که خواهد پیش افتد یا از پی رود. (37)

قرآن مبین - مبین موبایل

تقدم متشابه با کاشتن است و تاخر متشابه با برداشتن و تقدم یعنی چیزی که در دنیا کاشته اید و در آخرت برداشت می کنید و تاخر یعنی چیزی که در دنیا کاشته اید و باز در دنیا برداشت می کنید در حالیکه حاصل آن برای آخرت است مثل کتابی که نوشته اید و برداشت آن همان خواندن آن توسط بقیه است که سبب برداشت شما در آخرت می شود

سوره المدثر

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ [42] که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ (42)

قرآن مبین - مبین موبایل

سلک شدن یعنی مقیم شدن در جایی به طوری که از آن بیرون نیابید زیرا سلک برای رصد می آید و آن متشابه با شهاب و نجوم است و آن متشابه با امام است که بعد از نبی حفظ کننده ی امر اوست تا امرش همواره پایدار بماند حال ما سلککم فی سقر ظاهرا یعنی چه چیز شما را در آتش جاودانه کرد و این در حالی است که بعضی از مجرمان از آن خلاص می شوند و بعض نه، پس آنها جواب هایی می دهند و در آخر می گویند حتی اتانا الیقین زیرا آنها کسانی بودند که انواع جواب ها را به خاطر ایراداتشان از حضرت محمد گرفتند تا آنکه در آخر گفتند سحر است سوره المدثر

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ [24] که یعنی حق نیست و متشابه آن است و او تمام نشانه های نبوت را دارد اما از کجا معلوم که واقعا نبی باشد شاید متشابه او باشد یا هرگونه ایراد دیگری از این نوع پس دواى این ایراد صبر است تا آنکه به یقین عذاب را حس کند و بفهمد که حق است و سحر نیست اما این فرد در آن جاودانه خواهد ماند چنانچه بعد از آنکه کسی پیغمبر را ساحر بداند هیچ حجتی علیه او نیست و رها می شود و همواره در گمراهی می ماند تا آنکه در آخر به آخرت می رسد و چنانچه در دنیا همواره در گمراهی باقی ماند در سقر همواره باقی می ماند.

با آنکه اگر سحر هم باشد خود معترفند اثرگذار است و مفید است و کلک نیست اما سرکشیشان سبب محروم ماندن از این نعمت می شود.

سوره المدثر

وَكُنَّا تَخَوِّضُ مَعَ الْخَائِضِينَ [45] و با آنان که سخن باطل می گفتند هماوازی می شدیم، (45)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از خائضین همان منافقان است که آیات خدا را استهزا می کنند چنانچه داریم

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

و منظور از کنا نخوض همان قعود با منافقان است چنانچه خدا می گوید انکم اذا مثلهم یعنی شما هم خائض محسوب می شوید اگر با خائضان نشست و برخاست کنید.

خوض با خائضین متشابه با ودع یتیم در سوره ماعون است زیرا این تکه از سوره (چهل و سه تا چهل و شش) تکرار سوره ماعون است و چون به جای ودع یتیم خوض با خائضین آمده بنابراین با هم متشابهند و ودع یتیم همان ندادن مال و اولاد به امام است و خوض همان استهزاست که هنگام گرفتاری از خدا طلب می کنند اما هنگام راحتی خدا دوباره آن نعمت ها را (مال و اولاد) از آنها طلب می کند تا بکارند و در آخرت برداشت کنند (که متابه با دادن نعمت ها به امام است) اما آن ها این کار را نمی کنند بنابراین خوض و استهزا و کفر به امام و کفر به ایمان همه با هم متشابهند

سوره القيامة

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ [5] بلکه آدمی می خواهد که در آینده نیز به کارهای ناشایست پردازد. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا متشابه با آن است که انسان می خواهد آنچه را کاشته (امام، ارض) زودتر بیرون دهد (فجر) و حاصلش را برداشت کند این عمل متشابه با عجول بودن انسان است که نعمت عاجل را می خواهد و صبر نمی کند تا تخمی که کاشته موقع رستنش فرا رسد برای همین حاصل عملش را نابود می کند و امامش در آخرت رزقی ندارد تا به او تحویل دهد و به غیر از آتش برای او نمی ماند

سوره القيامة

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَقَرُّ [10] انسان در آن روز می گوید: راه گریز کجاست؟ (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

فرر همان احساس غنا و بی نیازی کردن از یک معبود و غنی شدن به معبودی دیگر است و مفر همان معبود است و این آیه یادآور لا یغنی مولی عن مولی شیئا و ما اغنی عنی مالیه است که انسان تنها از پروردگارش می تواند رزق گیرد و پناه یابد

سوره القيامة

كَلَّا لَوْ وَزَّرَ [11] هرگز، پناهگاهی نیست. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

وزر مانع تبعیت و گرفتن نعمت و پناه و عذاب مولاست و در ادامه ی آیه ی قبل است که مفری و معبود دیگری ندارید تا وزر شما برای حجاب شما از پروردگار شود

سوره الإنسان

سوره الإنسان

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أُمْتَجَاعٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا [2] ما آدمی را از نطفه ای آمیخته بیافریده ایم، تا او را امتحان کنیم. و شنوا و بینایش ساخته ایم. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از ابتلا همان گرایش به متشابه دنیا در برابر محکم آخرت است و نحوه ی آن با کمک کردن با اموال و انفس که متشابهاتند به امام مشخص می شود و متشابهات آن. چنانچه در آیه ی بعد هم سبیل امام است و شکر دادن مال و نفس به او و کفر ندادن مال و نفس به او.

سوره الانسان

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا [3] راه را به او نشان داده ایم. یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

سبیل امام است و متشابهات آن. انسانی که می داند نعمت را خدا به او داده زکات آن را می دهد و دوباره آن را در آخرت دریافت می کند اما انسانی که برای خدا انداد می گذارد و قبول ندارد نعمت را خدا به او داده و می گوید انما اوتيته على علم آن نعمت را زکات نمی دهد و و کفر می ورزد و شکر نمی کند و زکات همان دادن مال و اولاد به امام برای دریافت آن در آخرت است که کافران چون مایوسند از آنکه دوباره به آن ها نعمت برسد آن را به امام به صورت زکات نمی دهند تا در آخرت دوباره به آن برسند اما آنکه می گوید نعمت را خدا داده وقتی خدا به او می گوید نعمت را به من بده تا به تو در آخرت پس دهم قبول می کند و کفر نمی کند که خدا به او داده برای همین داریم و من یشکر (کسی که بگوید نعمت را خدا به من داده و آن را زکات دهد) فانما یشکر لنفسه (زیرا آن نعمت را در آخرت دریافت می کند)

سوره الإنسان

يُوقُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا [7] به نذر وفا می کنند و از روزی که شر آن همه جا را گرفته است می ترسند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

نذر متشابه با امام است و وفی همان پرداختن مال و انفس به او که در آیات دو و سه توضیح داده شد

سوره الإنسان

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا [24] در برابر فرمان پروردگارت صابر باش و از هیچ گناهکار یا ناسپاسی اطاعت مکن. (24)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آن است که صبر کن برای نعمت محکم خدا در آخرت و از کافری که نعمت را به امام نمی دهد تا در آخرت باز یابد پیروی نکن

سوره المرسلات

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا [1] سوگند به بادهایی که از پی هم می آیند، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

رجوع شود به سه ی فیل

سوره المرسلات

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرْجَتْ [9] و آنگاه که آسمان بشکافد، (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

ما ظاهرا با دو چرخه ی بزرگ برای قیامت روبرو هستیم طبق یک چرخه الان در زندگی هستیم (متشابه با روز و تابستان) و بعد می میریم و دوباره زنده می شویم و مطابق یک چرخه ما الان در شب هستیم چنانچه می دانیم اعمال ما در دنیا پاداش نمی گیرد زیرا در شب هستیم و در روز است که اعمال ما رشد می کند و آنچه کاشته ایم پرورش می یابد و این ظاهرا معنای گشوده شدن آسمان است و قیامت تصادف روز شدن دوتا از این چرخه هاست که چرخه ای که طبق آن الان شب است از اولی بزرگتر است (احتمال دارد چرخه ی بزرگ روی تمام چرخه های کوچک تاثیر بگذارد و همه را روز کند و برای همین باشد که مردگان زنده شوند و خودمتشابهی باعث شود تمام الگوها روز شود)

اذا السماء فرجت متشابه با نزول باران برای زنده شدن اعمالی است که در دنیا کاشته بودیم. این ظاهرا همان باران خودمتشابهی است که در انجیل یمانی آورده ام برای طبیعت بالاترین الگوی فرد مهم است که آیا با الگوی خدا یکی است یا نه اگر بود اصرار می ورزد تا بقیه ی الگوهای پایین او را هم تعمیم دهد و اگر نبود هرچند الگوهای پایین او درست باشند مجبور است تا الگوی بالایی او را نابود کند و به تبع آن الگوهای پایین هم از بین می روند این همان مسئله است که می گوئیم کسی که از نان سخن خدا سیر است متشابه با آن باید از نان خوردن ظاهری هم سیر باشد همچنین کسی که الگوی الایش متشابه با الگوی خداست (و در اصطلاح مومن است) این فرد عمل صالحش که در تبعیت دادن زیر دست هایش از خودش است پذیرفته می شود اما اگر الگوی بالایش خراب باشد این عمل صلح دادن زیر دستانش با خودش در اصل فاسد کردن آن هاست و از او پذیرفته نمی شود

آنکس که الگویی خودمتشابه با طبیعت دارد طبیعت او را تشویق می کند و به او نعمت می دهد و این فرد همان مطیع خداست و همان است که سخن خدا را فهم و تبعیت می کند اما اکنون چون در شب هستیم اینگونه نیست و در قیامت تشویق ها کامل می شود و ثروت و قدرت و نعمت فقط در اختیار کسانی خواهد بود که الگویی متشابه با الگوی خدا دارند این نشان می دهد که حساب و کتاب حق است.

آسمان بسته شده و ما لها من فروج و نجوم محافظان آند حال داریم آسمان باز می شود که یعنی متشابه آند که مردم سخن خدا را درک خواهند کرد اما معنای محکم آن ظاهرا آن است که در دنیا که خدا امر آسمان را بر زمین نازل نمی کند تا خودمتشابه شود اما در یوم فصل که همان روز پناه دادن است (فصل متشابه با پناه دادن است) خدا زمین را تابع آسمان می کند و این باعث می شود هرکس کاری در غیب کرده که همان تخم کاشته شده در زمین است نتیجه اش بیرون می آید و هرکس تخم روی زمین داشته خسارت می کند

نشانه ی حساب آن است که در شب مردم تخم هایی دارند تخم ها بعضی بر زمینند و بعضی درون زمین و بالایی ها دارای بیشتری دارند اما روز که می شود تخم بالایی ها می سوزد و پایینی ها سبز می شود و چند برابر ثمر می دهد این نشانه ی حساب قیامت است

در اینکه روزی بعد از این شب است نشانه اینکه زمین و آسمان در حال دگرگونی و پاداش و عذاب است.

سوره المرسلات

لَيَوْمِ الْقِصْلِ [13] برای روز فصل. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

روز فصل روزی است که خدا یفصل بینهم فیما كانوا فیه یختلفون و روزی است که ان الله علی کل شیء شهید و در دو آیه ی قبل ظاهرا منظور از لای یوم اجلت که رسل اقتت همین شهادت رسل بر درستکاری طیف های مختلف است که کدام پیرو محکم بوده و کدام نبوده و امام خدا که بوده زیرا بر رسول رصد گمارده می شود تا خدا مطمئن شود که سخن او را درست رسانده و محکم کرده.

سوره المرسلات

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَرُونَ [36] آنها را رخصت ندهند تا پوزش خواهند. (36)

قرآن مبین - مبین موبایل

عذر متشابه با نذر و پیروی از امام است و جمله ظاهرا متشابه با آن است که اذن دخول به بیت انبیا (تبعیت از امام) و ایمان از عذاب به آن ها داده نمی شود چنانچه داریم لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ [48] و چون گویندشان که رکوع کنید، رکوع نمی کنند، (48)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی سبک کلی سوره در پیروی از ائمه است و دوری از خلائف و امامان ناحق که در آیه ی سی و شش و سیزده آمد و رکوع متشابه با انابه و رجوع به تنها خدا و ولایت اوست و متشابه با لحظه ای است که خدا به انسان می گوید الست بریکم که چون اینان برای خدا و رسول و امامش رکوع نمی کنند اذن دخول به بیت الله که در آیه ی سی و شش آمد به آن ها داده نمی شود. چنانچه در البرهان هم در مورد رکوع پیروی از ائمه آمده.

سوره النبأ

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ [2] از آن خبر بزرگ، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

این سوره کلا در مورد حضرت علی و امام است و نبا عظیم هم چنانچه روایت ها می گوید همین است چنانچه بعدش داریم الذی هم فیه مختلفون چنانچه مردم در حق (محکم، سبیل) اختلاف می کنند که متشابه با امام است نبا العظیم یعنی دریافت اجر آخرت زیرا عظیم یعنی محکم و موخر چنانچه داریم لتنبون بما عملتم و اختلاف همان است که بعضی به آن ایمان دارند و آن را در آخرت دریافت می کنند و بعضی ایمان ندارند و کسانی که ایمان دارند پیروان امامند که نعمت را به او می دهند و کسانی که ندارند طاغیان امامند

سوره النبأ

لِلطَّائِفِينَ مَأْبًا [22] طاغیان را بازگشتنگاهی است. (22)

قرآن مبین - مبین موبایل

مأب متشابه با سبیل و امام و میزان است و جمله همان الا تظفوا فی المیزان است و مرصاد همان نجومی است که هرکس به خاطر عدم پیروی از امام به خدا و قرآن با متشابهات دروغ ببندد تحت آن قرار می گیرد و مرصاد هم متشابه با امام است

سوره النبأ

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَأ [39] آن روز روزی است آمدنی. پس هر که خواهد به سوی پروردگارش بازگردد. (39)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مآب امام است زیرا مآب متشابه با سبیل است

سوره النازعات

أُبْصِرُهَا خَاشِعَةً [9] و نشان خشوع در دیدگان نمایان. (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

یعنی بصرشان که فهمنده ی محکم از متشابه و شاهد است خشوع می کند و آماده ی دریافت سخن حق و سخن خدا می شود که ظاهرا جواب همان سوالاتی است که قبلا پرسیده اند این عمل متشابه با گرفتاری انسان در موج است که به علت ترس قلب خاشع می شود و انسان به فهم خدا و حقیقت می رسد

سوره عبس

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ [13] در صحیفه هایی گرامی، (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه ی بعد ظاهرا با نشان دادن الگوی اصلی جهان می خواهد به مخاطب بفهماند که برای کسی که استغنی می کند نباید تذکره کرد و صدی کرد و برای کسی که خشی می کند باید صدی کرد زیرا مکرم یعنی آنچه دیگران را به پسری می گیرد و مطهر یعنی آنچه غیر مطهران و غیر اهلان نمی توانند به آن دست یابند

سوره عبس

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ [37] هر کس را در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد. (37)

قرآن مبین - مبین موبایل

غنی یعنی توان ضرب ارض یا متشابه با آن ضرب شدن ارض (بنده) توسط کشاورز که یعنی هرکس کشتی دارد که به علت توجه به آن و مولایی آن او را غفلت می دهد از سایرین و اینگونه غنی متشابه با لهو آمده و این کشا ظاهرا همان طعامی است که در آیات قبل داشتیم فلینظر الانسان الی طعامه زیرا این طعام موجب غنای او در آخرت و بی توجهی به سایر طعام ها می شود. پس باید بنگرد پیرو چه کسی است

سوره التکویر

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ [19] که این سخن رسولی بزرگوار است. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

قول رسول همان امامت است چنانچه داریم من بین یدیه و من خلفه رسدا لیعلم ان ابلاغوا رسالات ربهم و در راستای آیه ی بیست و هشت و بیست و دو است که مستقیم همان امام است

سوره التکویر

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ [28] برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد. (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

ان هو الا ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم متشابه با آن است که داریم ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا که چون سبیل متشابه با امام است بنابراین مستقیم همان پیروی از امام است برای همین داریم که صراط مستقیم همان حضرت علی است

سوره التکویر

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ [29] و شما نمی خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد. (29)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با الحمد لله رب العالمین مالک یوم الدین است که یوم همان روز دیدار با امام و دین همان دریافت نعمت در آخرت از امام است و ما تشاوون همان عدم تملک ماست بر یوم الدین چنانچه آمده ما تشاءون (لن شاء منکم ان یستقیم. فمن شاء ان یتخذ الی ربه سبیلا = من شاء ان یتخذ الی ربه یوم الدین) است

سوره الإنفطار

الذی خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ [7] آن که تو را بیافرید و اعضایت تمام کرد و اعتدالت بخشید. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

سواک همان ایستادن نماز است و عدل همان رکوع که در آن معبودهای باطل را از نظرش باز می کند زیرا عدل به معنای جابه جا کردن محکم و متشابه و معبود حق و باطل است و رکوب همان کاشت او در رحم که متشابه با گرفتن امام (مادر) است و انعام. آن لحظه ای که منی تحت فشار پشت مرد قرار می گیرد همان لحظه ی باز شدن معبودان باطل است زیرا در سختی انسان انابه می کند و آن لحظه که رها می شود و شتاب می گیرد همان رهایی اوست.

سوره الإنفطار

فی أیِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ [8] و به هر صورتی که خواست اعضای تو را به هم انداخت. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

صوره متشابه با امام است و باز یعنی خداست که تعیین می کند که امام کیست و مال و اولاد را باید سوار بر چه مرکب و انعامی کرد تا به حرم آمن برسد و خدا در ارحام (امامان) تصویر می کند زیرا داریم یصور فی الارحام

سوره الإنفطار

وَإِنَّ الْقَجَارَ لَفِي جَحِيمٍ [14] و گناهکاران در جهنم. (14)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به پنج قیامت

سوره المطففین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَلِّمُ لِلْمُطَفِّينَ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی . اوای بر کم فروشان! (۱)

مطففین - 1

قرآن مبین

مطفف کاد به مطفی است که ظاهرا می تواند عطف به آیه ی یزیدون لیطفئوا نورالله بافوائهم باشد و منظور از طفی بالا فواه من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله.

طفف با خودش مخالفت معنایی دارد اگر تعویض دو حرف آخر در سه حرفی ها معنا را عکس کند بنابراین منظور چنین می شود یطففین و لا یطففین که آیه ی دو و سه این دو معنای متضاد شاید باشد یعنی کاد می شود به جفت فعل هایی هم زمان مانند:

الذین اذا اکتالوا علی الناس یطیفون (یحیفون) ثم اذا کالوهم او وزنوهم یطفئون. یعنی وقتی وزن می خواهند تمام می گیرند و مانند صریم می کنند طلب خود را (طاف طائفذمن ربک فاصبحت کاصریم) اما اما وقتی از آنها طلب داری خاموش می کنند ارزش پول تو را با کالای پست.

بنابراین این افعال که حرف دوم و سومشان مانند هم است در آن واحد خاصیت دو گانه دارند و هر دو معنای متضاد را با هم دارند. و این در ادامه نظریه خروف ابراهیمی در رابطه با جا به جایی حرف دوم و سوم است

نکته ای که اینجا به نظر می آید:

به ازای جا به جایی حرف دوم و سوم در هر سه حرفی:

طیف.ر=ر.طفی

و این شرح عکس شدن معنای یک سه حرفی با جا به جایی معنای حرف های دون و سومش است زیرا داشتیم وقتی برای دیگران وزن می کنند و وقتی دیگران برای آن ها وزن می کنند.

سوره المطففین

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْقُونَ [2] آنان که چون از مردم کیل می بهتانند آن را پُر می کنند؛ (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی بعد

سوره المطففین

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ [3] و چون برای مردم می پیمایند یا می کشند از آن می کاهند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

افراد این آیه متشابه با امامان باطلند که هنگامی که مال و اموال را به آن ها می دهی تا به آخرت و حرم آمن ببرند آن را خسارت می زنند و نمی توانند به حرم آمن ببرند و در راه خدا مصرف کنند در حالی که خود امامت هیچ کسی را که به اموال و اولادشان خسارت بزند قبول نمی کنند هر چند که معنای یستوفون احتمالا محکمش این نیست بلکه از سایر متشابهات یا خود خرید و فروش و میزان و مکیال گرفتن به تمام، از دیگران است یعنی افرادی مورد اشاره اند که وقتی جنس می خردند تمام وزن را از فروشنده می خواهند اما وقتی اموال و انفس مردم را به امامت باطل خود می گیرند تمام آن را در آخرت به آن ها تحویل نمی دهند و به آن خسارت می زنند برای همین در آیه ی بعد داریم

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ كَ الَّذِي يَخْسِرُونَ [4] آیا اینان نمی دانند که زنده می شوند. (4)

سوره المطففین

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ [4] آیا اینان نمی دانند که زنده می شوند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی قبل

سوره المطففین

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينَ [7] آگاه باشید که اعمال بدکاران مکتوب در سجّین است. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

فجار همان فاجرانند که از امام سرپیچی می کنند و می خواهند به نعمت عاجل برسند و نعمتی که به امام داده اند را زودتر فجر (فجر ینبوع، فجر امام) کنند.

مراجعه شود به تفسیر پنج قیامت

سوره المطففین

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [10] در آن روز وای بر تکذیب کنندگان: (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه ی سه. در اینجا تکذیب دین متشابه با عدم دریافت نعمت در آخرت است زیرا تکذیب همان عدم دریافت و دین همان نعمت است و مطففین ائمه ی ظالمند و طبعا پیروان آن ها مکذبانند زیرا مطففین نعمت را در آخرت تحویل نمی دهند و پیرو آن ها خسارت می کند و این آیه ظاهرا در مورد پیروان مطففین و تجارت کنندگان با آن هاست.

سوره المطففین

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ [32] و چون آنان را می دیدند، می گفتند که اینان گمراهند. (32)

قرآن مبین - مبین موبایل

مکذبان که پیرو مطففینند به پیروان ائمه ضالون (ضل عن سبیل امام)) می گویند چون گمان می کنند آخرت وجود ندارد و آنها امام اشتباه انتخاب کرده اند و خسارت می کنند در حالیکه آن ها خود امام اشتباه انتخاب کرده اند.

سوره الإنشقاق

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا [13] او در دنیا نزد کسانی شادمان زیسته بود. (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از سرور نعمت داری است و منظور ظاهرا آن است که نعمت را به امام نمی داد چنانچه فرح دنیا هم همین معنا را می دهد

سوره الإنشقاق

لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ [19] که به حالی بعد از حال دیگر تحول خواهید یافت. (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

طبق متشابه با امام است که ظاهرا یعنی شما در دنیا مسرورید و پیرو امام باطل و در آخرت پیرو امام حق می شوید و دیگر آنکه یعنی در ابتدا در احسن تقویم بودید و خدا فی ای صوره ما شاء رکبک اما بعد از این صورت احسن در آمدید و سوار بر صورتی دیگر شدید و کافر شدید و دیگر اینکه یعنی حضرت علی را رها کردید و پیرو عمر شدید

طبق متشابه با امام و ارض است و منظور احتمالا دنیا و آخرت است که انسان را رزق می دهند لتركبن طبق عن طبق یعنی از دنیا به آخرت می روید و همچنین متشابه با آن است که امامان شما در زمین تغییر می کنند و امامی از دنیا می رود و به پیروی امامی دیگر در می آید

سوره الإنشقاق

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ [25] مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداششان را پایانی نیست. (25)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی نوزده است که از احسن تقویم و احسن صور که همان احسن طبق است به طبق دیگری سوار شده اند اما چنانچه در آیات چهار تا شش ردود از طبق (تقویم) به طبق پست استثنایی دارد که آن مومنان مصلحند در اینجا تیز همان استثنا آمده

سوره البروج

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ [7] و بر آنچه بر سر مؤمنان می آوردند، شاهد بودند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا یعنی با علم به اینکه کارشان خطاست عمدا آن را انجام می دادند چنانچه داریم لم تقولون ما لا تفعلون که دروغ بستن به خداست و آنکه بگویی منظور خدا از فلان آیه فلان است و غلط باشد و اما اینجا داریم که شهوند که یعنی محکم و متشابه را تشخیص داده اند اما باز مومنان را می آزارند

سوره البروج

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِمَّامٌ لِمِ يَتَّبِعُونَ فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقِ [10] هر آینه آنان که مردان و زنان مؤمن را شکنجه کردند و توبه نکردند، عذاب جهنم و عذاب آتش برای آنهاست. (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

فتنه متشابه با متشابه و نسخ شونده است و در اینجا ظاهرا منظور نسخ مومنان و جنگ با آن ها و ضعیف کردن آن هاست که فتنه کردن آن ها نامیده شده زیرا این ها متشابهات نسخند.

سوره البروج

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ [12] فروگرفتن پروردگار تو سخت است. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از بطش انتقام است چنانچه داریم

يَوْمَ تَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ

و ظاهرا در جواب آیه ی هشت آمده که کافران مومنان را نقم می کنند

سوره الطارق

سوره الطارق

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ [1] سوگند به آسمان و به آنچه در شب آید. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

طارق مشخص کننده ی طریق است چنانچه داریم

قَالُوا إِن هَذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى

و متشابه با نجومی است که شیاطین را از محکومات منع می کنند و ظاهرا کار آن این است که بگذارد هرکس به آن چه که دنبالش است برسد و سرش آشکار شود چنانچه در آیه ی نه آمده است. در اصل طارق باعث می شود گندمی که در خاک است گندم بیرون بیاید و علف هرز علف هرز بیرون بیاید. حال آنکه نجوم باعث می شوند گندم رشد کند و علف هرز بیرون بیاید که گرچه دقیقا با طارق همکار نیستند اما عملشان متشابه است. برای همین هاست که در آیه آخر داریم انهم یکیدون کیدا که یعنی به دنبال خواسته ایشان می روند و اکید کیدا(که یعنی با طارق به آنها اجازه می دهم که به دنبال خواسته ایشان بروند و سر خود را آشکار کنند) فمهل الکافرین(که یعنی اجازه بده و صبر کن تا حقیقتشان معلوم شود).

سوره الطارق

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ [9] روزی که رازها آشکار می شود، (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

سر متشابه با غیب و متشابهاات و آنچه در خاک نهفته شده است است و بلا متشابه با آزمایش برای مشخص شدن عمل شخص چنانچه داریم لیبلوکم ایکم احسن عملا

سوره الأعلى

سوره الأعلى

الذِي خَلَقَ فَسَوَى [2] آن که آفرید و درست اندام آفرید. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیات دو تا چهار متشابه با قیام رکوع و دو سجده اند که به ترتیب آمده اند

متشابه با قیام قبل از رکوع است که در آن حمد و سوره خوانده می شود چنانچه سوی که در اینجا آمده برای صراط مستقیم که همان قیام و قوام است آمده و داریم

أَمَّنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و بنید مربوط به استوای هنگام سخن فاذا سویته و نفخت فیہ من روحی باشد

سوره الاعلی

وَالَّذِي قَدَرَ فَهَدَى [3] و آن که اندازه معین کرد. سپس راه نمود. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

قدر متشابه با تنگ گرفتن است که موجب پاک شدن معبود باطل می شود برای همین داریم تنگ گرفت پس هدایت کرد و متشابه با رکوع و قول الست ماست که خدا بر ما تنگ گرفت تا به یگانگی او اقرار کردیم و دو آیه ی بعد که داریم اخرج المرعی متشابه با سجده و سر از خاک برداشتن است و آیه ی بعد که داریم فجعله غثاء احوی مربوط به مردن و سجده ی دوم است. مراجعه شود به آیه ی دو.

سوره الاعلی

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى [4] و آن که چراگاه ها را رویانید، (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با سر برداشتن از سجده است. مراجعه شود به آیه ی دو و سه

سوره الغاشیة

سوره الغاشیة

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ [1] آیا داستان غاشیه به تو رسیده است؟ (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

غاشیه متشابه است با شب و سنگ و آن همان پاک کننده ی معبود باطل از انسان است و غاشیه در اینجا باعث می شود تا در آیه ی بعد وجوه مشرکان به علت پاک شدن معبودهای باطل خاشع شود.

در اصل این سوره در مورد پرستیدن بت هاست که سود و ضرری ندارند و لغوند مانند حجی که مشرکان انجام می دادند و کف و سوت می زدند و علتش هم این است که به ضریح که چاق نمی کند و گرسنگی را هم برطرف نمی کند تشبیه شده است و همچنین خلاف آن لاغیه آمده که یعنی بیهوده و الکی

سوره الغاشیه

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ [2] در آن روز وحشت در چهره ها پدیدار است، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

در دنیا خاشع بودن باعث می شود تا انسان خدا را پیدا کند زیرا خشوع پاک شدن و نا امید شدن از همه ی معبودهاست اما در آخرت انسان ها خود به خود از همه ی معبودهای باطل نا امیدند زیرا ملک منحصر از آن خداست بنابراین خاشع بودن در آنجا به معنای گم بودن از یاد خداست و متنعم بودن به معنای یاد داشتن خدا. پس در حالی که معبودها از نظر مشرکان پاک شده و خاشع شده اند مومنان خاشع نشده اند زیرا معبود آن ها خدا بوده و به علت مستجاب شدن توسط او از نظرشان پاک نمی شود. برای همین در مورد وجوه آن ها داریم وجوه یومئذ ناعمه

غاشیه ظاهرا متشابه با چهره خداست که مومنان را متنعم و کافران را خاشع می کند

سوره الغاشیه

لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ [9] از کار خویشتن خشنود، (9)

قرآن مبین - مبین موبایل

چنانچه می دانیم سعی همان زنده شدن و رستن از خاک است و آن متشابه است با آنکه رزق داده شده به امام (ارض) از زمین می روید و بازگشت داده می شود به دهقانی که آن را کشته (صاحب عمل صالح) حال راضی بودن به پس گرفتن مال و اولادی است که انسان به امام داده چنانچه داریم یعطیک ربک فترضی برای همین داریم لسعیها راضیه که یعنی به خاطر پس داده شدن مال و اولادش راضی است و سعی متشابه با عطی است.

خلاف عامله ناصبه آمده که بت پرستان هرچه بت بپرستند بیهوده پرستیده اند و سودی برایشان ندارد تلاشی که می کنند

سوره الغاشیه

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغِيَّةٍ [11] که در آن سخن لغو نشنوی، (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینجا لاغیه ظاهرا متشابه با ضریع آمده زیرا لغو یعنی آنچه بیهوده است و کاری انجام نمی دهد و ضریع هم همین است که نه سمن می کند و نه جوع را برطرف می کند

سوره الفجر

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْهَلَاكِ [11] آنها در بلاد طغیان کردند، (11)

سوره الفجر

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْقِسَادَ [12] و در آنها به فساد در افزودند. (12)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل است که طغیان همان ندادن مال و اولاد به امام است که همان پیروی از متشابهات است که فساد است و فاکتروا همان تکاثر فی الاموال و اولاد باید باشد که به امام نداده اند فساد با جنگ متشابه است و بلد با امام و منظور از فساد در بلاد جنگ با امام است.

إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ [14] زیرا پروردگارت به کمینگاه است. (14)

مرصاد همان عقبه است (عقبه متشابه با رصد است) چنانچه بعدش داریم لا تکرمون الیتیم و لا تحاضون علی طعام المسکین که هر دو برای افتتاح عقبه هم آمده اند.

سوره الفجر

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ [15] اما آدمی، چون پروردگارش بیازماید و گرامی اش دارد و نعمتش دهد، می گوید: پروردگار من مرا گرامی داشت. (15)

سوره الفجر

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ [16] و چون بیازمایدش و رزق بر او تنگ گیرد، می گوید: پروردگار

من مرا خوار ساخت. (16)

سوره الفجر

كَلَّا بَلْ لَّا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ [17] نه چنان است. شما یتیم را گرامی نمی دارید، (17)

سوره الفجر

وَلَّا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ [18] و یکدیگر را به اطعام مسکین ترغیب نمی کنید، (18)

سوره الفجر

وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاتِ أَكْلًا لَّمًّا [19] و میراث را حریصانه می خورید، (19)

قرآن مبین - مبین موبایل

بلد متشابه با امام و ارض است و جمله (آیه یازده) متشابه با تبعیت نکردن از امام است و در ادامه داریم ان ربک لبالمرصاد که متشابه با آن است که خدا رصد کننده است (متشابه با امام است که معنی کج را پاک می کند) و کج رو را عذاب می کند

مرصاد که در آیه ی چهارده آمده متشابه با معقبات امامان و حافظان است و در اینجا ذکر شده و مطابق آن است که خدا وقتی کسی تقوی نمی کند و سخن شیطان را می پذیرد بر او تنگ می گیرد چنانچه در آیه ی شانزده داریم و بعد برای فک رقبه اش می گوید بل لا تکرمون الیتیم و لاتحاضون علی طعام المسکین که عمل به اینها همان اقتحام عقبه و اقتحام به معقبات است چنانچه داریم

سوره البلد

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ [11] و او در آن گذرگاه سخت قدم نهاد. (11)

وَمَا أُنذِرَكَ مَا الْعَقَبَةَ [12] و تو چه دانی که گذرگاه سخت چیست؟ (12)

فَكُنْ رَقَبَةً [13] آزاد کردن بنده است، (13)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ [14] یا طعام دادن در روز قحطی، (14)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ [15] خاصه به یتیمی که خویشاوند باشد، (15)

أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ [16] یا به مسکینی خاک نهبین. (16)

و بعد چون فرد به معقبات اقتحام نکرده خدا می گوید بلکه خودم بر معقباتم (مرصاد) و بر او تنگ می گیرم و عقاب و معقب بودن خدا به این صورت است که هنگامی که به معقبات عمل نمی کنند رزقشان را تنگ می کند و بعد به آنها تذکر داده تست که به خاطر عدم اقتحام به عقبه اینگونه شده اید تا بندگان از اقتحام به عقبه دست نکشند آیه ی پانزده سوره بلد باز ظاهراً با آیه ی نوزده این سوره مطابق است و کلاً آیات چهارده تا نوزده سوره فجر مطابق آیات یازده تا شانزده سوره بلد است.

همچنین عقبه که متشابه با امام است به آن علت فک رقبه خوانده شده که رقب متشابه با عنق است که اغلال که متشابه با سیئات است روی آن قرار می گیرد و تمی گذارد انسان سخن خدا را فهم کند و به راه درست باشو اما امام که به منزله ی حافظ لمت بعد از نبی است مانع اغلال است برای همین فک کننده ی رقبه از اغلال است

سوره الفجر

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ [27] ای روح آرامش یافته، (27)

قرآن مبین - مبین موبایل

نفس مطمئنه به ذکر خدا مطمئن می شود چنانچه داریم الا بذكر الله تطمئن القلوب و ذکر متشابه با صلوه قوام و دادن مال و اولاد به امام و گرفتن آن در آخرت در حال قوام است که چون این سوره درباره ی تکاثر اموال و اولاد و فساد است این آیه در آخرش آمده.

سوره الفجر

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً [28] خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت باز گرد، (28)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم ان تشکروا یرضه لکم و شکر متشابه با ذکر و صلوه است و آیه بنابراین متشابه با آیه ی قبل است.

راضی بودن خدا به خاطر آن است که اموال و اولادشان را به امام تحویل داده اند چنانچه داریم ان تشکروا یرضه لکم و شکر همان متشابه با ذکر صلوه و دادن نعمت به امام است و راضی بودن آن ها از خدا به خاطر دوباره گرفتن اموال و اولاد از خداست چنانچه داریم فسوف یعطیک ربک فترضی و عطی برای کتر و کتر برای اموال اولاد می آید چنانچه داریم اعطیناک الکوثر و داریم تکاثر فی الاموال و الاولاد و این ها متشابه با فرم کلی سوره است که در آیات اول در مورد طغیان و ندادن نعمت به امام و فساد در زمین بود.

سوره البلد

سوره البلد

أَيُخْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ [5] آیا می پندارد که کس بر او چیره نگردد؟ (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

تنگ گرفتن متشابه با عقبه است که به آن اقتحام نمی ورزد تا گردن خود را از قدر آزاد کند و این قدر و تنگی که اینجا آمده ظاهراً همان غل (قدر) رقبه ی اوست همچنین متشابه با عذاب خداست که همان گرفتن نعمت ها از اوست برای این معنی مراجعه شود به چهل و هشت قلم.

سوره البلد

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بَدَأَ [6] می گوید: مالی فراوان را تباه کردم. (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از هلاک ظاهراً صرف آن در راه غیر خدا و منظورهای دنیوی و هوای نفس است اگرچه کسی بر تباه کردن مال خود و استفاده نکردن از آن افتخار نمی کند. (از آنجا که خدا بعدش او را توبیخ کرده معلوم است که به این کار افتخار کرده و پشیمان نبوده پس اگر منظور تباه کردن مال بود این شخص به آن افتخار نمی کرد) در اصل خدا به زبان خود، حرف او را ترجمه کرده آن شخص گفته: مال زیادی در دنیا خرج کردم و از آن استفاده کردم و خدا گفته: داری می گویی که مالت را تباه کرده ای زیرا آن را به آخرت نفرستاده ای.

سوره البلد

فَلِكُ رَقَبَةٍ [13] آزاد کردن بنده است، (13)

قرآن مبین - مبین موبایل

آزاد کردن بنده ظاهراً متشابه با آزاد کردن افراد از بندگی شیطان است و افراد بنده های مومنان می شوند تا زیر دست آن ها از بندگی شیطان در آیند مانند کسانی که به علت بندگی شیطان به مسلمانان حمله کرده اند و منظور از آزاد کردن بنده آن نیست که کسی که یک بار فرمان به به بندگی گرفتنش داده شده بی دلیل آزاد شود بلکه افرادی که به بندگی مومنان (خدا) گرفته شدند پس از آنکه از بندگی شیطان آزاد شدند مستحق است تا متشابه با آن از بندگی ظاهری هم آزاد شوند و آزاد کردن بنده ای که هنوز بنده ی شیطان است به غیر از فساد نیست. در اصل خود به بندگی گرفتن مشرکان به منزله ی آزاد کردن بنده است زیرا این عمل برای آزاد شدن آن ها از دست شیطان انجام می شود و آزاد کردن زودتر از موعد آن ها نه تنها آزاد کردن واقعی بنده نیست بلکه ایجاد خلل در آزاد کردن بنده است (یعنی در آزاد شدن بندگان شیطان از بندگی شیطان خلل وارد شده) و اگر بخواهیم تاویلات کوچکتر آیه را بگوییم آن است که مومنی را که در چنگال مشرکی برده است آزاد کرد.

فک رقبه متشابه با پذیرفتن زلزله است که باعث می شود ارض اثقالش را بیرون دهد و خیرش را بیرون دهد و آن همان پذیرفتن سختی تولد فرزند توسط مادر است و متشابه با وحی شدن است زیرا داریم بان ربک اوحی لها برای همین این کار اقتحام عقبه است زیرا عقب متشابه با محافظان آسمان است که نمی گذارند شیاطین به وحی برسند و آن ها را جی زنند تا غل گردنشان آزاد شود

سوره البلد

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ [15] خاصة به یتیمی که خویشاوند باشد، (15)

قرآن مبین - مبین موبایل

یتیم متشابه با امام است و ذا مقربه همان ذی القربی است و منظور حضرت علی است و موده فی القربی.

سوره الشمس

وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَّاهَا [2] و سوگند به ماه چون از پی آن برآید، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم یتلون الكتاب حق تلاوته اولئک یومنون به و داریم فانا اول المومنین بنابراین قمر متشابه با مومن و حضرت محمد و شمس متشابه با خدا و ضحی متشابه با قرآن است

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

و کسی که آن را [به آلودگی] ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود [از رحمت حق] [نومید شد. (۱۰)

شمس - 10

قرآن مبین

این سوره ظاهرا در مورد چیستی بدی است خدا ظاهرا می خواهد بگوید من هیچ چیز بدی را خلق نکردم بدی صرفا نرسیدن خوبی است تاریکی نبود نور است چنانچه داریم ضحی و قسم به روز که از آن نور گرفت و شب که پوشیده بود فجور و تقوای هرکس را به او دادیم هرکس نور را بگیرد انسان خوبی است و هرکس نگیرد و نفسش را چرک کند که مانع رسیدن نور شود بد است در اینجا منشا شر و ظلمت عقب افتادگی یک شخص از پیشرفت است و خدا چنین کسی را بدی و انسان بد معرفی می کند مطابق آن است که داریم اگر کفه ترازو سنگین باشد رستگارید و اگر سبک باشد فامه هاویه یعنی بنگر که در زمین عمرت چه کشتی داری اگر کم خوب باشد و مانند علف هرز باشد مانند حکایت سیزدهم انجیل متی در آتش انداخته می شود و می سوزد انسان بد انسانی است که خوبی اش کم است و کارش کم ارزش است.

سوره الشمس

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا [11] قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه کنید به هفت تا نه سوره ی الرحمن و سی و نه سوره ی یونس

اینکه بعدش داریم

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا [13] پیامبر خدا به آنها گفت که ماده بهتر خدا را با آبشخورش واگذارید. (13)

رسول الله همان است که من بین یدیه و من خلفه رصد (متشابه با امام ، توضیح دهنده ی سخن) قرار می گیرد (اواخر سوره ی جن مطالعه شود) اما ثمود آن را بها نداده و به رصد رسول تکذیب کرده است. ظاهرا وحی خدا متشابه با آمدن ناقه است و رصد او این سخن است که ناقه الله و سقیاها و این سخن به منزله ی ابلاغ رسالت است و در ادامه ی آمدن ناقه که ابلاغ وحی است.

سوره اللیل

سوره اللیل

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى [4] که: حاصل کوششهای شما متفاوت است. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیه ی اول لیل متشابه با دنیا است و متشابه و آیه ی دوم نهار متشابه با آخرت و محکم بعد داریم ان سعیکم لشتی که سعی همان زنده شدن در آخرت است که منظور پاداش گرفتن و زنده بودن به دین است که افراد در مورد آن متفاوتند عده ای پیرو روز و عده ای پیرو شبند.

سوره اللیل

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى [5] اما کسی که بخشایش و پرهیزگاری کرد، (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور اعطای اموال و انفس به امام است که نعمت متشابهند و امام آن ها را به حرم آمن می برد و محکم می کند برای همین بعد از اعطا از تقوی استفاده شده که یعنی پرهیز از متشابه (نعمت متشابه، نعمت دنیا)

سوره اللیل

وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى [6] و آن بهترین را تصدیق کرد، (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

حسنى همان نعمت آخرت و تصدیق همان خواهانی دریافت آن با دادن مال و اولاد به امام است

سوره الضحی

وَالضُّحَى [1] سوگند به آغاز روز، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

این قسم های اول سوره که داریم آغاز روز و پایان شب برای یادآوری آن است که اگر حضرت محمد در حال حاضر دارای نعمت فراوان نیست به علت آن است که دنیا مانند شب است اما به زودی روز می شود و خدا ضحی(متشابه با نعمت های

آخرت) را به او عرضه می کند و خدا به حضرت محمد تذکر می دهد که آگاه باش که اینکه در دنیا تو را متنعم نکرده ام به خاطر کم توجهی به تو نیست و در آینده است که نعمت ها به تو داده می شود.

سوره الضحی

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ [7] آیا تو را گمگشته نیافت و هدایت کرد؟ (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

ضل متشابه محکم با اخراج (از نور به ظلمات) و اخذ رسول وقتل اوست متشابه با آن است که دیگران می خواستند تو را از راه به در کنند و بر تو مولایی می کردند اما خدا تو را هدایت کرد و تو بنده ی آن ها نشدی

وَأَمَّا بِعِزَّةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

و نعمت های پروردگارت را بازگو کن. (11)

ضحی - 11

قرآن مبین

متشابه با نماز خواندن است ظاهرا زیرا چنانچه سوره ماعون در معارج آمده و هردو از یتیم و سائل و متشابهاتشان صحبت می کنند و نماز نخواندن این نیز ظاهرا همان است و نماز خواندن نتشابه با بازگو کردن نعمت های خداست

سوره الشرح

الذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ [3] باری که بر پشت تو سنگینی می کرد؟ (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

نقض نرمی در برابر مولای دیگر و بی قوامی است و در اینجا خم شدن کمر از حالت قائم خود است و قائم متشابه با قوام است و متشابه با آن است که وزر را که عاملی بود که تو را می کشت و نمی گذاشت در زنده بودن قوام داشته باشی از ظهر تو باز کردینم و ظهر قسمتی است که مولا بر آن سوار می شود چنانچه داریم لستووا علی ظهوره این آیه همان رکوع است که در آن کمر به سبب گناه خم و بی قوام می شود و غیر قائم می شود و لت این خمیدگی گناه یا همان وزر است اما وزر در اینجا می تواند آزار دیگران برای کشتن حضرت محمد باشد و حتما گناهی نیست که خودش انجام دهد و می تواند از ناحیه ی دیگران باشد.

سوره الشرح

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ [4] آیا تو را بلندآوازه نساختمیم؟ (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

در ادامه ی آیه ی قبل باز ذکر عامل قوام است و همان پاک کننده ی وزر است که انسان خدا را در حال اضطراب یاد می کند که او بود که به انسان نعمت داد و به عبادت خدا بر می گردد و این ذکر همان ایمان است چنانچه داریم یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات

در اصل خدا پس از آنکه فرد از وزر معبود باطل پاک شد و به خدا ایمان آورد او را رفعت می دهد بر دیگران و ایمان می شود و دیگران به ایمان به او به خدا ایمان می آورند چنانچه حضرت علی ایمان است و هرکس که از معبود باطل و حاکم ظالم دست بکشد خدا به او سروری می دهد و پیروان خود را مطیع او می کند و قدرت می دهد

سوره الشرح

قَائِنَ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا [5] پس، از پی دشواری آسانی است. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

عسر متشابه با وزر است که عامل نفهمیدن سخن یک مولاست و چون باعث اضطراب می شود و اضطراب موجب فراموش کردن معبود باطل و خواندن خدا بنابراین موجب فهم سخن خدا و یسر می شود بنابراین همراه اضطراب در پای معايب باطل یسر و استجذاب به معبود حق که خداست وجود دارد ظاهرا معنیش آن است که هر وقت انسان از نعمت نیافتن از معبود باطل در سختی بیفتد و مضطر شود آن معبود از نظرش پاک می شود و به یسر دریافت نعمت از خدا می رسد

همراه سختی شکستن سنگ (معبودان باطل) راحتی رسیدن به زمین نرم است.

سوره الشرح

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ [7] چون از کار فارغ شوی، به عبادت کوش. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

نصب متشابه با عمل برای پاک کردن سنگ معبود باطل و وزر اوست و متشابه با برداشتن وزر در آیه ی دو است که عامل یسر می شود و در اینجا نصب متشابه با انابه آمده است

سوره الشرح

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ [8] و به پروردگارت مشتاق شو. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

رغب برای عوض کردن آیین و معبود می آید چنانچه داریم من یرغب عن مله ابراهیم و در ادامه ی فرم کلی سوره است که همان سرپیچی از معبود باطل و گرایش به خداست و دو آیه ی آخر ظاهرا یعنی از معبود باطل دست بکش (آیه ی هفت) و به خدا تغییر آیین بده

سوره التین

والتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ [1] سوگند به انجیر و زیتون، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

زیتون متشابه با جایی است که خدا خود را از آن بر بنده ظاهر می کند و بنده خاضع می شود زیرا داریم مثل نوره شجره مبارکه زیتونه و این سوره در مورد ظهور خدا بر بنده در عالم الست طور سینین و ... است

سوره التین

وَطُورِ سَيْنِينَ [2] سوگند به طور مبارك، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

طور سینین ظاهراً متشابه با جایی آمده که خدا انسان را از کمر پدرش می گیرد و خود را به او می نمایاند زیرا بعدش داریم لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم که منظور ظاهراً شهادت الست بریکم است و برای همین طور سینین در اینجا آمده زیرا حضرت موسی در آنجا خدا را ملاقات کرد و این در اثبات ملاقات او نیز هست که اگر او ملاقات نکرده و امری محال است پس ما هم در الست خدا را ملاقات نکرده ایم

سوره التین

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ [3] سوگند به این شهر ایمن، (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

بلد متشابه با ارض ام و امام است و منظور از خلقت در احسن قوام آن است که همواره به وسیله ی امام (یا چیزی متشابه با امام) که متشابه با بلد امین است از عذاب ایمن می شود و سخن خدا را درک و تبعیت می کند

سوره التین

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ [4] که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهراً متشابه با آن است که انسان خداپرست به دنیا می آید چنانچه در رکوع او را از کمر پدرش خاضع می گیرند و الست بریکم بر او می خوانند

سوره العلق

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ [3] بخوان، و پروردگار تو ارجمندترین است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره العلق

الذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ [4] خدایی که به وسیله قلم آموزش داد، (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

سوره العلق

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ [6] حقا که آدمی نافرمانی می کند، (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

ان الانسان لیطغی فی المیزان (لا تطغوا فی المیزان) یعنی بعد از آنکه اضطرار او برطرف شد دیگر یاد خدا نمی کند و از میزان (ارض ، ینبوع، امام) آب نمی نوشد زیرا میزان متشابه با امام ، صلاه و ذکر خدا بعد از برطرف شدن اضطرار است اما بعدش داریم ان الی ربک الرجعی یعنی دوباره مضطر می شوید و آنکه داریم ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی منظور از نماز همان ذکر خداست و همان گرایش به میزان و طغیان نکردن و طغیان متشابه با عسر و دریافت نکردن است و منظور ظاهرا آن است که انسان هنگامی که بی نیازی به او رو می کند دیگر طلب نعمت از خدا نمی کند و به میزان (امام) کافر می شود و از او طلب نعمت نمی کند

سوره العلق

أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى [7] هرگاه که خوبستن را بی نیاز ببیند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

مجموع این آیه و آیه ی قبل: استغنی همراه بخل می آید چنانچه داریم بخل و استغنی و همان کسی است که مال خود را نمی دهد و منظور آن است که به امام نمی دهد برای همین داریم ان الانسان لیطغی که یعنی لیطغی فی المیزان (لا تطغوا فی المیزان) و میزان متشابه با امام است که اموال و انفس را می گیرد و در آخرت تحویل می دهد و یعنی انسان وقتی بخیل شود مال را به امام نمی دهد و از او طغیان می کند بنابراین بخیل کسی است که تخم در زمین نمی کارد تا سال آینده (قیامت) آن را چند برابر برداشت کند و می خواهد تخم هایش پیش خودش باشد و به امام نمی دهد بنابراین بخل همان ندادن مال به امام است

سوره العلق

إِنْ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى [8] هر آینه بازگشت به سوی پروردگار توست. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

باز در ادامه ی دو آیه ی قبل است که به سمت خدا رجعت می کنیم و حاصل تجارت خود را دریافت می کنیم که در جواب کسانی که بخل می ورزند و طغیان می کنند و به امام مالو نفس نمی دهند آمده است

سوره العلق

عَبْدًا إِذَا صَلَّى [10] بنده ای را که نماز می خواند؟ (10)

قرآن مبین - مبین موبایل

نماز متشابه با قیام و قوام دادن به دین و زکات دادن به امام است و در ادامه ی بخل کردن آمده که علاوه بر بخل دیگران را هم به بخل وامی دارد.

سوره القدر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ [1] ما در شب قدرش نازل کردیم. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

قدر یعنی تنگی و سفتی مانند سنگ و آن یعنی شبی که روزی مانند سنگ بر سر انسان سفت می شود و تغییر آن سخت می شود هر چند که دعا سنگ را هم می گشاید

ظاهرا در همین شب حضرت محمد در قابلیت دریافت قرآن قوام یافته زیرا تا قبل از آن با دلایلی از جانب او یا غیر او قرآن نازل نمی شده اما در این شب مسئله سفت می شود که امر تغییری نخواهد کرد و شرایط برای نزول قرآن چنانچه در همان شب خوب بوده به سایر شب ها هم تسری می یابد و اگر در شب دیگری بود ممکن بود آمادگی حضرت محمد برای دریافت قرآن باز خلل یابد(به فرض آنکه آمادگی از طرف حضرت محمد بوده که برای دریافت قرآن وجود نداشته)

این آیه متشابه با انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ انا کنا منذرین است بنابراین لیلہ القدر همان وقتی است که امام (نذیر) مشخص می شود چنانچه داریم انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ انا کنا منذرین و منظور از مبارک نازل شدن برکت بر اهل بیت است چنانچه داریم رحمت اللہ و برکاته علیکم اهل البیت و این متشابه با همان ایام الخالیه است

سوره القدر

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ [4] در آن شب فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای انجام دادن کارها نازل می شوند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

روح سخن محکم خداست که به امام القا می شود تا متشابهات را نسخ کند (مراجعه شود به پانزده غافر)

سوره البینه

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ [1] كَافِرَانِ أَهْلِ كِتَابٍ وَمُشْرِكِينَ دَسْتِ بَرِنْدَارِنْد
تا برايشان برهانی روشن بيايد: (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با آیه ی چهار شعراست فک همان فک رقبه است که باز کردن عنق از اغلال است بنابراین منفک شدن یعنی خاضع شدن عنق و بینه در اینجا متشابه با آیه ی سماوی در چهار شعراست

إِنْ تَشَاءُ نُنزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

همچنین اگر تاویلی دیگر را بخوانیم احتمالا آن است که مشرکان و کافران که غل اعناق زمینند از زمین منفک نمی شوند تا آنکه بینه (شمشیر حضرت قائم) بر آن ها فرود آید و در آیه ی سه بینه در آنجا منظور دلیل بر حقیقت است. اگر نه اگر بینه در هر دو آیه به یک تاویل باشد آنگاه دچار تناقضیم زیرا یکبار داریم تا بینه نیاید منفک نمی شوند (کافر می مانند) و یکبار داریم وقتی بینه آمد متفرق شدند (کافر شدند)

سوره البینه

جَزَاءُ لَهُمْ عَذَابٌ رَجِيمٌ جَنَاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ [8]
پاداششان در نزد پروردگارشان بهشتهایی است جاوید که در آن نهرها جاری است. تا ابد در آنجایند. خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند. و این خاص کسی است که از پروردگارش بترسد. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

داریم یخشی الله من عبادہ العلماء اما در اینجا اینها علم (بینه) به آنها عرضه شده چنانچه داریم ما تفرق الا من بعد ما جائهم بینه که بینه همان علم است ظاهرا مراد از خشی تبعیت از آن علم (تبعیت از حضرت علی بعد از علم به ولایت آن جناب، تبعیت از علم) است که متشابه طولی با خود علم است. همچنین برای آنکه اهل خشی است تذکره می آید (تذکره لمن یخشی) و تذکر همان صلاه و به ایام الله است (ذکرهم بایام الله) و ایام الله امامانند.

سوره الزلزلة

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا [5] از آنچه پروردگارت به او وحی کرده است. (5)

وحی متشابه با زلزله است زیرا قبلش داریم اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و در اصل یعنی سختی ای که خدا به انسان می دهد و انسان آنچه را کاشته بیرون می دهد مانند خواب که انسان در روز اطلاعاتی را از محیط دریافت

می کند و شب همان ها را بسط می دهد و آینده اش را می بیند و آنچه در روز دیده تخمی است که کاشته و آنچه در شب می بیند بزرگ شده و رشد کرده ی آن است و زلزله همان کبدي است که انسان در آن خلق می شود لقد خلقنا الانسان فی کبد که انسان و موجودات زنده تحت فشار قرار می گیرند تا آنچه در آن ها کاشته شده برداشت شود

سوره العاديات

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا [1] سوگند به اسبان دونده ای که نفس نفس می زنند، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

ظاهرا معنای کلی آیات یعنی به عادیاتی که شب را تغییر نی دهند و صبح را می آورند و مردم را در آن صبح قیامت جمع می کنند توجه کن تا بفهمی که انسان مطیع پروردگارش نیست زیرا در آن روز که قبرها مبعوث می شود خواهید فہنید کہ شما مال دنیا را به خدا ترجیح داده اید و چیزی برای آخرت پیش نفرستاده اید

سوره العاديات

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ [7] و او خود بر این گواه است، (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

شہید یعنی پیرو و فهمنده ی محکم از متشابه و در اینجا ظاهرا منظور آن است کہ انسان به علت محکم گرفتن خیر دنیا خودش بر این قضیه گواه است کہ پروردگارش را متشابه گرفته و این صفت کنودی معرفی شده

سوره العاديات

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ [11] پروردگارشان در آن روز از حالشان آگاه است؟ (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

خبیر ظاهرا متشابه با مولایی و رزق دهی آمده که در ادامه ی آن است که وقتی قیامت شود همان پروردگار که نسبت به او کنوید است که رزق شما را می دهد و اگر نسبت به او کنود باشید بینوا می شوید

سوره القارعة

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ [7] در يك زندگی پسندیده است. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

رضایت انسان با گرفتن مال و اولاد حاصل می شود چنانچه داریم فسوف يعطيك ربك فترضی وعلت عیش راضیه او همان ثقل موازینش است که موازین متشابه با امام است که چون نعمت های زیادی به امام داده امام نعمت های زیادی به او پس می دهد و او راضی می شود.

سوره القارعة

وَأَمَّا مَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ [8] و اما هر که کفه ترازویش سبک باشد، (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

میزان متشابه با امام است و خف میزان یعنی اعمال و اولاد و نفس انسان بر امام حمل نشده باشد که در این صورت خسر شده است و نابود شده است برای همین در آیه ی بعد داریم فامه هاویه یعنی امام و میزان او هاویه است که یعنی عملش سوخته است و هاویه آن را خورده است

همچنین خف میزان متشابه با خف صلاه است که هر دو متشابه با خف پیروی از امامند که داریم لن تنال شفاعتنا من استخف بالصلاه

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است، (۹)

قرآن مبین

مراجعه شود به ده شمس

سوره القارعة

نَارٌ حَامِيَةٌ [11] آتشی است در نهایت گرمی. (11)

قرآن مبین - مبین موبایل

اینکه ام آن ها که متشابه با امام است نار حامیه است ظاهرا منظور آن است که هرچه در آن می کارند آتش می گیرد و به جای آنکه رشد کند به هیزم تبدیل می شود و بهره ی آن ها از عملشان آتش خواهد بود

سوره التكاثر

اینکه امامان نعیم را به خودشان تعبیر کرده اند درست است و این سوره بحث در مورد نعیم و سایر نعمت های متشابه است و علم الیقین که سبب می شود انسان به نعیم پردازد و نعمت های دنیا را به صورت آتش ببیند

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ [1] به غفلت کشید شما را نازش به بسیاری مال و فرزند، (1)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ [2] تا به گورها رسیدید. (2)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ [3] حقا که به زودی خواهید دانست. (3)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ [4] باز هم حقا که به زودی خواهید دانست. (4)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ [5] حقا، اگر از روی یقین بدانید، (5)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ [6] البته جهنم را خواهید دید. (6)

ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَبَيْنَ اليَقِينِ [7] سپس به چشم یقینش خواهید دید، (7)

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النِّعَمِ [8] که در آن روز شما را از نعمتهای دنیوی بازخواست می کنند. (8)

قرآن مبین - مبین موبایل

نعیم متشابه با ارحام است زیرا برای هردو سوال آمده و ارحام همان امامانند (رجوع شود به آیه ی یک نساء) سوال شدن در مورد نعیم می تواند متشابه با آن باشد که آیا نعمت ها را به امام دادید؟

الهاکم التکاثر یعنی الهاکم التکاثر فی الاموال و اولاد (تکاثر فی الاموال و الاولاد_سوره حدید) و اله همان چیزی است که انسان از آن تبعیت می کند (من اتخذ آلهه هواه + اتبع هواه_ یعنی اتخاذ آلهه = تبعیت) یعنی شما به دنبال نعمتید زیرا مال با نعمت متشابه است اما در اینجا منظور نعمت دنیاست زیرا داریم لو تعلمون علم اليقین که علم همان جدا کردن محکم از متشابه است و کلا سوف تعلمون یعنی در آینده از این نعمت ها دست می کشید و از نعمت محکم سوال می شوید (لتسالن یومئذ عن النعیم) و یقین همان محکم است و منظور از لترون الجحیم همان نعمت های دنیاست که باعث عذاب آخرت است و از نعیم اصلی باز می کند (سوره هود

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا تُوفَّ إِلَيْهِمْ أَغْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْجَسُونَ [15] آنان که زندگی و زینت این دنیا را بخواهند، پس همه مزد کردارشان را در این جهان می دهیم و در آن نقصانی نمی بینند. (15)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلا النَّارُ وَحِطُّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [16] اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش نصیبی ندارند و هر چه کرده اند ناچیز شود و هر چه به جای آورده اند باطل است. (16)) و منظور از لترون الجحیم، جحیم همان آیات خداست (لنریه من آیاتنا) که متشابه با موج است و از پرداختن به نعمت دنیا حاصل می شود و اینکه امامان نعیم را به خودشان تعبیر کرده اند درست است و این سوره بحث در مورد نعیم و سایر نعمت های متشابه است و علم اليقین که سبب می شود انسان به نعیم بپردازد و نعمت های دنیا را به صورت آتش ببیند هر کس نزد امام باشد چنانچه در دنیا جواب تمام سوالاتش را می گیرد در آخرت هم هر چه درخواست کند در بهشت برایش حاضر است.

سوره العصر

إِلا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ [3] مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

حق همان دین حق (دریافت حق، دریافت محکم، دریافت آخرت) است و صبر همان صبر برای دریافت آن و پرهیز از عجله برای رسیدن زودتر به دریافت است که منجر به دریافت دنیا و جایگزین شدن آتش و خسر در آخرت می شود برای همین حق و صبر خلاف خسر آمده که آن (خسر) یعنی عدم دریافت

منظور از ایمان ایمنی از عذاب به واسطه ی خراب کردن طبیعت و منظور از عمل صالح بسط درست در طبیعت ایجاد

کردن است همچنین حق متشابه با ایمان است و توصیه به حق در تکمیل ایمان و توصیه به صبر در تکمیل انجام عمل صالح است

سوره الهمزة

وَيَلُّ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لَمْزَةٌ [1] وای بر هر غیبت کهنده عیبجویی؛ (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

آیات این سوره متشابه با آیات یازده تا سی و سه ی قلم است

همزه که جمع مال می کند و آن را معدوم می کند متشابه با پیرو امام باطل است و منظور از معدوم کردن معدوم کردن برای خروج علیه امام است (لو ارادوا الخروج لاعدوا له عده) زیرا داریم همماز مشاء بالنمیم مناع للخیر و مناع الخیر متشابه با مناع ماعون است و چنانچه در سوره ی ماعون داریم همان کسی است که علیه امام کار می کند

سوره الهمزة

كَلَّا لِيُنْبِتَنَّ فِي الْخَطْمَةِ [4] نه چنین است. که او را در خطمه اندازند. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

در آیه ی آنچه در آیه ی یک گفته شد این آیه متشابه با نابود شدن حرث آن برادران است

سوره الفیل

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ [2] آیا مکرشان را باطل نساخت؟ (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

این آیه و آیه فجعلهم كعصف ماكول ظاهرا متشابه با این آیه آمده

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلٰى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

و کید متشابه با حسنه است و حسنه همان عمل است و تضلیل کید آن ها همان گم شدن حسناتشان در دنیا است

سوره الفیل

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ [3] و بر سر آنها پرندگانی فوج فوج فرستاد، (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

سه آیه ی آخر متشابه با دو آیه ی اول مرسلات است که داریم و المرسلات عرفا و العاصفات عصفا

سوره الماعون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أُرۡاٰیۡتَ الَّذِیۡ یُكۡذِبُۢ بِالۡدِیۡنِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی . آیا کسی که همواره روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ (۱)

ماعون - 1

ظاهرا منظور از تکذیب دین تکذیب یوم تلدین است چنانچه در آیات متشابه سوره معارج هم یصدقون بیوم الدین آمده و منظور ظاهرا آن است که چون به معاد ایمان ندارد به مسکین هم کمک نمی کند تا ما به ازایش را در آخرت دریافت کند

فَذٰلِكَ الَّذِیۡ یَدْعُ الْیَتِیْمَ [2] او همان کسی است که یتیم را به اهانت می راند، (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

متشابه با کفر به امام است مراجعه شود به چهل و پنج مدثر

سوره الماعون

قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ [4] پس وای بر آن نمازگزارانی (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

مراجعه شود به آیه شش

سوره الماعون

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ [6] آنان که ریا می کنند، (6)

قرآن مبین - مبین موبایل

منظور از مصلین نمازگزاران ماموم امام باطل است و منع ماعون همان صد عن سبیل الله است و یراوون همان ینفقون اموالهم رئا الناس است و مسئله مربوط به پیروی از امام باطل در برابر پیروی از امام حق است و داریم سوره بقره دویست و شصت و چهار و پنج

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأْتَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ

و داریم سوره انفال آیه چهل و هفت

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

سوره الماعون

وَيَمْتَنِعُونَ الْمَاعُونَ [7] و از دادن زکات دریغ می ورزند. (7)

قرآن مبین - مبین موبایل

ماعون متشابه با آیاتی است که خدا نازل می کند زیرا داریم ما منعنا ان نرسل بالایات الا ان کذب بها الاولون و مانع ماعون همان کسی است که در سقر جاودانه شده (سوره مدثر)

آیات چهار تا هفت متشابه با آیات صدو چهل و یک و صدوچهل و دو سوره نساء است و در آنجا داریم نمنعکم من المومنین که مومنین متشابه با ماعون در این سوره آمده و داریم قامو الی الصلوه قاموا کسالی یراوون الناس و اینجا داریم ویل للمصلین الذین هم یراوون

ماعون متشابه با هدی و به تبع آن متشابه با محکمت است و به تبع آن متشابه با امام زیرا داریم منع الناس از جاءهم الهدی همچنین چون داریم من یتیکم بماء معین و منظور از آب معین امام است بنابراین منظور از ماعون امام است (رجوع شود به سی ملک) و نرسل بالایات رسل همان ابلاغ زسالت است که توسط امام انجام می شود.

سوره الكوثر

إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوثَرَ [1] ما کوثر را به تو عطا کردیم. (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

کثر برای اموال و اولاد می آید و آنها همان مال التجاره ی آخرتند و در آیه ی بعد داریم فصل که صلوات همان خارج کردن از ظلمات به نور است که ظلمات متشابه با دنیا و نور متشابه با حرم امن خدا در آخرت است و این دو آیه متشابه با آنند که بگوییم ما به تو مال و اولاد داده ایم پس آنها را برای خدا صرف کن که البته باز پر واضح است که ممکن است منظور محکن این دو آیه چنین نباشد

سوره النصر

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا [3] پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه، که او توبه پذیر است. (3)

قرآن مبین - مبین موبایل

استغفره همواره به این معنا نیست که گناهی درباره ی خدا کرده ای و باید طلب آمرزش کنی بلکه ظاهرا گاهی به معنای دفع شر دشمنان است و این به معنای آن است که دشمنان دیگر بر تو مسلط نمی شوند و سیئه ی آنها از تو پاک می شود و از آنها در امان خواهی بود و این فتح همان یا متشابه فتح در سوره ی فتح است که بعد از آن پیغمبر از مشرکان در امان شد و نمونه ی آنچه اینجاست در آنجا آمده انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و منظور از ذنب می تواند چیزی باشد که باعث قصد قتل پیغمبر توسط دشمنان باشد چنانچه داریم

سوره الشعراء

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ [14] و بر من به گناهی ادعایی دارند، می ترسم که مرا بکشند. (14)

پس منظور از طلب استغفار ممکن است عملی باشد که باعث شود دشمنان دست از قتل بردارند و ذنب متشابه یا همان

قصد قتل است

سوره المسد

مَا أُغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ [2] دارایی او و آنچه به دست آورده بود به حالش سود نکرد. (2)

قرآن مبین - مبین موبایل

آنچه کسب کرده متشابه با سیئه و خطیئه اش است زیرا کسب با سیئه و خطیئه می آید و سیئه همان گرفتن نعمت دنیا و صرف نکردن آن برای آخرت است که برای همین سوء و حائل نامیده می شود برای همین داریم ما اغنی عنه (فی الاخره) و برای همین داریم تبت یدانه زیرا با دست کشت می کنند اما چون چیزی برداشت نمی کند متشابه با بریده بودن دستانش است

سوره المسد

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ [4] و زنش هیزم کَش است. (4)

قرآن مبین - مبین موبایل

امراه و زن متشابه زن و پیرو و کسی است که سخن انسان را کشت می کند و سخن شوهر خود را فهم می کند و به صورت فرزند تحویل می دهد و این کار او مثل کار امام است حال داریم امراته حماله الحطب که یعنی آنچه ابولهب در حال کشت آن است هیزم است و در آخرت آتش برداشت می کند به همین سبب کنیه اش ابولهب یعنی پدر آتش است و حماله ی حطب یعنی حامله به هیزم. این زن و فرزند در برابر زن و فرزند حضرت علی اند که طوبی و حسند که در بیست و نه رعد آمده اند

کشت آتش ابولهب آن است که به جای آنکه در زمین تخم بکارد در آن سنگ می اندازد و زمین همان حضرت محمد است و به علت آنکه راه زمین را صد می کند نه تنها در قیامت رزقی برداشت نمی کند بلکه این سنگها باعث حرارت بر او در روز (نماد روز قیامت) خواهند بود. و اینکه داریم سبصلی نارا ذات لهب نشانه ی صد کردن از راه امام زمانش که حضرت محمد است هست.

متشابه با آن است که کارهای خوب ابولهب را همسرش در دنیا از آن استفاده می کند و به سیئه تبدیل می کند و برای همین در آخرت هیزم نامیده می شود.

سوره الفلق

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ [1] بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می برم، (1)

قرآن مبین - مبین موبایل

عوذ پناه بردن از مولایی به مولای دیگر است چنانچه داریم فاذا ینزغتنک من الشیطان نزع فاستعذ بالله و در اینجا از شر (متشابه با تاریکی) به رب فلق(فالق الاصبح. فالق روشنی صبح) پناه برده می شود و شر بالاخره با غلبه ی دین حق تمام می شود.

سوره الفلق

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ [5] از شر حسود چون رشک می ُورزد. (5)

قرآن مبین - مبین موبایل

حاسد کسی است که می خواهد دیگران را در گناه خود شریک کند تا با او مساوی باشند و از شر او گفته شده به رب فلق باید پناه برد زیرا فالق کسی است که بین مردم را می شکافد و متفرق می کند تا مثل هم نباشند و متفرق و در درجه های گوناگون باشند.

سوره الناس

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ [1] بگو: به پروردگار مردم پناه می برم، (1)

مَلِكِ النَّاسِ [2] فرمانروای مردم، (2)

إِلَهِ النَّاسِ [3] خدای مردم، (3)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ [4] از شر وسوسه وسوسه گر نهانی، (4)

الذی یوسوس فی صدور الناس [5] آن که در دلهای مردم وسوسه می کند، (5)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ [6] خواه از جنیان باشد یا از آدمیان. (6)

عوذ پناه بردن به مخالف یک مولا برای ختنی کردن شر مولایی دیگر است مثلا در سوره فلق داریم که از شر شب به پرورنده ی صبح پناه ببر، حال داریم پناه ببر به پرورنده ی مردم پس آنچه که از آن فرار می کنیم چیزی است که ضد مردم و از بین برنده ی آنهاست چنانچه بعدش هم داریم ملک الناس یعنی پرورنده ی مردم همان مالک دفع ضر آنهاست پس منظور از وسواس خناس چیزی است که باعث از بین رفتن مردم می شود و متشابه با پیروی کردن از شیطان است. همچنین خناس متشابه با موج است که انسان را مضطر می کند و غرق می کند و نابود می کند چنانچه داریم لا اقسَمُ بِالخنسِ الجوارِ الكنسِ و جوار متشابه با موج است و در اینجا خنس نامیده شده بنابراین خناس همان مضطر کننده ی انسان است بنابراین وسواس چیزی

است که انسان را تحت اضطرار و فشار می گذارد تا بنده ی شیطان شود و کاری کند که برایش نفعی ندارد و او را نابود می کند چنانچه لواط همین گونه است که موجب بسط جهان و انسان نمی شود

ظاهرا منظور آن است که هرگاه دچار اضطرار کاری شدی که به تو سودی نمی دهد به انجام کاری بپرداز که به تو سود می دهد مثلا به جای لواط یا زنا ازدواج کن. زیرا اضطرار اعمال خدا نیز همین گونه و البته شدیدتر است.

همچنین وسواس خناس یک وجه دیگر هم احتمالا ارد و آن اینکه خناس متشابه با موج است و قهر خدا که از شر آن باید به خدا که نعمت دهنده و پرورنده و رب الناس است پناه برد

Author email: iman.mosleh228@gmail.com

References:

1.Mosleh, Iman, Letter Theory, Creating and Describing Mathematical Axioms of a System for Letters which Creates Most Simplified Language with Provable Sentences (June 13, 2023). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4508328> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4508328>

2.Mosleh, Iman, God Words Good Understanding via Letter Theory (July 16, 2023). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4512034> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4512034>

3:Quran, Available via www.mobinmobile.com app

4:Mandelbrot, B. Benoit, The Fractal Geometry of Nature, W H Freeman and Co, 1983

5: Bible, King James Version, From Quick Bible App @ www.bibleforandroid.com

6: مجلسى محمد باقر بن محمد تقى، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بيروت دار احياء التراث العربى، ١٣٦٠

Available at <http://www.ghbook.ir/book>

7: احتجاج على اهل اللجاج، ابو منصور احمد بن علي بن ابي طالب طبرسي، مترجم بهراد جعفري، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨١

Available at <http://www.ghbook.ir/book>

8: اصول كافى،

9: البرهان فى تفسير القرآن، هاشم بحراني، www.mobinmobile.com

10: The Sepher Yetzirah, Translated by Wm. Wynn Westcott, Holmes Publishing Group, first publish 1887